گزیدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

جلد سوم

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

0164
FREE GIFT

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

Call No.......... Date..........................

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

بسم الله الرحمن الرحيم

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division – Srinagar

وزارت اُمور خارجه

شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

گزیـدهٔ

اسناد سیاسی ایران و عثمانی

دورهٔ قاجاریه

جلد سوم

(۱۳۱۳ ـ ۱۲۷۱ هـ. ق)

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران، ۱۳۷۰

اهدایی خانه فرهنگ
جمهوری اسلامی ایران
دهلی نو

KASHMIR UNIVERSITY
ALLAMA IQBAL LIBRARY
Acc. No 563093
Dated 6-2-09

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دورهٔ قاجاریه (جلد سوم)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۷۰

امور فنی چاپ: دفتر ویرایش

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تعداد: ۲۰۰۰ جلد

تمامی حقوق محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار ۱
مقدمه ۳

فصل اول
امور تشریفاتی

بخش اول: نامه‌های متبادل سران دو کشور ۱۵
۳۹۰. نامهٔ سلطان عبدالمجید عثمانی به ناصرالدین شاه ۱۵
۳۹۱. سوادنامهٔ ناصرالدین شاه به سلطان عبدالمجیدخان عثمانی ۱۸
۳۹۲. نامهٔ سلطان عبدالمجید به ناصرالدین شاه ۲۰
۳۹۳. نامهٔ سلطان عبدالمجید به ناصرالدین شاه ۲۳
۳۹۴. سوادنامهٔ ناصرالدین شاه به سلطان عثمانی ۲۶
۳۹۵. سوادنامهٔ ناصرالدین شاه به سلطان عبدالمجیدخان ۲۸
۳۹۶. نامهٔ سلطان عبدالمجیدخان به ناصرالدین شاه ۳۰
۳۹۷. نامهٔ سلطان عبدالمجیدخان عثمانی به ناصرالدین شاه ۳۳
۳۹۸. نامهٔ سلطان عبدالمجیدخان به ناصرالدین شاه ۳۶
۳۹۹. نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۳۹
۴۰۰. نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۴۲
۴۰۱. سوادنامهٔ ناصرالدین شاه به سلطان عبدالعزیزخان ۴۵
۴۰۲. سوادنامهٔ ناصرالدین شاه به سلطان عبدالعزیزخان ۴۷
۴۰۳. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۴۹

۴۰۴. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۵۲
۴۰۵. سوادنامهٔ ناصرالدین شاه به سلطان عبدالعزیزخان ۵۵
۴۰۶. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۵۷
۴۰۷. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۶۰
۴۰۸. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۶۳
۴۰۹. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه ۶۸
۴۱۰. ترجمهٔ نامهٔ سلطان مرادخان به ناصرالدین شاه ۷۱
۴۱۱. سواد تلگرام ناصرالدین شاه به سلطان مراد پنجم عثمانی ۷۳
۴۱۲. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان به ناصرالدین شاه ۷۸
۴۱۳. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان به ناصرالدین شاه ۸۰
۴۱۴. ترجمهٔ سواد اصل فرمان نشان امتیاز عثمانی از سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه ۸۳
۴۱۵. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه ۸۵
۴۱۶. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه ۸۸
۴۱۷. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان عثمانی به ناصرالدین شاه ۹۰
۴۱۸. سوادنامهٔ ناصرالدین شاه به سلطان عبدالحمید ثانی ۹۵
۴۱۹. سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان به ناصرالدین شاه ۹۷
۴۲۰. ترجمهٔ اصل نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه ۹۹
۴۲۱. ترجمهٔ اصل نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان به ناصرالدین‌شاه و نامهٔ سفیرکبیر عثمانی شمس‌الدین بیگ ۱۰۲
۴۲۲. سواد اصل دو نامه از سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه ۱۰۶

بخش دوم: نامه‌های تشریفاتی ۱۱۳
۴۲۳. سوادنامهٔ میرزاسعیدخان وزیر امور خارجه به فؤادپاشا ناظر امور خارجهٔ عثمانی ۱۱۳
۴۲۴. صورت تشریفات روز ورود رضابیک وزیرمختار عثمانی ۱۱۶
۴۲۵. تشریفات روز شرفیابی رضابیک وزیرمختار عثمانی به حضور ناصرالدین شاه ۱۱۹
۴۲۶. نامهٔ وزیرخارجه میرزاسعیدخان به مشیرالدوله سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۱۲۳
۴۲۷. گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه ۱۲۵
۴۲۸. فرمان نشان از وزارت خارجه به محمداسمعیل بیک شارژدافر عثمانی ۱۲۸
۴۲۹. تشریفات روز ورود فخری‌بیک سفیرکبیر عثمانی ۱۳۰
۴۳۰. تشریفات روز شرفیابی ایلچی کبیر عثمانی خدمت نایب‌السلطنه امیرکبیر ۱۳۴

۴۳۱. گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (اسامی وزرای عثمانی) ۱۳۷
۴۳۲. دستورالعمل عسکرخان سرتیپ مهماندار خیرالله افندی وزیرمختار عثمانی ۱۴۴
۴۳۳. نامهٔ میرزاسعیدخان وزیر خارجه به میرزامحسن خان مشیرالدوله سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۱۵۷
۴۳۴. نامهٔ میرزاسعیدخان وزیرخارجه به معین‌الملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۱۵۹
۴۳۵. نامهٔ وزیر خارجه میرزاسعیدخان به معین‌الملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۱۶۱
۴۳۶/۱. گزارش سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه (کتابچهٔ مخصوص محرمانه) ۱۶۳
۴۳۶/۲. تشریفات روز شرفیابی خالدبیک سفیرکبیر عثمانی به حضور ناصرالدین شاه ۱۷۴
۴۳۷. اهدای نشان به فریدون خان ملکم پسر میرزاملکم‌خان از طرف ناصرالدین شاه ۱۸۳
۴۳۸. فرمان اهدای نشان به میرزاخان بنان‌الملک از طرف خدیو مصر ۱۸۵
۴۳۹. قصیده‌ای در مدح و ثنای سلطان عبدالحمید توسط میرزاحسن خان خبیرالملک ۱۸۷
۴۴۰. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۱۹۰
۴۴۱. نامهٔ مشیرالملک (علاءالسطنه) به میرزامحمودخان علاءالملک ۱۹۲
۴۴۲. نامهٔ مشیرالملک (علاءالسلطنه) به میرزامحمودخان علاءالملک ۱۹۶
۴۴۳. نامهٔ مشیرالملک (علاءالسلطنه) به میرزامحمودخان علاءالملک ۱۹۸
۴۴۴. نامهٔ مشیرالملک (علاءالسلطنه) به میرزامحمودخان علاءالملک ۲۰۱

فصل دوم

امور اتباع و کنسولی

۴۴۵. گزارش از اسلامبول، ترجمهٔ اخبار روزنامه‌ها ۲۰۵
۴۴۶. ترجمهٔ سواد نوشتهٔ رسمی باب‌عالی به سفارت سنیهٔ ایران در اسلامبول ۲۱۷
۴۴۷. گزارش سفارت ایران در اسلامبول، قانون انتشارات و روزنامه ۲۱۹
۴۴۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۳۱
۴۴۹. نامهٔ کنسولگری ایران در بغداد به وزارت امور خارجه ۲۳۳
۴۵۰. ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت سنیهٔ ایران به باب‌عالی ۲۳۵
۴۵۱. مراسلهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۴۰
۴۵۲. گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۴۳
۴۵۳. گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۴۵
۴۵۴. صورت مقاوله‌نامه‌ایست فی‌مابین سفارت سنیه و نظارت خارجه عثمانی ۲۴۹

۴۵۵. نمونهٔ یک تذکرهٔ اقامت صادره از سفارت ایران در اسلامبول ۲۵۵
۴۵۶. نامهٔ وزیر خارجه به سفارت ایران در اسلامبول ۲۵۸
۴۵۷. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۲۶۱
۴۵۸. مراسلهٔ وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی ۲۶۶
۴۵۹. سواد مراسلهٔ سفارت کبرای عثمانیه به وزارت امور خارجه ۲۶۹
۴۶۰. تلگرام معین الملک به امین السطان ۲۷۱
۴۶۱. تلگرام معین الملک به امین السطان ۲۷۳
۴۶۲. تلگرام معین الملک به امین السلطان ۲۷۵
۴۶۳. ترجمهٔ تقریر باب عالی به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۲۷۷
۴۶۴. ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت کبرای ایران در اسلامبول به باب عالی ۲۸۰
۴۶۵. نامهٔ وزارت خارجه به معین الملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۲۸۲
۴۶۶. نامهٔ امین السلطان به معین الملک ۲۸۴
۴۶۷. نامهٔ معین الملک به معتمدالسلطان ۲۸۶
۴۶۸. دستورالعمل مأمورین دولت علیهٔ ایران مقیمین ممالک دولت علیه عثمانیه ۲۸۹
۴۶۹. سواد تلگراف ولیعهد مظفرالدین میرزا به صدارت عظمی ۲۹۲
۴۷۰. نامهٔ مظفرالدین میرزا ولیعهد به ناظم الدوله ۲۹۶
۴۷۱. سواد تلگراف مظفرالدین میرزا ولیعهد به سفارت عثمانی ۲۹۸
۴۷۲. نامهٔ مظفرالدین میرزا ولیعهد به صدراعظم امین السلطان ۳۰۲
۴۷۳. سواد نامهٔ ولیعهد به ناصرالدین شاه ۳۰۶
۴۷۴. نامهٔ مظفرالدین میرزا ولیعهد به سفارت عثمانی ۳۰۸
۴۷۵. نامهٔ کار پرداز ساوجبلاغ میرزا احمدخان به وزارت خارجه ۳۱۰
۴۷۶. نمونهٔ یک تذکرهٔ تقلبی عثمانی صادره به نام شکرالله پسر محمود ۳۱۴

فصل سوم

امور اقتصادی و ارتباطی (قراردادها)

بخش اول: مسئلهٔ رژی ۳۱۹
۴۷۷. گزارش سفارت ایران در اسلامبول، ترجمهٔ اعلان نامهٔ رسمی و سوقات مخصوصه ۳۱۹
۴۷۸. قرارداد توتون و تنباکو بین ایران و عثمانی ۳۲۳
۴۷۹. قرارداد حمل و نقل توتون و تنباکو بین ایران و عثمانی ۳۲۶

۴۸۰. صورت قرارنامهٔ تنباکو و نمک و توتون ایران و عثمانی ۳۲۹
۴۸۱. نامهٔ جرالد طالبرت به صدراعظم (امین السلطان) ۳۳۴
۴۸۲. امتیازنامهٔ دخانیات ۳۳۶
۴۸۳. صورت تلگرام آیت‌الله آقای میرزامحمدحسن شیرازی به ناصرالدین شاه ۳۴۳
۴۸۴. تلگراف امین السلطان صدراعظم به وزیرمختار ایران در لندن ۳۴۷
۴۸۵. دستخط ناصرالدین شاه به امین السلطان ۳۴۹
۴۸۶. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی ۳۵۱
۴۸۷. مسودهٔ مراسلهٔ جوابیهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۳۵۳
۴۸۸. قرارنامهٔ رژی ایران و عثمانی ۳۵۵
۴۸۹. نمونهٔ اوراق سهام شرکت کشت و زرع توتون و تنباکو ۳۶۱
۴۹۰. نامهٔ ظل السلطان به میرزا نصراله‌خان مدیرگمرک ۳۶۵
۴۹۱. نامهٔ ظل السلطان به ملک التجار اصفهان ۳۶۷
۴۹۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۳۶۹
۴۹۳. نامهٔ ناصرالدین شاه به صدراعظم ۳۷۳
۴۹۴. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به ناصرالدین شاه ۳۷۵
۴۹۵. ترجمهٔ مراسلهٔ شرکت انحصار تنباکو به سفارت کبری ۳۷۷
۴۹۶. نامهٔ ملک التجار اصفهان به کمپانی زیگلر و هاتس و پسر ۳۷۹
۴۹۷. نامهٔ کمپانی زیگلر و هاتس و پسر به ظل السلطان ۳۸۲
۴۹۸. قرارداد ایران و انجمن تنباکو اسلامبول (رژی) ۳۸۴
۴۹۹. نامهٔ ظل السلطان به ناصرالدین شاه ۳۹۰
۵۰۰. نامهٔ ظل السلطان به ناصرالدین شاه ۳۹۲
۵۰۱. نامهٔ صدراعظم به کتابچی خان ۳۹۵

بخش دوم: قراردادهای بازرگانی و ارتباطی ۳۹۷
۵۰۲. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (معاهدهٔ عثمانی و انگلیس) ۳۹۷
۵۰۳. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (معاهدهٔ تجارتی ایران و عثمانی) ۴۰۰
۵۰۴. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (مقررات گمرکی) ۴۰۳
۵۰۵. قرارداد تلگرافی ایران و عثمانی ۴۰۷
۵۰۶. قرارداد اتصال خطوط تلگرافی ۴۱۰
۵۰۷. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه (معاهدهٔ تجارتی ایران و عثمانی) ۴۱۲

۵۰۸. قرارداد نقطهٔ اتصال سیم تلگراف ۴۱۵
۵۰۹. نامهٔ سفارت ایران در پاریس به وزارت خارجه (عهدنامهٔ تجارتی ایران و عثمانی) ۴۱۷
۵۱۰. قرارداد استاتوکو در باب سرحد دولتین ۴۲۸
۵۱۱. نامهٔ وزیر خارجه میرزاسعیدخان به مشیرالدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی ۴۳۰
۵۱۲. نامهٔ وزیر خارجه میرزاسعیدخان به مشیرالدوله سفیرکبیر ایران در عثمانی ۴۳۲
۵۱۳. قرارداد حمل جنایز به عتبات عالیات ۴۳۶
۵۱۴. مقاوله‌نامهٔ اتباع ایران و عثمانی ۴۳۷
۵۱۵. سواد اصل دو فقره نامه به زبان ترکی در مورد مقاوله‌نامهٔ اتباع دولتین ۴۴۴
۵۱۶. سواد کاغذ جناب مخبرالدوله وزیر علوم به ناظم الدوله ۴۴۸
۵۱۷. نامهٔ وزیرخارجه میرزاسعیدخان به معین‌الملک سفیر ایران در اسلامبول ۴۵۰
۵۱۸. قرارنامهٔ تلگرافی ایران و عثمانی ۴۵۳
۵۱۹. فهرست عرض وزارت خارجه به ناصرالدین شاه ۴۵۸
۵۲۰. نامهٔ میرزاسعیدخان وزیر خارجه به معین‌الملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول ۴۶۰
۵۲۱. قرارنامهٔ پستی ایران و عثمانی ۴۶۲
۵۲۲. سواد مراسلهٔ رسمی سفارت کبرای عثمانی به وزارت جلیلهٔ خارجه ۴۷۲
۵۲۳. قرارنامهٔ پستی دولتین ایران و عثمانی ۴۷۴
۵۲۴. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۴۸۱
۵۲۵. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۴۸۳
۵۲۶. ترتیب قواعد و اجرای قرارداد پستی ایران و عثمانی ۴۸۵
۵۲۷. نامهٔ صدراعظم به سفارت ایران در اسلامبول ۵۰۹
۵۲۸. ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت کبری به وزارت خارجهٔ عثمانی ۵۱۱

فصل چهارم

مسئلهٔ زوّار، امور حجّ و زیارت

۵۲۹. سواد کاغذ حاجی میرزامحمدعلی مأمور به امور حاج به وزارت خارجه ۵۱۷
۵۳۰. نامهٔ کار پردازان ایران در بغداد به وزارت خارجه ۵۲۰
۵۳۱. نامهٔ سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه ۵۲۳
۵۳۲. سواد فقره‌ای که در روزنامه طبع خواهد شد ۵۲۵
۵۳۳. نامهٔ امیرالحاج به میرزابزرگ‌خان ۵۲۷

۵۳۴. عریضهٔ چاکر قدیم حاجی میرزاابوالقاسم به وزارت خارجه ۵۲۹
۵۳۵. سواد دستخط ناصرالدین شاه به سردارکل ۵۳۳
۵۳۶. گزارش ارفع‌الدوله سفیرکبیر ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۵۳۵
۵۳۷. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۵۳۸
۵۳۸. نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۵۴۹
۵۳۹. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۵۵۱
۵۴۰. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۵۵۳
۵۴۱. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۵۵۵
۵۴۲. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبرای ایران در اسلامبول ۵۵۹
۵۴۳. نامهٔ کار پردازی ایران در بغداد به وزارت امور خارجه ۵۶۱
۵۴۴. قرارداد حاجی امین با کارگزاران دولت علیه در باب حجاج ایرانی ۵۶۵

فصل پنجم

مسئلهٔ شیخ عبیدالله

۵۴۵. سواد یادداشت وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۵۷۱
۵۴۶. نامهٔ وزارت خارجه به ناصرالدین شاه ۵۷۳
۵۴۷. نامهٔ وزارت خارجه به ناصرالدین شاه ۵۷۶
۵۴۸. نامهٔ وزارت خارجه به ناصرالدین شاه ۵۷۸
۵۴۹. نامهٔ وزارت خارجه به ناصرالدین شاه ۵۸۰
۵۵۰. نامهٔ وزیر خارجه به ناصرالدین شاه ۵۸۳
۵۵۱. فهرست عرض وزارت امور خارجه ۵۸۵
۵۵۲. دستخط ناصرالدین شاه به وزیر خارجه ۵۸۷
۵۵۳. نامهٔ وزیر خارجه به ناصرالدین شاه ۵۸۹
۵۵۴. تلگراف وزارت خارجه به سفارت ایران در اسلامبول ۵۹۱
۵۵۵. نامهٔ وزیر خارجه به ناصرالدین شاه ۵۹۳
۵۵۶. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۵۹۵
۵۵۷. نامهٔ ناصرالدین شاه به وزارت امور خارجه ۵۹۷
۵۵۸. تلگراف کار پردازی ایران در وان به وزارت خارجه ۵۹۹
۵۵۹. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۶۰۲

۵۶۰. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی در طهران ۶۰۴
۵۶۱. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۶۰۶
۵۶۲. سواد کاغذ آقامیرصادق مأمور تحقیق به میرزایوسف‌خان کارگزار سابق آذربایجان ۶۰۸
۵۶۳. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۶۱۱
۵۶۴. نامهٔ وزارت امور خارجه به سفارت عثمانی در طهران ۶۱۳
۵۶۵. نامهٔ وزارت امور خارجه به سفارت عثمانی در طهران ۶۱۵
۵۶۶. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۶۱۷
۵۶۷. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۶۱۹
۵۶۸. جواب سفارت عثمانی از وزارت خارجه ۶۲۲
۵۶۹. جواب سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۶۲۵
۵۷۰. نامهٔ سفارت عثمانی به وزارت خارجه ۶۳۰
۵۷۱. نامهٔ سفارت ایران در پطرزبورغ به وزارت خارجه ۶۳۲
۵۷۲. نامهٔ وزارت خارجه به سفارت عثمانی ۶۳۶
۵۷۳. راپورت ملاقات وزیرخارجه با سفیر عثمانی به ناصرالدین شاه ۶۳۸
۵۷۴. صورت تلگرافهایی از سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۶۴۲
۵۷۵. تلگراف کار پردازی تبریز به وزارت خارجه ۶۵۵
۵۷۶. تلگراف کار پردازی تبریز به وزارت خارجه ۶۵۹
۵۷۷. نامهٔ کار پردازی تبریز به وزارت خارجه ۶۶۱
۵۷۸. نامهٔ کارگزاری ارومی به وزارت خارجه ۶۶۳
۵۷۹/۱. تلگراف ولیعهد به ناصرالدین شاه ۶۶۶
۵۷۹/۲. تلگراف سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه ۶۶۸
۵۷۹/۳. ترجمهٔ تفصیلی که در مورد شیخ عبیدالله چاپ و منتشر شد ۶۷۰
۵۸۰. نامهٔ کارگزاری ساوجبلاغ به وزارت خارجه ۶۷۴
۵۸۱. دستخط ناصرالدین شاه به وزیر خارجه ۷۰۳
۵۸۲. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۷۰۵
۵۸۳. نامهٔ کار پردازی بغداد به وزارت خارجه ۷۰۷
۵۸۴. نامهٔ کار پردازی بغداد به وزارت خارجه ۷۱۰
۵۸۵. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۷۱۲
۵۸۶. تلگراف وزیر خارجه به امیرنظام ۷۱۴
۵۸۷. تلگراف کارگزاری آذربایجان به وزارت خارجه ۷۱۶

۵۸۸. نامهٔ کار پردازی بغداد به وزارت خارجه ۷۱۸
۵۸۹. نامهٔ کار پردازی بغداد به وزارت خارجه ۷۲۰
۵۹۰. تلگراف سفارت ایران از وین به وزارت خارجه ۷۲۲
۵۹۱. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۷۲۳
۵۹۲. تلگراف از امیرنظام به وزارت خارجه ۷۲۵
۵۹۳. تلگراف کار پردازی وان به وزارت خارجه ۷۲۷
۵۹۴. تلگراف کار پردازی ارومیه به وزارت خارجه ۷۲۹
۵۹۵. تلگراف وزیر خارجه به امیرنظام ۷۳۲
۵۹۶. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۷۳۴
۵۹۷. نامهٔ سفارت ایران در مسکو به وزارت خارجه ۷۳۵
۵۹۸. تلگراف کار پردازی وان به وزارت خارجه ۷۳۹
۵۹۹. نامهٔ امیرنظام به وزارت خارجه ۷۴۱
۶۰۰. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۷۴۴
۶۰۱. تلگراف کار پردازی ارومیه به وزارت خارجه ۷۴۶
۶۰۲. تلگراف سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه ۷۴۹
۶۰۳. تلگراف کار پردازی وان به وزارت خارجه ۷۵۱
۶۰۴. تلگراف کار پردازی کردستان به وزارت خارجه ۷۵۲
۶۰۵. صورت دو نامه و یک تلگراف تقدیمی به شاه ۷۵۴
۶۰۶. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۷۵۶
۶۰۷. صورت تلگراف ایالت موصل ۷۵۸
۶۰۸. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۷۶۰
۶۰۹. نامهٔ سفارت عثمانی در طهران به وزارت خارجه ۷۶۲
۶۱۰. از دفترخانهٔ امور خارجهٔ آذربایجان به وزارت خارجه ۷۶۴
۶۱۱. نامهٔ امیرنظام به وزارت خارجه ۷۶۷

فصل ضمیمه

صورت اسامی صدراعظمهای سلطان عبدالمجیدخان ۷۷۳
صورت اسامی شیخ‌الاسلامهای سلطان عبدالمجید ۷۷۴
صورت اسامی صدراعظمهای سلطان عبدالعزیز ۷۷۶

صورت اسامی شیخ‌الاسلامهای سلطان عبدالعزیز ۷۷۷
صورت اسامی صدراعظمهای سلطان عبدالحمیدخان دوم ۷۸۰

پیشگفتار

مناسبات ایران با کشور عثمانی علاوه بر همسایگی مرزهای نسبتاً طولانی و حوادث عمدهٔ ناشی از آن، به علت واقع بودن هر دو کشور در یک منطقهٔ جغرافیایی حساس از دیرباز مورد توجه جهانیان بوده است و اهمیت ارتباطی و اقتصادی آنها هیچ گاه از نظر بیگانگان خصوصاً دول استعمارگر به دور نمانده و به مقتضای سیاست موجود موجد تحولاتی در روابط دو کشور شده‌اند که زمانی بر حسن تفاهم و مناسبات دوستانه مبتنی بوده و گاهی به کدورت و تلخکامی گراییده است.

روشن ساختن زوایای ناشناختهٔ این مناسبات کار تاریخ است و تجزیه و تحلیل تاریخ کار محقق بی‌غرض و بی‌نظر. خوشبختانه با تحول پدیدآمده در زمینهٔ تحقیقات تاریخی، و استفادهٔ علمی از اسناد، بهترین طریقهٔ تبیین مسائل تاریخی را دربر می‌گیرد، زیرا تحولات اجتماعی و تاریخی تماماً مولود بخت واتّفاق و یا برحسب تمایلات فردی نبوده و قسمت اعظمی از آنها نتیجه و محصول زندگی اجتماعی و تاریخ مربوطهٔ آن است، که خود تابع قواعد و قوانین مخصوصی است، و شناسایی علل و عوامل موجودهٔ آنها در نتیجهٔ مطالعه و استقراء و مقایسهٔ اسناد تاریخی حاصل می‌شود که نهایتاً تحلیل امور با توجه به مستندات تاریخی کار پژوهشگران تاریخ است.

جلد سوم کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی (دورهٔ قاجاریه)** که به کوشش همکاران واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللیِ وزارت امور خارجه تهیه و تدوین شده، اقدامی مفید و مؤثر در بررسی تاریخ روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دو کشور خواهد بود.

در اینجا لازم می‌دانم از فعالیت صمیمانه و صادقانهٔ شورای عالی نظارت بر

تدوین و نشر اسناد، جناب آقای عباس ملکی، معاون آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه، جناب آقای رضاحسین میرزاطاهری، سر پرست گروه انتشار اسناد، جناب آقای محمدحسن کاووسی عراقی، تهیه و تدوین کنندهٔ مجموعهٔ حاضر و سایر دست‌اندرکاران تقدیر و تمجید نموده، سرافرازی و موفقیت آنان را از درگاه باری‌تعالی مسئلت نمایم.

علی‌اکبر ولایتی

وزیر امور خارجه

و

رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

مقدمه

دوران حکومت طولانی و تقریباً ۵۰ سالهٔ ناصرالدین شاه متضمن تحولات و وقایع گوناگونی است که جلد سوم کتاب **گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی** خوانندگان گرامی را با بسیاری از حقایق و مناسبات اجتماعی و اقتصادی این دوره آشنا می سازد.

بعد از فوت محمدشاه، ولیعهد با همکاری میرزاتقی خان امیرنظام از تبریز به تهران آمد و بلامنازع به تخت سلطنت جلوس نمود. هرچند که در ولایات اغتشاشات و ناامنی هایی روی داد و تهران کانون توطئه و دسیسه هایی علیه حاج میرزا آقاسی شد، امّا با انتخاب میرزاتقی خان امیرنظام به صدارت (۲۱ ذی القعده ۱۲٦٤) قسمت اعظم مشکلات مملکت برطرف شد. تدبیر و کاردانی این مرد بزرگ در تأمین امنیت و اصلاح وضع ادارات و مفاسد و خرابی های کشور و بهبود وضع مالیه و اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی، راه را برای سلطنت ناصرالدین شاه هموار ساخت و لزوماً انتخاب وی به عنوان وزیر اعظم در ابتدای کار بسیار مهم و بجا بوده است چرا که در مورد سیاست خارجی نیز از نفوذ بیگانگان خصوصاً نفوذ سیاست روس و انگلیس در امور داخلی ایران جلوگیری کرد. این اصلاحات قهراً عدهٔ زیادی را به دشمنی او برانگیخت که سرانجام وسوسهٔ مغرضان با توجه به کمال علاقه مندی شاه نسبت به وی، موجب برکناری و قتل این مرد بزرگ را فراهم آورد.

در اواخر سلطنت محمدشاه حسن خان سالار، فرزند آصف الدوله، یکی از خوانین قاجار سر به شورش برداشت. مرگ محمدشاه به این مدعی تاج و تخت فرصت جدیدی داد که مجدداً طغیان نماید امّا در سایهٔ اقدامات امیرکبیر و سلطان مرادمیرزا برادر حشمت الدوله، قیام سالار سرکوب و سلطان مراد میرزا به حسام السلطنه ملقب گردید.

از وقایع مهم دیگر دورهٔ ناصرالدین شاه، نهضت طایفهٔ بابیه است که در سالهای آخر عمر محمدشاه شروع شد و به دورهٔ ناصرالدین شاه ادامه یافت. آنها از طرفداران شیخ احمد احسائی بودند که در زمان فتحعلی شاه زندگی می‌کرد. وی از اهالی الاحسای شبه‌جزیرهٔ عربستان بود. او طریقه‌ای را به وجود آورد که با مذاهب امامیهٔ اثنی عشریه اندکی فرق داشت، به طوری که او از اصول پنجگانهٔ دین (توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت) تنها سه رکن توحید و نبوت و امامت را قبول داشت و معاد جسمانی را منکر و عدل را هم جزئی از صفات ثبوتیهٔ خداوند می‌دانست و از جمله به رکنی دیگر معتقد بود که آن اعتقاد به یک نفر وکیل و یا نایب میان شیعیان و امام غایب است و آن را رکن رابع می‌خواند. پیروان شیخ احمد احسائی به «شیخیه» معروف اند.

پس از درگذشت وی، شاگردانش حاج سید کاظم رشتی و سپس سیدعلی‌محمد شیرازی بودند که سیدعلی‌محمد خود را به جای رکن، باب خواند و از این‌رو پیروانش را «بابیه» می‌گویند، و او کتابی به نام **بیان** نوشت. وی در زمان محمدشاه دستگیر و در قلعهٔ چهریق سلماس زندانی گردید. بابیه در ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه مجدداً سر به طغیان برداشتند که شورش آنها توسط امیرکبیر سرکوب و سیدعلی‌محمد باب هم به حکم علمای تبریز به دار آویخته شد.

پس از سیدعلی‌محمد باب بین پیروانش در مسئلهٔ جانشینی اختلاف افتاد، عده‌ای پیرو میرزایحیی نوری معروف به صبح ازل و عده‌ای دیگر پیرو برادر بزرگتر وی میرزا حسینعلی نوری ملقب به بهاءالله شدند. او آیین جدیدی آورد که به نام وی بهائیت خوانده می‌شود.

این دو برادر از خاک ایران به عثمانی تبعید شدند و چون در آنجا باهم اختلاف پیدا کردند، میرزایحیی به جزیرهٔ قبرس و میرزاحسینعلی به عکّا فرستاده شدند، این دو ناحیه از متصرفات عثمانی بود.

از دیگر وقایع خارجی مهم دورهٔ ناصرالدین شاه شروع جنگهای کریمه است، که سه دولت عثمانی و انگلیس و فرانسه با دولت روسیه در حال جنگ بودند. سفیر روسیه، پرنس دالگورکی، پیشنهاد محرمانه‌ای به ناصرالدین شاه نمود که در این جنگها ایران با روسیه متّحد شده و علیه عثمانی وارد جنگ شود، در مقابل دولت روسیه تعهد می‌کند متصرفاتی را که ایران از خاک عثمانی به دست آورد به رسمیت شناسد و از باقیماندهٔ غرامات عهدنامهٔ ترکمن‌چای چشم‌پوشی کنند. اقدامات میرزا آقاخان نوری و دولتین فرانسه و انگلیس مانع انجام این کار شد و ایران حالت

بی طرفی خود را در این جنگها حفظ کرد. از جانب دیگر مشغولیت انگلیس در این جنگ موجب شد که ایران بتواند هرات را محاصره کند و سرانجام معاهدهٔ پاریس، افغانستان را رسماً از ایران جدا ساخت.

پس از عزل امیرکبیر، میرزا آقاخان نوری که متمایل به سیاست انگلیس بود به مقام صدراعظمی انتخاب شد، ناصرالدین شاه پس از برکناری میرزا آقاخان نوری تا ۱۲۸۱ هـ. ق کسی را به صدارت انتخاب نکرد و اهم کارهای مملکتی را شخصاً اداره می‌کرد، تا آنکه میرزا محمدخان قاجار وزیر جنگ را به صدارت گمارد و وی تا ۱۲۸۴ هـ. ق در این سمت باقی ماند. در این سال میرزا یوسف‌خان مستوفی الممالک صدارت یافت که تا ۱۲۸۸ هـ. ق به طول انجامید و پس از آن میرزا حسین‌خان مشیرالدوله با لقب سپهسالار به صدراعظمی منصوب شد. وی پس از امیرکبیر از مردان لایق و شایستهٔ دورهٔ ناصری است. میرزا حسین‌خان سپهسالار در ۱۲۹۰ هـ. ق به علت مخالفتهایی که با او شد مستعفی گردید و صدارت برای دومین بار به میرزا یوسف مستوفی الممالک انتقال یافت.

شورش شیخ عبیدالله از سران کُرد، در زمان صدارت مستوفی الممالک به وقوع پیوست و شاه حشمت‌الدوله حمزه‌میرزا حاکم آذربایجان را مأمور دفع فتنهٔ شیخ نمود؛ چون حشمت‌الدوله در طی این حادثه به مرگ طبیعی درگذشت، میرزا حسین‌خان سپهسالار و حسینعلی‌خان امیرنظام گروسی مأمور دفع و سرکوبی قیام شیخ عبیدالله شدند. شیخ چون از دو جانب ارومیه و مراغه و ناحیهٔ گروس به محاصره درآمده بود، مرعوب شده، به خاک عثمانی متواری و پناهنده شد و دولت عثمانی متعهد شد از بازگشت وی به ایران ممانعت کند.

بعد از مستوفی الممالک، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان فرزند آقامحمد ابراهیم آبدارباشی به صدارت انتخاب و به وزیراعظم ملقب شد. وی که مردی زیرک و کاردان بود تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه در این مقام باقی ماند. او به تقلید از میرزا حسین‌خان سپهسالار ناصرالدین شاه را به مسافرت فرنگ ترغیب نمود و به تشویق وی و وساطت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله که از ارامنهٔ جلفای اصفهان و مردی تاجرپیشه بود، امتیازاتی به اتباع انگلیسی واگذار شد. توضیح آنکه در نیمهٔ دوم سلطنت ناصرالدین شاه عده‌ای از اتباع خارجی تقاضای امتیاز بهره‌برداری از معادن و سایر منابع کشور ایران را نمودند که نخستین و مهمترین آنها عبارت از: امتیازی بود که در ۱۲۸۹ به بارون جولیوس دو رویتر[1] یکی از اتباع انگلیس داده شد.

1. Baron Julius Reuyter

دولت روسیه که از واگذاری چنین امتیاز بزرگی به یکی از اتباع انگلیس ناراضی بود، با استفاده از جوّ مخالفت عمومی ملت ایران و اینکه امتیازنامهٔ بارون رویتر یک امتیاز باورنشدنی عجیب و وهم‌آسا بوده و بغیر از دست‌اندازی و تسلط محض و مطلق انگلستان با وساطت رویتر و شرکت او بر سراسر ایران چیز دیگری دربر ندارد، به مخالفت با آن برخاست. به همین جهت ناصرالدین شاه در مسافرت به فرنگ به اشتباه خود واقف شد و در نتیجه امتیاز مذکور را لغو کرد.

در ۱۳۰۶ هـ. ق دولت ایران امتیاز محدودتری بابت غرامت لغو امتیاز قبلی به بارون جرج دو رویتر[2] پسر جولیوس اعطا کرد که سرانجام به تأسیس بانک شاهنشاهی و بانک صنایع و معادن ایران منتهی شد. پس از لغو امتیاز رویتر و به دست آمدن امتیاز جدید بانک شاهنشاهی غرامت خود را دریافت کرد و علاوه بر آن حق انحصاری و قطعی بهره‌برداری از منابع معدنی مختلف در سراسر کشور را هم به دست آورد.

دولت روسیه هم در این رقابت عقب نمانده و موفق به دریافت امتیاز شیلات شمال و بانک استقراضی روس شد.

امتیاز کشتیرانی و انحصار بازرگانی در قسمت سفلای رود کارون از جمله امتیازات دیگری بود که در این دوره به برادران لینچ انگلیسی داده شد.

فرانسویان نیز امتیاز کاوش و حفریات باستان‌شناسی در شوش را به وسیلهٔ یکی از اتباع خود به نام مارسل اوگوست دیولافوا[3] در ۱۳۰۱ هـ. ق کسب کردند.

امتیاز تنباکو از جمله امتیازات دیگر دورهٔ ناصرالدین شاه است که نتایج نامطلوب و مستقیم به بار آورد، امتیاز انحصار توتون و تنباکو به نام امتیاز رژی معروف شد. این امتیاز هنگام صدارت میرزاعلی خان امین السلطان و کمی بعد از مسافرت سوم ناصرالدین شاه به اروپا به مدت ۵۵ سال به یکی از اتباع انگلیسی به نام ماژور تالبوت و شرکای او سالانه به مبلغ ۱۵۰۰۰ لیره انگلیسی به اضافهٔ یک چهارم از سود خالص شرکت واگذار شد.

کمپانی رژی به این وسیله انحصار تجارت تنباکوی ایران و چگونگی کشت و کار آن را در این کشور به دست آورد. مردم پس از اطلاع از شرایط این قرارداد و مقایسهٔ آن با امتیاز قراردادی که دولت عثمانی در مورد انحصار دخانیات خود با شرکتهای خارجی منعقد کرده بود، شروع به مخالفت کردند. از طرف آیت‌الله حاج

2. Baron George de Reuyter

3. Marcel Auguste Dieulagoy

میرزاحسن شیرازی مرجع تقلید و حاج میرزا حسن آشتیانی یکی از علمای تهران، حکم تحریم دخانیات داده شد. در نتیجهٔ این حکم، بازارهای تهران و تبریز بسته شد و مملکت به حال تعطیل عمومی درآمد که شاه و امین السلطان از ترس شورش عمومی و اعلان جهاد علما، امتیازنامه را در ۱۶ جمادی الاول ۱۳۰۹ لغو کردند.

چون این امتیاز نظیر امتیازات دیگر پسند خاطر روسها نبود، لذا دسیسه و فتنه انگیزی علیه آن را آغاز کردند، ولی عدم رضایت مردم امری خطیرتر از آن بود. اگر امتیاز رویتر به صورت غیرمستقیم به ایرانیان لطمه می زد، ولی امتیاز دخانیات به صورت دیگری بود. به طوری که دکتر فوریه[۴] در کتاب خود می نویسد: «ایرانیان مردمی نیستند که بدون مقاومت و مخالفت به خرید دخانیاتی که خود کشت می‌کنند از انگلیسی ها راضی شوند».

پروفسور براون[۵] در کتاب **انقلاب ایران** در این مورد می نگارد: «نه می توان به قدر کافی این شاهکار عاقلانه را که بدون عملی طغیان‌آمیز، انحصار را از اعتبار قانونی انداخت تمجید کرد و نه علاقهٔ مردم را به مقتدای روحانی و فداکاری آنان را چنان که سزاوار است تحسین نمود.»

سرانجام امتیاز پس از یک عمر کوتاه لغو شد. بعد از شکست فاحش امتیاز رویتر نوبت ورشکستگی شرکت رژی بود، زیرا هر کس همه چیز بخواهد هیچ چیز نخواهد داشت و انگلیسی ها هم همین‌طور شدند. مخالفت مردم باا متیاز شرکت رژی و بلوای عامی که در این مورد بر پا شد سرآغاز بیداری ملی ایرانیان در آن زمان است.

روسها در این معامله بیش از آنچه امید داشتند پیروز شدند و در نتیجه، روابط ایران و انگلیس رو به سردی و کدورت گذاشت و تمایل به سیاست روسیه بیشتر شد.

دولت ایران جهت پرداخت غرامت به کمپانی رژی مجبور شد که این مبلغ را از بانک شاهنشاهی قرض کند و این اولین قرضی بود که ایران از بیگانگان دریافت می‌کرد. لغو امتیاز کمپانی رژی و تأدیهٔ پرداخت غرامت، در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه، موجب رکود اقتصادی مملکت و مقدمهٔ نارضایتی مردم را فراهم آورد.

از جمله اصلاحات دیگر دورهٔ ناصری، ایجاد خطوط تلگرافی و ادارهٔ پست به طریق جدید بود. قبلاً نامه‌های دولتی و رجال به وسیلهٔ چاپار حمل و نقل می شد. اولین خط تلگرافی در ۱۲۷۴ بین قصر سلطنتی شاه و باغ لاله‌زار دایر شد، و علی قلی

۴. پزشک فرانسوی دربار ناصرالدین شاه نویسندهٔ کتاب **سه سال در دربار ایران**، ص ۲۷۱.

۵. ادوارد گانویل براون خاورشناس انگلیسی (۱۹۳۶ ــ ۱۸۶۲ م) مؤلف **تاریخ ادبیات ایران**.

میرزای اعتضادالسلطنه در دو سال بعد خط تلگرافی دیگری بین تهران و سلطانیه دایر نمود که سال بعد تا تبریز ادامه یافت.

انگلیسی ها در ۱۲۷۷ جهت ارتباط لندن به بمبئی سیم تلگراف ایران به اروپا را متصل کردند، و در سال ۱۲۸۰ امتیاز دایر کردن خطوط تلگرافی بین خانقین و تهران و بوشهر را به دست آوردند. دیری نپایید که اغلب ولایات ایران دارای خطوط تلگرافی شد و علی قلی خان مخبرالدوله در ۱۲۹۶ اولین وزیر تلگراف ایران شد.

ادارهٔ پست به طریق جدید از ۱۲۹۲ هـ. ق در ایران دایر شد. در این سال مستشاران اطریشی جهت ادارهٔ پست استخدام شدند، و دو سال بعد ایران به عضویت اتحادیهٔ پستی بین المللی درآمد. بعد از مستشاران اطریشی، اشتال روسی مدیریت پست ایران را عهده‌دار شد و پس از آن ایرانیان ادارهٔ امور پست را در دست گرفتند و میرزا علی خان امین الدوله به مدیریت آن برگزیده شد.

اسناد و مدارک مربوط به این دوران حاکی است که توسعهٔ خطوط تلگرافی در ایران علاوه بر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجبات امنیت کشور را هم فراهم آورد. توضیح آنکه قبل از دایرشدن خطوط تلگرافی، دولت ایالات و ولایات دوردست کنترل مؤثری نداشت و تاریخ ایران شامل شورشهایی است که به دست مدعیان یا رؤسای یاغی و گردنکش واقع می شد، امّا از زمانی که این خطوط به وجود آمد، اخبار محلی و روزانه به مرکز می رسید و بدین‌وسیله اوضاع بکلی تغییر کرد. و از طرفی عوام تصور می‌کردند که سیمهای تلگراف در تهران در پای تخت شاه در قصر سلطنتی خاتمه می یابد و بدین‌سبب ادارات تلگراف، محل تحصن شده و آن را دفاع در مقابل ظلم و تعدی می پنداشتند. ادارات تلگراف حتی نظیر سفارتخانه و قونسولگری های خارجی برای انواع مختلف افراد ناراضی به محلهای تحصن و پناهندگی بدل شد، زیرا پناهندگان از آنجا می توانستند با پایتخت ارتباط مستقیم و بلاواسطه برقرار کنند.

گذشته از این، خطوط تلگرافی ایران را از حالت انزوا خارج و وارد جرگهٔ ملل دیگر نمود و از این راه به مقام و حیثیت آن افزوده شد و افکار و تحولات مترقی و اصلاح طلبانه بتدریج از خارج به ایران وارد و زمینه های انقلاب مشروطیت ایران را فراهم آورد. درنتیجه فکر اصلاحات و انتقاد از حکومت استبدادی در اواخر دورهٔ ناصری بالا گرفت و عده‌ای از داخل و خارج کشور در راه بیداری افکار مردم می‌کوشیدند، که از جمله سیدجمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی و میرزا ملکم خان ناظم الدوله و ... را می توان نام برد.

ناظم‌الدوله به علت برکناری از کارهای دولتی و عداوتی که با امین‌السلطان داشت در لندن به تأسیس روزنامهٔ قانون پرداخت و با انتقاد از حکومت استبدادی ایران و ذکر مظالم، در تحول ذهنی و فکری مردم مؤثر افتاد. قابل توضیح است در آن روزگار روزنامه‌های داخلی بجز درج اخبار مملکتی و مقالات ادبی اجازهٔ نوشتن مطلب دیگری را نداشتند. ولی روزنامه‌های مختلفی که در خارج چاپ می‌شد و غیرمستقیم وارد ایران می‌گردید، مردم را در استیفای حقوق خود و ضدیت با دولت برمی‌انگیخت، روزنامهٔ اختر در اسلامبول و روزنامهٔ حبل‌المتین در کلکته و قانون در لندن از این جمله بوده‌اند. نقش مؤثر روحانیون را نیز در بیداری افکار عامه از جمله موارد مهم بلکه سرنوشت‌ساز باید تلقی نمود.

ناصرالدین شاه که تحت تأثیر اطرافیان و خصوصاً صدراعظم خود امین‌السلطان به افکار عمومی اعتنایی نداشت، در حالی که به فکر ترتیب جشن پنجاهمین سال سلطنت خویش بود، سرانجام در روز هفدهم ذی‌القعدهٔ ۱۳۱۳ هـ. ق هنگام زیارت حضرت عبدالعظیم به ضرب طپانچهٔ میرزارضای کرمانی از مریدان سیدجمال‌الدین اسدآبادی از پای درآمد.

ناصرالدین شاه از نظر اتباعش تواناترین رجل کشور و دارای هیبتی مردانه و قیافه‌ای گیرا بود و کلیهٔ امور مهمه را خود شخصاً اداره می‌کرد. وی هرچند در اواخر سلطنت با اصلاحات سیاسی و افکار آزادیخواهی مخالفت کرد، اما با توسعه و ترقیات کشور در سایر شئون موافق بود.

*

کتاب گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی که به لطف باری‌تعالی جلد سوم آن تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود، مشتمل بر اسناد گرانبها و سودمندی است که عموماً بین سالهای ۱۳۱۳ــ۱۲۷۱ هـ. ق تهیه و تدوین شده، و حاوی ۲۲۲ سند تاریخی است که زیر نظر واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه منتشر شده است.

کتاب در پنج فصل به شرح زیر است:

فصل اول، اسناد تشریفاتی را شامل می‌شود که به دو بخش «نامه‌های متبادل سران» و «نامه‌های تشریفاتی» منقسم شده است. در بخش نامه‌های متبادل سران نمونه‌هایی از نامه‌های ناصرالدین شاه به سلاطین عثمانی و متقابلاً نامهٔ سلاطین عثمانی به ناصرالدین شاه آمده که عموماً حاکی از روابط دوستی و علایق دو کشور است. نامه‌های تشریفاتی نمایانگر کیفیت و ترتیبات پذیرش سفرا و اهدای نشان به

مناسبتهای مختلف است که جمعاً ۵۵ سند تاریخی را دربر گرفته است.

فصل دوم، اسناد مربوط به امور اتباع دولتین ایران و عثمانی را شامل می شود. در این اسناد مسائل مختلف مدنی، حقوقی و اقتصادی اتباع دولتین نظیر تذکره، تابعیت و تغییر تابعیت، تجارت، مالکیت، ازدواج، مسئلهٔ اولاد متولد از زنان عثمانی و قرعهٔ عسگریه درج شده که روی هم ۳۲ سند تاریخی دارد.

فصل سوم، شامل اسناد امور اقتصادی و ارتباطی است که به دو بخش «اسناد رژی» و «اسناد قراردادهای بازرگانی و ارتباطی» تقسیم شده و اسنادی از قراردادهای رژی و توتون و تنباکو بین ایران و عثمانی و معاهدات تجارتی، تلگرافی و پستی بین دولتین را با ۵۲ سند تاریخی نشان می دهد.

فصل چهارم، اسنادی از امور زوار ایرانی را در خاک عثمانی شامل می شود که به مناسبت قرارداشتن مکهٔ معظمه و وجود عتبات عالیات در متصرفات عثمانی و بر مبنای علاقه‌مندی ایرانیان و مسلمانان به زیارت این مشاهد مقدس، ناگزیر قوانین و مقرراتی حاکم بر این روابط بین دولتین وجود داشته است و ۱۶ نمونه از اسناد مذکور در این فصل از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

فصل پنجم، مربوط به ۶۷ سند تاریخی از قیام و فتنهٔ شیخ عبیدالله، یکی از سرکردگان کُرد و پسران وی است که فساد و آشوب او در سرحدات دولتین، قسمتی از اسناد و مکاتبات این دوره را به خود اختصاص داده است.

و سرانجام قسمت ضمیمه، شامل تصاویری از وزرای معروف ناصرالدین شاه و سلاطین و صدراعظمهای عثمانی معاصر وی است.

*

کتاب حاضر با کوشش و فعالیت صمیمانهٔ افراد زیر تهیه و تدوین شده است:

۱. آقای رضاحسین میرزاطاهری، عضو شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد و سرپرست واحد نشر اسناد.

۲. آقای محمدحسن کاووسی عراقی که مراحل تحقیق و تنظیم و تدوین و بازخوانی و تقریر کتاب را به عهده داشته‌اند.

۳. آقای امیرحسین اکبر که در کارهای کپی برداری و بازخوانی اسناد نهایت همکاری و صمیمیت را مبذول داشته‌اند.

٤. خانم فریبا شعبانی نصر که هماهنگی و کنترل این مجموعه را با نهایت دقت انجام داده‌اند.

۵. خانم خدیجهٔ افخمی روحانی که مجدّانه در کارهای تایپی این کتاب

کوشیده‌اند.

۶. آقای علیرضا سالار که کارمقابله و کنترل نهایی را ترتیب داده‌اند.

والسلام علی من التبع الهدا

واحد نشر اسناد

اسفندماه ۱۳۶۸

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

فصل ۱

امور تشریفات

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

بخش اول

نامه‌های متبادل سران دو کشور

شمارهٔ سند: ۳۹۰

موضوع: ترفیع رتبهٔ میرزا احمد خان

تاریخ: ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۷۳هـ. ق

کارتن: ۲۳

پرونده: ٤

نامهٔ سلطان عبدالمجید به ناصرالدین شاه، مبنی بر وصول نامهٔ ناصرالدین شاه راجع به ترفیع رتبهٔ حاجی میرزا احمدخان کنسول ایران در اسلامبول به مقام وزیر مختاری ایران. و سواد اصل پاکت با توضیح پشت آن.

مشخصات: کاغذ ترمه به قطع ٤۹×۵٦ سانتیمتر، به زبان ترکی با مرکب طلایی ممهور به مهر سلطان.

بنجه نقالی

۱۰۸

حالا سریر آرای دولت علیهٔ ایرانیه دولتلو فخامتلو سعادتلو

ناصرالدین شاه حضرتلرینک صحب سعادتلرینه

۱۲

آرشیو وزارت خارجیه
نمره ۳۲۳ دوسیه ۹
تقسیم ۱۲۵۱

رفعتلو فخامتلو سعادتلو شاه جهانپناه حضرتلری

نزد سلطنت سنیه‌مزده سفارت کبرالری عنوانیله اقامت ایتمکده اولان حاجی میرزا احمد خان افندینک

مأموریتنه ترفیع اولنمش اولدیغنی افاده سیله برابر ناگزیر روابط دوستی و معالات مشاهده نسبت صحیحه

خالصانه‌مز قلمه برفقه نامهٔ مودتعلامهٔ شاهانه‌لری واصل دست مجاملت اولمشدر جناب

مستطاب شاهانه‌لرینه درکار اولان مودت صحیحه و معالات حقیقیه‌مزی اقناع ایچون بو صورتده دخی

تأیید و تنامیهٔ روابط دوستی و معالات واقع اولان همت بهجت شاهانه‌لری و نامهٔ مرغوبه‌لرینک

حاوی اولدیغی کلمات خلوصکارانه‌لری دخی فواید باعث محظوظیت کامله‌مز اولدیغی تعداد بیورلمشدر

سبب مرغوبیسی ایکی دولتک منافع جسیمهٔ تیوناتنه استقرار اولان مصافات حقیقیه‌نک

محافظه‌سی امرنده شمولیه موفقیت اولان ساعی مشکوره‌لری و لاینقطع بعد از این دخی نتیجه ارکانه دوستی

و معالات دولتینه حرمت ایدرك اتفاقات شاهانه‌لرینه بر کافیه اکتساب استحکام ایده‌جکی و بو یولده

طرف ایمانجکارانه‌مزدن دولت علیه‌مزده دخی اظهار شهامت اعلا خجلی با اشتباه ایدیلمک بانیه فخریه

تأکید هنوز ایله مخالفت سابقه‌ده نامهٔ مخصوص تحریر و صدور شهامت اولیه فخامتلرینه بعث اولنمشدر

بو مقالاتمز قرینه علم عنایت و سبب اولورده بعد از این دخی صحت خالصانه‌مز اخبار مودت شاهانه‌لرینه

مخلص شهنشاهی ٢٦ ج ٧٣

شمارهٔ سند: ۳۹۱

موضوع: تغییر وزیر مقیمی ایران در عثمانی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۲۷۵ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پرونده: ٤٤

هوالله تعالی

صورت نامهٔ همایون که جناب جلالت نصاب میرزا حسین خان، وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه ایران، خود حامل بوده به اعلی حضرت سلطان عبدالمجید خان عثمانی تقدیم نمودند.

مدار مجد و دولت و مرکز سعد و فخامت حضرت سلطان عظیم الشأن

مقرب الخاقان حاجی میرزا احمدخان که به عنوان وزیر مقیمی در نزد سعادت وفد حکمرن آن اعلی حضرت معین شده بود، تبدیل او لازم آمد و چون حفظ و وقایع مناسبات دوستی و حسن همجواری که مابین دولت علیهٔ ما و آن دولت سنیه موجود است. مطلوب ملوکانه ما می باشد. لهذا عمدة الخوانین العظام مقرب الخاقان میرزا حسین خان که در شمارهٔ اجلّهٔ چاکران و معتمدین حضرت ما محسوب است به عنوان جلیل وزیر مختار و ایلچی مخصوص برای خدمت سفارت معین شد.

تمنای شاهانه ما چنان است که بیانات مقرب الخاقان مشارالیه را که از طرف دولت علیهٔ ما به وقوع می رسد خاصهٔ تأمینات متعلقه به مادهٔ ازدیاد مناسبات و موالات دایره بین الدولتین را که مأمول خالصانه می باشد، حوالهٔ سمع اعتبار فرموده بعد از این هم به اظهار آثار محبت و مودّت بذل همت نمایید که این معنی آرزوی صمیمی ماست. حرّر فی شهر جمادی الثانیه ۱۲۷۵

[حاشیه:] سواد دستخط همایون، الواثق بالله الملک الغفار، السلطان ناصرالدین شاه قاجار

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عبدالمجید خان

مدار مجد و دولت و مرکز سعد و فخامت حضرت سلطان عظیم الشان

بر ترتیب اتفاق حاجی میرزا احمد خان عالیشان وزیر مقیم دولت که سفارت و فخامت آن اعلیحضرت معین شده بود به [illegible] [illegible]

[illegible] و وقایع مناسبات دوستی و حسن اتحادی که مابین دولت علیه ما و آن دولت بهیه برقرار است مطلوب بود از [illegible] [illegible]

انجام مسرت [illegible] میرزا حسین خان در در شمار [illegible] و معتمدین حضرت ما مذکور است بعنوان جلیل وزیر مختار [illegible]

[illegible] معین [illegible] از آنجائیکه در بیانات مسرت [illegible] [illegible]

[illegible] تا [illegible] متعلقه [illegible] مناسبات و موالات [illegible] [illegible]

[illegible] با اظهار آثار محبت و مودت بذل همت نمایند در این معنی آرزوی صمیمی ما است حرر فی شهر ربیع الثانیه ۱۲۷۵

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۹۲
موضوع: وزیرمختاری میرزاحسین خان
تاریخ: ۱۲ صفر ۱۲۷۶ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۸

نامهٔ سلطان عبدالمجید به ناصرالدین شاه، در جواب نامهٔ ناصرالدین شاه که به وسیلهٔ میرزا حسین خان وزیر مختار سابق ایران در عثمانی فرستاده شده است. سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده به ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ ضخیم به قطع ۴۹×۵۶ با مرکب طلایی، ممهور به مهر سلطان عثمانی.

بمنه تعالی

شوکتلو [illegible] دولت بهیهٔ ایرانیه شهامتلو دولتلو
[illegible] ناصرالدین شاه حضرتلرینک
صوب سعادتلرینه

وزارت امور خارجه آرشیو

آرشیو وزارت امور خارجه
بشماره ۳۲۷ در تاریخ [illegible]
۱۳۵۱
ثبت شد.

۱۰۹

[illegible]

۱۲۷[illegible]

شهنشاها دوستا

وزارت امور خارجه ۵ آرشیو

سلطنت سنیه‌مزده ایلچیلک خدمت شاهانه‌لرنده بولنان میرزا حاجی احمد خانک عودتنه دائر

ایرلدیکی و یرینه میرزا حسین خانک اورته ایلچیلک عنوانیله مأمور و تعیینه قلندیغی حاوی تسطیر بیورلان

خالصانه‌مز قلنان برقطعه نامهٔ موقرهٔ شهنشاهیلری واصل دست محبانه‌مز اولمشدر مشارالیه

حاجی میرزا احمد خانک در سعادتمزده مدت اقامتنده دولتین فخیمتین میاننده دوکار اولان

روابط دوستی و مخالصتک استکمال اسباب تأکد و تقرری امرنده مقتضای درایت و استقامتی

اوزره مشهود اولان غیرتی موجب محظوظیت خالصانه‌مز اولدیغی تشکر و ستایشه خلفی اولان

سعادتلو میرزا حسین خانک طرف اشرف شاهانه‌لرندن انتخابی سلطنت سنیه‌مزله دولت فخیمه‌لری زیاده دوستانه

جناب حشمتمآب حکمرانیلری بیننده استمراری ملتزم اولان ضابطهٔ وفاقیه‌نک مستقر و پایدار

اولمسنه بر دلیل قوی اولدیغندن بو دخی بشقه‌جه محظوظیت خالصانه‌می مستلزم اولدیغی بیانیله

خاصهٔ تأکید ضوابط مخالصت سابقه‌ده شو نامهٔ مخصوصه تحریر و مصحوب سعادت اوجب فخیمانه‌لرینه

بعث و تسییر قلندیغی بنهٔ الکریم قریبه علم محاسن دسیماری اولدقده بعد ازین دخی جلائل احوال صالحه‌مز

وزارت امور خارجه ۵ آرشیو

آثار موالات شاهانه‌لریله شمول قلنمسی متمنادر ۱۲۷۶

شمارهٔ سند: ۳۹۳

موضوع: اظهار تأسف دیررسیدن فرستادهٔ سلطان

تاریخ: ٦ جمادی‌الاول ۱۲۷٦ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پرونده: ٦

نامهٔ سلطان عبدالمجید به ناصرالدین شاه، حاکی از تأسف نرسیدن اسمعیل پاشا فرستادهٔ وی، برای عرض خیرمقدم در زمانی که ناصرالدین شاه در آذربایجان بوده است. سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده نیز به ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ ضخیم به قطع ٥٦×٤۹، به زبان ترکی، به خط زرّین ممهور به مهر سلطان.

[illegible]

[illegible] سرپرداز دولت بهیهٔ ایرانیه شهامتلو دولتلو
سعادتلو ناصرالدین شاه حضرتلرینک
صوب سعادتلرینه

آرشیو وزارت [illegible]
[illegible] ۳۲۵ [illegible] ۹ ر ۹ ۹
[illegible] ۱۳۵۱

شهنشاه شوكتلو دولتلو عظمتلو شاه [illegible] پناه حضرتلری

ممالك پادشاهانه‌لرینك بعض محللرینی سیاحت شاهانه‌لری صره‌سنده ممالك دولت علیه‌مزه ده [illegible]

اولاراق بر درجه‌یه قدر [illegible] اولدقلری ساعتده رسم [illegible] ذات [illegible] شاهانه‌لرینه [illegible]

اولان محبت صمیمیه و موالات حقیقیه‌مزك ابراز آثار جدیده‌سنه اشبو سیاحت بهجت [illegible]

بزیلك و نهجی [illegible] اتخاذ اولنه‌رق بونلك ایچون حکمداری [illegible]

دولت علیه‌مزده [illegible] پاشا مخصوصا [illegible] ارسالی [illegible] اولدیغی [illegible] شاهانه‌ی

بزم [illegible] اولدیغی [illegible] اشبو [illegible] اجراسی املنده‌یز

بو [illegible] موجود اولوب [illegible] جوار و موالاتك [illegible]

بر [illegible] اشبو نامه محبانه‌مز تحریر و صوب [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۹۴
موضوع: در باب نشان
تاریخ: رمضان ۱۲۷۶ هـ . ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ٤٤

سواد نامه‌ای که از طرف قرین الشرف سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه (ناصرالدین شاه) به اعلی حضرت سلطان دولت بهیهٔ عثمانی، نوشته شده است در باب نشان

مدار مجد[1] دولت و مرکز سعد و فخامت حضرت سلطان عظیم الشأن

الحمدالله والمنه که علایق مهر و محبت و رابطهٔ سلم و صفوت به مناسبات جهت جامعهٔ اسلامیه فی مابین دولتین علیتین مشید و استوار و مستحکم و برقرار است و به اقتضای مراسم مودت و یک جهتی و لوازم مواحدت و پیوستگی اسباب یکرنگی وداد میان دو شوکت ابدبنیان مجتمع و آماده است و این مناسبت و مشابهت تامّه را لازم افتاده است که پایهٔ مهر و وفا و درجهٔ سلم و صفا به درجهٔ قصوی گذاشته اید.

لهذا نشان منیع الشأن والای دولت ابد مدت وسلطنت جاوید آیت همایون را که بجز اکف سلاطین با تمکین هیچ دستی به درجهٔ بلند آن یارای وصول ندارد، مکلّل به الماس از درجهٔ اول برای آن اعلی حضرت اتحاف و اهدا نمودیم که عمدة الخوانین مقرب الخاقان میرزا حسین خان وزیر مختار و ایلچی مخصوص ما مقیم آن دربار سعادت مدار ابلاغ نماید، از این حسن یکرنگی زایدالوصف مسرور و مشعوفیم که همه روزه به دلایل صفوت مابین دو شوکت افزوده خواهد شد و مکنونات خاطر دوستی مظاهر که شرحش در عهدهٔ هیچ خامه و نامه نخواهد بود به عهدهٔ سفیر سابق الالقاب محول است که ادا نماید و ضمیر دوستی تخمیر آن اعلی حضرت را بر حقایق این معنی ملتفت سازد، باقی ایام سلطنت و جهانداری مستدام باد. فی شهر رمضان المبارک ۱۲۷۶.

[حاشیه:] سواد دستخط همایون. الواثق بالله الملک الغفار، السلطان ناصرالدین شاه قاجار

سواد نامه‌ای که از طرف قرین الشرف سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه با علیحضرت سلطان دولت بهیه عثمانی نوشته شده است در باب نشان

مدار محبت و دولت و مرکز معدلت و رأفت حضرت سلطان عظیم الشان

الحمد لله والمنه که معدلت [illegible] و روابط مراسم و صفوت بنا ثبات جهت جامعه اتحادیه فیمابین دولتین علیتین مسلمه و استوار و محکم و برقرار است و با تشیید اسم مودت و یکجهتی

و لوازم موالات [illegible] ابواب [illegible] و اولیای دولتین ابد بنیان مجتمع و آماده است و انیس مناسبت و مشابهت تامه سلاطین آفاق [illegible] دایره معروفه و مودت

علم و منصب [illegible] لهذا اینجانب ایشان والای دولت ابد مدت سلطنت جاودانه آیت ما در این اوقات که جناب جلالتمآب نیکلن [illegible] دستور

[illegible] ایشان [illegible] متعلق به الماس از درجه اول که بر آن اعلیحضرت اتفاق و اهدا نمودیم در عهده اقوای معتمد جلالتمآب فرخ خان

وزیر مختار ایلچی مخصوص ما مقیم آن دربار سعادت مدار ابلاغ نماید از اینجهت که بر کمال اتحاد مرور و مشق [illegible] همه

به لوازم صفوت مایه [illegible] افزوده خاطر [illegible] و مکنونات خاطر مستطاب هر [illegible] در عهده [illegible] وانمود [illegible]

سابق الذکر [illegible] آن اعلیحضرت را بر حقایق این معنی ملتفت سازد باقی ایام سلطنت

و جهانداری مستدام باد فی شهر رمضان المبارک ۱۲۷۰

شمارهٔ سند: ۳۹۵
موضوع: اظهار مودت و دوستی دولتین
تاریخ: شوال ۱۲۷۶ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ٤٤

سواد نامهٔ مودت ختامه که از طرف قرین الشرف اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه به اعلی حضرت عبدالمجیدخان، سلطان دولت عثمانی، نوشته شده

مدار مجد و دولت و مرکز سعد و فخامت حضرت سلطان سلطان عظیم الشأن

نامهٔ مهر ختامهٔ آن اعلی حضرت که واسطهٔ ابلاغ موالات خالصانه از طرف قرین الشرف سلطانی بود واصل ایادی اعزاز و تکریم شد خاطر مودت مأثر ما که در تشیید مبانی دوستی و وداد دولتین اسلامیتین به ارسال رسل و رسایل مایل است :ز این منظور که وجههٔ ضمیر شاهانه نموده بودند، مبتهج و مسرور گردید در این سفر که موکب ما را سرحدات آذربایجان و آن نواحی مضرب خیام خیریت اختتام شده بود و به قرب جوار ممالک آن دولت سیر و سیاحت داشتیم، راغب بودیم که از دولت همجوار ما به علایم دوستی اظهار مودّتی شود. مأموریت جناب مشیر اسماعیل پاشا و والی ایالت حکاری که بعد از تصمیم عزم معاودت به مقر سلطنت عظما به سمع همایون رسید اگر هم نظر به مسیر موکب ما به جانب دارالخلافه و ظهور تأخیر ورود او مقصود صوری جانبین حاصل نشد، باز دلیل صفوت آن اعلی حضرت قرار دادیم و نامهٔ مودت علامهٔ سلطانی افزود در این اوان سعادت نشان این فرصت را مغتنم می شماریم که مراتب صفوت و موالات خودمان را به نگارش این نامهٔ مودت علامه نسبت به ذات اعلی حضرت شاهانه آشکار نماییم. همواره به ارسال رسایل خصوصیت وسایل خاطر اقدس همایون ما را مسرور خواهندداشت. ایام سلطنت و فرمانفرمایی مستدام باد. فی شهر شوال المکرم ۱۲۷۶

[حاشیه:] سواد دستخط همایون. الواثق بالله الملک الغفار، السلطان ناصرالدین شاه قاجار.

از نامه مودت ختامه که از طرف قرین الشرف اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه با علیحضرت عبدالعزیز

سلطان دولت عثمانی نوشته شده

مدار محبت و وداد و مرکز سعه دوستی حضرت ... عبدالعزیز خان

نامه مهر ختامه آن اعلیحضرت که بواسطه ابلاغ مودت خالصانه از طرف قرین الشرف سلطانی بود و حاوی ایادی اعزاز و تکریم آن ... خاطر مودت ... ما ...

در وقت رسیدن به ذروه ... و وداد ... اسعد ... به ارسال ... ما ... از ... منظور ... و ... ضمیر ... نمودن ... متبهج و مسرور ... سفر

و ... را ... آن ... و ... جناب ... آنجا ... حضرت ... شده ... و ... جوار ... آن دولت ... جهت ... ما ... بودیم

... جناب ... ما ... و ... اعلیحضرت ... عزم ... معاونت ... سلطان ... السلطان

... حضرت ... آن اعلیحضرت ... قرار دادیم و ... مودت ...

... اوان ... این ... مراسم ... صمیمیت و مرافقت ... این نامه مودت ... به آن اعلیحضرت

... ایام سلطنت و فرمانفرمایی ... ۱۲۷۸ ... الحرام

شمارهٔ سند: ۳۹۶

موضوع: تشکر از ارسال نشان

تاریخ: ۱۹ ذی‌قعده ۱۲۷۶ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ۵

نامهٔ سلطان عبدالمجیدخان، سلطان عثمانی به ناصرالدین شاه، مبنی بر اظهار تشکر از ارسال نشان که پادشاه ایران برای وی فرستاده بود. سواد اصل پاکت با پشت‌نویس آن ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ ترمه به قطع ۴۹×۵۶، به خط زرّین ترکی، ممهور به مهر سلطان عثمانی سواد اصل پاکت ممهور و پشت‌نویس شدهٔ آن به ضمیمه است.

KASHMIR UNIVERSITY
ALLAMA IQBAL LIBRARY
Acc. No 563093
Dated 6-2-09

بعونه تعالی

جانب جلالتمآب ارای دولت بهیۀ ایرانیه شوکتلو دولتلو سعادتلو
شاه مجدت پناه حضرتلرینک صوب سعادتلرینه

[illegible]

نمره ۱۱۱

[illegible]

آرشیو وزارت امور خارجه
شماره ۳۲۲ ... تاریخ ۱۲۶۹
۱۳۵۱

آرشیو

شوکتلو دوستلو سعادتلو شاه مجدت پناه حضرتلری

بین الدولتین موجود اولان روابط قویهٔ وفاقیه ودادشعار امتحانات شاهانه‌لری میانه پادشاهانه‌مزده

مستقر وبرقرار بولنان مخالصت ومحبت صمیمیه اقتضاسنجه بو کره طرف خالصانه‌مزده ارسال اولنمش نشان ذیشان ایله

بر دوست مصدوقه عنوانیله وبنده اعتبارلق یادگار گرانقدری اولمق اوزره اخذ وقبول اولندیغی بو بابده

حاصل اولان ممنونیت بیرونه احاطهٔ تعریف ماشانزدر جناب شاهانه‌لرینک مخصوص حجره وسجایای

برگزیده‌لری ایجاب مکارم نصابانه مترتبا دائما تأیید بیانات حب وموالاته موجب اولور آثار شرفندن

مخالصتکاری اظهار ایچه‌کاری شعلو هنده مجانزده دخی دولتینک تأکید دوستی وخلوص نیرنده

مغتنم ومحترم بولندیغی نزد شاهانه‌لرنده دخی امور معلوم ومقتضیات تجربه وسیله‌ده بولنسیه مجدد

بو دفعه ابراز اولنان اثر جمیل ویادگار بهجتی مخالصتنه طولویا حصول کلانه محظوظیت کاملک

بیانه ابتدار قلندیغی بمنه تعالی معلوم معالی لزوم شاهانه‌لری اولدقده بونده بربه دخی طرف خالصانه‌مز

بقای محبت شاهانه‌لرینه مباهی اولنمه منتظر ۱۹

شمارهٔ سند: ۳۹۷

موضوع: انتصاب حیدر افندی به وزیر مختاری

تاریخ: ۱۲۷۷ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ۱۰

نامهٔ سلطان عبدالمجید سلطان عثمانی به ناصرالدین شاه، در خصوص معرفی حیدر افندی به وزیرمختاری عثمانی در ایران. سواد اصل پاکت به ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ ضخیم به قطع ۵۶×۴۰/۵ سانتیمتر، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطانی، سواد اصل پاکت به ضمیمه است که پشت‌نویسی شده.

بمنه تعالی

[illegible]ی دولت فخیمهٔ ایرانیه شوکتلو دولتلو سعادتلو

[illegible] شاه حضرتلرینک صوب سعادتلرینه

وزارت [illegible]

۹۲۷

[illegible] وزارت امور خارجه
نمره ۳۲۹ در تاریخ [illegible]
ثبت شد.
۱۲۵۱

(۱۱۲)

۱۵ [illegible] ۱۲۷۷

شوکتلو دوستلو سعادتلو شاه جمجاه پناه حضرتلری

نزد شاهانه‌لرینه سفارت دولت علیه‌مزه خدمتی بوکره سلطنت سنیه‌مزك رتبهٔ اولیسی حائز رجال دولت

جیده افندی ذوی المعالی مرخص اولرق ایلچیلك عنوانیله توجیه و اعزام اولنمش اولدیغندن حضور حسنه نظر شاهانه‌لری

مشمول اولور مقویه‌مزه شعرا دولت علیه‌مز نامه وتوجهی اقاوات و خصوصیات ذات فخیمانه شاهانه‌لرینه

اولان محبت و مودت صمیمیه‌مزه و بین الدولتین برکمال اولان مناسبات حقیقیه‌نك یوما فیوما تزاید ایلسی زمینه اروزکردمز

اولدیغنه دائر تودیع حافظه دیانتی قلنان توصیات جدیده نزد شاهانه‌لرنده حسن وثوق و اعتماد اولسی

مأمول خالصانه‌مز اولدیغی و هر باره تزاید عافیت و سعادت فخیمانه‌لری تمنی قلنمقده ایدوکی بمنه تعالی

معلوم شاهانه‌لری اولدقده بعد ازین دخی ابراز آثار مودت الانکاری دقیقه هنری توقعکرده خالصانه‌مزدر

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۳۹۸

موضوع: اهدای نشان و یک قبضه شمشیر

تاریخ: ۱۲۷۷ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ۹

نامهٔ سلطان عبدالمجیدخان به ناصرالدین شاه، مبنی بر اهدای یک قطعه نشان مرصع مخصوص سلطانی و یک قبضه شمشیر به حیدر افندی وزیرمختار عثمانی در ایران پاکت آن ضمیمه است.

مشخصات: نامه به قطع ۵۶×۴۰/۵ سانتیمتر ممهور به مهر سلطان عثمانی، به زبان ترکی، پاکت آن به ضمیمه است.

بمنه تعالی

حالا سرپرارای دولت فخیمهٔ ایرانیه شهامتلو دولتلو عاطفتلو
ناصرالدین شاه حضرتلرینک صوب عاطفتلرینه

[illegible]

آرشیو وزارت امور خارجه
بشماره ۳۲۸ در تاریخ ۵/۷/۹
۱۳۵۱
ثبت شد.

شهامتلو دولتلو سعادتلو شاه جم‌پناه حضرتلری

ولیعهد برکمال بولنان مناسبات حقیقیه‌نك یادکار خصوصیسی اولمق اوزره طرف شاهانه‌لرینه هدیه

ناصره منسوب اولان نشان مرصع بر قطعه‌سی ایله بر قبضه سیف همایونمز طرف شاهانه‌لرینه ارزان

نزد جناب شاهانه‌لرینه سفیر فخیمه جدیدمز دولت علیه‌مزك رتبه اولیسنی حائز چلبی حیدر افندی ایله

ارسال قلنمش اولمغله ذکر اولنان نشان و سیفك بر موجب خالصانه یادکاری اولمق اوزره

طرف شاهانه‌لرینه قبول مأمول اولدیغی کبی حضور شاهانه‌لرینه ده برکار اولان محبت و مودت

مخصوصه‌مزك نامتناهی امرنده افندی موسی الیهك وفور جود افاداتنك تمامیله

موقع وثوق و اعتماده طوتیلمسی خصوصنی خالصانه‌مزه برکاده هرحالده تعالی ایله عمر و اقباللری تمنی‌کرده

محبانه‌مز بولندیغی بر تعالی قدیر علیم حضرتلری اوقدر سوی بقا جوبیلری دوام آثار مودت

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تحریراً فی ... شهر ... سنه ... مقام ... سلطنتمزده محبانه‌مز

شمارهٔ سند: ۳۹۹

موضوع: احضار حیدر افندی وزیر مختار عثمانی

تاریخ: ۷ ذی‌حجهٔ ۱۲۸۱ هـ.ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ۱۲

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان سلطان عثمانی، به ناصرالدین شاه، مبنی بر احضار حیدر افندی وزیر مختار عثمانی از ایران به ضمیمهٔ سواد اصل پاکت آن.

مشخصات: کاغذ ضخیم به قطع ۵۶×۴۰/۵ سانتیمتر، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطان عثمانی.

آرشیو نمره ... درجه
بتاریخ ۳۳۱ ...
ثبت ...
۱۲۵۱

بمنه تعالی

حالا سرآرای دولت فخیمهٔ ایرانیه شهنشاه شوکتلو قدرتلو
فخامتلو ناصرالدین شاه حضرتلرینك
صوب سعادتلرینه

۱۱۵

نزد پادشاهانه‌مزه اورته ایلچیلك عنوانیله مأمور بولنان حیدر افندی دیانتکار

تعیین اولنمش اولوب مشارالیهك طرف مفخرتدن جانب معالی مناقب شاهانه‌لرینه

[illegible]

مشهودی اولان حسن اعتقاد و مظهر اولدیغی توجه و التفات عند محبانه‌مزده

کمال ممنونیتی موجب اولدیغندن بیانی ذات فخامت سمات شاهانه‌لرینه درکار

اولان موالات خالصه‌مزك تجدید تأمیناته وسیله جمیله اتخاذ قلندیغی

بمنه تعالی معلوم فخیمانه‌لری اولدقده بعد از این دخی اجرای لازمه فتوتکاری

و مخادنه همدمی مأمول محبانه‌مزدر ۷ ذي الحجه ۱۲۸۱

شمارهٔ سند: ۴۰۰
موضوع: معرفی خیرالله افندی به سمت وزیرمختاری
تاریخ: ۷ ذی‌حجه ۱۲۸۱ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۱

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان سلطان عثمانی، به ناصرالدین شاه، در خصوص معرفی خیرالله افندی به سمت وزیرمختاری عثمانی در ایران و انقضای مأموریت حیدر افندی، سواد اصل پاکت با توضیح پشت آن به ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ ضخیم به قطع ۵۶×۴۰/۵ سانتیمتر، ممهور به مهر سلطان به زبان ترکی، سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده به ضمیمه است.

بمنه تعالى

قدرتلو شهامتلو دولت فخیمه ایرانیه پادشاهی عظمتلو

شوکتلو ناصر الدین شاه حضرتلرینک

صحوب سعادتلرینه

امور خارجه

۳۳۰ [illegible]

ثبت [illegible] ۱۲۵۱

[illegible]

۱۱۴۲

[illegible]

۱۲۸۱

شهانلو قدرتلو محاسنلو شاه محبت پناه حضرتلری

بزدن شهامت دولتشاهیلرینک فوق العاده مرخص اورتا ایلچیلک عنوانیله مأمور بولنان

حیدر افندینک دربار سفارتنه تعیینی جهتیله سفارت سلطنت سنیه‌مز خدمتی کماکان فوق العاده

اورتا ایلچیلک صفتیله رجال دولت علیه‌مزدن و مجلس احکام عدلیه‌مز اعضاسندن

خیرالله افندی‌یه توجیه و احاله اولنمش اولدیغنه حقنده حسن نظر شاهانه‌لری مشمول اولدرق

مأموریتنه متفرع سلطنت سنیه‌مز نامنه وقوعبوله جق افاداتی و خصوصیله ذات فخامت سمات

شاهانه‌لرینه اولان محبت و مودت صمیمیه‌مز و بین الدولتین برکمال بولنان مناسبات حقیقیه‌نک

یوماً فیوماً کسب تزاید ایلمسی بحنده که آرزومزه دائر تودیع قوق حافظه‌سی قلنانه توثیقات جدیده

نزد جناب شاهانه‌لرینده رهینه و تودع و اعتماد اولمسی مأمول ظاهرانه‌مز اولدیغی و هرباره حمیت

عاقبت و سعادت فخیمانه‌لری تمنی قلمقدن ایراق ایله بیم علم تعالی استلوم فا ایلری اولدقجه برو جه محرر

سفیر شاهانه‌ک حسن قبولیه رعایت دائما مملکت دولتریمه مظهریتی خصوصنه همت توفقکر ظاهرانه‌مزدر

عبدالمجید

شمارهٔ سند: ۴۰۱
موضوع: اهدای نشان مخصوص ناصرالدین شاه به سلطان عبدالعزیزخان
تاریخ: جمادی الثانی ۱۲۸۲ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ٤٤

سواد نامهٔ محبت ختامه که از طرف اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه به اعلی حضرت سلطان عبدالعزیزخان نوشته شده است

مدار مجد و دولت و مرکز سعد و فخامت حضرت سلطان عظیم الشأن

الفت و اتحادی که به خواست خداوند متعال مابین ما یک دلان یک جهت ثابت و استوار و محکم و برقرار است، اقتضای آن دارد که در مواقع سعادت ودایع و موارد میمنت شواهد آثاری را که حکایت از مکنون ضمایر و روایت از مخزون سرایر تواند نمود به دست حبّ و ولا به منظرهٔ دست وفا و محفل صدق و صفا گذاریم، باشد که دیدهٔ معنی گاهی از نظرگاه معنوی به عالم شهود نیز عطف عنان کند و مبصرات باطنیه را به شهود و عیان بیند. در این زمان خجسته اوان به خاطر مهر مظاهر ملوکانهٔ ما چنان رسید که علامت ودادی و نشان اتحادی در مطمح نظر شاهانه و مَسرَح بصر خدیوانهٔ آن اعلی حضرت به یادگار گذاریم. لهذا به تقدیم این نامهٔ مودت علامه پرداخته یک قطعه نشان مخصوص سلطنت مکلل به الماس خودمان را که خلوص یک جهتی و مودت باطنی با آن اعلی حضرت را شایان و یکی از علایم دوستی نمایان است، به محفل مینوشاکل آن اعلی حضرت اهدا نمودیم و جناب مقرب الخاقان عمدة الخوانین العظام مشیرالدوله میرزا حسین خان از اجزای دارالشوری وزیر مختار و ایلچی مخصوص خودمان مقیم دربار دولت آن اعلی حضرت را به شرف مأموریت ابلاغ آن اختصاص دادیم. امید که در خاطر خطیر آن اعلی حضرت نیکو برازد و انامل مهر وسایلشان در قبول آن به لطافت بیازد. ایام سلطنت و جهانداری مستدام باد. شهر جمادی الثانی ۱۲۸۲.

[حاشیه:] سواد دستخط همایون، الواثق بالله الملک الغفار، السلطان ناصرالدین شاه قاجار

سواد نامه محبت ختامه که از طرف شهنشاه قوی شوکت ممالک ایران به اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان نوشته شده است

وزارت امور خارجه
آرشیو

مدار مجد و دولت و مرکز سعادت و شوکت حضرت سلطان اعظم الشأن

الفت و یگانگی که در بین این دو دولت جاوید آیات بر پایه محبت ثابت و استوار و محکم و برقرار است اقتضای آن دارد که در هر موقع

ملت و روابط دوستی منعقده شود و آثار مودت و محبت از جانبین ظاهر و در رعایت آن اخوت برادرانه نمود به حسب وداد منظور

دست و نامه محبت که در این اوقات بر سبیل یادگاری از آن دولت علیه به توسط سفیر کبیر رسید باعث تشیید و تحکیم مبانی

در این زمان خجسته اوان که به شرف وصول رسیده و آثار محبت و دوستی از مطلع نگارش نامه و شرح خیرخواهانه آن اعلیحضرت بیادگار

گذاردند بهترین نامه مودت سعادت بود چنانکه به یک فقره نشان مرصع سلطنتی که مخصوص شاهزادگان و بزرگان دولت علیه است از آن اعلیحضرت

شایان و تقدیم و رعایت بود شاهانه است بطوری که در این وقت به آن اعلیحضرت اظهار نمودیم جناب سفیر کبیر جمیع فضایل اخلاق را در حق سفارت ایران

دولت شوکت نشان دارای مرتبه خود در دربار دولت آن اعلیحضرت رسانیده است ابلاغ و اختصاص داریم امیدوار است که خاطر خطیر آن اعلیحضرت

همیشه شاد و خرم باشد و بهترین آیات سلطنت و جهانداری را مشاهده فرمایند شهر جمادی الثانیه ۱۲۸۲

شمارهٔ سند: ۴۰۲
موضوع: در مورد مأموریت خیرالله افندی وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت عثمانی و اظهار مودت و دوستی دولتین
تاریخ: صفر ۱۲۸۳ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ٤٤

سواد نامه از طرف اعلی حضرت همایون شاهنشاهی به اعلی حضرت سلطان عبدالعزیزخان نوشته شده

مدار مجد و دولت و مرکز سعد و فخامت حضرت سلطان عظیم الشأن

نامهٔ مودت پیرایه گرای سلطانی واصل، انجمن حضور عظمت پایهٔ سامی خاقانی گردیده مأخوذ ید عزّت و ملحوظ نظر محبت افتاد. خاطر صفوت مظاهر شاهنشاهی از مفاد مؤالفت بنیاد آن مشعر از مأموریت جناب خیرالله افندی به دربار همایون ما آگاهی یافته، قرین بهجت شد که ظهور علایم دوستی و اتحاد از آن جانب شوکت جوانب مایهٔ ازدیاد روابط مودّت و تقدیم شرایط آن همواره مکنون ضمیر مسالمت تأثیر ملوکانهٔ ما است و همت بلند شاهانه را دایم به تجدید مراسم مواحدت و تشیید مبانی صفوت مقصور فرموده‌ایم و از لوازم این مبارک منظور می شماریم که در هر موقع و مقام شواهد حسن مودّت را به طور اجمال ظاهر ساخته، وسایلی را که موجب فزایش مصافات و مراودات حسنهٔ فی مابین دولتین علیتین تواند بود، وجههٔ نظر ملوکانه قرار دهیم.

معین است که عواطف کاملهٔ ما همیشه شامل حال جناب خیرالله افندی وزیرمختار و ایلچی مخصوص آن اعلی حضرت بوده در حضرت همایون به درجهٔ حسن اعتماد نایل خواهد گردید و البته جناب مشارالیه نیز این موهبت عظمی را که دلیل سعادت و کمال اعتبار است، مغتنم شمرده بنا به اطلاع کافی که از نیات خالصانهٔ محبانهٔ اعلی حضرت ولی نعمت تاجدار خود دارد به اظهار ارادت و خلوص عقیدت زایداً علی ماسبق خود را در این حضرت همایون و در آن دولت روزافزون محل وثوق و اعتماد خواهد نمود. پیوسته مترصد وصول نامجات سعادت سمات بوده دوام و استقرار آن اعلی حضرت را در اریکهٔ اقتدار و سلطنت متمنی است. تحریراً فی شهر صفرالمظفر ۱۲۸۳.

[حاشیه:] سواد دستخط همایون است، الواثق بالله الملک الغفار، السلطان ناصرالدین شاه قاجار

[illegible]

[illegible]

نامهٔ دوست [illegible] خاطر صفوت مظاهر

[illegible] جناب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] تحریراً فی شهر صفر المظفر ۱۲۸۳

شمارهٔ سند: ٤٠٣

موضوع: ارسال یک قطعه نشان به مناسبت تولد فرزند ناصرالدین‌شاه

تاریخ: ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۲۸۳ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پرونده: ۱۳

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه، مبنی بر ارسال یک قطعه نشان به مناسبت تولد فرزند شاه ایران، با سواد اصل پاکت که ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ ضخیم به قطع ٥٦×٤٠/٥ سانتیمتر، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطان.

بمنّه تعالی

حالا سریرآرای دولت علیهٔ ایرانیه شهامتلو قدرتلو
مهابتلو ناصر الدین شاه حضرتلرینک صوب
سعادتلرینه

آرشیو وزارت امور خارجه
س ۳۳۲۰ در تاریخ ....
ش ۱۲۵۶

[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] ۷ ربیع الآخر ۱۲۸۴

حشمتلو شاه جمجاه فخامتلو قدرتلو شوکتلو

ذات معالی سمات شاهانه‌لرینه درکار اولان خلوص و محبت خالصانه‌مزک دلیل ودادالدولتین

بکمال بولنانه نجحی دوستینک علامتی اولمق اوزره جناب اعظم نامه منسوب اولان

نامسینی ابدیکمز نشانه ختمانک برقطعه‌سی ایسال قلمنمق اولمغله بونلرک بر محبت خالصانه

بار خارج اولمق اوزره طرف شاهانه‌لرینه قبولی مقتضای خالصانه‌مز ابرودن دهرحالک

تمادی ایام عمر و اقبال فخامتلری خلاصه مقاصد دامال محبانه‌مز بولندیغی

بمنه تعالی قریبه علم فخامتلری اولدقده سوی بقا جویلری دوام آثار

بو ورقه حشمتلو جهانبانه منشا ابدلک معنون و ملتمس خالصانه‌مزدر ۱۷ ربیع الآخر ۱۲۸۴

شمارهٔ سند: ٤٠٤

موضوع: تشکر از وصول نامه و تمثال

تاریخ: ۱۷ ربیع الثانی ۱۲۸۳ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ١٤

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه، مبنی بر تشکر از وصول نامه و تمثال وی. سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ ضخیم به قطع ٥٦×٤٠/٥ سانتیمتر، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطان عثمانی.

بسمه تعالی

وزارت خارجهٔ ... دولت علیهٔ ایران ...

... ناصرالدین شاه ...

سعادت ...

آرشیو وزارت امور خارجه

۳۲۳

ثبت

۱۲۵۱

قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتلری

ذات فخامت سمات شاهانه‌لرینه درکار اولان مودت صمیمیه‌مزك آثار متقابله‌سی اولمق اوزره

موده خالصانه‌مزده برکمال بولنان محبت مخصوصه شهنشاهانه‌لرینك یادکاری اولارق

ارسال بیورلان نشان معتبرلریله برابر اولان نامه وداد علامه فخیمانه‌لری وفور موجب ابتهاج

اخذ اولنمشدر بینمزده موجود اولان رابطه مخصوصه ودادیه‌نك قیمتی عند محبانه‌مزده

کرانبها اولدیغنده بونك قدر واعتبار یادکاری دخی یك بیوك بولندیغی مثللو

دولتلریمز بیننده جاری اولان مناسبات دوستی‌یی الی الابد تأیید ایده‌جك

اتفاقه جلیلك بو نقطه برابرجیلی دخی کورندیکنده شورا سیره عندمزده کمالیله

موجب محظوظیت اولدیغنك وهرحالده تزاید ایام عمر وسعادت فخیمانه‌لری تمنی قلنمقده

ایدوکنك بیانیه حوصله خالصانه‌مزه بو وجهله ظهوره کلان آثار مودت شاهانه‌لرینه طولایی

ممنونیت قلبیه محبانه‌مزی تبلیغ صمیمیتنه نامه مخصوص خالصانه‌مزی تحریر وتسییر قیلندیغی بو نقطه‌ده فرصت علیم

فی یوم ... دلدن بعد از آن دخی سوی ودل محبوب بقای آثار محاوضه ...

۱۷ ربیع الثانی ۱۲۸۳

شمارهٔ سند: ۴۰۵
موضوع: اهدای نشان و اظهار دوستی
تاریخ: شوال ۱۲۸۳ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ٤٤

سواد نامهٔ اعلی حضرت شاهنشاهی [که] به اعلی حضرت سلطان عبدالعزیزخان مورخهٔ شهر شوال ۱۲۸۳ نوشته‌اند

مدار مجد و دولت و مرکز سعد و فخامت حضرت سلطان عظیم الشأن

نامهٔ نامی مودّت‌ترسیم شاهانه به انضمام نشان ذی شأن لازم التعظیم آن اعلی حضرت که محض اظهار کمال یک جهتی و صفا اهدای جانب صفوت جوانب شاهنشاهی ما شده بود، واصل ایادی تکریم گردید و چون بدین وسیلهٔ جمیله رسوم یگانگی و اتحاد را به تقدیم رسانیده به دوستی و ودادی که بحمدالله در میان حاصل است دلیل تازه اقامه کرده بودند، موجب شعف خاطر مخادنت بنیان ما شد و ارکان مسالمت را فی مابین دولتین علیّتین چنانکه پیشنهاد طرفین است زایداً علی ماسبق مشیّد و استوار نمود و مستغنی از بیان است چنین علامت مؤالفت که از آن طرف قرین الشرف به ظهور رسید، همواره به رسم یادگار منظور نظر مخالصت اثر شاهنشاهی بوده به اعلی درجهٔ عزت و اعتبار نایل خواهد بود و به ارسال نامهٔ مواحدت ختامهٔ مشهود پیشگاه شاهانه اعلی حضرت می داریم که ازدیاد عمر و عزت و بقای ذات شوکت سمات آن اعلی حضرت در سریر حشمت و اجلال از اولین مقاصد ملوکانه می باشد و خاطر آن اعلی حضرت را در اثبات این معنی بهترین شواهد می شماریم و همواره به اهدای نامجات دوستی علامات قواعد مسالمت را مستحکم خواهند داشت. والسلام

[حاشیه:] سواد دستخط همایون، الواثق بالله الملک الغفار، السلطان ناصرالدین شاه قاجار، محل مهر همایون است.

وزارت امور خارجه
آرشیو

سواد نامه اعلیحضرت شاهنشاهی به اعلیحضرت سلطان عبدالعزیز خان مورخه شهر شوال ۱۲۸۳ ارسال شد

[illegible] دولت [illegible] عهد دوستی حضرت سلطان [illegible] نامه نامی مودت ترسیم [illegible] به انضمام نشان عالیشان [illegible] اعلیحضرت

در مقام اظهار کمال یکجهتی و صفا [illegible] از جانب حضرت [illegible] ما شده بود [illegible] بوسیله رسوم یگانگی [illegible]

[illegible] رشته دوستی و وداد که بحمدالله در میان [illegible] است [illegible] اقامه گردیده [illegible] بنیان [illegible] ارکان [illegible]

[illegible] چنانکه [illegible] طریقی است [illegible] سابق [illegible] دستور [illegible] است [illegible]

[illegible] اثر [illegible] بود [illegible] درجه عزت [illegible] نامه مودت [illegible] شاهانه اعلیحضرت

[illegible] عمر و عزت و بقای ذات شوکت [illegible] اعلیحضرت [illegible] ملوکانه [illegible] اعلیحضرت [illegible]

[illegible] شاهانه [illegible] خواهد داشت

شمارهٔ سند: ٤٠٦
موضوع: انتصاب رضابیگ به وزیرمختاری
تاریخ: ۲۱ محرم ۱۲۸٤ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۵

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان سلطان عثمانی، به ناصرالدین شاه، مبنی بر انتصاب رضابیک به سمت وزیرمختاری عثمانی در ایران، بعد از فوت خیرالله افندی و ابراز مراتب مودّت بین دولتین ایران و عثمانی، سواد اصل پاکت نیز به ضمیمه است.

مشخصات: نامه به قطع ۵/٤٠×٥٦ سانتیمتر، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطان عثمانی.

بمنه تعالی

حالا سربارای دولت بهیهٔ ایرانیه شهامتلو قدرتلو فخامتلو
ناصرالدین شاه حضرتلرینک صوب [illegible]

آرشیو وزارت امور خارجه
۳۳
۱۲۵۱

قدرتلو فخامتلو شاه مجد پناه حضرتلری

نزد شهامت وفد شاهیلرنده فوق العاده مرخص اورته ایلچیلک عنوانیله مأمور بولنان

خیر الله افندینک وقوع وفاتی جهتیله سفارت سلطنت سنیه‌مزک خدمتی کماکان فوق العاده

اورته ایلچیلک صفتیله رجال دولت علیه‌مزدن پترسبورغ سفیری سابق رضا بکه توجیه واحاله

اولنمش اولدیغندن حقنده حسن نظر شاهیلری مشمول اولدرده مأموریتنه متفرع اولان

وقوعبولجه افاداتی وخصوصیله ذات فخامتسمات شاهیلرینه اولان محبت ومودت

صمیمیه‌مزه ودیهٔ الدولتینه برکمال بولنان مناسبات حقیقیه‌نک یوماً فیوماً کسب تزاید ایلمسی

بخصوصنده‌کی آرزومزه دائر تودیع حافظهٔ درایتی قلنان توثیقات جدیده نزد جناب

شاهیلرنده وثوق واعتماد اولنمسی مأمول خالصانه‌مز اولدیغی وهربار تزاید عافیت

وسعادت فخیمانه‌لری تمنی قلنمقده ایدوکی بمنه تعالی معلوم فخامتانه‌لری اولدقده بعدازین

ابراز آثار مولانکاری وفتوت همتلری توفیقکرده منحصر مزده

٢١ محرم ١٢٨٤

شمارهٔ سند: ۴۰۷
موضوع: پذیرش میرزا حسین‌خان در سفیرکبیری
تاریخ: اول جمادی‌الثانی ۱۲۸۶ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۷

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه راجع به اعلام و پذیرش میرزا حسین‌خان مشیرالدوله به سمت سفیرکبیر ایران در عثمانی. به ضمیمهٔ سواد اصل پاکت پشت‌نویس شده.

مشخصات: کاغذ به قطع نیم‌ورقی، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطان.

بمنه تعالی

تاجبخش اریکه آرای دولت علیهٔ ایرانیه شهامتلو قدرتلو
فخامتلو ناصرالدین شاه حضرتلرینک
صوب سعادتلرینه

وزارت امور خارجه [illegible]

۲۲
[illegible]

ارسال [illegible] ۱۲۸۶

ع
ث

شهامتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجرت پناه حضرتلری

نزد دولت علیه‌مزده اولان ایلچیلک عنوانیله مقیم اولان حاجی میرزا حسین خانک مأموریتی بیوک ایلچیلکه ترفیع اولندیغی

افاده‌سنی متضمن تسییر صوب خالصانه‌مز قلنان نامهٔ مودت علامهٔ شهانشاهیلری رسیدهٔ دست محبانه‌مز اولوب

دولتینهٔ فخیمه میانه‌سنده درکار اولان روابط دوستی و مخادنتک استکمال اسباب تأکد و تقرری ملتزم خالصانه‌مز

و نخبهٔ امالمز اولدیغنه و شان الیهک مأموریتی بو مطلبک حصولنه دلیل قوی بولندیغنه بناءً بالخاصه محظوظیت کامله

محبانه‌مزی استلزام ایلدیکی و دولتینک مناسبات وفاقیه‌سنک تأکدی امرنده وقوعبوله‌جق مساعیسنک طرفمزدن دائما

معاونت خالصه کوره‌جکنده شبهه اولمدیغی بیانیله اشبو نامهٔ مخصوصمز تحریر و تسییر قلندیغی و همیشه تمادی صحت و عافیت

پادشاهانه‌لری اقدم متمنا بولندیغی بمنه تعالی قریبهٔ علم فخامت وسیم قالری بیلنمک اولدقدن بعدازینه دخی صوب

خالصانه‌مزه آثار موالات ظهیریه‌یه شمول قلمنی متمنادر فی ۲۰ جمادی الآخره سنه ۱۲۸۶

شمارهٔ سند: ۴۰۸
موضوع: پذیرایی ناصرالدین شاه در سفر عتبات
تاریخ: جمادی‌الثانی ۱۲۸۷ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۶

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه، مبنی بر اعزام کمال پاشا جهت پذیرایی ناصرالدین شاه در سفر اماکن مقدسه، سواد اصل پاکت و پشت‌نویسی شدهٔ آن به خط ناصرالدین شاه بدین مضمون به ضمیمه است:

«نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان پادشاه آل عثمان که در سنهٔ ۱۲۸۷ یونیت‌ئیل [سال اسب] در وقت اعزام ما به زیارت اماکن مشرفهٔ عراق و عرب توسط سفیرکبیر کامل پاشا فرستادهٔ آن دولت، در منزل خانقین در وقت رفتن به عراق عرب به حضور رسید.»

مشخصات: در یک برگ نیم‌ورقی، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطان عثمانی، به لحاظ اهمیت، ترجمهٔ فارسی و پاکت ممهور و ظهرنویسی شده به خط ناصرالدین شاه به ضمیمه است.

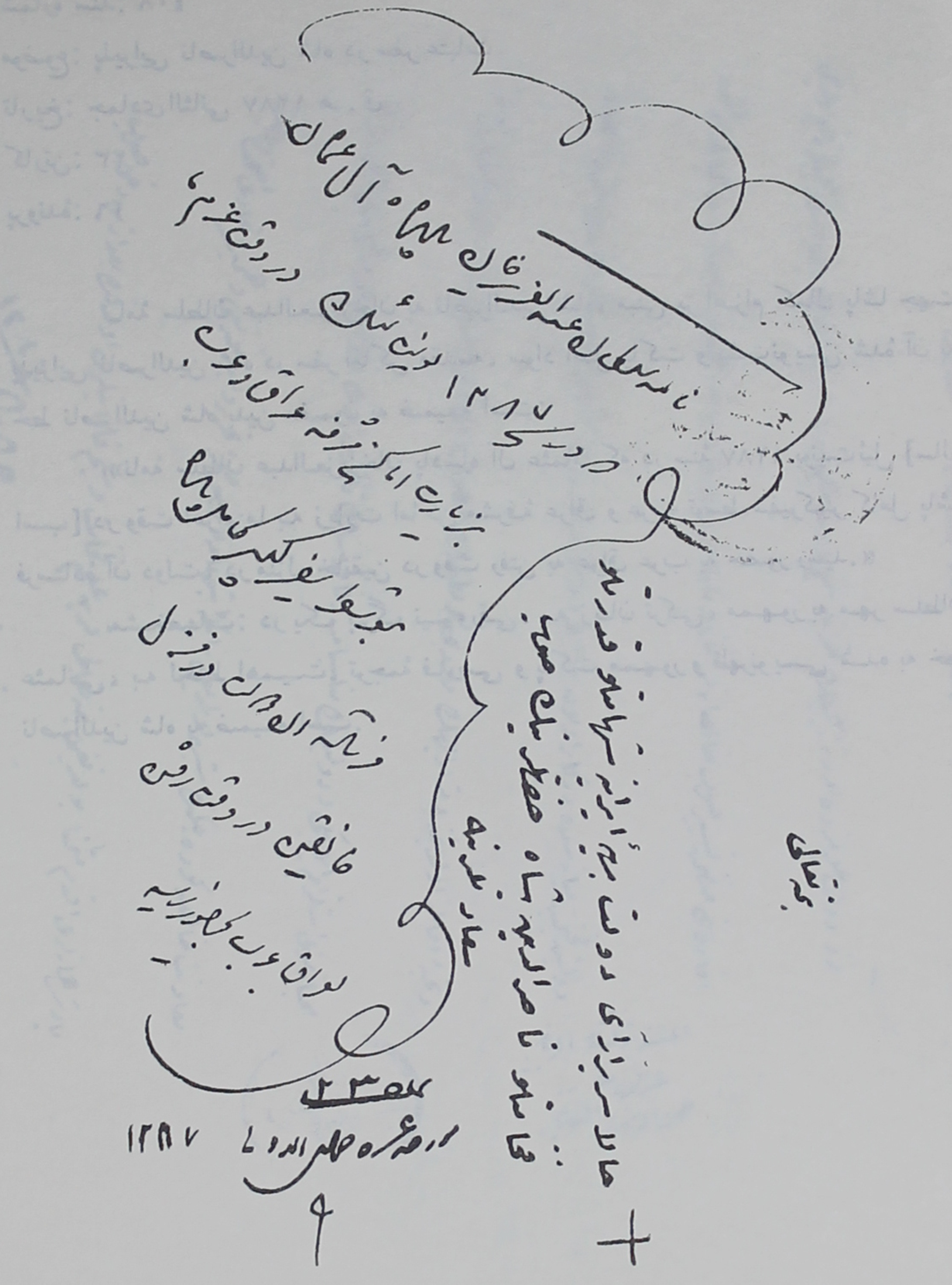

بسمه تعالی

حالا سرير آرای دولت بهيهٔ ايرانيه شهنشاه قدرتلو

قهرمانلو ناصرالدين شاه حضرتلرينك صحت

سعادتلرينه

۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۴۰۸
موضوع: اعزام کمال پاشا جهت پذیرایی از ناصرالدین شاه در سفر عتبات
تاریخ: غرة جمادی الثانی ۱۲۸۷ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۶

ترجمهٔ نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان به ناصرالدین شاه

صاحب شهامت و قدرت و فخامت حضر شاه مجدت پناه

خبر خیر برابر انعطاف و انصراف رغبت میامن غایت شاهانه به مفاد جلیله. قل لااسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی، به زیارت مثوبات آیات عتبات عالیات دامت منورهٔ به تجدد التجلیات، به صوب صواب جوی خالصانه ما عرض و تقریر گردید، محض احسان جناب رب قدیر این تصمیم پسندیده و نیّت برگزیده جای گیر ضمیر محاسن تأثیر جناب شاهانه و پیرایه‌فزای زبان تقدیر شد. همیشه آرزوی دل وداد موئل مخلصانهٔ ما بود که به توفیقیهٔ تعالی بالعافیه والاجلال به زیارت اماکن شریفه و مواقع منیفه واقعهٔ در آن دیار قدسیّت‌مدار توجه و اقبال فرمایند.

ذریعهٔ جمیلهٔ خود را برای ابراز اخلاص ستایشکاری به جانب اخلاص جالب تاجداری بَدَل تلاقی ذات معالی سمات شاهانه شمرده، مؤالفت صوریّهٔ مابین مودّت‌بنیان خودمان و معنی معتنابه ملاقات معنوی را درج و تضمین نمود. و برای ظهور ابتهاج و مسرت مخلصانهٔ خود و بیان و ایراد حالت حقیقی وداد که از قدرت قلم و اسطهٔ نژاد بیرون است و محض اقتضای مجاورت مرعیّه جانبین خاصهٔ مودّت و محبت مابین کمال پاشا که از منتخبین اعضای شورا و یکی از وزرای دولت علیهٔ ماست مخصوصاً مأمور و اعزام شد. که در اوقات حرکت و ساعات سیر و زیارت شهریارانه از طرف محبانهٔ ما رسم معتبر مهمانداری را ایفا نماید و در مقام تعظیم و تکریم ایستاده آستین جد و جهد برزنند.

صورت عرض وتبلیغ محبت واخلاص سپاس دارانهٔ خاصّ ما که اناً فاناً نسبت به ذات مستجمع الحسنات خسروانه در مراتب اختصاص است به مشارالیه توصیه و تفهیم شده. انشاءالله تعالی بعد از وصول به حضور محاسن موفور شاهانه و شمول التفات

خسروانه بر لآلی فایقهٔ تکریمات محبانهٔ ما که ودایع دُرج حافظهٔ او شده حسن نظر را اعتماد عالی مبذول خواهد شد. چون متمنای خالصانهٔ ما آن است که تأکید و تزیید وفاق و اتحاد دولتین علیتین و مخادنت مخصوصهٔ ما که به آن صوب سامی شاهانه در کار است و مشارالیه عرض خواهد کرد به حقیقت و صحت تمام محمول شود این ودادنامهٔ محبّانه مخالصت علامهٔ اصدار و تسیار پذیرفت.

بر خاطر همایون واضح است که در هر حال ملتمس است این صوب بقاخواهی را از آثار محبت فوأدیه حایز سرور نامتناهی فرمایند.

آرشیو متبهامتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتی

قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی اشارتـ

عتبات عالیات دامت منورة بتجدد التجلیات زیارت مثوبات ایاتنه جمیله سنجه رغبات میانه عنایات شاهانه لری معطوف و مصروف اولدیغی جرجیر برابری صوب صوابجوی خالصانه مزه عرض

و تقریر و اولوجهله تقریر یافتهٔ ضمیر محاسنه سمیر جناب شاهیری اولان تصمیمات پسندیده و نیات برگزیده موجب احسانه جلب

رب قدیر ویدیه فرای زیارت حسنه تقریر اولوب جانب اخلاص جالب تاجدارانه لرینه ابراز اخلاص شعاشکارانه

ذریعهٔ جمیله عد و اعتبار برله بتوفیقه تعالی بالعافیة والاجلال اول دیار قدسیتمدارده واقع اماکن شریفه و مواقع منیفه

زیارتگرینه توجه و اقبال بیورلسی همیشه آرزو داشتهٔ دل و داد موٴل مخلصانه مز اولان تلاقیٔ ذات معالیسماتلری

موافقت صوریه سنده بدل میانهٔ خلتمانه مزده ملاقات معنویه معنای مقتضابهیٔ وحی تقضیه ایلدیکی جهتله سرور آورده

حصول اولان حظ و مسار مخلصانه مزی کما هو حقه بیانه و ایراد بروجه بیارای خامه و اسطی نژاد اولدیغی بیانیله مجاورت

مرعیهٔ جانبین و بالخاصه حب و تواد مابین اقتضای منهجه مترتبا اوقات حرکت و عزیمت و ساعات سیر و زیارت شهریارانه لرده

طرف محبانه مزدن رسوم معتبرهٔ مهماندارینک ایفا و جانبنده ایستادهٔ مقام تعظیم و احترام و آستینه بجیدهٔ اهتمام تام اوله‌رق وزرا

وزرای معتبرهٔ دولت علیه مزدن و شورای دولت اعضاسی متحیزاننده کمال پاشا مخصوصا مأمور و اعزام و ذات منجمع الحسنات

خسروانه لرینه خاص و انا فانا رسیدهٔ مرتبهٔ اختصاص اولان محبت و اخلاص بی پایانه مزک صورت افاده و تبلیغی کندوسنه

توصیه و افهام قلنمغله بمنه تعالی بالوصول حضور محاسن موفور شاهانه لرینه انتقابای قیام و مثول و تودیع درج حافظه سی قلنان

لآلیٔ تکریمات فائقهٔ محبانه مزعلم احاطه آرای شاهیریله مشمول اولدقده حضره حسن نظر و اعتماد عالیلری مبذول و متأکد و تزاید

وفاق و اتحاد دولتینه علیتینه ماده سنده و صوب سامیلرینه درکار اولان محاذنت مخصوصه مز امرنده تام محبانه مزه اوله‌رق

عرض ایده‌جکی تأمینات تمامیله حمل و صحته محمول اولمسی تمنای خالصانه مز ابدوکی بیانیله اشبو وداد نامهٔ مخالصت علامه

اصدار و تسیار قلندیغی بمنه تعالی رهین علم و دلتری چوقدر هر حالده صوب بقاخواهی آثار محبت فوادیه ایله خاتم سرور ناممتناهی

بیورلسی متمنیدر

۱۲۸۷

شمارهٔ سند: ۴۰۹
موضوع: انتصاب اشرف‌پاشا به وزیرمختاری
تاریخ: ۲۳ شوال ۱۲۸۸ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۷

نامهٔ سلطان عبدالعزیزخان سلطان عثمانی به ناصرالدین شاه، مبنی بر انتصاب اشرف پاشا به سمت وزیرمختار عثمانی در ایران، به همراه سواد اصل پاکت ممهور و پشت‌نویسی شده آن.

مشخصات: به قطع نیم‌ورقی، به زبان ترکی، ممهور به مهر سلطان عثمانی.

بمنه تعالی

حالا سریرارای دولت بهیهٔ ایرانیه شهنشاهی

قدرتلو فخامتلو ناصرالدین شاه

حضرتلرینک صوب سعادتلرینه

آستانه خارجیه نظارت جلیلهسی ترجمه

نومرو ۳۳۶

ثبت ...

۱۲۸۱

[illegible]

٩

[illegible]

شوكتلو قدرتلو فخامتلو شاه جمجاه پناه حضرتلری

بين الدولتين تمنا مستقر و پايدار اولان مناسبات حقيقيه نك يوماً فيوماً تزايدی آرزوی خالصانه سيله سفارت

سلطنت سنيه مزه خدمتی فوق العاده اوزره ايلچيلك عنوانيله عساكر شاهانه مز فريقلرندن اشرف پاشايه توجيه و احاله

اولنمش اولديغندن حقنده حسن نظر شاهانه لری شمول اولدرق مومی اليه متفرعاً سلطنت سنيه مز نامنه وقوعبوله جق

افاداتنك و خصوصيله ذات فخيمانه شاهانه لرينه اولان محبت و مودت صحيحه مزه دائر توديع قوه حافظه سی قلنان

توثيقات جديده نك نزد جناب شاهانه لرنده رهين وثوق و اعتماد اولمسی مأمول خالصانه مز اولديغی و هر بار ديمومت

عافيت و سعادت فخيمانه لری تمنی قلنمقده ايدوكی بمنه تعالی معلوم قيلنديغی اولدقده بر وجه محرر سفير مشار اليهك حسن قبوليله

رعايت دائمه ملكدارانه لرينه مظهريتی خصوصنه همت والالرينك توقفكرده مجبانه مزدر

٢٢ ... ١٢٨٨

شمارهٔ سند: ۴۱۰

موضوع: ابقای منیف افندی در ایلچی کبری

تاریخ: ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۹۲ ترکی

کارتن: ۱۵

پروندهٔ: ۶/ح

ترجمهٔ نامهٔ حضرت سلطان مرادخان به حضور مبارک اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه [ناصرالدین شاه]

چون به ارادهٔ ازلیهٔ جناب رب الانام و قاعدهٔ مشروعهٔ مستحسنهٔ دولت علیه بالارث به تخت همایون بخت سلطنت اجداد عظام خودمان اسکنهم الله فی دارالنعیم جلسو محبانهٔ ما به وقوع پیوست و به ملاحظهٔ تأکید و بقای مناسبات جهت جامعهٔ اسلامیه و مودت و موالات موجوده که همواره فی مابین سلطنت سنیهٔ ما و آن دولت فخیمه برقرار و اعزمافی الحال است و سرکار علیه منیف افندی را که دارای رتبهٔ اولی و نشان مجیدی از درجهٔ اول است از طرف دولت علیهٔ ما به عنوان ایلچی کبری در نزد حکمرانی شما مأمور به اقامت بوده است را کماکان به عنوان مزبور ابقا نمودیم و در اینکه افندی مشارالیه از این به بعد هم در ایفای اموری که مأموریت دارد سعی خواهد نمود که مظهر حسن نظر و اعتماد شاهانهٔ همایون شما بشود اشتباه نداریم، از جانب دوستی جوانب ذات همایون و دولت علیهٔ ما دایر به تأکید موالات و دوستی دولتین هرگونه وقوعاتی است و اظهارات را به سمع وثوق و اعتماد مستدعی اصغا خواهد شد، به تمنای حرمت کامله و مودت خالصهٔ حاصلهٔ با ذات شهامت پناهی و تزاید عافیت فخیمانهٔ شما نیز علاوه بر تأمینات مبادرت نموده در هر حال از خداوند متعال شمول الطاف سبحانیه را متمنی هستم.

ترجمه نامه حضرت سلطان مراد خان که بحضور مبارک اعلیحضرت اقدس ایران ... روحنا فداه

چون باراده ازلیه جناب رب الدنیا و قاعده مشروعه مستحسنه دولت علیه بالارث بتخت همایون تخت سلطنت اجداد عظام خاقان [illegible]

جلوس میمنت مانوس بوقوع پیوست [illegible] سلطنت سنیه [illegible] از طرف دولت علیه ... سفیران ایلچی گری در ...

مامور [illegible] که آمده [illegible] [illegible] در آستانه [illegible]

در ابقای امور [illegible] ماموریت [illegible] و [illegible] همایون ما بود [illegible] از جانب [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] و اظهارات [illegible] تمامی حرمت کامله و مودت خالصه [illegible] با ذات [illegible]

و در زیادتی [illegible] تا نیز [illegible] در هر حال [illegible] سبحانه [illegible] ۲ ... سنه ۱۲۹۲

شمارهٔ سند: ۴۱۱
موضوع: اعتبارنامهٔ حاجی محسن خان مشیرالدوله
تاریخ: ۶ جمادی الاول ۱۲۹۳ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۶۱

تلگرام ناصرالدین شاه به سلطان مراد پنجم عثمانی و تأیید وزیرمختاری میرزا محسن خان مشیرالدوله

نمرهٔ ترتیب	نمرهٔ اصلی	تاریخ نوشته	مکتوب	تلگرام	صادر از
		شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۲۹۳	اعتبارنامهٔ حاجی محسن خان وزیر مختار اسلامبول که روز سه شنبه ۶ جمادی الاول سنهٔ ۱۲۹۳	سلطان عبدالعزیز از سلطنت خلع و سلطان مراد خامس را منصوب گردید	از طهران

مدار مجد و دولت مرکز سعد و شهامت حضرت سلطان عظیم الشأن

نظر به تشیید مبانی وداد و تأیید مراسم اتحاد که با الیمن و السعاده از قدیم الایام مابین دولتین علیتین، ابراز تسام به اقتضای مناسبات کلمه و مهیهٔ جامعهٔ اسلامیه باقی و مستدام بوده، در این مقصود، عاقبت محمود، نیز همواره از حسن نیت سعادت ایات جانبین افزوده و مخصوصاً نصب العین خاطر ما بوده است.

در این اوان سعادت اقتران که از مقتضیات ارادهٔ قادر منان جلت قدرته و عظمته جلوس میمنت مأنوس بر تخت سلطنت بالارث والاستحقاق به مبارکی و میمنت و اقبال به آن اعلی حضرت، سمت انتقال و استقلال یافت از مقتضیات موجبات ازدیاد صفوت و اتحاد شمردیم که صیانت علایق گران بهای مودّت و محافظت روابط کثیرالاعتلای دوستی خالصانه و خلت خالصه بین الدولتین الاسلامیتین را کماکان به کف کفایت جناب حاجی «محسن خان معین الملک» به همان رتبه و درجهٔ وزیرمختاری و ایلچی

کبری مخصوص، که در دربار آن دولت علیه رسم اقامت داشته و دارد محول و موکل و شمول نظر اعتماد.*

* این تلگرام ناقص است و دنبالهٔ آن پیدا نشد.

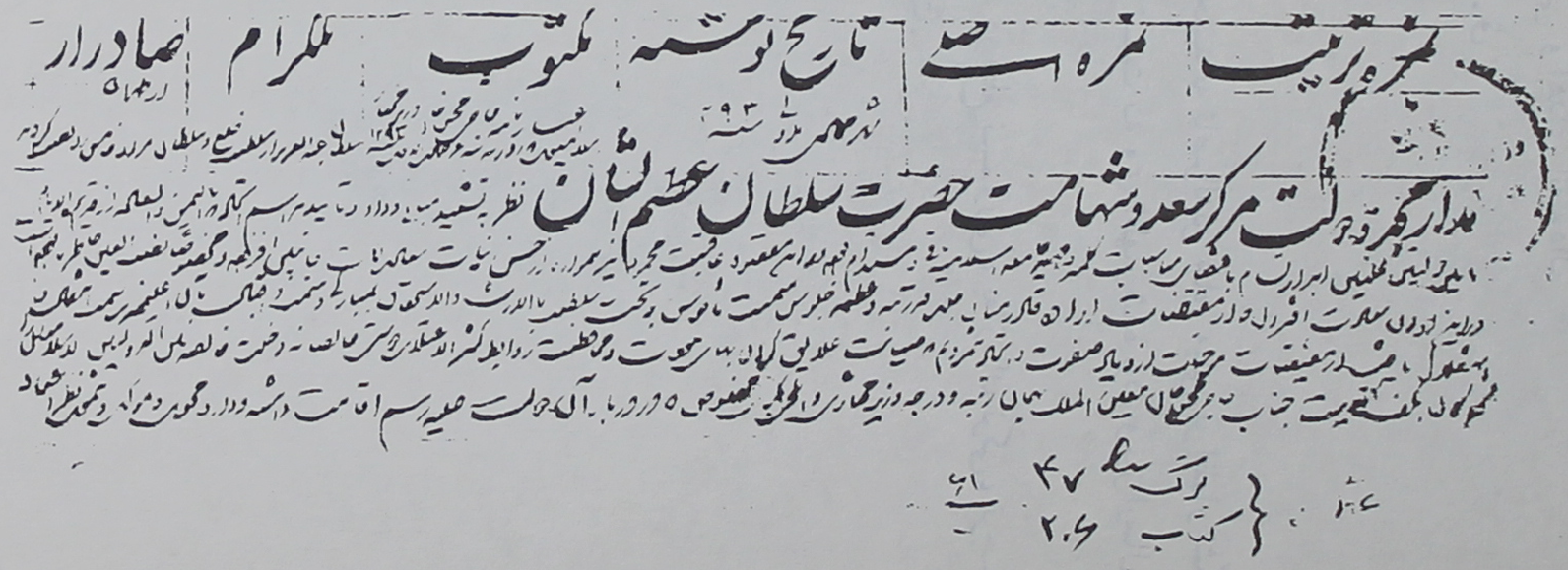
صادره وارده	تلگرام	مکتوب	تاریخ نوشته	نمره ثبت	نمره ترتیب

مدار مجد و دولت مرکز سعد و شهامت حضرت سلطان اعظم الشان

۴۷
۲۰۶

شمارهٔ سند: ٤١٢
موضوع: اظهار مراتب دوستی و اهدای انفیه‌دان
تاریخ: ٦ شوال ۱۲۹۹ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۹

نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه، مبنی بر اظهار تشکر از مراتب دوستی، که به وسیلهٔ سلیمان پاشا نسبت به وی اظهار شده بود، و نیز ارسال یک قوطی انفیه‌دان مرصع برای ناصرالدین شاه.

مشخصات: کاغذ در قطع نیم‌ورقی، به زبان ترکی، ترجمهٔ فارسی آن و سواد اصل پاکت به ضمیمه است.

آرشیو وزارتخانه : امور خارجه
شماره ۳۲۸ : ورقه ۹
ثبت شد . ۱۲۵۱

وزارت امور خارجه

بحقیقتی

آرشه حالا بیرارای دولت علیهٔ ایرانیه شاهانه
... ناصرالدین شاه حضرتلرینک
صوب سعادتلرینه

نامه سلطان ... ۲۹۹

شمارهٔ سند: ۴۱۲

موضوع: اظهار مراتب دوستی و ارسال یک قوطی انفیه‌دان مرصع

تاریخ: ۶ شوال ۱۲۹۹ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ۱۹

ترجمهٔ سواد اصل نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه

چون پیوسته در نظر داریم مصافات و مسالماتی که فی‌مابین ماذوات شهامت‌سمات شاهانه تیمناً پایدار و آناً فاناً تزاید و ترقی آن آرزوی مخصوص مخالصت شعار است، به هر موقعی مطلوب اخلاص مصحوب طرفین مستحکم و اسباب حقیقیهٔ تحصیل آن فراهم آمد و شریطهٔ مرغوبهٔ این مقصد خیر مرصد هم ابراز دلایل دوستی و محبت است. لهذا به واسطهٔ سلیمان پاشای میرلوا که قبل از این به عنوان مأموریت مخصوصهٔ وفد شاهانه ارسال شده و افادات محاسن آیات شاهانه را نیز که در تشخیص درجات موالات و مخادنت ملتزمهٔ بین‌الدولتین ودیعهٔ قوهٔ حافظهٔ او فرموده بودند ابلاغ کرده است.

یک قطعه قوطی انفیهٔ مرصع به پیشگاه شهامت‌دستگاه شاهانه اهدا و ارسال گردید، چون از طرف محبانهٔ ما یادگار مودّت‌مدار است به تمنی حسن قبول آن و همچنین به تمنی اینکه آرزوی مشترکهٔ ما در حق تأیید منافع دولت علیه و فرمان‌روایی محترم شاهانه چنانکه مقتضای جهت جامعه اسلامیه است من‌بعد نیز در مرتبهٔ کمال قرین حسن جریان بوده باشد، به تحریر این نامهٔ مخالصت علامه مبادرت گردید. من‌بعد را ابراز مآثر وداد و موالات به مصروفیت همّم شهامت‌شیم شاهانه منوط و متمنی می‌باشد.

شهامتلو قدرتلو فخامتلو شاه محمد پناه حضرتلری

ذات شهامت سمات شاهیلرینه میانه‌مزده نمایان اولان آثار تزاید ورقی ارزوی مخصوص ضمیر مخالصت شعار اولان مصافات ومساعدات کاملانک مطلوب

اخلاص مصحوب طرفینه مرتبه سنده تحکیمی اسباب حقیقیه‌سی استحضار هر بار خاطرکذار اولدیغنه وبو مقصد خیر مرصدک ابراز آثار حاصله‌سی دخی مربوط نیک

مرغوبه موالاتکاریه‌یه بولندیغنی بونده مقدم مأموریت مخصوصه ایله نزد مکارم وفد حکمدارانه‌لرینه اعزام ایلنمش وبینه الدولتین ملتزم اولان موالات ومحاد

تقدیر دریاسانه دار ودیعه قوه حافظه‌سی اولان اخادت محاسن آیات شاهیلرینی تبلیغ ایلمش اولان میرلوا سلیمان پاشا وسطیله پیشگاه شهامت پناه

حکمدارانه‌لرینه برقطعه مرصع انفیه محفظه‌سی ارسال واهدا ایلدیکم اولمغله بونک طرف مجبانه‌مزدن بر یادکار موقوف مدار اولمق اوزره حسن قبولی وجهت

جامعه اسلامیه اقتضاسنجه دولت علیه ایله حکومت محترمه‌لرینک تأیید منافع حقه‌سی ارزوی شیرازکن بونده بولیه دخی مرتبه کمالنده حسن جریانی تمنیاتی ایله

اشبو نامه مخالصت علامه‌مز تحریر وتسییر قلنمغله بعد از این هر حالده اظهار مأثور وموالاته مصروفیت همت شهامت منقبتلری مأمولدر

عبد الحمید

۱۰ شوال ۹۹

شمارهٔ سند: ۴۱۳
موضوع: اظهار مسرت سلطان عبدالحمید از تولد فرزند ناصرالدین شاه
تاریخ: ۲۱ شوال ۱۲۹۹ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۲۰

نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه، مبنی بر وصول و مسرت از تولد پسری به نام نصرت‌الدین میرزا برای ناصرالدین شاه به ضمیمهٔ اصل سواد پاکت ممهور آن.
مشخصات: در قطع نیم‌ورقی، به زبان ترکی، و ترجمهٔ فارسی و پاکت ممهور آن ضمیمه است.

سواد ترجمهٔ نامهٔ اعلی حضرت سلطانی در جواب نامهٔ اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی

نامهٔ مودت علامهٔ فخیمانه که ارسال صوب محبت گشته و متضمن خبر مسرت اثر مهدآرای وجودشدن یک پسر محترم و تسمیهٔ ایشان به نبیل نصرت‌الدین میرزا بود مضمون آن معلوم مخلص گردید، چون به مقتضای محبت و مودت صمیمه‌ای کهٖ با ذات فخامت‌سمات شاهانه داریم از این گونه وقوعات متیمّنه کسب سرور و محظوظیّت می‌نماییم این بشارت نیز مستلزم سرور ما محضور گردیده، به عنوان تهنیت قدوم مشارالیه و آرزوی دوام عافیت و سعادت فخیمانهٔ شاهانه، همین نامهٔ مودت علامه تسطیر و مصحوب میرلوا سلیمان پاشا که برای ابلاغ نامهٔ دیگر ما مأمور و روانه است ارسال شد. من‌بعد نیز در هر حالتی صرف همم محاسن شیم شاهانه ابراز مآثر خیخواهی و مخاذنت مأمول خالصانهٔ ماست.

محل امضای عبدالحمید
مورخ ۲۱ شهر شوال سنهٔ ۹۹

بعونه تعالی

حالا سریر آرای دولت بهیهٔ ایرانیه
شاهنشاه قدرتلو فخامتلو ناصر الدین
شاه حضرتلرینك صحبت سعادتلرینه

١٢٩٢

شوکتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتلری

بو دفعه برخوردار مخدوم مکرملری مهد آرای وجود اوله‌رق نبیل نصرة الدین میرزا تسمیه قلندیغی خبر مسرت اثرینی متضمن ارسال سوی محبی قلنان نامهٔ مودت علامهٔ فخیمانه‌لری مفادی رهین ایقان مخلصی اولمشدر ذات فخامت سمات شهریاری دیکار اولان محبت و مودت صمیمیه‌مز اقتضاسنجه بو مثللو وقوعات خجسته‌دن اکتساب سرور و محظوظیت ایلدیکمزدن بو ماده دخی مستلزم مسار بیشمار اولدیغنی و شاهزاده‌لرک نجیب قدوملری برابر دیکوشیت عافیت و سعادت فخیمانه‌لری تمنی قلنمقده ایدوکنی بیانیله اشبو نامهٔ مودت علامه‌مز تسطیر و دیکر نامه‌مزک ایصالنه مأموراً اعزام قلنان میرلوا سلیمان پاشایه [illegible] تسلیم قلنمقله بعدازین دخی هر حالده ابراز مآثر خیرخواهی و محافظت شعاریه مصروفیت همت محاسن منقبت شهریاری مأمول خالصانه‌مزدر

۱۱ شوال

عبدالحمید

شمارهٔ سند: ٤١٤
موضوع: اهدای نشان و فرمان سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه به وسیله نصرت پاشا
تاریخ: ٦ جمادی الاول ۱۳۰۳ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۲۲

ترجمهٔ فرمان نشان امتیاز عثمانی که به وسیلهٔ سلطان عبدالحمید برای ناصرالدین شاه ارسال شده است

چون برحسب ایجاب روابط یک جهتی که فی مابین سلطنت سنیهٔ عثمانیه و دولت علیهٔ ایرانیه در کار است، به هر موقعی از جانب شهامت جالب حکمدار ذی‌نشان و شاه معالی عنوان دولت محترمهٔ مشارالیها ذوالشهامه و القدرة والفخامهٔ حضرت ناصرالدین شاه قاجار آثار برگزیدهٔ مودت شعاری و خیرخواهی در باب استقرار و تأیید موالات و مصافات (که پیوسته بین الدولتین تیمناً جاری است) مشهور گردیده و درجات مخالصت بنیاد آن در نزد ما رهین کمال تقدیر و سپاس است.

علی هذا یک قطعه مرصعهٔ نشان عالی امتیاز را به انضمام مدالیه‌های طلا و نقرهٔ متفرعهٔ به آن (که بزرگتر از همهٔ نشانهای دولت مؤیدهٔ عثمانیه و از طرف اشرف شهریارانهٔ ما تأسیس شده است) برای اینکه نشانهٔ علنی به تقدیر و سپاس مزبور بشود به حضرت شاه مشارالیه اهدا و ارسال و این برات همایون من‌مشعر به تفصیل مسطور اصدار و اعطا شد.*

* این فرمان به سند ٤١٥ مربوط است.

سلطنت سنیهٔ عثمانیه ایله دولت علیهٔ ایرانیه میانه‌سنده برقرار اولان روابط حسنه‌نك ایجابنجه دولتلرین [illegible] تمنا جاری اولان

مودت و مصافاتك استقرار و تأییدی امرنده دولت محترمهٔ مشار الیها حکمدار ذیشانی و شاه معالی عنوانی شهنشاه قدرتلو فخامتلو

ناصر الدین شاه قاجار حضرتلری جانب شاهانه‌لرندن ابراز بیورلمقده اولان آثار برگزیدهٔ مودت شعاری و خیرخواهیلری حاوی حال

مخالصت بینانه‌نك تزایدینه [illegible] کمال تقدیر و ستایشی [illegible] دولت عثمانیه نشانه‌سی اولمق اوزره دولت مؤیدهٔ عثمانیه [illegible] نشان

[illegible] شهریارانه‌مزدن تأسیس [illegible] نشان عثمانینك [illegible] برقطعه مرصعه‌سی [illegible] آلتون و کموش

[illegible] شاه مشار الیه حضرتلرینه اهدا و ارسال [illegible] متضمن اشبو [illegible]

قسطنطنیه‌ده تحریر [illegible] فی الیوم السادس من شهر جمادی الاولی لسنة ثلث وثمانین [illegible]

شمارهٔ سند: ٤۱۵

موضوع: ارسال نشان و اظهار دوستی

تاریخ: ۹ رجب ۱۳۰۳ هـ . ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ۲۳

نامهٔ سلطان عبدالحمید سلطان عثمانی به ناصرالدین شاه، مبنی بر ارسال یک قطعه نشان و اظهار مناسبات دوستی همراه سواد اصل یک برگ فرمان نشان و سواد اصل پاکت ممهور آن ضمیمه است.

مشخصات: به قطع نیم‌ورقی، به زبان ترکی، با ترجمهٔ فارسی متن فرمان.

بمنه تعالی

... آرای دولت بهیهٔ ایرانیه شهریار ...
... قدر قدرتلو قجاقلو ناصر الدین شاه قاجار
حضرتلرینک حضور بهجت موفورلرینه

وزارت امور خارجه
آرشیو

نامه دوستانهٔ ذاتی واسطهٔ نصرت پاشا اللهیله با نعطاف بیکقیره
رحمیه و منعقره ترجمه لکن مرتبتی سر الهاله ... با بر کرشه بو د
نعمت کلی بخبر بو د ر

وزارت امور خارجه
آرشیو

آرشیو

شوكتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتلری

بر مقتضای جهت جامعهٔ اسلامیه دولتین علیتین بیننده تیمناً جاری و پایدار اولان مناسبات حسنه و روابط حقیقیهٔ اتحادكارانه لوازمندن اولارق بین الطرفین هر بار
اظهار اولنان كلانه مآثر برگزیدهٔ حب و موالاتك جملهٔ جمیله سندن اولارق دولت مؤیدهٔ عثمانیه‌مزك ان بیوك نشانی اولمق اوزره طرف ملوكانه‌مزدن تأسیس قلنمش اولان
نشان عالی امتیازدن بو كره ذات شوكتسمات شاهانه‌لرینه لاجل الاهدا برقطعه‌سیله متفرعاتندن بولنان مدالیه‌لری جانب فخامت جالب شاهانه‌لرینه ایصال
مرصع عثمانی و مجیدی نشانلریله نشان امتیاز آلتونده دكومش مدالیه‌لری حائز و حامل بولنان بحریه مشیرانه و یاورانه كرامیمزدن حضرت پاشا مأمور ایدلمش اولمغله حسیات
خالصهٔ مودتكارانه‌مزك آثار باهره سندن اولان اشبو یادگار محادنت شعارینك نزد عالی شوكتپناهیلرنده حسن قبول مظهریتی اقصی مآربمز اولدیغنی بیانله
ترقیم نامهٔ مودت علامه‌یه ابتدار قلندی ۹ رجب ۱۳۰۶

عبدالحمید

شمارهٔ سند: ٤١٦

موضوع: اظهار دوستی و ارسال یک قطعه نشان

تاریخ: ۵ جمادی الآخر ۱۳۰٤ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پرونده: ۲٤

نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه، مبنی بر اظهار دوستی و مودت بین دولتین، و ارسال یک قطعه نشان برای ناصرالدین شاه. به ضمیمهٔ سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده و یک برگ ترجمهٔ فارسی نامه.

مشخصات: به قطر نیم ورقی ضخیم، به زبان ترکی.

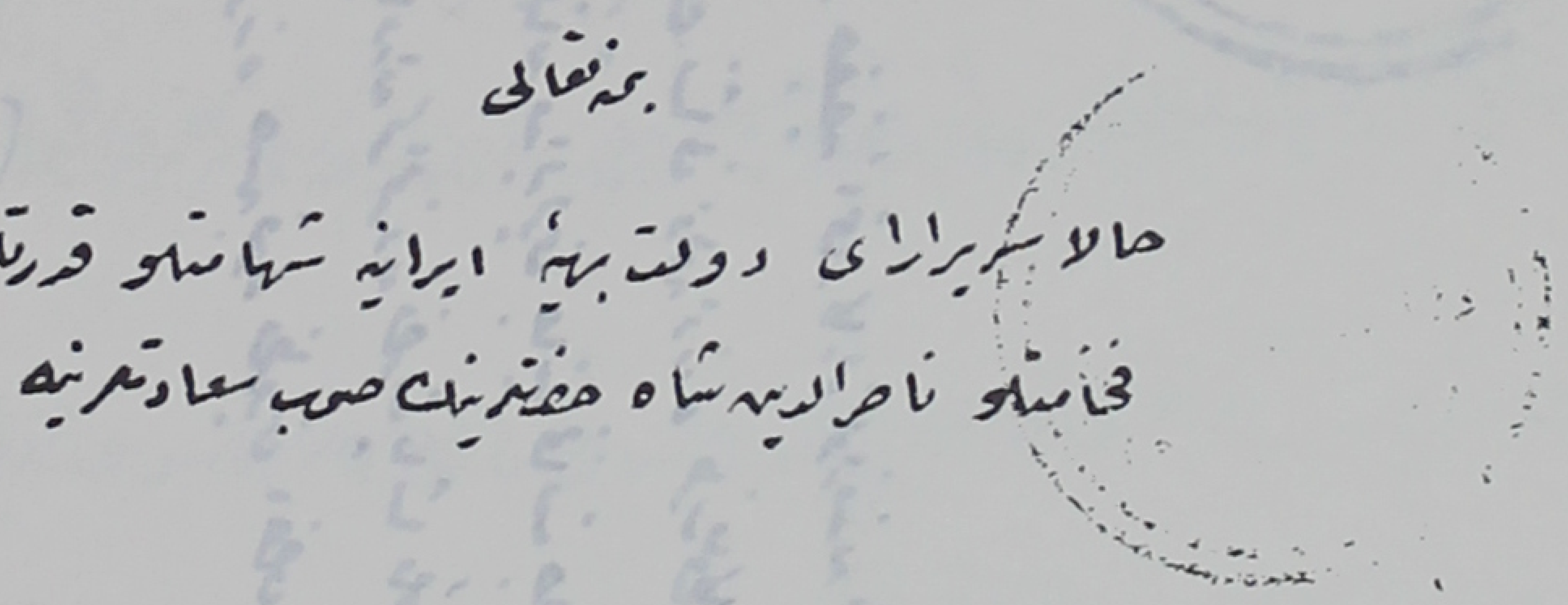
بعونه تعالی
حالا سریرآرای دولت بهیهٔ ایرانیه شهامتلو قدرتلو
فخامتلو ناصرالدین شاه حضرتلرینک صوب سعادتلرینه

ذات همایون ان‌شاءالله تعالی تراج

شریف جنابعالی در کمال خوشی و سلامت است

نامه سلطان عثمانی را با ترجمه آن بعرض رسانید

فرستاده در خزانه مبارکه ضبط فرمایند

نامه رحمی نوشته شد ان‌شاءالله الرحیم

شمارهٔ سند: ٤١٦
موضوع: ارسال یک قطعه نشان برای ناصرالدین شاه از طرف سلطان عبدالحمید
تاریخ: ۵ جمادی الاخر ۱۳۰٤ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۲٤

سواد ترجمهٔ نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان سلطان عثمانی به ناصرالدین شاه

حضرت قدر قدرت پادشاه مجدت پناه شهامت و فخامت اکتناه

تأکید و استقرار موالات بین الدولتین و بالخاصه خلوص و محبتی که میان ذات شاهانهٔ ما و جناب فخامت‌مآب پادشاهی حاصل است، پیوسته مطلوب و ملتزم ما بوده و اجرای رسم دوستی و خِلّت در هنگام ظهور وسیلهٔ مناسبه بی شبهه مستلزم حصول این مطلب می باشد.

این دفعه برای نشان امتیاز نشان کوچکی با حمایل آن ایجاد شده و چون یک قطعه از نشان امتیاز مذکور سابقاً به طرف باهرالشرف پادشاهی ارسال و اهدا گشته از این نشان کوچک نیز که علاوهٔ نشان امیتاز مذکور است، یک قطعه با حمایلی آن به جناب سنی الجوانب پادشاهی ارسال و مأمول خالصانه است که بعد از آنکه معلوم فخامت ملزوم خسروانه شد آن را نیز هین حسن قبول فرموده و بعد از این هم جانب وداد‌خواهی به آثار مخالصت فخیمانهٔ مباهی خواهد شد.

امضا - عبدالحمید

وزارت امور خارجه
آرشیو

شهامتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتلری

ایران و دولت علیه بین الدولتینده درکار اولان مؤالفت و بالخاصه ذات شاهانه‌لریله جناب فخامت مآب حکمداریلری بیننده موجود اولان
خلوص و محبتک آنه بانه تأکید و استقراری مطلوب و ملتزممز اولدیغندن وسیله مناسبه ظهورنده اجرای رسم مودتکاری
بو مطلبک حصولی مستلزم اولدیغی بدیهی بولنمش و بوکره امتیاز نشانی اجویه مع قوردونه کوچک برنشانه احداث اولنوب نشانه
امتیاز مذکورک برقطعه‌سی اوله‌رق طرف باهر الشرف حکمدارانه‌لرینه ارسال و اهدا قلنمسه اولدیغنه بناءً مذکور نشانک علاوه‌سی اولان
اشبو کوچک نشانک دخی قوردونیله برابر صوب حشمت اوب شاهانه‌لرینه بعث و تسیار قلندیغی معلوم فخامت ملزوم خسروانه‌لری اولدقده
بونلرده دخی حسن قبول اولنه‌رق بعدما دخی جانب وداد خواهی آثار فخامت انتمالریله و دولت ... مأمول خالصانه‌مزدر

۱۵ جمادی الاولی ۱۳۰۴

عبدالحمید

شمارهٔ سند: ۴۱۷
موضوع: اظهار تشکر از پیام مودت آمیز ناصرالدین شاه
تاریخ: ۲۵ صفر ۱۳۰۷ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۲۵

نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان سلطان عثمانی به ناصرالدین شاه، مبنی بر عذرخواهی از تأخیر شرفیابی نمایندهٔ سلطان در آذربایجان و تشکر از پیغام مودّت آمیز که به وسیلهٔ میرزا محسن خان مؤیدالملک ناصرالدین شاه به وی ابلاغ شده. سواد اصل پاکت پشت نویسی شده ممهور به مهر سلطان عثمانی به ضمیمه است.

مشخصات: به قطع نیم ورقی ضخیم به زبان ترکی.

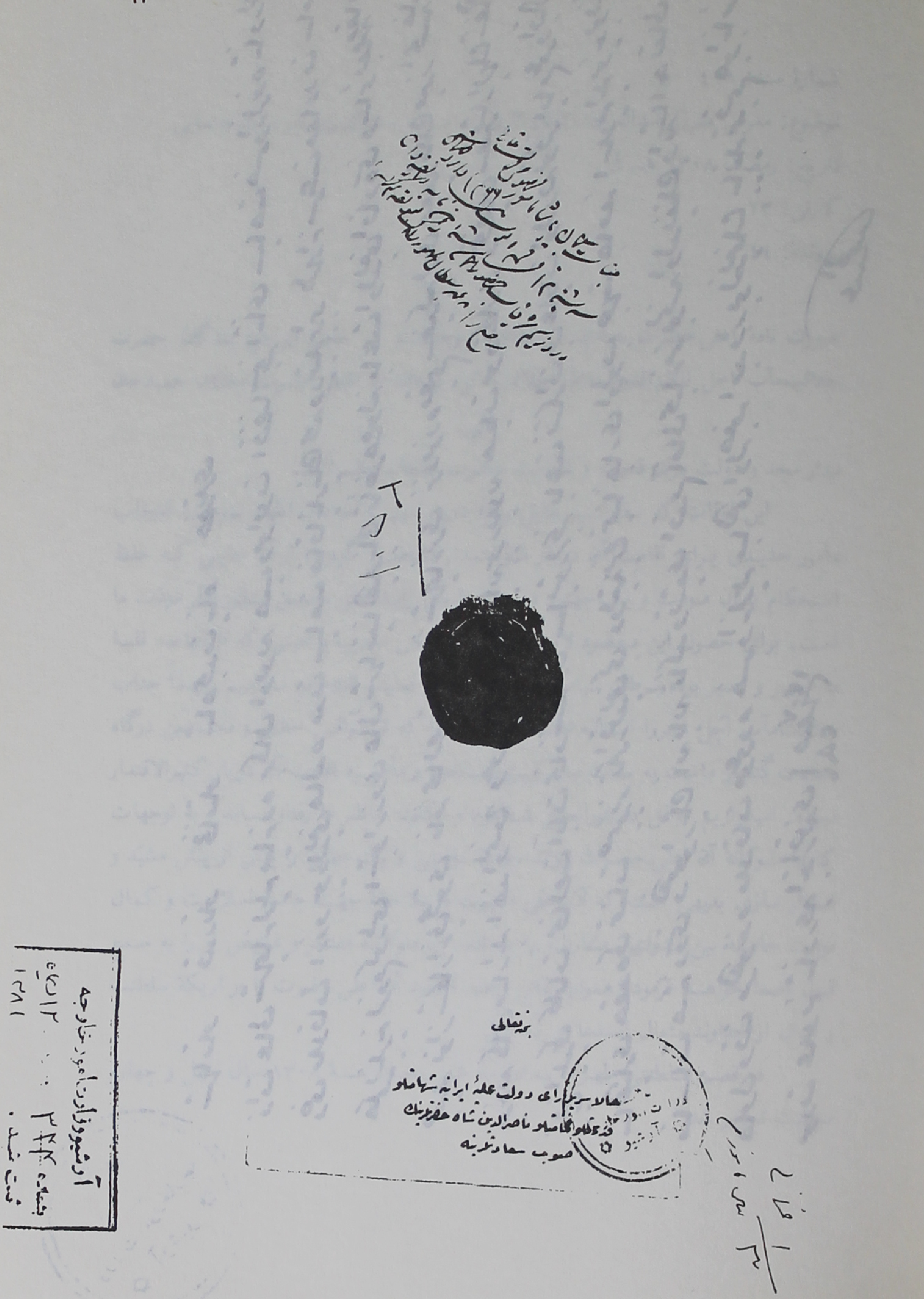
آرشیو وزارت امور خارجه
بشماره ۳۴۴ ... ۱۲ الحجه
ثبت شد . ۱۲۸۱

وزارت امور خارجه
آرشیو

شهامتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتلری

ذات عالی شهنشاهانه‌لریله میانه‌ده برکمال اولان حب و موالات اقتضاسنجه اثنای سیاحت خسروانه‌لرنده شادارلیله
وجه ملاقاتی آرزو بیوردقلری حالده مدت سیاحت خاقانیلرینک محدودیتی جهتیله طهرانه سرعت معاودت سامیه
حکمرانیلرینه لزوم کورلمسی اشبو آرزوی عالی شهنشاهیلرینک تأخر حصوله باعث اولدیغی افاده‌سنی و سائر بعض مقالاتی
جمیله فوائد شکارانی محتوی نامه مخالصت علامه شهنشاهانه‌لری نزدمزده مقیم سفیر کبیرلری معین الملک میرزا محسن خان
بویوده کمال مسارله اخذ و تسلم و حمه خلوص وروده بیانه بیوریلان حسیات مودتکاری و تخصیص سفیر مشار الیهک شفاهاً
تبلیغ ایلدیکی کلمات مخالصت آیات مخادنت شعاری سایه‌لرنجه باعث تشکرات بی غایات اولدرجه توفر ایام عمر و اقبال
شاهانه‌لری حقنده‌کی تمنیات صمیمیه‌مز تکرار قیلندیغی کبی دولتینمیز بیننده تیمناً جاری اولوب جهت جامعهٔ اسلامیه ایله مؤید اولنان
مناسبات حسنهٔ دوستی و همجوارینک ابدیاً تأکد و تشیدی اقدم آمال محبانه‌مز بولندیغی و ان شاء الله تعالی
حلول وقت مرهوننده ملاقات موعودهٔ خسروانه‌لریله مباهی اوله جغمز امیدوار بولندیغمک بیانیله ترقیم جوابنامه
مودت علامهٔ شاهانه‌یه ابتدار قلندی ۲۸ صفر ۱۳۰۷

عبد الحمید

شمارهٔ سند: ۴۱۸

موضوع: معرفی میرزا اسداله خان ناظم الدوله به سمت سفیرکبیری در دربار عثمانی

تاریخ: رمضان ۱۳۰۸ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ٤٤

صورت نامهٔ اعلی حضرت همایون شاهنشاهی روحنافداه که حامل او خود بندگان حضرت جلالت‌مآب اجل ناظم الدوله دام اجلاله تعالی بوده‌اند به اعلی حضرت سلطان حمیدخان ثانی.

مدار مجد و دولت مرکز قدرت و شهامت حضرت سلطان عظیم الشأن

این اوقات که سفیرکبیر سابق را به دربار دولت خودمان اظهار نمودیم، انتخاب مأمور جدیدی برای اقامت آن دربار شوکتمدار مقتضی گردید، از آن جایی که حفظ استحکام بنیان مودت و یک جهتی دولتین علیتین زایداً علی ماسبق منظور نظر مودّت ما است، برای حصول این مقصود لازم دانستیم، شخص مجرب و امینی که از مقاصد قلبیهٔ ما خبیر و بصیر بوده برطبق نیات حسنهٔ ما رفتار نماید، انتخاب نماییم. لهذا جناب جلالت‌مآب اجل میرزا اسداله خان ناظم الدوله را که از موثقین حضور و معتمدین درگاه سعادت گنجور ماست به سمت سفیرکبیری منتخب و مأمور به اقامت آن دربار کثیرالاقتدار نموده، امیدواریم موافق دستورالعمل شفاهیه و مکنون خاطر ما رفتار نماید و به توجهات کاملهٔ ملوکانهٔ آن اعلی حضرت بتواند روابط دوستی و یک جهتی را پیش از پیش مشیّد و استوار سازد. بدیهی است که آن اعلی حضرت به ملاحظهٔ جهت جامعهٔ اسلامیت و کمال مودت حاصله بین الدولتین مشارالیه را به تفقدات ملوکانه مفتخر و عرایض او را به سمع قبول اصغا خواهند فرمود. همواره بقای وجود مسعود آن اعلی حضرت را بر اریکهٔ سلطنت و اقبال از خداوند متعال استدعا می نماییم.

در قصر سلطنتی طهران به تاریخ شهر رمضان سنهٔ ۱۳۰۸ سال چهل و چهارم سلطنت تحریر شد.

صورت نامهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی روحنا فداه در حین حرکت جناب جلالتمآب اجل ناظم الدوله میرزا اسعدالله خان
به دولت علیه به اعلیحضرت سلطان حمیدخان ثانی

برادر امجد والاگهر فخامت و شهامت همراه حضرت سلطان عظیم‌الشأن

این اوقات که سفیر کبیر سابق را از دربار دولت علیه عثمانی احضار نمودیم الحال مأمور جدیدی برای آن سمت در آن دربار برگزیدیم که از مقتضیات شغل آن بزرگ سفارت حفظ آنگونه روابط
سعادت و یکجهتی دولتین متحابتین را باید عمیق باشد منظور نظر سعادت مآب آن برادر گرامی مخصوص همانقدر که حین مشخص محرر در میان دولتین متقاعده قلبیه با خبر و بصیرت
بر طبق نیات حسنه ما رفتار نماید انتخاب نمائیم لهذا جناب جلالتمآب اجل میرزا اسعدالله خان ناظم الدوله را که از مستوفیان حضور و معتمدین درگاه همایون ماست
بسمت سفیر کبیری منتخب و مأمور به آن سمت در آن دربار گردانیده در قسمت امیدواریم که موافق دستورالعمل شفاهیه و کتبیه خاطر ما رفتار نماید و مراتب جهات کامله همه کامله ما را اعلی
اعلیحضرت تواند روابط دوستی و یکجهتی را بیش از پیش تشیید و استوار سازد بدیهی است صدق آن اعلیحضرت به بعد حضور جناب معظم الیه عنایت و توجهی که در حق معظم
الیه الدولتین مشارالیه را مفتخر لطف ملوکانه و عرایض او را بسمع قبول جای خواهند داد این هنگام اعتبار و وجود مسعود آن اعلیحضرت را برای ادامه عظمت
و اقبال از خداوند متعال خواستاریم در قصر سلطنتی طهران بتاریخ شهر رمضان سنه ۱۳۰۵ سال چهل و چهارم سلطنت تحریر شد

شمارهٔ سند: ۴۱۹
موضوع: تأیید سفارت میرزا اسدالله خان ناظم الدوله
تاریخ: ۶ جمادی الاخر ۱۳۰۹ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۲۶

نامهٔ سلطان عبدالحمیدخان به ناصرالدین شاه، در خصوص تأیید سفارت میرزا اسدالله خان ناظم الدوله، سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده به ضمیمه است.

مشخصات: کاغذ به قطع نیم‌ورقی ضخیم، به زبان ترکی، در روی پاکت ممهور آن به خط ناصرالدین شاه عبارت «جواب نامهٔ ماست که سلطان عثمانی عبدالحمید در مأموریت میرزا اسدالله خان ناظم الدوله به سمت ایلچی کبیری نوشته شده ۳۱۱ هجری ایلان ایل در قصر صاحب‌قرانیه غالب بیگ ایلچی کبیر عثمانی به حضور آورد. ربیع الاول برج سنبله».

شوکتلو قدرتلو مفخملو شاه جمشید پناه حضرتلری

دولتینه بیننده تیمناً موجود اولان روابط ودّ و مصافاتک محافظه و ترصینی اسبابنک استکمالی خصوصنده‌کی آرزوی صمیمی حکمدارانه‌لرینی تأییداً ناظم الدوله میرزا اسد الله خانک سفیر کبیر صفتیله نزد سلطنت سنیه‌مزه مأموراً تعیینی فقره‌سنی افاده‌سنی حاوی ارسال سوی خالصانه‌مز قلنان نامهٔ ودادعلامهٔ حکمدارانه‌لری اخذ اولنمشدر. مشارالیهک خدمت سفارته انتخاب و مأموریتی دولتینه بیننده موجود و تأمینه زیاده مطلوب و ملتزم اولان وفاق و مخادنتک تأکیدی خصوصنده‌کی آرزوی طرفینک فعلیاتنه دلیل قوی اولدیغندن محظوظیت مخلصانه‌مزی استلزام ایلدیکی و تشیید روابط و یکجهتی امرنده سفیر مشارالیهک وقوع بولاجق مساعیسنه جانب دولتعلیه‌مزدن دائماً معاونت گوستریله‌جکنده اشتباه اولمدیغی بیانیله ایشبو نامهٔ مخصوص تحریر و تسییر قلندی. بعد ازین دخی اجرای لازمهٔ موالاتکارییه مصروفیت همت والا منقبت حکمدارانه‌لری مأمول خالصانه‌مزدر.

۱ جمادی الآخره سنه ۱۳۰۹

عبد الحمید

بعونه تعالی

حالا سریر آرای دولت بهیهٔ ایرانیه شوکتلو قدرتلو
مفخملو ناصر الدین شاه حضرتلرینک
صوب سعادتلرینه

نمره ۱۹۵۵

شمارهٔ سند: ۴۲۰
موضوع: تشکر از پذیرش سفارت غالب‌بیگ
تاریخ: رجب ۱۳۱۰ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۲۷

ترجمهٔ نامهٔ سلطان عبدالحمید به ناصرالدین شاه، مبنی بر تشکر از پذیرش غالب‌بیگ سفیرکبیر عثمانی در دربار ایران به ضمیمهٔ سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده.

مشخصات: به قطع نیم‌ورقی، به زبان ترکی، ترجمهٔ فارسی ضمیمه است.

ترجمهٔ نامهٔ اعلی حضرت سلطان مورخهٔ ٤ شهر محرم الحرام ۱۳۱۳

التفات و وثوق و اعتماد آن اعلی حضرت نسبت به غالب بیگ که به سمت سفارت کبری مأمور به اقامت دربار آن اعلی حضرت بود و به خدمت دیگری معین گردید، برای اخلاصمند اسباب کمال امتنان گشته این وسیله را برای تجدید تأمینات دوستی حقیقی خود نسبت به آن اعلی حضرت غنیمت شمرده، توقع مخلصانهٔ آنکه بعد از این نیز به دوستی اعلی حضرت شما مباهی باشیم.

[دست‌نویس حاشیه:] نامهٔ اعلی حضرت سلطان عبدالحمیدخان سلطان عثمانی مشتمل به اظهار امتنان از شمول التفات و اعتماد خاطر همایون شاهنشاهی دام سلطانهُ در حق غالب بیگ سفیرکبیر سابق دولت عثمانی که در دربار همایون اقامت داشت و احضار و به سفارت کبرایی دربار دولت اطریش معین گردید و امروز شمس‌الدین بیگ سفیرکبیر دولت عثمانی در وقت شرفیابی در قصر صاحبقرانیه این نامه را هم به حضور مبارک همایونی تقدیم نمود.

فی سه‌شنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۳ هـ. ق

حضرتلری
شهنشاه قدیر فخامتلو شاه مجدت‌پناه
دولتینیز بیننده تیمناً جاری و بردوام اولان مناسبات حسنه و روابط ودادیه‌نک اعاده بابنده تأیید و تأکیدی حقنده‌کی
آرزوی خالصانه‌مزک آثارندن اولمق اوزره سفارت سنیه‌مز خدمتنه بیوک ایلچیلک عنوانیله مرتبه دیوانیه‌مزدن
رتبه بالاسی و برنجی رتبه‌دن عثمانی و مجیدی نشانلری حائز و حالا والا غالب بک تعیین قلنمش اولدیغندن حقنده حسن نظر
[illegible] مشمول اولارق مأموریت منحصره سلطنت سنیه‌مز نامنه وقوع بوله‌جق افاداتنک و بالخصوص ذات فخامتسمات
حکمداریلرینه اولان محبت و مودت صمیمیه‌مزه دائر تودیع حافظه درایتی قلنان توثیقات جدیده‌نک نزد شاهانه‌لرنده
[illegible] اولدیغی و هربار دوام عافیت و سعادت حشمتانه‌لری تمنی قلنمقده بولندیغی
رهین وثوق و اعتماد اولسی مأمول خالصانه‌مز اولدیغی [illegible] ذات حکمداریلرینه مظهریتی خصوصنه همت ولا منقبتلری
معالی حکمدارینه‌لرنده ارادت مشارالیهک حسن قبولیله رعایت [illegible]

عبدالحمید

بعون تعالی
عالی سر آرای دولت بهیه ایرانیه شهنشاه قدرتلو
فخامتلو ناصرالدین شاه حضرتلرینک
صوب سعادتلرینه

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۲۱

موضوع: احضار میرزا اسدالله خان از سفارت اسلامبول

تاریخ: ٤ محرم ۱۳۱۳ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ۳۰

نامهٔ عبدالحمیدخان به ناصرالدین شاه، مبنی بر موافقت احضار میرزا اسدالله‌خان ناظم‌الدوله سفیرکبیر دولت ایران در اسلامبول، به ضمیمهٔ سواد اصل پاکت پشت‌نویسی شده آن.

مشخصات: کاغذ به قطع نیم‌ورقی ضخیم، به زبان ترکی، و ترجمهٔ فارسی آن و نامهٔ سفیر عثمانی در ایران نیز ضمیمه است.

ترجمهٔ نامهٔ اعلی حضرت سلطان مورخهٔ ٤ محرم الحرام ۱۳۱۳

بعد از عنوان

نامهٔ مودّت علامهٔ آن اعلی حضرت مشعر از ختام مأموریت میرزا اسدالله خان ناظم الدوله که به سمت سفارت کبری در دربار ما مأمور بود واصل دست اخلاصمند گردید.

مشارالیه در مدت اقامت خود در اینجا به مقتضای فطانت و درایت خود در تکمیل و استقرار روابط وداد و مصافات که بین الدولتین علیتین مقرر است مساعی جمیله معمول داشته، این فقره اسباب امتنان و محظوظیت مخلص گردیده، دوام عافیت و تزاید شأن و سعادت آن اعلی حضرت را متمنی است. و توقع مخلصانه آنکه بعد از این نیز در اجرای شرایط موالات صرف همت فرمایند.

ترجمهٔ چاکر خانه زاد علیقلی

[حاشیه:] نامهٔ جوابیهٔ اعلی حضرت سلطان عبدالحمیدخان سلطان عثمانی در جواب نامهٔ همایونی در باب احضار میرزا اسدالله خان ناظم الدوله سفیرکبیر دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول که امروز سه شنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۳ شمس الدین بیک سفیرکبیر دولت عثمانی که امروز در قصر صاحبقرانیه به حضور مبارک همایون شاهنشاهی دام السلطنه شرفیاب شد تقدیم کرد. ترجمهٔ نامه هم در جوف است. فی سه شنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۳. قوی ئیل.

شوکتلو قدرتلو فخامتلو شاه معدلت پناه حضرتلری

نزد سلطنت سنیه‌لرنده سفیر کبیر صفتیله مأمور اولان ناظم الدوله میرزا اسدالله خانک مأموریتنه ختام ویرلدیکی مشعر ارسال
سوی مخالصتکارانه بیوریلان نامهٔ شهامت علامهٔ حکمدارانه‌لری رسیدهٔ دست محبت اولدی مشار الیهک مدت اقامتنده مقتضای فطانت
و درایتی اوزره دولتین علیتین بیننده‌کی روابط ودّ و مصافاتک استکمال اسباب تأکد و تقرری خصوصنده مشاهد اولان
مساعی جمیله‌سی محظوظیت خالصانه‌مزی استلزام ایلمش اولدیغندن بونک بالممنونیه بیانیله برابر دوام عافیت و تزاید شان و سعادت
حکمدارانه‌لری تمنی قلنمقده ایدوکی معلوم شاهانه‌لری اولدقده بعد ازین دخی اجرای شرایط موالاتکاری‌یه مصروف همت والا بیوریلمه‌سی
توفیقکرده محبانه‌مزدر فی ۱۴ محرم ۱۳۱۲

آرشیو وزارت امور خارجه
شماره: ۴۳۹
۱۲۵۱

ترجمهٔ نامهٔ سفیرکبیر عثمانی شمس‌الدین بیگ به ناصرالدین شاه

نهایت شرف و فخر را دارم از اینکه سه طغرا نامهٔ متبوع معظم خود را دایر به تعیین خود به سمت سفیرکبیری در دربار اعلی حضرت همایونی و احضار سلف خود علی غالب بیک، و انفصال میرزا اسدالله خان از سفارت کبرای اسلامبول که در جواب نامجات همایونی تسطیر یافته تقدیم نماید.

اِخصّ آمال ملوکانهٔ متبوع مفخم چاکر این است که مناسبات حسنه و روابط قویهٔ ودادیه که تیمّناً فی مابین دو دولت ذی شوکت اسلام جاری و موجود است، یوماً فی یوماً در تزیید و تشیید باشد. مساعی و اقدامات چاکر نیز به موافقت با قصد و نیت خیر پادشاه مصروف خواهد گشت. امیدوار است که در این باب مظهر معاونت و تسهیلات حکومت سنیه اعلی حضرت همایونی به شود و هرگاه به توجه و اعتماد اعلی حضرت همایونی نیز موفق و مایل گردد، خود را مسعود و بختیار خواهد دانست.

شمارهٔ سند: ٤٢٢

موضوع: سفارت شمس‌الدین بیک و معرفی وی

تاریخ: ٤ محرم ١٣١٣ هـ. ق

کارتن: ٢٣

پروندهٔ: ٢٩

دو نامه از عبدالحمیدخان سلطان عثمانی به ناصرالدین شاه، یکی مبنی بر معرفی شمس‌الدین بیک به سمت سفارت عثمانی در ایران و دیگری توصیه نامبرده.

مشخصات دو نامه: کاغذ ضخیم به قطع نیم‌ورقی، به زبان ترکی، سواد اصل پاکت ممهور و ترجمهٔ فارسی آن ضمیمه است به انضمام یک پاکت ممهور به مهر مشیرالملک.

ترجمهٔ نامهٔ اعلی حضرت سلطان مورخهٔ ٤ شهر محرم الحرام ۱۳۱۳

بعد از عنوان

چون آرزوی خالصانهٔ ما این است که مناسبات حسنه و روابط ودادیه که فی مابین دولتین تیمناً جاری و مقرر است آن به آن در تزاید و تشیید باشد، شمس الدین بیک که از مأمورین خلف اول و حامل نشان درجهٔ دویم عثمانی و مجیدی است به خدمت سفارت سنیه به سمت سفارت کبری تعیین گردید. امیدوار است که در مورد التفات آن اعلی حضرت شده به عرایض او که به اسم سلطنت سنیه وقوع بیابد و علی الخصوص به اینکه حفظ محبت و مودّت صمیمهٔ ما نسبت به ذات باعظمت آن اعلی حضرت به عهدهٔ او محول شده است، وثوق و اعتماد خواهند داشت. همواره دوام عافیت و سعادت آن اعلی حضرت را آرزومند بوده، توقع محبّانهٔ آنکه مشارالیه را به حسن قبول پذیرفته و در اینکه همیشه مظهر رعایت آن اعلی حضرت باشد، بذل همت فرمایند.

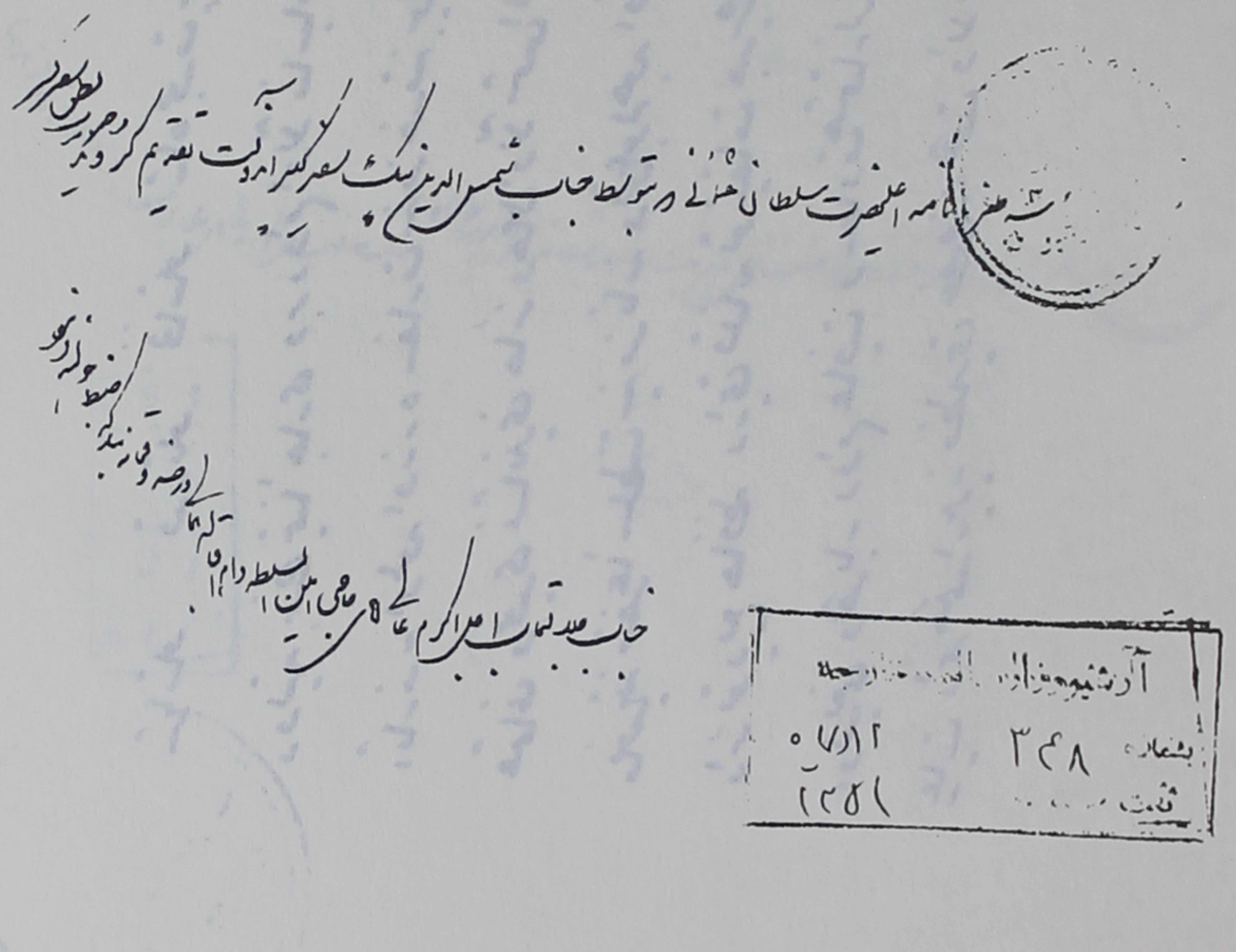

شوكتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتلری

دولتينه بينده يمناً جاری و بر دوام اولان مناسبات حسنه و روابط ودادیه نك آنًا بآن تأیید و تأکیدی حقنده کی آرزوی خالصانه‌مزك
آثارندن اولمق اوزره سفارت سنیه‌مز خدمتنده بولنان جلیل الشان عنوانیله مراتب دیوانیه‌مزده رتبهٔ اولی صنف اولنی و ایکنجی رتبه‌ده
عثمانی و مجیدی نشانلرینی حائز و حامل اولان شمس الدین بك تعیین قلنمش اولدیغندن حقنده حسن نظر شاهانه‌لری مشمول اولمق ارزوسنده
ملحوظ خفیه منفرعاً سلطنت سنیه‌مز نامنه وقوعبولجق افاداتنك و باخصوص ذات فخامت سمات حکمدارانه‌لرینه اولان محبت و مودت صمیمیه‌مزه
دائر تودیع حافظه‌سی اولنان توثیقات جدیده‌نك نزد شاهانه‌لرنده شایان وثوق و اعتماد اولمسی مأمول خالصانه‌مز
اولدیغنی و هر بار دوام عافیت و سعادت حشمتانه‌لری تمنی قلنمقده ایدوکی معلوم حکمدارانه‌لری اولدقده مشارالیهك حسن قبولیله
رعایت دائمهٔ حکمدارانه‌لرینه مظهریتی خصوصنه همت و التفاتلری توقعکردهٔ مجامله‌مزدر

١٤ محرم ١٣١٢

عبدالحمید

نامهٔ اعلی حضرت سلطان عبدالحمیدخان سلطان دولت علیهٔ عثمانیه در مأموریت

شمس الدین بیگ سفیرکبیر آن دولت به اقامت دربار همایون که در روز سه شنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۳ در قصر صاحب قرانیه به حضور مبارک همایون شاهنشاهی دام سلطانه شرفیاب شد و این نامه را رسانید و ورود این سفیرکبیر به طهران روز سیم ربیع الاول ۱۳۱۳ بود و چون موکب مسعود همایونی در شهرستانک تشریف فرما بودند، ده روز در ییلاق سفارت توقف کرد تا موکب همایونی به صاحب قرانیه تشریف فرما شدند.

و روز دویم ورود موکب مسعود سفیرکبیر که روز دهم ورود او به دربار همایون بود شرفیاب شد، فی سه شنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۳ قوی ئیل.

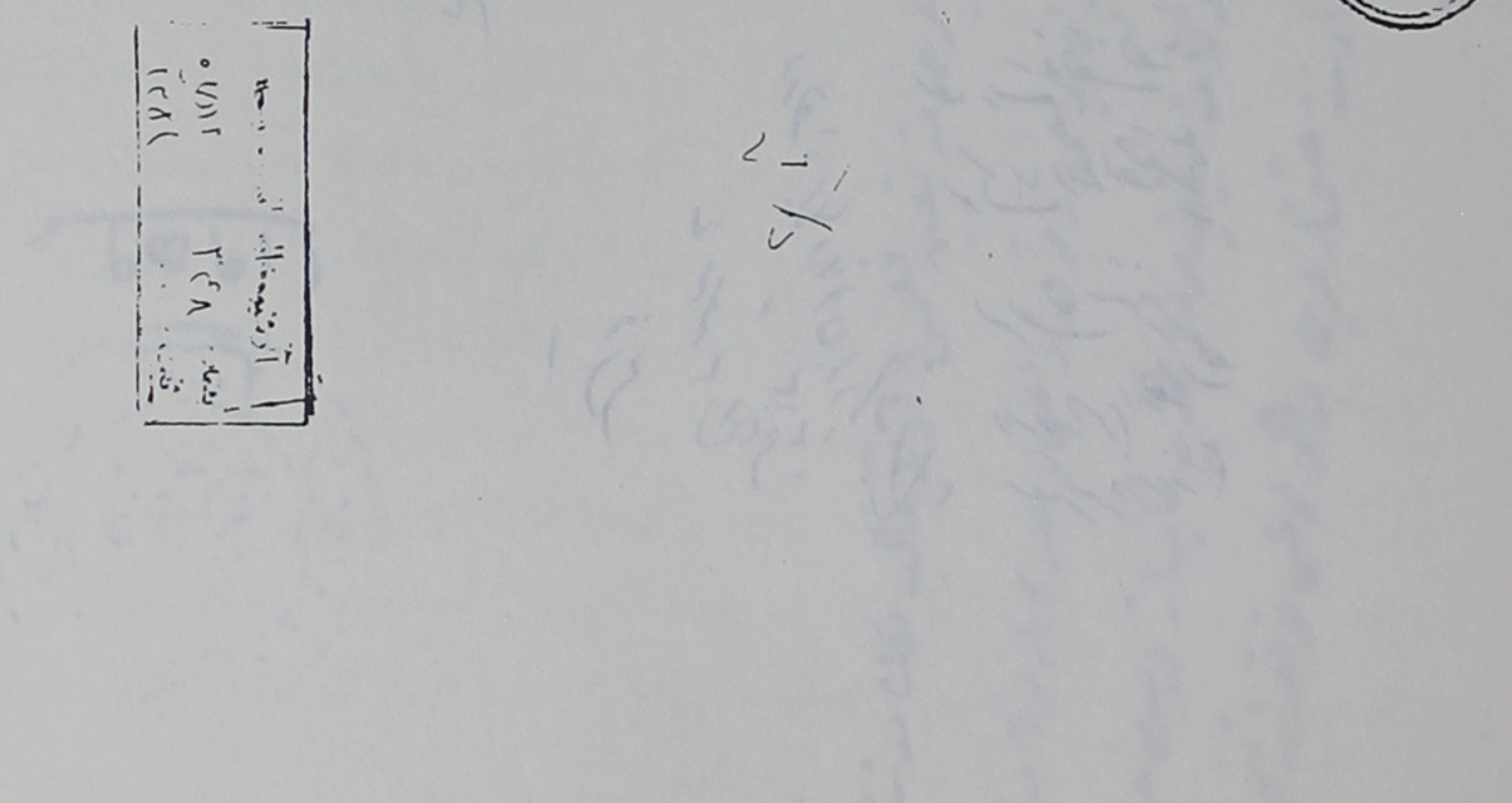

نامهٔ اعلیحضرت سلطان عبدالحمید سلطان [illegible] خان [illegible]

در باب مأموریت شمس الدین بیک سفیر کبیر ایران است

با قامت دربار همایون در روز شنبه

۱۲ ربیع الاول ۱۳۱۲ در قصر صاحبقرانیه

بحضور [illegible] همایون [illegible] السلطان

شرفیاب [illegible]

و در جواب سفیر کبیر سلطان [illegible]

ربیع الاول ۱۳۱۲ [illegible]

همایون [illegible]

[illegible]

سفارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سفیر کبیر [illegible]

[illegible] ۱۳۱۲ [illegible]

[illegible]

۳۲۸

١٩٥٩

شوکتلو قدرتلو فخامتلو شاه مجدت پناه حضرتری

بیوك ایلچیلك عنوانیله نزد شهامت وفد حکمداریرنه سفیرمز اولوب دیگر خدمته تعیینی قلنمش اولان غالب بکك مدت مأموریتی
جانب معالی مناقب حکمداریرنده مشهودی اولان حسن التفات ومظهر اولدیغی وثوقه واعتماد عند محبانه مزده مستلزم کمال
ممنونیت اولدیغنك بیانی ذات شهامت سمات حکمداریرینه دركار اولان موالات حقیقیه مزك تجدید تأسیسنه وسیله حسنه اتخاذ
قلندیغی معلوم حکمداریری اولدقده بعد ما دخی سوی خالصانه مز آثار مخادنت حشمتانه لریله مباهی اولمسی توقعاتنه محبانه مزدر

٤ محرم ١٢١٢

عبد الحمید

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

بخش دوم

نامه‌های تشریفاتی

شمارهٔ سند: ۴۲۳

موضوع: اهدای نشان

تاریخ: رمضان ۱۲۷۶ هـ. ق

کارتن: ۲۳

پروندهٔ: ٤٤

از جانب جناب جلالت‌مآب میرزا سعیدخان وزیر امور خارجهٔ دولت علیهٔ ایران به جناب فؤادپاشا ناظر امور خارجهٔ دولت عثمانی نوشته شده است.

جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا کفایت و کفالت مآبا دوست محترم مشفق معظم مکرم مهربانا

به جهت کمال اتحاد و یکرنگی که میان دو دولت قوی شوکت اسلام حاصل و برقرار می باشد رأی ممالک آرای همایون سرکار اعلی حضرت اقدس شاهنشاه ولی نعمت دوستدار که همه روزه پیرایه بخش وجود مودّت و مایهٔ استحکام بنای محبت بین الدولتین است، چنان اقتضا فرمود که به ملاحظهٔ مراتب مزبوره و ظهور آثار حسن نیت و خیرخواهی آن جناب که علی السویه نسبت به هر دو دولت علیهٔ اسلامیه بروز یافته است، یک قطعه نشان شیروخورشید از درجهٔ اول مکلل به الماس با حمایل سبز به آن جناب جلالت‌مآب اعطا فرمایند و به صحابت عالی جاه مقرب الحضرة الخاقانیه یحیی خان آجودان خاصه حضور همایون فرستاده شود که جناب عمدة الخوانین العظام مقرب الخاقان میرزا حسین خان وزیرمختار و ایلچی مخصوص این دولت مقیم دربار آن دولت ابلاغ نماید.

دوستدار نیز این فرصت را مغتنم دانسته و در اظهار مراسم دوستی و یک‌جهتی به نگارش رسیلهٔ مودّت وسیله پرداخت امیدوار است که آن‌جناب جلالت‌مآب بر عقاید دوستدار که سراپا خیرخواهی برای دولتین علیتین اسلامیتین است کماینبغی ملتفت و به حسن‌نیتی که در تشیید مبانی دوستی و وداد دولتین دارد، معتقد شده باشند. و خود آن‌جناب نیز همه‌روزه چنانکه سزاوا[ر] دانست پسندیده صفات سامی است در ازدیاد رابطهٔ اتحاد و یک‌جهتی حضرتین زایداً علی ماسبق بذل مراقبت نموده، آثار خیرخواهی و حسن سریرت را به ظهور آورند. مترصد است که پیوسته به نگارش رسایل دوستی وسایل مراتب مسرت خاطر دوستدار بیفزایند و حالات سعادت سمات را بنگارند. حرّر فی شهر رمضان‌المبارک ۱۲۷۶.

وزارت امور خارجه
آرشیو

از جناب جلالتمآب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بجناب فؤاد پاشا ناظر امور خارجه دولت علیه عثمانی نوشته شده است

جناب جلالت و نبالت انتسابا فخامت و مناعت انتسابا کفایت و کفالت نصابا دوست محترم مشفق معظم مکرم مهربانا

بحمد الله کمال اتحاد و یگانگی در میان دو دولت دو شوکت اسلام که سالهای دیر قرار یافته برای ممالک محروسه مابین سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ولینعمت دام ملکه

پرتو این بخشش و وجود مودت و مایه استحکام بنای محبت بین الدولتین است چنانکه اقتضا فرموده در محافظه مراتب مرزبانی و ظهور آثار حسن نیت و خیرخواهی

آنجناب که علی الدوام نسبت به دولت علیه ابد مدت بروز یافته است یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه اول مکلل بالماس با حمایل سبز بآنجناب

[illegible] جناب عمدة الخوانین العظام مقرب الخاقان میرزا حسین خان

وزیر مختار روانه حضور امنای دولت علیه نمود مراتب را بآنجناب ابلاغ نماید دوستدار نیز این فرصت را مغتنم دانسته در اظهار مراسم دوستی و یگانگی بنگارش رسید

مودت وسیله پرداخت امیدوار است که آنجناب جلالتمآب بر حقیقت دوستدار که همواره خیرخواهی برای دولتین علیتین اسلامیتین است کما ینبغی ملتفت و مطلع بوده

در تشیید مبانی دوستی و ودادی که در میان دو دولت است معتقد شده باشند و محض آنکه آنجناب نیز همه روزه چنانکه سزاوار است بپسندیده صفات ممتاز است در ازدیاد

رابطه اتحاد و یگانگی حضرتین زیاده از سابق بذل مراقبت نموده آثار خیرخواهی و حسن سریرت را بظهور آورند مترصد است که همواره بنگارش رقیمه دوستی

و اعلام مراتب مسرت خاطر دوستدار را خشنود فرموده حالات سلامتی را بیان نمایند تحریراً فی شهر رمضان المبارک ۱۲۷۴

شمارهٔ سند: ۴۲۴
موضوع: تشریفات ورود رضابیک وزیرمختار عثمانی
تاریخ: ۲۹ محرم ۱۲۸۵ هـ. ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۳/ت

صورت تشریفات روز ورود جناب رضابیک وزیرمختار دولت عثمانیه به تاریخ ۲۹ شهر محرم ۱۲۸۵

مقرب الخاقان مصطفی خان امیر تومان (در ثانی مظفرالدوله رفت) رئیس مستقبلین و یک نفر سرتیپ با یک نفر یوزباشی با پنجاه غلام و پنجاه نفر سواره‌نظام و عالی جاه کلانتر از جانب سنی الجوانب اقدس همایون و مقرب الحضرة الخاقانیه محمدتقی خان نایب اول وزارت خارجه تا قریه طرشت به استقبال جناب وزیرمختار خواهند رفت.

اوضاع تشریفات در جوف آبادی ها

مقرب الخاقان حاجب الدوله برحسب حکم، چادر دولتی در طرشت خواهند زد و مستقبلین در آنجا با جناب وزیرمختار بعد از صرف شیرینی و چای و قهوه به اتفاق عازم شهر خواهند شد با نظم و ترتیب.

رئیس مستقبلین همه‌جا همدوش جناب وزیرمختار و سایر پشت سر بقاعده و ترتیب خواهند آمد.

نواب امیر آخور سه رأس اسب از اصطبل خاصهٔ همایون با یراقهای طلا یکی برای سواری جناب ایلچی و دو رأس به جهت یدک مهیا کرده جلودار با مستقبلین برده در قریه طرشت خواهند حاضر شد.

برای صاحب‌منصبانی که همراه جناب وزیرمختار هستند من باب الاحترام از اصطبل همایون اسب فرستاده خواهد شد. قدری به دروازهٔ شهر مانده بیست نفر فراش و ده نفر شاطر حاضر خواهند بود، هر یک با صاحب‌منصب خود پیش آمده تا دم سفارتخانه پیشاپیش جناب وزیرمختار باشند و نگذارند ارباب توقع زحمت به ایشان برسانند.

آنها که تماشاچی هستند و در معبرها ایستاده‌اند هنگام عبور جناب وزیرمختار به

نظام صف کشیده بایستند و داخل هم نشوند. مقرب الخاقان وزیر طهران قدغن خواهند کرد که درویش و فقیر و ارباب توقع را نگذارند سر راه جناب وزیرمختار باشند و راهها و کوچه ها را جاروب کرده، آب بپاشند و صفا دهند وچاهها و گودالها را مسطح نمایند.

برحسب حکم جناب جلالت‌مآب سردار کل دام مجده دویست نفر سرباز با یک نفر یاور دم دروازه که جناب وزیرمختار در آنجا عبور می نمایند و دویست نفر دیگر با یاور دم سفارتخانه که در آنجا فرود خواهند آمد حاضر خواهند شد که ا حترامات عسکریه را به عمل آورند. و ده نفر سرباز با یک نفر وکیل منزل جناب وزیر مختار قراول احترام خواهند بود و این همان سرباز قراول دایمی است که در سفارتخانه بوده اند.

از نظارت خانهٔ مبارکه ده خوانچه شیرینی به طوری که معمول ورود سفراست در خانهٔ سفارت قبل از ورود جناب وزیرمختار حاضر خواهند نمود که دلیل تهنیت و تبریک باشد.

برحسبت قرارداد جناب جلالت‌مآب آقای مستوفی الممالک دام مجده چهار نفر از مستوفیان عظام با لباس درباری قبل از وقت در منزل جناب وزیرمختار خواهند بود و از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت شاهنشاهی روحنا فداه رسم تفقدات را به عمل خواهند آورد.

روز دویم ورود ایشان مقرب الخاقان ادیب الملک از طرف قرین الشرف همایون اقدس اعلی به سفارتخانه رفته احوالپرسی از جناب وزیرمختار خواهند نمود.

روز دویم ورود ایشان جناب معیرالممالک به دیدن جناب وزیرمختار خواهند رفت.

روز دویم ورود جناب وزیرمختار مقرب الخاقان نایب الوزرا (همیشه جناب صدیق الملک می رفت)

از جانب جناب جلالت‌مآب آقای وزیر دول خارجه دام مجده العالی به احوال پرسی و دیدن خواهند رفت.

[حاشیه:] به مقرب الخاقان وزیر طهران اعلام شود که در اول دروازهٔ ملک طهران به قرار سابق احترامات و تشریفات را به عمل آورند.

[illegible]

صورت تشریفات ورود جناب جلالتمآب وزیر تجارت دولت شاهنشاهی ... ۹ محرم ۱۲۹۵

تعرف ... الی ... رئیس مستقبلین و ... نفر ... با ... غلام و ... نفر سوار نظام ... جناب ... اقدس ... در ... منظم ...

... اول وزارت خارجه ... قریه ... استقبال ... وزیر تجارت خواهند رفت

تعرف انتقال حاجب الدوله ... چادرهای ... خواهند زد و مستقبلین ... جناب وزیر تجارت ... شرفیابی و چای و قهوه ...

... شهر خواهند ... نظم و ترتیب ... رئیس مستقبلین همه جا همدوش جناب وزیر تجارت و ... ترتیب خواهند ...

... رئیس ... خاصه ... جناب ... حلوا ... مستقبلین ...

در قریه ... خواهند ... برای ... که همراه جناب وزیر تجارت ... باب ... اسب ...

... شهر ... نفر فراش و ده نفر ... خواهند بود ... تا در سفارتخانه ... جناب

وزیر تجارت باشند ... ترتیب ... ریخته

آنها که ... ... جناب وزیر تجارت ... کشیده ... نشود

تعرف ... وزیر ... خواهند کرد که ... و ... جناب وزیر تجارت ... و ... را ...

... و ... راسته ...

... حکم جناب جلالتمآب ... یک فوج سرباز با ... جناب وزیر تجارت ... عبور ... در

... سفارت ... که ... خواهند ... که ... ده نفر سرباز ... وکیل ... جناب

وزیر تجارت ... خانه بود ... سرباز ... که در سفارتخانه ...

از ... سفارت ... که ... معین ... در سفارتخانه ... جناب وزیر تجارت ... خواهند بود که ...

... جناب ... آقای ... چهار نفر از ... عظام ... جناب وزیر تجارت خواهند ...

... رسم ... را ... خواهند آورد

روز ... سفارت ... از طرف ... رفت ... اقدس ... سفارتخانه رفته احوال ... جناب وزیر تجارت ...

روز ... جناب ... همراه جناب وزیر تجارت خواهند رفت

روز ... جناب وزیر تجارت ... جناب ... آقای ... با ... رفت

شمارهٔ سند: ۴۲۵
موضوع: تشریفات روز شرفیابی وزیرمختار عثمانی به حضور شاه
تاریخ: ۲۹ محرم ۱۲۸۵ هـ. ق
کارتن: ۱۲
پروندهٔ: ۳/ت

تشریفات روز شرفیابی جناب رضابیک وزیرمختار دولت عثمانی به حضور همایون اعلی حضرت شاهنشاهی خلداله ملکه به تاریخ ۲۹ محرم ۱۲۸۵

جناب وزیرمختار روز سیم ورود به سلام خاص اعلی احضرت شاهنشاهی مشرف خواهد شد.

مقرب الخاقان شهبازخان قوریساول باشی با بیست نفر فراش و ده نفر شاطر و ده نفر یساول و سه نفر نایب که یکی نایب یساول و یکی نایب فراشخانه و دیگر نایب شاطرباشی باشند، با یک رأس اسب یراق مرصع از اصطبل خاصهٔ همایونی محض احترام جناب وزیرمختار و سه رأس اسب دیگر با اینکه داخل تشریفات نیست محض موافقت دوستانه به جهت صاحب‌منصبان با یک نفر نایب امیرآخور حاضر و به سفارت‌خانه رفته، اظهار می نمایند که از جانب سنی الجوانب همایون دعوت به حضور همایون شده‌اید.

هنگام عبور جناب وزیرمختار سربازانی که در درب دروازهٔ ارک و تک‌قراولانی که در درب عمارات مشغول قراولی هستند پیش‌فنگ خواهند نمود.

به این تفصیل برحسب قرارداد جناب جلالت‌مآب سردار کل از ا هل نظام حاضر خواهند بود با لباسهای خوب در دم تخته‌پل یکصد نفر سرباز ایستاده پیش‌فنگ خواهند کرد، در میدان ارک چهارصد نفر سرباز از یمین و یسار ایستاده پیش‌فنگ خواهند نمود، تک‌قراولهای توپچی و غیره هر جا که محل عبور جناب وزیرمختار است تعظیم نظامی خواهند نمود.

مقرب الخاقان شهبازخان، جناب وزیرمختار را داخل کشیکخانه خواهند کرد در حالی که چند نفر از امنای دربار با لباس رسمی از برای احترام جناب وزیرمختار در کشیکخانه قبل از وقت از قرار تفصیل حاضر خواهند بود.

مقرب الخاقان مظفرالدوله

جناب مجدالدوله ایشیک آقاسی، امیرالامراء العظام حاجی عیسی خان بیکلربیگی [...] امیرالامراء العظام علاء الدوله اگر مایل باشند، مقرب الخاقان شهبازخان قوریساول باشی، مقرب الخاقان حاجی سعدالملک مقرب الخاقان معتمدالملک، مقرب الخاقان علی قلی خان آجودان باشی، مقرب الخاقان نصرالله خان سرتیپ مقرب الخاقان جارچی باشی، مقرب الحضرة الخاقانیه میرزا مهدی خان، جان محمدخان سرتیپ.

بعد از صرف قهوه و غلیان مقرب الخاقان شهبازخان به خاکپای همایون عرضه خواهد داشت که وزیرمختار در کشیکخانه حاضرند اخبار کرده، مراجعت خواهد نمود.

بعد ایشیک آقاسی باشی جناب وزیرمختار را با صاحب منصبان به ترتیب و نظمی که مقرر است به پیشگاه حضور همایون خواهند برد و به حضور همایون مشرف خواهد شد و عرض خواهد کرد که جناب رضابیک وزیرمختار دولت عثمانی با نامهٔ مودت ختامهٔ شرف اندوز حضور مبارک اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی شده‌اند. پس از عرض، کفش کنده، شرفیاب خواهد شد.

اشخاص مفصله در سلام حاضر باشند

شاهزادگان عظام که در اطاق حضور همایون حامل اسباب جواهر خواهند بود، نواب رکن الدوله محمدتقی میرزا، نواب اعتضادالسلطنه وزیرعلوم، نواب عزالدوله، نواب لطف اله میرزا.

امیرالامراء العظام کشیکچی باشی با لباس رسمی و چهل نفر غلام پیشخدمت خاصهٔ همایون با لباسهای منقّح از دو طرف صف خواهند کشید.

مجموعهٔ طلا دم در باغ حاضر نمایند، وقتی که جناب وزیرمختار داخل باغ می شود نامه را در مجموعه گذارده به صاحب منصبی که همراه اوست خواهد داد که به حضور مبارک ببرد، جناب وزیرمختار که داخل اطاق می شود نامه را از دست صاحب منصب گرفته، بلاواسطه حضور اقدس اعلی عرض خواهد کرد و سرکار اعلی حضرت همایون نامه را به دست مبارک گرفته، به جناب وزیر امور خارجه خواهند داد.

بعد از مرخصی از حضور همایون به منزل جناب جلالت مآب وزیر امور خارجه

رفته، از جناب معظم الیه دیدن خواهد کرد. فردای آن روز جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجه از جناب وزیرمختار بازدید خواهند نمود.

ترتیبات روز ورود [illegible] جناب [illegible] وزیر مختار دولت علیه عثمانی بحضور باهر النور اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه بتاریخ ۹ محرم ۱۲۹۵

جناب وزیر مختار روز [illegible] رسم ورود و سلام خاص بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی مشرف خواهند شد. مقرب الخاقان [illegible] خان [illegible] با [illegible] نفر

فراش [illegible] نفر شاطر [illegible] نفر [illegible] و [illegible] نفر [illegible] یک باب [illegible] و یک باب [illegible] فراشخانه [illegible]

باید [illegible] از [illegible] احترام جناب وزیر مختار [illegible] دیگر [illegible] داخل [illegible]

[illegible] بحضور همایون [illegible] شده

[illegible] جناب وزیر مختار [illegible] قراولخانه [illegible] عمارات [illegible] قراول [illegible]

[illegible]

در دم [illegible]	در [illegible] چهارصد نفر سرباز [illegible]	[illegible] قراولخانه [illegible]
خواهند بود	[illegible] ایستاده پیش فنگ خواهند کرد	وزیر مختار [illegible] تعظیم نظامی خواهند نمود

مقرب الخاقان [illegible] خان جناب وزیر مختار را داخل [illegible] خواهد [illegible] چند نفر از [illegible] دربار [illegible]

جناب وزیر مختار [illegible] قدری [illegible] حاضر خواهند بود

[illegible]	[illegible]	مقرب الخاقان [illegible] خان	[illegible]	[illegible]
مقرب الخاقان [illegible]	مقرب الخاقان [illegible]	مقرب الخاقان [illegible]	مقرب الخاقان [illegible]	مقرب الخاقان [illegible]

[illegible]

بعد از صرف قهوه و قلیان مقرب الخاقان [illegible] خان [illegible] عرض خواهد [illegible] وزیر مختار [illegible]

مراجعت خواهد کرد [illegible] جناب وزیر مختار را [illegible] با [illegible] بحضور همایون

خواهند برد [illegible] بحضور همایون مشرف خواهند [illegible] جناب [illegible] وزیر مختار [illegible] عثمانی [illegible] نامه [illegible]

مشرف [illegible] بحضور مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی شده‌اند [illegible] شرفیاب خواهند

[illegible] در [illegible] حاضر باشند

شاهزادگان عظام در [illegible] حضور [illegible] خواهند [illegible] خواهند بود

نواب [illegible]	نواب [illegible]	نواب [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		

مجموعه [illegible] جناب وزیر مختار [illegible] نامه [illegible] خواهد کرد

مبارک [illegible] جناب وزیر مختار [illegible] نامه [illegible] حضور اقدس [illegible]

[illegible] اعلیحضرت همایونی نامه را [illegible] مبارک گرفته [illegible] جناب وزیر امور خارجه خواهند داد

بعد از [illegible] حضور همایون [illegible] جناب [illegible] وزیر امور خارجه رفته [illegible] خواهد کرد

فردای آن روز جناب [illegible] وزیر امور خارجه [illegible] جناب وزیر مختار بازدید خواهند کرد

شمارهٔ سند: ۴۲۶
موضوع: مسئلهٔ مصر و عثمانی
تاریخ: ۶ رمضان ۱۲۸۶ هـ. ق
کارتن: ۱۷ نوشتجات قدیم
پرونده: ۱۰۰

نامهٔ وزیر خارجه [میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک] به مشیرالدوله سفیرکبیر ایران در اسلامبول

جناب فخامت نصابا جلالت‌مآبا. تفصیلی که از ورود علیاحضرت امپراطریس فرانسه به اسلامبول و تشریفات مقرره و عزیمت امپراطور اوستریا به آنجا قلمی داشته و ضمناً از پولتیک باطنی دولت عثمانی نسبت به خدیو مصر و عدم میل دولت مشارالیها به اجتماع خانواده‌های سلطنت در آنجا به جهت افتتاح خلیج سویس [کانال سوئز] اطّلاع داده بودید استحضار حاصل نموده، معروض پیشگاه مرحمت دستگاه اقدس همایون اعلی روحنا فداه داشتم مقرر فرمودند که محض تذکار خاطر آن‌جناب محرمانه نوشته شود که همیشه کسب اطلاعات از خفایای امور را به وسایل خفیهٔ خاصه در چنین موارد از لوازم دانسته اطّلاع خواهید داد. که مکرر دیده شده است مبنای رفتار دول همجوار با یکدیگر دایر مدار اشتغال و فراغت آنها است و نباید از این نکته وقتاً من‌الاوقات غفلت داشت. از رفتار دول فرنگستان نسبت به ایالت مصر و مراودهٔ ایالت با آنها و اقتداری که مصری‌ها در رواج تجارت و ترقی اسلحه و جهازات پیدا کرده‌اند، چنانچه از روزنامه‌ها معلوم می‌شود ظاهر است که امر فی‌مابین دولت عثمانی و خدیو مصر به این پای‌ها باقی نخواهد ماند و تغییر در وضع مصری‌ها به‌هم خواهد رسید، بالجمله از امورات راجعه به ایالت مزبوره و یا اشتغال عثمانی‌ها به نحوهای دیگر اطلاع دادن آن‌جناب به اولیای دولت علیه خیلی لازم و ضرور است. زیاده مطلبی نبود. فی شهر رمضان المبارک ۱۲۸۶.

جناب فخامت نصاباً تفصیلی که از وزارت جلیله حضرت امپراطریس فرانسه با سفارت مهمی و شرافت معروض گردیده مرقوم و معروض گردیده است

امپراطور اوتریش با آنکه قلبی داشته و ضمناً از پلتیک باطنی دولت عثمانی نسبت به خدیو مصر و عدم میل به این پیشرفت استحضار داشته بالجمله اجماع

خانواده‌های سلطنت در آن که به جهت افتتاح خلیج سوئیس اطلاع داده بود به اختصاص حضور نمودند که معروض گردید رحمت و شفقت

اقدس همایون اعلی روحنا فداه دائم مستقر فرمودند و هیچ برکنار خاطر انجناب مجهول نمانده نوشته شد همیشه کسب اطلاعات از حقایق امور

در باب خفیه خاصه از چنین موارد از لوازم دانسته اطلاع خواهید داد هرگز دیده شده است بنای قرار و اقدام انجلترا با یکدیگر دارند

مراد از اشغال و فراغت آنها است و بنابراین از این نکته و دقایق لازم الادراک تغافل نداشته از قرار اقدام انگلیس

نسبت به دولت مصر و مراد دولت با آنها و اقتداری که مصریها در رواج تجارت در بحر احمر بسط داده‌اند ثبت کرده‌اند

چنانچه از روزنامجات معلوم می‌شود ظاهر است در امر فیما بین دولت عثمانی و خدیو مصر با پاشاهای با تحولات تازه و تغییر

در وضع مصریها بهم خورده بالجمله از امورات راجعه به دولت مزبوره و یا اشتغال عثمانیها نیز به نحو دیگر

۱۲۸۶

اطلاع ملاذ الانجناب به اولیای دولت علیه خیلی لازم و ضرورت است نهایت مطلب نبود فی شهر رمضان المبارک

شمارهٔ سند: ۴۲۷
موضوع: عزل حسین عونی پاشا و جانشینی اسعد پاشا به مقام صدراعظمی عثمانی
تاریخ: ۲۰ ربیع الاول ۱۲۹۲ هـ. ق
کارتن:
پروندهٔ: ۹/س

گزارش سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه

هو

تصدقت شوم، چندی قبل صحبت عزل حسین عونی پاشا صدراعظم به میان افتاده ابتدا اسعدپاشا صدراعظم سابق را که والی شامات کرده بودند به همین خیال احضار نمودند و بعد نُکسی به‌هم رسانده اسعدپاشا را ناظر بحریه کردند و کارهای حسین عونی پاشا رونقی به‌هم رسانید، ثانیاً محمود ندیم‌پاشا را که والی سمت ادنه و طرسوس کرده بودند به اسلامبول احضار کردند، باعث هیجان خیالات شده دوباره ساکت گشته به استقرار حسین عونی پاشا افزوده بود دیروز که نوزدهم بود بی سابقه مذاکره و انتشار خبری محض رسیدن او به باب‌عالی بلافاصله حکم عزلش رسیده تا عصر تنگ همه وکلا منتظر تعیین صدراعظم جدید بودند، خبری بروز نکرده، امروز صحبتی معلوم شد که همان اسعدپاشا صدراعظم شده و علی صایب‌پاشا قایم‌مقام سرعسکری و رؤف‌پاشای معروف که در بغداد به اجرای تشریفات نظامی موکب همایون مأمور بود و آخر والی کرید و غیره شده بود، ناظر بحریه کرده‌اند. الآن اسعدپاشا صدراعظم با آلای و تشریفاتی که جناب اشرف امجد بهتر می دانند به باب‌عالی می آمد اگرچه با اسعدپاشا به سبب اینکه همیشه در خارج بوده سابقهٔ ایتلاف و مؤانستی نداشته‌ام ولی از قراری که می‌گویند شخص خوشحالتی است. انشاءالله در عهد ریاست او روش امور و حفظ حقوق باهرهٔ دولت علیه سهولت کلی خواهد به‌هم رسانید اگر هیچ نباشد باز برای رعایت حقوق دولت علیه و تبعه و منسوبان دولت علیه به مراتب بهتر و مساعدتر از حسین عونی خواهد شد که بسیار عنود بود و صفوت‌پاشا ناظر امور خارجه با آن همه صفوت و حسن‌نیتی که در رعایت حقوق راجعه به سفارت سنیه داشت به سبب عناد او نمی توانست به دلخواه خود حرکت کند چون هنوز در اغلب مراکز امور و حکومتها

از دارودسته و منسوبان صدر سابق است، من جمله رویف پاشا والی بغداد هم از طرفداران اوست. علی هذا احتمال تغییرات دیگر هم چه در اسلامبول و چه در خارجها متصور است هرچه بروز کند با تلغراف عرض خواهم نمود. فی ۲۰ شهر ربیع الاول ۱۲۹۲

هو

نمره [illegible] شد — چندی قبل صحبت عزل حسین عونی پاشا صدراعظم بمیان آمده بود اسعد پاشا

صدراعظم سابق را که [illegible] کرده بودند بهمین خیال احضار نموده و بعد یک منصبی هم رسانده اسعد پاشا را ناظر بحریه کرده

و کارهای حسین عونی پاشا رونقی بهم رسانید تا [illegible] محمود ندیم پاشا را که [illegible] اند نظر [illegible] کرده بودند با [illegible] احضار کرده

با همین خیالات شده و این پاشا [illegible] گشته با تفوق حسین عونی پاشا افزوده بود [illegible] بود با سابقه [illegible] کرده

داشت رجوع محض رسیدن از [illegible] حکم عزلش رسیده [illegible] همه وکلا متفق شدند صدراعظم جدید

خبری بروز نکرده [illegible] در حال اسعد پاشا صدراعظم شده و [illegible] پاشا [illegible] مقام سرعسکری [illegible] پاشا

سرعسکر [illegible] با اجرای تشریفات نظامی [illegible] مأمور بود [illegible] اگر چه [illegible] شده بود ناظر بحریه

گفته اند امروز اسعد پاشا صدراعظم با آدابی و تشریفات [illegible] اشرف [illegible] می‌آید اگر چه با اسعد پاشا

بسبب اینکه همیشه در خارج [illegible] سابقه ائتلاف و مراسلاتی داشته ام [illegible] شخص [illegible] الی آخر

در جهه [illegible] امور و حفظ حقوق [illegible] دولت علیه [illegible] اگر هیچ [illegible] برای رعایت

حقوق دولت علیه [illegible] دولت علیه [illegible] از حسین عونی پاشا [illegible] بسیار [illegible]

[illegible] حقوق [illegible] سفارت [illegible]

[illegible] صدر سابق [illegible] پاشا

[illegible] تغییرات [illegible]

۲۰ [illegible] ۱۲۹۲ — ۲۰۴

شمارهٔ سند: ٤٢٨

موضوع: اهدای نشان به محمداسمعیل بیک

تاریخ: جمادی الاول ۱۲۹٤ هـ. ق

کارتن: ۱۵

پروندهٔ: ۳/ت

فرمان نشان از وزارت خارجه به محمداسمعیل بیک شارژدافر عثمانی در ایران

به تاریخ شهر جمادی الاولی سنهٔ ۱۲۹٤ مطابق سال فرخنده فال توشقان‌ئیل قلمی و مرقوم می شود، چون عایشان عزت‌نشان محمداسمعیل بیک مراتب صدق و ارادت خود را در مجاری خدمات این دولت علیه ظاهر ساخته لهذا مورد توجهات اولیای دولت قاهره گردیده به اعطای یک قطعه نشان مدال طلا از دیوان وزارت امور خارجه قرین مباهات و امتیاز آمد که زیب و آویزهٔ صدر خود سازد بیشتر از پیشتر بر مراتب خدمتگزاری بیفزاید. حرره فی التاریخ.

شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۹۴ مطابق سال فرخنده فال توشقان ئیل قلمی و ممهور و مرقوم شد [illegible] چنین

عالیشان عزت نشان [illegible] بیک مراتب صدق و ارادت خود را در بار حضرت [illegible] آمده علیه ظاهر

ساخته لهذا مورد توجهات اولیای دولت قاهره گردیده با عطای یک قطعه نشان [illegible] طلا

از دیوان وزارت امور خارجه قرین مباهات و امتیاز آمد [illegible] آورده صدر خود

سازد [illegible] شکرگزاری [illegible] حرر فی ۱۲ التاریخ

شمارهٔ سند: ۴۲۹
موضوع: تشریفات روز ورود فخری بیک سفیرکبیر عثمانی
تاریخ: ۳ جمادی الاخر ۱۲۹۵ هـ . ق
کارتن: ۱۵
پروندهٔ: ۳/ت

تشریفات روز ورود جناب جلالت‌مآب فخری‌بیک سفیرکبیر دولت علیهٔ عثمانی به تاریخ روز پنجشنبه ۳ شهر جمادی الاخر ۱۲۹۵

ـ (صاحب امتیاز مأمور سرحدات خراسان را نصرالملک رئیس مستقبلین شدند)*

امیرالامراء العظام صاحب اختیار امیر تومان رئیس مستقبلین و مقرب الخاقان محمدصادق‌خان امین نظام و یک نفر یوزباشی با صد نفر غلام و کلانتر و اگر به واسطهٔ پیری و ضعف بنیه نتواند کدخدای معتبر با مقرب الخاقان میرزاحسن خان، نایب وزارت خارجه با اسب دوانی به استقبال جناب سفیرکبیر

ـ (میرزا عبداله‌خان سرتیپ مستشار وزارت خارجه)

خواهند رفت.

ـ (جناب جلالت‌مآب امین السلطان مجده‌العالی حاجب‌الدوله خواهند رفت)

از طرف قرین الشرف حضرت اشرف ارفع امجد اکرم افخم والا نایب‌السلطنه امیرکبیر دام اقباله فرش و پرده و میز و صندلی های خوب با شیرینی و لوازم معمول آن به طورهای خوب و منقح در آنجا حاضر نمایند. و از قهوه‌خانهٔ حضرت اشرف ارفع والا اسباب چای و قهوه‌خوری طلا و نفیس حاضر نمایند.

مستقبلین در عمارت اسب‌دوانی با جناب ایلچی کبیر صرف شیرینی و قهوه کرده با نظم و ترتیب عازم خواهند شد.

رئیس مستقبلین همه‌جا همدوش جناب ایلچی کبیر و سایرین پشت سر ایشان به ترتیب خواهند آمد.

ـ (اعلی حضرت شاهنشاهی روحنا فداه نواب میرآخور)

* توضیحات بین خطوط به همان صورتی که در سند بوده، در بازخوانی رعایت شده است.

از اصطبل خاصهٔ حضرت اشرف ارفع امجد والا دام اقباله یک رأس اسب سواری با یراق مرصع برای جناب ایلچی کبیر و پنج رأس دیگر یراق طلا برای احترام به جهت همراهان جناب سفیرکبیر فرستاده خواهد شد. سه رأس یدک از اصطبل همایونی یا از اصطبل حضرت والا فرستاده خواهد شد.

تماشاچی ها که در سر راه هستند به نظام صف کشیده بایستند.

ـــ (وزیر نظام)

مقرب الخاقان وزیر طهران قدغن خواهند نمود که درویش و فقرا را نگذارند در سر راه باشند و راهها و دروازه اسب‌دوانی را پاک و آب‌پاشی و جاروب نمایند.

دویست نفر سرباز با یک نفر یاور دم دروازه اسب‌دوانی صف کشیده وقت عبور ایلچی کبیر احترام نظامی به عمل خواهند آورد. دویست نفر سرباز درب سفارتخانهٔ دولت عثمانی که در ییلاق تجریش است، صف کشیده با یاور احترام نظامی به عمل خواهند آورد.

از نظارت‌خانه مبارکهٔ همایونی، ده خوانچه حلویات خوب به طوری که معمول ورود سفراست قبل از وقت در سفارتخانه حاضر خواهند نمود که وقت ورود ایلچی دلیل مبارک باد باشد.

ـــ (جلالت‌مآب مستوفی الممالک)

جناب فخامت نصاب وزیر دفتر قدغن خواهند کرد چهار نفر از مستوفیان عظام با لباس درباری قبل از وقت در سفارتخانهٔ ییلاق که در تجریش است، بوده از جانب دولت علیه رسم تفقدات را به عمل آورند.

روز دویم ورود جناب ایلچی کبیر مقرب الخاقان پیشخدمت‌باشی با یکی از معتبرین درب‌خانهٔ حضرت اشرف والا برای تفقد و مهربانی دولتی از جانب حضرت اشرف ارفع امجد افخم والا نایب‌السلطنه امیرکبیر دام اقباله به سفارتخانه رفته از جناب ایلچی احوالپرسی خواهند کرد.

ـــ (جناب آجودان مخصوص)

ایضاً روز دویم ورود ایلچی مقرب الخاقان میرزا محمود وزیر دارالخلافه به سفارتخانه رفته احوال پرسی خواهند نمود.

ـــ (میرزا عبدالله خان)

ایضاً روز دویم ورود ایلچی مقرب الخاقان میرزا حسین خان نایب وزارت خارجه از ایلچی در سفارتخانه دیدن و احوالپرسی خواهد نمود.

بیست نفر فراش و ده نفر شاطر با صاحب‌منصب خود در دم دروازه برای احترام حاضر خواهند بود که قدری در پیشاپیش ایلچی راه رفته چون جناب ایلچی به سفارتخانهٔ ییلاق می روند تا دم دروازهٔ مرخص خواهند کرد. در هر جا از معابر قراول و سرباز و توپچی باشد احترام نظامی به عمل خواهند آورد.

مستقبلین تا قدری خارج از آبادی شهر همراهی کرده مرخص خواهند شد، جناب ایلچی با سوارها به سفارتخانه خواهند رفت.

محل مهر: یامحمد

[حاشیه:] از روی همان تشریفات برای ورود جناب خالدبیک سفیرکبیر عثمانی که روز جمعه ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۳۰۳ تخاقوی‌ئیل که از شاه‌آباد وقت ظهر روانه شهر می شوند.

[illegible]

از طرف قرین الشرف حضرت اشرف ارفع امجد اکرم افخم والا نایب السلطنه امیر کبیر دام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت اشرف ارفع امجد والا دام [illegible]

[illegible]

[illegible]

ایالت [illegible]

ایالت [illegible]

از [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الیضاً [illegible]

الیضاً [illegible]

[illegible]

مرض [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۳۰
موضوع: تشریفات روز شرفیابی ایلچی کبیر عثمانی خدمت نایب السلطنه
تاریخ: ۶ جمادی الاخر ۱۲۹۵ هـ. ق
کارتن: ۱۵
پروندهٔ: ۳/ت

تشریف روز شرفیابی جناب جلالت‌مآب ایلچی کبیر خدمت حضرت اشرف ارفع امجد افخم والا نایب السطنه امیرکبیر دام اقباله به تاریخ روز شنبه ۶ جمادی الاخره ۱۲۹۵

جناب ایلچی کبیر روز شنبه ۶ شهر جمادی الاخر ۱۲۹۵ سه ساعت به غروب مانده خدمت حضرت اشرف ارفع امجد اکرم والا مشرف خواهد شد.

نایب ایشیک آقاسی باشی و ده نفر یساول با یک اسب یراق مرصع از برای ایلچی و سه رأس اسب یراق طلا با آنکه داخل تشریفات نیست محض احترام دوستانه برای صاحب‌منصبان و یک نفر نایب امیر آخور به سفارتخانه که در تجریش است رفته، نایب ایشیک آقاسی باشی اظهار می نماید که از جانب حضرت اشرف ارفع امجد اکرم والا شاهنشاهزادهٔ افخم نایب السلطنه امیرکبیر دام اقباله با نهایت احترام دعوت شده‌اید و به اتفاق جناب ایلچی کبیر به طهران می آیند، این اشخاص پنج ساعت به غروب مانده در سفارتخانهٔ دولت عثمانی که در تجریش است حاضر خواهند بود.

هنگام عبور جناب ایلچی کبیر تک قراولان که درب عمارات همایونی مشغول قراولی هستند پیش‌فنگ خواهند زد.

از این قرار اهل نظام با لباسهای خوب حاضر خواهند بود. قراول توپها که تعظیم نظامی به عمل می آورند. چهارصد نفر سرباز که سمت درب اعلی ایستاده پیش‌فنگ می زنند.

بیست نفر فراش و ده نفر شاطر با نایب شاطرخانه و نایب فراشخانه از دم قراولخانه محاذی سفارتخانه انگلیس پیشاپیش ایلچی کبیر تا درب دیوانخانهٔ مبارکه خواهند بود.

نایب ایشیک آقاسی جناب ایلچی کبیر را داخل عمارت دربار اعظم در اطاقی که از برای احترام و استراحت جناب ایلچی کبیر مهیا شده است داخل خواهند کرد در

حالتی که چند نفر از اعاظم و امرا و اعیان حاضر باشند از قرار تفضیل ذیل.

ـ امیرالامراء العظام صاحب اختیار امیر تومان، ایشیک آقاسی باشی

ـ عمدة الامراء العظام شجاع السلطنه، مقرب الخاقان عبدالحسین خان پسر مرحوم سردار

ـ مقرب الخاقان میرزا حسین خان نایب وزارت خارجه، مقرب الخاقان محمدامین خان

ـ نایب ایشیک آقاسی باشی

و در آنجا اسباب چای و شربت و قهوه و غلیان اسباب طلا در کمال پاکیزگی حاضر خواهد بود.

بعد از آنکه استراحت کردند، امیرالامراء العظام ایشیک آقاسی باشی جناب ایلچی کبیر را با صاحب‌منصبان سفارتی به ترتیب و نظمی که مقرر است به اطاق حضرت اشرف ارفع امجد اکرم والا می برند، در حالتی که از برای جناب ایلچی کبیر صندلی در خدمت ایشان حاضر کرده باشند.

جناب ایلچی کبیر بعد از شرف ملاقات حضرت اشرف ارفع امجد اکرم والا از جناب مستطاب اجل اکرم آقا دام اجلاله العالی دیدن خواهند نمود.

فردای آن روز جناب مستطاب اجل اکرم آقا دام اجلاله بازدید از جناب ایلچی کبیر خواهند نمود.

دو کالسکه یکی شش اسبی برای جناب جلالت‌مآب ایلچی کبیر و یک چهاراسبه برای همراهان ایشان به سفارتخانه فرستاده خواهد شد.

محل مهر: یامحمد

تشریف بردن جناب ایلچی کبیر عثمانی به حضور حضرت اشرف ارفع امجد افخم والا نایب السلطنه امیر کبیر دام اقباله العالی روز شنبه ۵ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۵

جناب ایلچی کبیر روز شنبه ۵ شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۹۵ یک ساعت به غروب مانده به خدمت حضرت اشرف ارفع امجد والا مشرف خواهند شد

نایب ایشیک آقاسی باشی با ده نفر پیشخدمت یدک اسب یراق طلا ... از طرف حضرت ... با یراق طلا : ... احترام ... نایب

نایب امیراخور به سفارت خانه رفته به تشریفات نایب ایشیک آقاسی باشی اظهار نماید که از جانب حضرت اشرف ارفع امجد والا ... نایب السلطنه امیر کبیر

دام اقباله ... احترام دعوت شده اند ... جناب ایلچی کبیر به طهران ... این اوقات ... به سفارت خانه دولت عثمانی ... تشریف ... خواهند

هنگام عبور جناب ایلچی کبیر ... قراولان در عمارت ... قراولان ... پیش فنگ خواهند

از نظام ... قراولی ... خواهند بود ... قراول ... چهار صد نفر ... در عمارت ... پیش فنگ ... نمایند

یک نفر فراش و ده نفر شاطر ... نایب فراشخانه ... فراشخانه ... سفارت خانه ... پیشخدمت ... ایلچی کبیر ... خواهند بود

نایب ایشیک آقاسی باشی جناب ایلچی کبیر را ... عمارت ... احترام ... جناب ایلچی کبیر ... خواهند کرد ... چند نفر

از امرای عظام ... حاضر باشند ... به قرار تفصیل ذیل

امیر الامراء العظام ... امیر ...	ایشیک آقاسی باشی	عمدة الامراء العظام شجاع السلطنه	... سرتیپ	... سرتیپ	...	... ایشیک آقاسی باشی

... اسباب ... و ... اسباب طلا ... حاضر خواهد بود

بعد از آنکه استراحت کردند امیر الامراء العظام ایشیک آقاسی باشی جناب ایلچی کبیر را ... به اطاق حضرت اشرف ارفع امجد اکرم والا

می برند ... جناب ایلچی کبیر ... در خدمت ایشان حاضر کرده باشند

جناب ایلچی کبیر بعد از شرف ملاقات حضرت اشرف ارفع امجد اکرم والا ... جناب ... اکرم ... دیدن خواهند نمود

فردای آن روز جناب ... اکرم ... بعد از جناب ایلچی کبیر ... خواهند نمود

... کالسکه ... ایلچی کبیر ...

... به ...

شمارهٔ سند: ۴۳۱
موضوع: اسامی وزرای دولت عثمانی
تاریخ: ندارد
کارتن: ۱۵
پرونده: ۹/س

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

وزرای اول

ـ جناب مستطاب رضاپاشا، (سپهسالار) وزیر جنگ
ـ جناب اجل رضاپاشا، وزیر عدلیه و مذاهب
ـ جناب اجل حسن‌پاشا، وزیر بحریه
ـ جناب اجل رفعت‌پاشا، وزیر داخله
ـ جناب اجل ذکی پاشا، وزیر توپخانه امیرتومان
ـ جناب اجل نظیف پاشا، و زیر مالیه
ـ جناب اجل غالب‌پاشا، وزیر اوقاف
ـ جناب اجل زهدی پاشا، وزیر علوم
ـ جناب اجل توفیق‌پاشا، وزیر تجارت و فواید
ـ جناب اجل توفیق‌پاشا، مستشار صدارت عظمی

وزرا و امنای مابین سلطانی

ـ جناب اجل عثمان پاشای غازی، وزیر مابین همایون
ـ جناب اجل درویش‌پاشا، جنرال آجودان حضور
ـ جناب اجل فوادپاشا، جنرال آجودان امیرتومان
ـ جناب جلالت‌مآب تحسین‌بیک افندی، منشی اول مابین همایون
ـ جناب اجل منیر پاشا، وزیر تشریفات و ترجمان دیوان همایون و کاتب تحریرات اجنبیه
ـ جناب اجل ماورونی پاشا، طبیب اول سلطانی
ـ جناب جلالت‌مآب حاجی علی بیک افندی، پیشخدمت‌باشی حضور سلطان

ــ جناب اجل میکائیل پاشا، وزیر خزانه خاصه سلطانی
ــ جناب جلالت‌مآب محمدپاشا، آجودان باشی سلطان
ــ جناب نوری پاشا، پیشخدمت سلطان
ــ جناب شاکر پاشا، میر پنج نظامی حضور
ــ جناب جلالت‌مآب کاظم بیک افندی، منشی حضور سلطانی

سایر وزرا و امیرتومانها

ــ جناب اجل رؤف پاشا، امیر تومان اردوی خاصه
ــ جناب مستطاب محمودپاشا، داماد اعلی حضرت سلطانی
ــ جناب مستطاب فریدپاشا، داماد سلطان
ــ جناب اجل توفیق پاشا، وزیر صندوق تقاعد
ــ جناب اجل رضوان پاشا، امین شهر
ــ جناب اجل علیرضاپاشا، وزیر دفاتر املاک و بیوتات
ــ جناب اجل ناظم پاشا، وزیر نظمیه
ــ جناب اجل آرتین پاشا، مستشار وزارت خارجه

مستشارها

ــ جناب فخامت نصاب احمد رفیق بیک، مستشار وزارت داخله
ــ جناب فخامت نصاب ببرترام افندی، مستشار وزارت گمرک
ــ جناب فخامت نصاب شرف‌الدین افندی، رئیس دایره مقام سپهسالاری

اعیان مملکت

ــ جناب مستطاب عارفی پاشا
ــ جناب اجل ابراهام پاشا
ــ جناب اجل قسطاکی آنطوپولو پاشا
ــ جناب جلالت‌مآب رضا افندی، رئیس کومیسیون سجل احوال
ــ جناب لفوفت بیک افندی
ــ جناب فخامت نصاب حبیب افندی، مدعی عمومی اول اعیان
ــ جناب سیردیجن افندی

مأمورین باب‌عالی و دوایر سایره

ـ جناب جلالت‌مآب رائف پاشا، امین گمرک
ـ جناب فخامت نصاب عزالدین بیک، رئیس ثانی دایرهٔ تنظیمات شورای دولت
ـ جناب حاجی عاکف افندی، رئیس ثانی دایرهٔ داخله شورای دولت
ـ جناب احمد مدحت افندی، رئیس ثانی مجلس حافظ الصحه
ـ جناب منیربیک، مکتوبچی وزارت خارجه
ـ جناب جلالت‌مآب حسن عالی افندی، وزیر تلگراف و پست
ـ جناب جلالت‌مآب سلیم ملحمد افندی، وزیر جنگل و معادن و زراعت
ـ جناب زهدی بیک، رئیس دیوان محاسبات
ـ جناب عبدالرحمن افندی، مدیر مکتب سلطانی
ـ جناب خالدبیک، رئیس اول محکمهٔ استیناف
ـ جناب حمدی بیک افندی، مدیر موزهٔ سلطانی
ـ جناب فرخ افندی، تشریفاتچی دیوان همایون
ـ جناب محمدعلی بیک، مستوفی دیوان همایون
ـ جناب محمدعلی بیک، مدیر دایرهٔ ششم شهر
ـ جناب رائف افندی، نامه‌نگار دیوان همایون
ـ جناب باقی افندی، مدیر اوراق باب‌عالی
ـ جناب زیوربیک، مدیر مذاهب
ـ جناب ضیاءبیک، منشی مخصوص صدارت عظمی
ـ جناب داود افندی، مترجم اول
ـ جناب نوری بیک، منشی تحریرات خارجه
ـ جناب وکیل افندی، ترجمان صدارت عظمی
ـ جناب نشان افندی، مدیر مطبوعات اجنبیه
ـ جناب بهجت بیک، مدیر مطبوعات داخله
ـ جناب کوقور افندی، محاسبه‌چی خارجه
ـ جناب قوباری افندی، مدیر رصدخانهٔ عامره
ـ جناب حسن حسیب بیک، نایب الحکومه بک اوغلی

- جناب رضابیک، مدیر امور مختلطهٔ حقوقیه
- جناب حسن بیک، مکتوبچی وزارت داخله
- جناب عطابیک، مدیر خزینهٔ اوراق
- جناب سیمون افندی، معاون مدیر مطبوعات اجنبیه
- جناب مصطفی بیک، معاون مستشار وزارت خارجه
- جناب منیربک، مدیر اوراق مهمهٔ وزارت خارجه
- جناب غابریل افندی، مشاور حقوق باب‌عالی
- جناب حقی بک، مشاور حقوق باب‌عالی
- جناب صبغر افندی، مدیرتحریرات مهمه باب‌عالی
- جناب میکائیل افندی، ترجمان وزارت خارجه
- جناب تحسین افندی، مدیر اوراق وزارت خارجه
- جناب شکری افندی، مدیر اطاق دارالترجمهٔ باب‌عالی
- جناب عزت‌بک، معاون مترجم اول
- جناب سالم‌بک مدیر تابعیت
- روف‌بک، خلیفهٔ اول دارالانشای وزارت خارجه
- رفعت‌بک، رئیس اول محکمهٔ اول تجارت
- توفیق‌بک، خلیفهٔ اول مطبوعات اجنبیه
- دانیل افندی، معاون امور مختلطهٔ حقوقیه
- فراچیانی افندی، مفتش شهبندرخانها

وزرای اول

- جناب سلطان رضا خان (سپهسالار) وزیر جنگ
- جناب آقای رضا خان وزیر عدلیه و دیوان
- جناب آقای حسن خان وزیر بحریه
- جناب آقای رفعت خان وزیر داخله
- جناب آقای دولت خان وزیر توپخانه امیر لشکر
- جناب آقای لطیف خان وزیر مالیه
- جناب آقای غالب خان وزیر اوقاف
- جناب آقای زاهد خان وزیر علوم
- جناب آقای توفیق خان وزیر تجارت و فوائد
- جناب آقای وفیق خان منشی ریاست عظمی

وزرا و امنای سلطنتی

- جناب آقای عثمان خان [illegible] وزیر امنای همایون
- جناب آقای درویش خان جنرال اعوان حضور
- جناب آقای فؤاد خان جنرال اعوان امیر لشکر
- جناب کلنل تحسین بیک آفندی منشی امنای همایونی
- جناب آقای منیر خان وزیر تشریفات و رئیس دفتر [illegible] مکاتبات تحریرات خفیه
- جناب آقای [illegible] خان طبیب امین سلطانی
- جناب کلنل حقی بیک آفندی منشی امانت حضور سلطانی
- جناب آقای [illegible] خان وزیر خزانه خاصه سلطانی
- جناب کلنل [illegible] خان اعوان امنای سلطانی
- جناب آقای نوری خان منشی امانت سلطانی
- جناب [illegible] خان میرپنج [illegible] حضور
- جناب کلنل کاظم بیک آفندی منشی حضور سلطانی

سایر وزرا و امیر تومانها

- جناب آقای رئوف خان امیر تومان ارکان حرب
- جناب سلطان محمود خان داماد اعلیحضرت سلطانی
- جناب سلطان [illegible] خان داماد سلطانی
- جناب آقای مؤمن خان وزیر صنعت و زراعت
- جناب آقای رضوان خان امین [illegible]
- جناب آقای علی رضا خان وزیر دفاع [illegible]
- جناب آقای ناظم خان وزیر نظمیه
- جناب آقای ارسلان خان منشی وزارت خارجه

منشی ها

- جناب [illegible] احمد [illegible] منشی وزارت داخله
- جناب [illegible] آفندی منشی وزارت گمرک
- جناب [illegible] آفندی رئیس دایره مقام سپهسالاری

اعیان مملکت

- جناب سلطان [illegible] خان
- جناب آقای ابراهیم خان
- جناب آقای قسطنطین [illegible] خان
- جناب کلنل رضا آفندی رئیس کمیسیون [illegible]
- جناب [illegible] آفندی

جناب فخامتنصاب لبیب افندی
جناب سرمحرر افندی

مدیر عمومی امنیت عامه

مأمورین باب عالی و دوائر سائره

جناب فخامتلو رائف پاشا
امین گمرک

جناب حشمتنصاب عبدالرحیم بک
رئیس ثانی دائره تنظیمات شورای دولت

جناب حاجی عاکف افندی
رئیس ثانی دائره داخلیه شورای دولت

جناب احمد مدحت افندی
رئیس ثانی مجلس حفظ الصحه

جناب خیر بک
مکتوبجی وزارت خارجیه

جناب فخامتلو فخر علی افندی
وزیر تلغراف و پوسته

جناب فخامتلو سلیم ملحمه افندی
وزیر جنگل و معادن و زراعت

جناب زهدی بک
رئیس دیوان محاسبات

جناب عبدالرحمن افندی
مدیر مکتب سلطانی

جناب صالح بک
رئیس اول محکمه استیناف

جناب حمدی بک افندی
مدیر موزه سلطانی

جناب فرخ افندی
تشریفاتچی دیوان همایون

جناب محمد علی بک
مستشار دیوان همایون

جناب محمد علی بک
مدیر دائره نشان همایون

جناب رائف افندی
نامه نگار دیوان همایون

جناب ناجی افندی
مدیر اوراق باب عالی

جناب زیور بک
مدیر مراسم

جناب صفا بک
منشی مخصوص صدارت عظمی

جناب داود افندی
مترجم اول

جناب نوری بک
منشی تحریرات خارجیه

جناب وکیل افندی
ترجمان صدارت عظمی

جناب نشأت افندی
مدیر مطبوعات اجنبیه

جناب بهجت بک
مدیر مطبوعات داخلیه

جناب کرکور افندی
محاسبه جی خارجیه

جناب قوجه باری افندی
مدیر رصدخانه عامره

جناب حسیب بک
نایب الحکومه بک اوغلی

جناب رضا بک
مدیر امور مختلطه حقوقیه

جناب حسن بک
مکتوبجی وزارت داخلیه

جناب علی بک
مدیر خزینه اوراق

جناب سیمون افندی
معاون مدیر مطبوعات اجنبیه

جناب بسیم بک
معاون مستشار وزارت خارجیه

جناب منیر بک
مدیر اوراق تذکره وزارت خارجیه

جناب غالب افندی
مشاور حقوق باب عالی

جناب حقی بک
مشاور حقوق باب عالی

جناب صفوت افندی
مدیر تحریرات ... باب عالی

جناب مصطفى افندى	جناب تحسین افندى	جناب بسرى افندى	جناب عزت بك	جناب سالم بك
ترجمان وزارت خارجیه	مدیر اوراق وزارت خارجیه	مدیر الحاق دار الترجمه باب عالى	معاون مترجم اول	مدیر تابعیت
رؤوف بك	رفعت بك	توفیق بك	ذهنى افندى	فراجى افندى
خلیفهٔ ثانى دار القلم وزارت خارجیه	رئیس اول محکمهٔ اول تجارت	خلیفهٔ اول مطبوعات اجنبیه	معاون امور مختلطه و حقوقیه	مفتش شعبهٔ رجال

شمارهٔ سند: ۴۳۲
موضوع: تشریفات و پذیرایی از وزیرمختار عثمانی
تاریخ: ٤ ذی القعده ۱۲۹٦ هـ . ق
کارتن: ۱٦
پروندهٔ: ۳/ت

دستورالعمل عالی جاه مقرب الحضرت الخاقانیه عسکرخان سرتیپ مهماندار جناب خیرالله افندی وزیرمختار دولت علیه عثمانی

در اول ملاقات مهماندار این طور مأموریت خودش را به جناب وزیرمختار اعلام نماید که من از جانب سنی الجوانب سرکار اقدس همایون شاهنشاهی مأمورم که شما را به رسم مأمور دربار دولت علیه با احترام تمام بپذیرم و از همین ساعت الی دارالخلافه الباهرة در تهیهٔ لوازم حرمت و موجبات خوشوقتی و استراحت شما ساعی باشم و امیدوارم در شرایط تقدیم مأموریت منظور اولیای دولت علیه را به عمل آورم.

بر مهماندار لازم است که به دقت تمام راهها را ملاحظه نماید که از قصبات و دهات واقعه در عرض راه کدام‌یک مناسب نزول است و فاصلهٔ هر یک به دیگری چند فرسخ است و بلکه از روی دقت و تصدیق مردمان بلد و باخبر صورت داشته باشند و از روی بصیرت بدانند که امروز منزل کدام و مسافت چقدر است.

عمده‌تر از همه قرار مستقبلین عرض راه در منازل و روز ورود شهرها است، نواب و حکام بلوکات و محالات واقعه در عرض راه غیر از شهرهای معظم در خاک و بلوک ابواب جمعی خودشان با همراهان و سوار شایسته که اقل عدد آنها سی نفر باشد، جناب وزیرمختار را استقبال نمایند و کمال انسانیت را به عمل آورند و پاره تعارفات جزئیه لوازم انسانیت را فروگذار ننمایند و وقتی که می خواهد جناب ایلچی از منزل حرکت نماید کلانتر و کدخدا و صاحب‌منصب نظامی که در قراء و قصبات بوده باشند با خود حاکم بلوک و کسان و من‌تبع او مشایعت نمایند و تا مستقبلین بلوک و دهات دیگر نرسیده‌اند پهلوی وزیرمختار را از آدم و سوار خالی نگذارند و همین که وارد سرحد یک بلوکی یا ولایتی دیگر شدند که مستقبلین آنجا در اول خاک خودشان حاضر شده‌اند آن وقت مشایعت کنندگان منزل سابق خداحافظ کرده برگردند.

احدی ازحکام و ضباط و قراولان نباید چیزی مطالبه نمایند اگر آنها چیزی به اصرار بدهند اولاً قبول گرفتن ننمایند و اگر زیاد اصرار کردند بگیرند و جناب ایلچی را نرنجانند.

در هر جا که قشون و اهل نظام در معبر جناب ایلچی باشند خواه دهات عرض راه خواه قصبات و بلده باید حاضرباش کرده، احترامات عسکریه نمایند و سربازها پشت چاتمهٔ خودشان صف کشیده با نظام بایستند و یک قراول پیش‌فنگ نماید و در منزلی که سرباز و توپچی هستند با لباس خوب از آنها به جهت قراول احترام در دم منزل وزیرمختار گذارند.

روزی که جناب ایلچی وارد تبریز می شوند نواب مستطاب اشرف ارفع والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دولت ابدآیت حکمران آذربایجان دام اقباله مقرب الخاقان محمدخان سرتیپ اول را رئیس مستقبلین قرار بدهند دیوان‌بیکی و کلانتر و کدخدایان و مستوفیان دیوانی و سایر ارباب قلم و صاحب‌منصب نظامی و اشراف و معارف تبریز با رئیس مستقبلین به قدر نیم فرسخ بلکه کمتر از شهر دور می شوند و در جای مناسب در دو طرف راه صف زده می ایستند بعد از ورود ایلچی و تعارفات لازمه توپچی ها به فرمان یاور توپخانه یمیناً و یساراً پیشاپیش جناب وزیرمختار راه می روند و همچنین به قدر یکصد نفر غلام و سوار و سه رأس اسب یدک با یراق طلا و امیراخور و جلودار با رئیس مستقبلین خواهند بود و رئیس مستقبلین از جناب نواب مستطاب اشرف امجد والا شاهزادهٔ اعظم ولیعهد دام‌اقباله احوال‌پرسی و خوش‌آمد به وزیرمختار خواهند کرد و مهماندار مستقبلین را معرفی خواهد نمود در بیرون شهر، داروغه شهر نیز با کسان خود سواره با جناب وزیرمختار همراهی نمایند، بیست نفر فراش با دو نفر نایب در جلو ایلچی افتاده فقیر و سائل را نگذارند نزدیک وزیرمختار بیایند، غیر فراش احدی اذن ندارد پیاده جلو جناب وزیرمختار بیفتد یا از عقب بیاید.

اگر مردم در خارج شهر به جهت تماشا جمع شده باشند کنار راهها بایستند که ازدحام جمعیت تماشاچیان پیاده مانع عبور مستقبلین سواره نباشد و نگذارند تماشاچیان در معبر جناب وزیرمختار بنشینند. از هر دروازه که ایلچی وارد می شود پنجاه نفر سرباز با لباسهای خوب در آنجا و همچنین پنجاه نفر سرباز در درب منزل وزیرمختار حاضر خواهند بود و احترامات نظامی به عمل خواهند آورد. اگر جناب وزیرمختار به قدر

ضرورت سرباز و قراول نگاهداشت زیادی مرخص شده بروند و صاحب‌منصبی که استغنای طبع داشته باشد در سر سرباز بماند که چیزی از ایلچی و کسان او نگیرند بعد از اینکه وارد تبریز شد بیست و یک تیر توپ خالی نمایند. پیش از ورود ایلچی چهار پنج خوانچه شیرینی و حلویات در منزل ایشان حاضر نمایند چهار پنج نفر پیشخدمت با اسباب چای و قهوه پیش از وقت مهیا نمایند. رئیس مستقبلین در منزل ایلچی باید مقابل کرسی وزیرمختار باشد و در معابر وسیع مقابل همدیگر بیایند و در جای تنگ ایلچی را پیش بیندازند سایر مستقبلین در در خانهٔ جناب ایلچی سواره خداحافظ کرده بروند.

رؤسای دربخانه نوکران بزرگ دیوانی و کلانتر و کدخدا و بعضی از بزرگان شهر و صاحب‌منصبان نظام روز بعد از ورود از جناب وزیرمختار مادام توقف تبریز از جانب نواب شاهنشاه‌زادهٔ اعظم اشرف امجد ارفع والا ولیعهد دولت ایران دام‌اقباله تفقدات جزئیه از قبیل قند و چای و شیرینی و شکار و بره به وزیرمختار بشود.

عمده‌العمراء [عمدة‌الامراء] العظام اعتمادالسلطنه از جانب سرکار نواب شاهنشاه‌زاده اعظم اشرف والا ولیعهد دام‌اقباله به دیدن ایلچی خواهند رفت و روز دیگر جناب ایلچی از اعتمادالسلطنه بازدید خواهند کرد روزی که جناب ایلچی خدمت نواب مستطاب شاهنشاهزاده اعظم اشرف والا ولیعهد دام‌اقباله می رسد به قراول درب خانه افزوده خواهد شد و قدغن خواهند کرد که سربازان قراول عمارت و میدان لباسهای خوب بپوشند و به هر طوری که در ورود ایلچی احترامات معمول شده به تقدیم رسانند روز بیرون رفتن از تبریز همان اشخاصی که به استقبال رفته بودند مشایعت نمایند.

تکلیف حکومت خمسه این است که به حکام و ضابط بلوکات و دهات ابوابجمعی خود قدغن نماید که به همین طور که دستورالعمل مرقوم است رفتار نموده اهمال ننمایند.

روز ورود وزیرمختار به شهر زنجان منزل شایسته معیّن نموده و چهار پنج خوانچه شیرینی و حلویات در منزل مشارالیه حاضر نمایند. جناب عمیدالملک حاکم با کدخدا و کلانتر شهر و صاحب‌منصبان با لباسهای خوب و اوضاع تجمل استقبال نمایند و در معابر و کوچه های تنگ جناب ایلچی را جلو اندازند در دم دروازه و در منزل جناب ایلچی یک دسته سربازصف کشیده یک قراول پیش‌فنگ نماید و قراول احترام در منزل مشارالیه بگذارند سایر مستقبلین خداحافظ کرده بروند حاکم با جناب وزیرمختار وارد منزل شده

بعد از صرف قهوه و غلیان برود.

رؤسای زنجان ازکدخدا و کلانتر و غیره از جناب ایلچی دیدن نمایند مگر حاکم که به همان استقبال و ورود منزل کافی است و جناب ایلچی هم بلافاصله از عمیدالملک حاکم بازدید خواهند کرد.

روزی که جناب وزیرمختار از حاکم زنجان دیدن می نمایند، اسب و یراق طلا برای سواری او بفرستند و فراش به جلو او بیندازند و کوچه ها را قدغن نمایند پاک پاکیزه کنند و بر قراول درب خانه حاکم افزوده شود و قراولان احترامات عسکریه به عمل آورند عملهٔ درب خانه حاکم با لباسهای خوب باشند مادام توقف آنجا از جانب حاکم تعارفات لازمه جزئیه از قبیل قند و چای و شیرینی و شکار و بره برای جناب مشارالیه بفرستند.

روز حرکت از شهر هم سوای حاکم آنهایی که به استقبال رفته بودند مشایعت کنند و با احترامی که روز ورود وارد شده به همان طور حرکت نمایند.

تکلیف نواب مستطاب عضدالدوله حکمران قزوین این است که در روز ورود جناب ایلچی یک نفر سرتیپ معتبر اگر حاضر باشد و الّا شخص دیگری که خیلی معتبر باشد رئیس مستقبلین قرار دهند و به طوری که در ورود به تبریز شرح داده شد، مستقبلین را از کلانتر و کدخدا و اعیان و اشراف قرار داده، سه یدک بفرستد، در دم دروازه سرباز حاضر نمایند، در معابر هر جا اهل نظام و توپچی است تعظیمات عسکریه به عمل آورد راهها و معابر از سائل و خاشاک پاک باشد، درب خانهٔ ایلچی سرباز قراول اقلاً پنجاه نفر با لباس خوب حاضر باشد. قبل از وقت پنج شش خوانچه شیرینی در منزل جناب ایلچی با شربت و قهوه و چند نفر پیشخدمت و غلیان از جانب حاکم حاضر باشد. پس از ورود منزل همگی خداحافظ کرده بروند، رئیس مستقبلین به منزل ایلچی رفته شربت و غلیان کشیده بعد می رود و لوازم انسانیت به عمل آید پیشکار شاهزاده همان روز ورود از جناب ایلچی دیدن نماید و احوالپرسی کند نواب شاهزاده شخصی را از خواص خود مخصوصاً به احوالپرسی بفرسد و اگر خود جناب ایلچی مایل شدند که نواب شاهزاده را ملاقات نماید نواب شاهزاده اسب یراق طلا با چند نفر صاحب‌منصب با لباس خوب و بیست نفر فراش درب منزل وزیرمختار بفرستند و در منزل خودشان هم لباس قراولان و خادمان خوب باشد. میز و صندلی حاضر باشد که ایلچی در روی صندلی بنشیند و نهایت اظهار مودت و مهربانی را بفرمایند و اگر جناب ایلچی توقف

کردند اعیان و کلانتر و غیره دیدن نمایند و در خاک زنجان و قزوین الی طهران به طوری که قلمی شد استقبال‌چی و سوار و منزل حاضر نمایند که بر جناب وزیرمختار تا ورود طهران آسایش و استراحت و احترام شود و از روز ورود جناب وزیرمختار به قزوین معلوم نمایند که جناب وزیرمختار چه روز و در چه ساعت وارد طهران خواهد شد و صورت منازلی را که جناب وزیرمختار منزل خواهند کرد با روز و ساعت ورود نوشته به چاپاری ارسال دارد که در طهران فرصت فراهمی تشریفات روز ورود دارالخلافه باشد، البته باید اقلاً سه روز قبل از ورود وزیرمختار این خبر را صریحاً و صحیحاً قلمی دارد که اهم تکلیف مقرب الخاقان عسکرخان است ٤ شهر ذیقعده ۱۲۹۶.

دستورالعملی عالیجاه مقرب الخاقان عسکرخان بترتیب مهمانداری جناب خیرالله افندی وزیر مختار دولت علیه عثمانی

در وقت ملاقات مهماندار از روی اظهار ماموریت خود شان را بجناب وزیر مختار دولت علیه نماید که من از جانب سنی الجوانب کارگزاران

دولت همایون شاهنشاهی مامور شده ام که شما را برسم مامور دولت علیه باحترام تمام بپذیرم و از همین ساعت الی

دارالخلافه باهره در تهیه لوازم حرمت و موجبات خوشوقتی و آسایش و راحت شما ساعی باشم و امیدوارم که در ادای شرایط

تقدیم ماموریت منظوره را بطوری که دولت علیه را لایق است بعمل آورم

بر مهماندار لازم است که در وقت تمام راههای سرحد خطه ایران از قصبات و دهات واقعه در عرض راه آگاهی مرتب

مناسب نزول است و فاصله هر منزل به یک دیگر چند فرسنگ است و نیز که از روی دقت و تصدیق مردمان بلد و با خبر حضور

داشته باشند و از روی بصیرت بدانند در امروز منزل کدام و مسافت چه قدر است

عمده تر از همه قرار استقبال عرض راه در منازل و ورود شهرها است که بنا بر آن حق ملوکانه دولت

واقعه در عرض راه غیر از شهرهای معظم در حالت ورود کدخدایان و ریش سفیدان خود شان با همراهان و سواران تشریفات

که در وقت عید و آنها سی نفر تا جناب وزیر مختار را استقبال نمایند و حکام ولایات بعمل آورند

و با رتبه یا قات جزئیه لوازم زینت را فروگذار ننمایند و وقتی که میخواهد جناب ایلچی از منزل حرکت نماید

کلانتر و کدخدا و صاحب منصب نظامی در قراء و قصبات بعد باشند با جمع حاضر بوده و کسان دیوان تبعه او

مشایعت نمایند و تا مستقبلین بلوک و دهات دیگر نرسیده‌اند به پهلوی وزیرمختار از آنها و سوار حاضر که همراه زنند

و همینکه وارد سرحد بلوکی که بآن ولایتی دیگر شوند مستقبلین آنجا در آن حال خودشان حاضر شوند

آنوقت مشایعت کنندگان منزل سابق خداحافظ گفته برگردند

احدی از حکام و ضباط و قراولان بنادر چیزی مطالبه ننمایند بلکه اگر آنها چیزی باصرار هم بدهند ابداً قبول

گرفتن ننمایند و اگر زیاد اصرار کنند خبر بجناب ایلچی را رنجانند

در هر جا که قشون و اهل نظام در معبر جناب ایلچی باشند خواه دهات عرض راه خواه قصبات و بلده

باید حاضر باشند که احترامات عسکریه نمایند و سربازها پشت چاتمه خودشان صف کشیده با نظام بایستند

و یک دسته از پیش جنگ باید در منزل هر سرباز و توپچی هستند با لباس خوب از آنها به جهت قراول

احترام در دم منزل وزیرمختار بگذارند

روزیکه جناب ایلچی وارد تبریز میشوند نواب مستطاب اشرف ارفع والا شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد دولت

ابتدا ترتیب حکمرانی آنجا با کمال والاحضرت اقدس والا مقرر بناظم محمد خان سرتیپ آقای رئیس مستقبلین قرار بر منصب دیوان

بیگی و کلانتر و کدخدایان و مستوفیان دیوان و سایر ارباب قلم و صاحب‌منصب نظامی و اشراف و معارف

تبریز با رئیس مستقبلین تا قدر نیم فرسخ بلکه کمتر از شهر بیرون می‌شوند و در جای مناسب و در طرف راه صف

زده می‌ایستند بعد از ورود ایلچی و تعارفات لازمه توپچیها نقاره‌چیان با دو ارکوی [illegible] شش خواند.

و وزیر مختار را همراه نموده و همچنین تا قدر یکصد نفر غلامها و سوار و دسته رئیس است که با یراق طلا و اسبهای خوب

وجود دارد با رئیس مستقبلین خواهند بود و رئیس مستقبلین از جانب نواب مستطاب اشرف امجد والا

شاهزاده اعظم ولیعهد دام اقباله احوال پرسی و خوش آمد بوزیر مختار خواهند گفت و مهماندار

مستقبلین را معرفی خواهند نمود در بیرون شهر داروغه شهر تبریز با کسان خود بر اراده با جناب وزیر مختار

همراهی خواهند نمود بیست نفر فراش با سر نفر نایب در جلو ایلچی افتاده شهر و سایر را انبیه از

نزدیک وزیر مختار را با غیر فراش اصلی اذن بر ادب دیده جلو جناب وزیر مختار بنقدها

باید از عقب باشد

اگر مردم در خارج شهر بجهة تماشا جمع شده باشند کسان داروغه باید ایشان را از ازدحام و جمعیت

مانع

تماشاچیان پیاده و انواع عمو بر مستقبلین سواره نباشند و نگذارند تماشاچیان در معبر جناب

وزیر مختار بنشینند از هر دروازه که ایلچی وارد می‌شود پنجاه نفر سرباز با لباسهای خوب از آنجا و همچنین پنجاه

نفر سرباز در درب منزل وزیر مختار حاضر خواهند بود احترامات نظامی بعمل خواهند آورد و اگر جناب

وزیر مختار بقدر ضرورت سرباز و قراول نگاه داشتن برای حفظ شب و روز و صاحب منصبی به

استغنای طبع داشته باشند در سر هر بازار که چیزی از ایلچی و کسان او بخرند بر بهای آن سکه

وارد تبریز شد بیست و یک تیر توپ خالی نمایند بیشتر از ورود ایلچی چهار پنج خوانچه شیرینی و حلویات

در منزل ایشان حاضر نمایند چهار پنج نفر پیشخدمت با اسباب چای و قهوه پیش از ورود

مهیا نمایند رئیس مستقبلین در منزل ایلچی بمقام کرسی وزیر مختار رفته و در معبر و سیع ملاقات

همدیگر بنمایند و در جای ... ایلچی را پیش بیندازند سایر مستقبلین در درخانه جناب ایلچی صدر از سواره

حافظ کعبه بروند

رؤسای درب خانه نوکران بزرگ دیوانی و کلانتر و کدخدایان بعضی از بزرگان شهر و صاحب منصبان

نظام روز بعد از ورود از جانب وزیر مختار بازدید توقف تبریز از جانب نواب شاهزاده بلقه

اعظم اشرف امجد ارفع والا ولیعهد دولت ایران دام اقباله نفقه آن جزیه از قبیل قند

و چای و شیرینی دستگاه روبره بوزیر لحق میشود

عمدة الامراء العظام اعتماد السلطنه از جانب سرکار نواب شاهنشاهزاده اعظم اشرف والا

ولیعهد دام اقباله به دیدن ایلچی خواهند رفت و روز دیگر جناب ایلچی از اعتماد السلطنه بازدید خواهند

کرد روزی که جناب ایلچی بخدمت نواب مستطاب شاهنشاهزاده اعظم اشرف والا ولیعهد دام

اقباله میروند تا قراول در باغخانه از قرار جزء خواهد شد و دو فوج خواهند که سربازان قراول عمارت

و میدان لباسهای خوب بپوشند و بهر طوریکه در ورود ایلچی احترامات معمولی شده بتقدیم رسانند

روز بیرون رفتن از تبریز همان اشخاص در باب استقبال رفته بودند مشایعت نمایند

بتکلیف حکومت خمسه این است که با حکام و ضابط بلوکات و دهات ابواب جمعی خود حکم

نمایند به همین طور در دستورالعمل مرقوم است رفتار نمایند اهالی تمامیه

روز ورود بزنجان رئیس شهر زنجان منزل شایسته معین نموده و چهار سینی خوانچه شیرینی و حلویات

در منزل شایسته حاضر نمایند جناب حمید الملک حاکم با کدخدا و کلانتر شهر

و صاحب منصبان با لباس‌های خوب و اوضاع تجملی استقبال نمایند و در معبر کوچه‌های تنگ جناب

ایلچی را وصول انداز نزد مردم دروازه و در منزل جناب ایلچی یک دسته سرباز صف کشیده یک دست قراول

شلیک نماید و قراولی احترام در منزل ایشان را ایستاده بگذارند از رفتن مستقبلین خدا حافظ که بروند حاکم

با جناب وزیر مختار در منزل ایشان بعد از صرف قهوه و غلیان برود

روز بعد بزرگان از کرد و حضرات وکلا و تشریفات و غیره از جناب ایلچی دیدن نمایند مگر حاکم که بهمان دستور استقبال ورود

منزل ایشان رفت و جناب ایلچی هم بلافاصله از دید الملک حاکم بازدید خواهند کرد

روز ثانیه حرکت جناب وزیر مختار را از حاکم رکاب دیدن می‌نمایند اسب و یراق طلا برای سواری او بفرستند

و فراش بجلو او بیندازند و کوچه را قرق نمایند که پاک کنند و بر قراول در خانه حاکم

افزوده شود و قراولان احترامات عسکریه بعمل آورند علم در خانه حاکم با لباس‌های خوب باشند

مادام توقف آنجا از جانب حاکم تعارفات لازمه جزئیه از قبیل قند و چای و شیرینی و تنباکو

و غیره برای جناب ایشان را ایستاده بفرستند

روز حرکت از شهر هم سوای حاکم آنهایی که باستقبال رفته بودند مشایعت کنند و با احترامی که

روز ورود وارد شهر بهمانطور حرکت نمایند

تکلیف نواب مستطاب عضدالدوله حکمران قزوین این است در روز ورقه

جناب ایلچی یک نفر سرتیپ معتبر لشکر حاضر باشد و الا شخص دیگری در خیال معتبر باشد به رسم استقبال

قرار دهند و بطوری که در ورود به تبریز شرح داده‌اند استقبالی بود از صد نفر و کرخانه او اجلال

و اشراف قرار داده شده هر یک نفر بفرستند در دم دروازه سرباز حاضر باشد در معابر هر جا لازمی

نظام و توپچی است تعظیمات عسکریه یعنی آداب دسته‌ها و معابر را از خس و خاشاک پاک نمایند

در خانه ایلچی سرباز قراول و اقلاً پنجاه نفر با لباس خوب حاضر باشند قبل از وقت ترتیب

شام خوانچه شیرینی در منزل جناب ایلچی با شربت و قهوه و چند نفر پیشخدمت و عملجات

از جانب حاکم حاضر باشند پس از ورود منزل همه احتیاط کنند روز دیگر رئیس استقبالیه به منزل

ایلچی رفته شربت و غلیان کشیده بعد برود و لوازم احترامات یعنی آدم پیشکار شاهزاده را

روز ورود از جناب ایلچی دیدن نماید و احوالپرسی کند نواب شاهزاده شخصی بود از خواص

خود مخصوص به احوالپرسی بفرستند دیگر خود جناب ایلچی مایل شد نزد نواب شاهزاده را

ملاقات نماید نواب شاهزاده اسب یراق طلا با چند نفر صاحب منصب با لباس خوب

و بعضی نفر فراش درب منزل وزیر مختار رفته بستند و در منزل خودشان هم لباس قراولان

و قداره‌ها مخصوص باشند نیز و صندلیها حاضر باشد ایلچی در روی صندلیها بنشینند و نهایت اظهار

مودت و مهربانی به ایشان نمایند و اگر جناب ایلچی توقف کنند اعیان دولت و کلانتر و غیره دیدن نمایند

و در حالت رفتن از قزوین الی طهران بطوری که قلمی شده استقبال چی و در ورود منزل حاضر نمایند

در جناب وزیر مختار تا ورود طهران آسایش و استراحت و احترام شود و از روز ورود جناب

وزیر مختار به قزوین معلوم نمایند که جناب وزیر مختار چه روز و چه ساعت وارد طهران خواهد شد و صورت

منزلها را هم جناب وزیر مختار منزل خواهند کرد با روز و ساعت ورود نوشته بجهت اولیای دولت

در طهران فرستند فراهمی تشریفات روز ورود دار الخلافه باشد البته باید اقلا سه روز

قبل از ورود وزیر مختار این خبر را صریح و صحیح قلمی داشته باشند تحقیق مقرب الخاقان عسکرخان است

۴ شهر ذی‌قعده ۱۲۶۶

شمارهٔ سند: ۴۳۳
موضوع: اعلان سلطنت مستقل در صربستان
تاریخ: ۱۴ جمادی الاول ۱۳۰۰ هـ. ق
کارتن: ۲۱
پروندهٔ:

نامهٔ میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیرخارجه به میرزا محسن خان مشیرالدوله سفیرکبیر ایران در اسلامبول

جناب جلالت‌مآبا

سابقاً که دو طغرا نامهٔ اعلی حضرت پادشاه سربستان را یکی مشعر به اعلان سلطنت مستقله، دیگری در باب اهدای نشان آن دولت، برای تقدیم حضور مرحمت به ظهور اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه فرستاده بودند، چون اصل نشان نرسیده بود، جواب نوشته شد. این اوقات، که مقرب الخاقان، حاجی محمدخان وارد دربار همایون گردید، و نشان مزبور را رسانید، دو طغرانامه در جواب نامهٔ آن دولت، نوشته شده و به توسط مقرب الخاقان مشارالیه ارسال شد، که آن جناب جلالت‌مآب به سفارت دولت مشارالیها تسلیم نماید، فرامینی هم که برای مأمورین خارجه خواسته بودید، بر حسب امر اقدس ملوکانه، ده طغرا فرمان بی اسم و رسم فرستاده شد، که آن جناب، به هر کس صلاح دانند، بدهند، و صورت آن را با یازده طغرا فرمان، که سابقاً فرستاده شده بود، به اسم و رسم و تعیین درجه برای ثبت دفتر وزارت جلیلهٔ خارجه خواهند فرستاد. سه طغرا فرمان نشان هم برای مقرب الخاقان حاجی محمدخان و صالح افندی و مسیو لامبارد صادر گردید و به مشارالیه داده شد، که فرمان آنها را ابلاغ نمایند به جهت استحضار خاطر آن جناب جلالت‌مآب قلمی گردید. حرر فی ۱۴ شهر جمادی الاولی ۱۳۰۰

با مهر میرزا سعیدخان

جناب جلالتمآبا سابقاً در طغرانامه اعلیحضرت پادشاه ایطالیا که متضمن اعلان سلطنت مستقله کبری دولت ابدی

نشان از دولت برای تقدیم حضور مرحمت ظهور اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه فرستاده بودند چون اصل نشان نرسیده بود جواب نوشته نشد

این اوقات سفیر ایطالیا حاجی محمد خان وارد دربار همایون گردید و نشان مزبور را رسانید در طغرانامه در جواب نامه آن دولت نوشته شده در لف

سفیر ایطالیا مشار الیه ارسال شد که آن جناب جلالتمآب بسفارت دولت ایطالیا تسلیم نماید فراموش نکنید برای ما نوشته خارجه جواب

بر حسب امر اقدس ملوکانه ده طغرا فرمان به اسم و رسم فرستاده شد که آن جناب به هر کس صلاح دانند بدهند و صورت اسامی را از ده طغرا

فرمان در سابق فرستاده شده بود به اسم و رسم و تعیین درجه برای نشان دفتر وزارت جلیله خارجه خواهند فرستاد که طغرا فرمان نشان آن را برای سفیر ایطالیا

۱۳۰۰

حاجی محمد خان صاحب منصبی و مسیو للابا ... که ... را که در ... ایطالیا ... استحضار خاطر آن جناب ... شهر جمادی الاولی

شمارهٔ سند: ٤٣٤
موضوع: فرمان و امضای مأموریت میرزا علی خان کار پرداز سلیمانیه
تاریخ: ١٤ جمادی الاولی ١٣٠٠ هـ. ق
کارتن: ٢١
پروندهٔ:

نامهٔ میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به سفارت ایران در استانبول (معین الملک)

جناب جلالت‌مآبا

سابقاً به آن‌جناب جلالت‌مآب نوشته بودم که فرمان و برات امضای مأموریت عالی جاه میرزا علی خان کار پرداز سلیمانیه را از باب‌عالی صادر کرده زودتر برای او بفرستید، تا به حال نفرستادید و او در سلیمانیه به حالت منتظره باقی است متصرف سلیمانیه هم نسبت به تبعه این دولت علیه انواع اذیت و بی اعتدالی ظاهر می سازد هر وقت مشارالیه به مقام منع برمی آید می‌گوید تا فرمان و برات امضای مأموریت شما از اسلامبول نرسد، مأموریت شما را رسماً قبول نمی‌کنم و در مقام سؤال و جواب برنمی آیم، البته آن‌جناب تعجیل در صدور احکام او خواهند کرد، مخارجی که برای رسوم محرر و غیره می شود کار پرداز باید بدهد و البته خواهد داد. اگر احکام را مستقیماً به سلیمانیه می فرستید به حامل فرمان بسپارید که رسوم را از او بگیرد و هرگاه به طهران می فرستید به او خواهم نوشت که آن وجه را به عالی جاه فخامت همراه میرزا حسن خان شوکت که وکیل آن‌جناب است، برساند. اعلی ای الحال مخارج را می دهد و آن‌جناب هم تعجیل در اصدار احکام او نماید که بتواند به اقتضای مأموریت خود عمل کند. حرر فی ١٤ شهر جمادی الاولی ١٣٠٠

حاشیه: عالی جاه آقاعباس که سابقاً در کرکوک مأموریت و اقامت داشت و از آنجا به سلیمانیه آمده بود، بعد از مأموریت عالی جاه میرزا علی خان به سلیمانیه عالی جاه آقاعباس هم نوشتم باز کمافی السابق به سر مأموریت سابق خود به کرکوک برود، برای او هم فرمان امضا صادر کرده، خواهید فرستاد که او هم مخارج فرمان را خواهد داد. انشاءالله تعالی فی السلام

جناب جلالتمآبا،

سابقاً به آنجناب جلالتمآب نوشته بودم در فرمان برات امضای مأموریت عالیجاه میرزا علیخان کارپرداز

سلیمانیه را از بابعالی صادر کنند زودتر برای او بفرستید تا کارپرداز [illegible] و در سلیمانیه تکالیف منظوره را [illegible] سلیمانیه هم [illegible]

این دولت علیه انواع اذیت [illegible] به اتباع دولت علیه ظاهر است هر وقت مشارالیه بمقام منع برآید بگویند تا فرمان برات امضای مأموریت

از دولت علیه عثمانی نرسیده مأموریت شما را رسماً قبول نمیکنیم و در مقام تزلزل و جواب برآیم البته آنجناب نهایت درصدد در انجام [illegible]

و غیره [illegible] کار [illegible] از بابعالی [illegible] احکام [illegible] سلیمانیه [illegible] فرمان [illegible] کارپرداز [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۳۵
موضوع: تعیین میرزا حسین‌خان به نیابت اول سفارت ایران در لندن و پاریس
تاریخ: ۱۷ ذی‌القعده ۱۳۰۰ هـ. ق
کارتن: ۲۱
پروندهٔ:

نامهٔ وزارت خارجهٔ ایران به سفارت کبریٰ ایران در اسلامبول

جناب جلالت‌مآبا، مقربی الخاقان ینتجی الوزراء والامراء العظام میرزا حسین‌خان پسر مرحوم میرزا موسی، وزیر لشکر و حاجی محمدخان فرزند ارجمند غفران‌ماب اسداله میرزای، نایب‌الایاله طاب‌ثراه که حسب‌الامرالاقدس الاعلی در وزارت جلیلهٔ امور خارجه مشغول تحریر و خدمتگزاری بودند، این اوقات برای تکمیل تربیت و تحصیل بعضی اطلاعات که در فرنگستان بهتر و زودتر میسر می‌گردد به سمت نیابت اول سفارت لندن و پاریس معین و روانهٔ صوب مقصد شدند در ورود آنها به اسلامبول به ملاحظه اصالت و نجابتی که مشارالیهما دارند و رعایت احترامی که از جانب سفارت کبری همواره در حق این قبیل نجبا قابل تربیت به عمل آمده است البته طوری حرمت و رأفت و محبت از جانب آن‌جناب جلالت‌مآب نسبت به ایشان مبذول خواهد شد که در کمال خوشوقتی و امتنان از اسلامبول عزیمت نمایند و به مقصد برسند.

[حاشیه:] جناب جلالت‌مآب معین‌الملک

وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران

مورخه ۱۷ شهر محرم سنه ۱۳۰۰

نمره

جناب جلالتمآبا، مقربا امناقبا، منتخبی الالقاب تبارک‌الله سالار العظام میرزا حسین خان پسر مرحوم میرزا موسی وزیر لشکر

و حاجی محمد خان فرزند ارجمند غفرانمآب اسدالله میرزای نایب الایاله طاب ثراه را حسب الامر اقدس الله علیا

در وزارت جلیله امور خارجه به شغل تحریر و مسئله اداری مشغول این اوقات برای تکمیل تربیت و تحصیل بعضی اطلاعات در ممالک خارجه که

بهتر و فوق‌تر میسر می‌گردد به سمت نیابت اول سفارت لندن و پاریس معین و روانه مقصد شده‌اند در ورود آنها

با سعی و سعادت حفظ جانب و رشد ایشان را دارند و رعایت احترامی که از جانب سفارت کبری همواره در حق

این قبیل نجباء در تربیت لازم آمده است البته طوری است و رأفت و محبت از جانب آن جناب جلالتمآب

منظور بایشان منظور خواهد شد که در کمال خوشوقتی در زمان از بلاد عزیمت نموده و به مقصد برسند

شمارهٔ سند: ٤٣٦/١
موضوع: سفارت خالدبیک و امور ایران و عثمانی
شمارهٔ: ۳
تاریخ: ۲ صفر ۱۳۰۳ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پروندهٔ: .

گزارش سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه (کتابچهٔ مخصوص محرمانه)

محرمانه

هوالله

فدایت شوم، مأموریت خالدبیک بابان به سفارت کبرای طهران چنانکه تلغرافاً عرض کرده‌ام قبل از ورود بنده شده بود. میرزا جوادخان شارژدافر در وینه به بنده تلغراف کرده بود که «از باب‌عالی به سفارت طهران تلغراف کرده بودند که از وزارت جلیلهٔ امور خارجه در باب مأموریت مشارالیه استمزاج کنند شارژدافر عثمانی در جواب تلغراف کرده بود که از وزارت جلیلهٔ امور خارجه استمزاج کردم فرمودند چون حالت مشارالیه در اینجا مجهول است به صوابدید معین‌الملک محول کردیم، اکنون اعلی حضرت سلطان و وزیر امور خارجه از شما مخصوصاً خواهش می‌کنند که انتخاب سلطان را قبول کرده به وزارت جلیلهٔ امور خارجه تنسیباً تلغراف بکنید»، چون اوقاتی که در لندن بودم مشارالیه نایب اول سفارت عثمانی بود به مناسبت همزبانی پیش بنده زیاد آمد و شد می‌کرد و معرفتی به احوالش داشتم و او را نسبت به دولت علیه نیکخواه می دانستم و برای اصلاح سیئات اعمال صدراعظم سابق، سعیدپاشا و وزیر امور خارجهٔ معزول عاصم‌پاشا خوشدل داشتن، وزیر امور خارجهٔ حاضر لازم بود و در مأموریت خالدبیک محذوری نبود، لهذا به میرزا جوادخان تلغراف کردم که تنسیباً از جناب مستطاب اجل عالی استمزاج کند بعد از ورود اسلامبول چون بستگی و اختصاص او را به نواب رشادالدین افندی ولیعهد دولت عثمانی می دانستم که مدتی معلم نواب معزی‌الیه بود و سلطان به واسطهٔ سوءظن و وسواسی که دارد محض تفریق ذات بین مشارالیه را به سفارت صربستان مأمور فرموده بود، محرمانه به واسطهٔ رضابیک معروف که این روزها خیلی معتمد و مقرب سلطان

است، پیغام دادم که چون عدم امنیت خاطر همایون سلطانی را از خالدبیک و اختصاص او را به نواب ولیعهد می دانم لهذا لازم می دانم عرض کنم که انتخاب شخص معتمد مناسبتر است. رضابیک فرموده بود جواب را خود شفاهاً به فلانی خواهم گفت تا در شب مهمانی بعد از شام که ساعتی تنها نشستیم فرمود در باب خالدبیک پیغامی کرده بودید راست است چون آدم برادرم است چندان اعتماد به او ندارم و محض خواهش برادرم مجبور شدم او را مأمور طهران بکنم امنیت و اعتماد من در حفظ مسالمت دولتین به شماست که معتمد اعلی حضرت شاهنشاه ایران هم هستید، مأموریت خالدبیک اهمیت ندارد و اگر مثل شما کسی اینجا نبود آن وقت انتخاب شخص معتمدی لازم بود در حقیقت شما سفیر هر دو پادشاه هستید.

بالجمله یکی از محسنات مأموریت مشارالیه همین عدم امنیت سلطان است که خود مشارالیه خوب می داند و دلگیر است و از این حالت او استفاده می توان کرد.

ثانیاً خودش و اعمامش خیرخواه دولت و مایل ایران هستند، حتی عمویی دارد علی پاشانام مکرر به بنده اظهار کرده است که اگر دولت ایران بخواهد سلیمانیه حاضر است و طایفهٔ او به نان و نمک دولت ایران پرورده شده است یقین دارم خالدبیک هم صاحب همین افکار است و از حالت او خوشنود خواهید شد.

ثالثاً قطع نظر از اکراد سلیمانیه تمامی طوایف اکراد ایرانی صرف هستند و از دولت عثمانی هم دلخوشی ندارند به جای اینکه جلب قلوب آنها بشود تبرید* و تبعید آنها خلاف مصلحت پولتیک دولت است عوض اینکه خدمت به دولت و وطن خود کنند آلت کار عثمانی ها می شوند، همین که از طرف دولت ایران تبرید و تباعد دیدند به طرف عثمانی میل می‌کنند، این معنی محل دقت و اعتنای اولیای دولت باید باشد و به قدر مقدور در جلب قلوب اکراد داخل و خارج باید کوشید که بالمآل منافعش بی شمار است، به همین جهت دولت عثمانی مناسبت مذهبی را دستاویز کرده از ایشان جلب قلب می‌کند و دقیقه ای را در استجلاب و تحریک آنها مهمل نمی‌گذارد.

بالجمله قرار بود که خالدبیک به اسلامبول آمده از اینجا روانه شود، در باب‌عالی هم منتظر بودند در فکر مهمانی رسمی برای او بودم سیم شهر حال غفلتاً از

* به معنی سرد کردن، خنک کردن

باب‌عالی خبر آوردند که به موجب حکم سلطان که از سرای و بدون اطلاع باب‌عالی با تلغراف به خالدبیک رسیده است مستقیماً از بلغراد عازم ایران شده است، بنده هم همان ساعت با تلغراف مراتب را به عرض رساندم اگر مشارالیه در حرکت تعجیل کرده زود به رشت برسد به طوری که مهماندار و ملزومات پذیرایی به طور دلخواه و مکمل نرسد، بحث بر خودشان وارد است. ولی مجدداً در کمال اهمیت نظر دقت اولیای امور را به طرف اکراد و جلب قلوب آنها دعوت می‌کنم و همچنین به طرف بغداد به موجب اطلاعات صحیحهٔ قطعیه که حاصل کردم سلطان یکی از محارم خود را به کشف احوال اهالی و حکومت ارزروم و بایزید و بغداد و شامات مأمور کرده بود مشارالیه مراجعت نموده به سلطان عرض کرده است که آنچه وزرای دولت و ولاة ولایات به حضور شما در حسن حال و امنیت و آسایش ولایات عرض کرده و می‌کنند همه دروغ است. اهالی ولایات از ظلم و تعدی مأمورین دولت و گرانی بار انواع رسومات و مالیات به ستوه آمده‌اند به طوری که اهالی شامات به جان و دل طالب فرانسه‌ها هستند و آنها هم در لوازم جذب قلوب اهالی آن سامان فروگذاری ندارند.

و آنچه نواحی ارزروم و بایزید است همین حالت را با روسها دارند.

و آنچه اهالی عراق عرب‌اند منتظر یک اشاره از طرف ایران هستند و سلطان از این راپورت مأمور مشارالیه خیلی پریشان شده است، تحریرات تقی الدین پاشا والی بغداد هم مؤیّد قول این مأمور است در این دو سه ماه مکرر به باب‌عالی و مستقیماً به سلطان نوشته است که مردم عراق عرب به طوری میل به تشیع کرده‌اند که سالی نیست دو سه هزار نفر شیعه نشوند و اگر چند سال دیگر این طور دوام بکند یک نفر سنی در این مملکت نخواهد ماند و همگی طالب ایران شده به یک اشارهٔ دولت ایران یاغی خواهند شد. این فقره هم اسباب پریشانی حواس اولیای دولت شده، مجلسها منعقد کرده و مشورتها نموده عاقبت قراردادند به توسط سیدسلیمان نقیب بغداد که از اولاد شیخ عبدالقادر و در آنجا سمت پیری و ارشاد دارد و حالا در اسلامبول و مهمان سلطان است و چند نفر دیگر از علما کتابی در رد شیعه و تضیف [تضعیف] مذهب جعفری نوشته و چاپ کرده در آن صفحات منتشر کنند این فقره را شنیده به پختگی اقدامات مؤثرانه کرده وخامت عاقبت و سوءنتیجه این کار را خاطرنشان نمودم عجالتاً صرف‌نظر کرده در فکر تهیهٔ اسباب منع این حالت و کسر نفوذ دولت ایران در آن صفحات هستند، مقصود این است

که حضرات شب و روز با وجود عدم اسباب در کارند و ما با وجود هزار اسباب استفاده نمی کنیم و راه استفاده را هم نمی دانیم.

چیزی دیگر که عرض آن را لازم می دانم این است که طوری از اول باید با سفیرکبیر حاضر برداشت معامله کرد که مثل سلف ناخلفش بدهوا نشود چنانکه شفاهاً و تحریراً عرض کرده‌ام با مردم باید به لسان خودشان حرف زد لسان امروزهٔ دول لسان حقوق است اگر با لسان مزبور تکلم شود حقوق محفوظ می ماند و هر یک از مأمورین خارجه قناعت به حق خودش می‌کند و الّا هم حقوق مقدسه پامال می شود و هم مأمورین راضی و ممنون نمی شوند و جری می‌گردند. اسلحهٔ بزرگ دولتها امروز اسلحهٔ حقوق ملل است، عرض نمی‌کنم که به مأمورین و سفرای خارجه باید سخت گرفت و حقوق آنها را نباید داد بلکه عرض بنده این است که باید حقوق آنها را محترم شمرد و تصدیق کرد و حقوق دولت را هم نباید به خاطرخواهی و محض جلب قلب و خوش‌آمد، ترک کرد. نکتهٔ عمده در تفریق حالت رسمی و شخصی است چنانکه در دربار عموم دول اساس مراوده است در عالم شخصی هر حالتی که با مأمور یک دولتی گماشتگان آستان همایون شاهنشاهی روحنافداه و اولیای دولت و رجال مملکت دارند در عالم رسمی باید بکلی کنار کرده دیده نشود، مگر حقوق دولت. بالجمله فقرهٔ معروضه خیلی محرمانه است، در وزارت جلیله غیر از جناب عالی و معتمدین کسی نبیند مبادا به سفارت عثمانی برسد.

یکی هم اعتنا و مواظبت تمام است به معاملهٔ متقابله در این باب استدعای بذل توجه مخصوص دارم که به ولایات قدغن اکید شود در امور جناییه هرقدر جزئی هم باشد وجهاً من الوجوه به مأمورین عثمانی مداخله ندهند و اولاد تبعهٔ عثمانی را که از تبعهٔ اناث ایران متولد شده حکماً داخل سربازی کنند تا شکایتشان به باب‌عالی برسد و همچنین با سفیرکبیر در باب همین فقرهٔ ازدواج و عسکرنمودن اولاد تبعهٔ ایرانی و وخامت عاقبت این و در لزوم اصلاح آن مذاکره بفرمایید تا به باب‌عالی به طور مساعد بنویسد بلکه انشاءالله این معایب اصلاح شود، عجالتاً به قدری حواسشان پریشان و مشغول اند که هنوز فرصت مذاکره به دست نیامده است، انشاءالله همین روزها اقدامات قویه در باب‌عالی کرده اگر مثمر نشد به خود اعلی حضرت سلطان مراجعت خواهم کرد و اگر اصلاح نشود مراتب را عرض خواهم کرد آن وقت وجود سفارت کبری با تجاوزاتی که به حقوق مقدسهٔ دولت

علیه می شود، مناسب نخواهد بود.

بالجمله مذاکرات سخت جناب مستطاب عالی با سفیرکبیر مقوی اقدامات بنده خواهد شد و اگر از طرف قرین الشرف عالی اقدام و مذاکره نشود سفیر جدید هم مثل سفیر سابق که در زمان میرزا سعیدخان مرحوم نوشته بود، خواهد نوشت که این اشکالات از فلانی است در اینجا این سخنان در میان نیست.

بالجمله امیدوارم انشاءالله به اقدامات سفارت عن قریب کار به اصلاح آید وزیر امور خارجه عجالتاً مساعد است و صدراعظم حاضر هم مثل سابق عنود و با ایران و ایرانیان عداوت ندارد، زیاده جسارت است. فی ۲ شهر صفرالمظفر ۱۳۰۳

محل مهر: عبده محسن ابن کاظم

کتابچهٔ مخصوص محرمانه

سفارت کبرای اعلیحضرت شاهنشاه ایران

در اسلامبول

شماره
۳

هو الله

فدایت شوم مأموریت خالد بیک پاشا به سفارت کبرای طهران چنانکه قبلاً عرض کرده‌ام قبل از ورود بنده شده بود

میرزا جواد خان شارژدافر در این باره به بنده هم اظهار کرده بود (از اینجا به سفارت طهران تلگراف کرده بود) و به وزارت جلیله امور خارجه

در باب مأموریت معزی‌الیه استمزاج کرده بود شارژدافر عثمانی در جواب تلگراف کرده بود که وزارت جلیله امور خارجه استمزاج کرده

فرموده‌اند چون حالت معزی‌الیه در اینجا مجهول است به صوابدید معین‌الملک محول گردید اکنون اعلیحضرت سلطان و وزیر امور خارجه از بنده خواهش

می‌کنند که انتخاب سلطان را تمکین کرده به وزارت جلیله امور خارجه تلگراف کنید) چون اوقاتی که در لندن بودم معزی‌الیه نایب

سفارت عثمانی بود مناسبت همراهی با بنده پیش آمده دوستی کرد و معرفی به حالش داشتم و او را نسبت به دولت علیه متمایل

دیده‌ام و برای اصلاح مسئله اعمال صدراعظم سابق سعید پاشا وزیر امور خارجه معرفی عاصم پاشا هم سند داشتم و وزیر امور خارجه

حاضر ندانم بود و در مأموریت خالد بیک محذوری نبود لهذا به میرزا جواد خان تلگراف کردم که [illegible] جناب مستطاب اجل عالی

استمزاج کنند بعد از ورود به اسلامبول چون بستگی و اختصاص او را به رشادالدین افندی ولیعهد دولت عثمانی دیده‌ام و [illegible] تعلق

به ولیعهد بود و سلطان به واسطه سوءظن و وسواسی که دارد محض تفریق ذات [illegible] معزی‌الیه را به سفارت طهران مأمور فرموده بود

محرمانه به واسطه رضا بیک معروف [illegible] معتمد و مقرب سلطان است پیغام دادم که چون عدم [illegible] خاطر [illegible] سلطان را

از خالد بیک و اختصاص او را به ولیعهد دیده‌ام لهذا لازم دیده‌ام عرض کنم که انتخاب شخص معتمد مناسب‌تر است

فرموده بود جواب را خود شفاهاً با اعلان خواهم گفت تا در شب مهمانی [illegible] نشستیم فرمود در باب خالد بیک

بیعت می‌کرده بودید راست است چون آدم برادرم است بنده اعتماد نداشتم و محض خواهش برادرم مجبور شدم او را مأمور طهران

بکنم اینقدر را معلوم دارم در حفظ مسالک دولتین ثابت و مستحکم اعلیحضرت شاه در ایران هم هستید مأموریت خالد بیک اهمیت دارد
اگر شیخ عبیدالله کسی اینجا بود اوقات آن جناب شخص معتمدی لازم بود در حقیقت تا سفیر همراه بود باشد و هستید با آنچه که از محسنات مأموریت شما دارید
همین عدم اطمینان سلطان است و خودش را الیه خوب ندیده‌اند و دیگری است و از این حالت او استفاده می‌توان کرد ثانیاً هم
خودش و اموالش خیرخواه دولت و رعیت ایران هستند حتی عرض دارد و چیز باشد هم مکرر به بنده اظهار کرده است و اگر دولت ایران بخواهد سلیمانیه
حاضر است و طایفه‌اش با آن ولایت دولت ایران پرورده شده است یقین دارم خالد بیک هم صاحب همین افکار است و از این جهت
او خوشنود و امیدوار شده قطع نظر از اکراد سلیمانیه تمام طوایف اکراد ایران صرف هستند و از دولت عثمانی هم دلخوشی ندارند به جای اینکه
جلب قلوب آنها بشود بر ضدیت آنها خلاف مصلحت پولتیک دولت است عوض اینکه خدمت به دولت و وطن
خود کنند آلت که رعایا میشوند بلکه از طرف دولت ایران بر ضد و تابعیت بطرف عثمانی میل کنند این همه محل دقت
دانشمندان اولیای دولت باید باشند و نقد رسیده در جلب قلوب اکراد داخل و خارج باید کوشیده و با آنها شان نفعش پاشار شود
همین جهت دولت عثمانی سابقه مذهبی را دست آویز کرده از ایشان جلب قلب می‌کنند و دقیقه را در استجلاب و تحریک آنها
مهمل نگذارد با آنچه قرار بود که خالد بیک با سلیمانیه آمده از اینجا روانه شود در باب آنها هم منتظر بودند در فکر مهمانی رسمی برای او بودیم تیم شهر حال فقط
از بابعالی خبر آورده‌اند که بموجب حکم سلطان او از سرای و بدون اطلاع بابعالی با تلگراف به خالد بیک رسیده است مستقیماً از ...
عازم ایران شده است بنده هم بابعالی با تلگراف مراتب را بعرض رساندم اگرچه را ایشان در حرکت تعجیل کرده زود به شهر رسیده
بطوریکه مهمانداری و احترامات به برای ایشان و لوازم و سکنی نرسیده بحث بر خودشان وارد است ولی مجدداً در کمال احتیاط نظر دقت

اولیای امور را بطرف اکراد و جلب قلوب آنها دعوت میکنم و همچنین بطرف بغداد بموجب اطلاعات صحیحه قطعیه عرض میکردم

سلطان یک رئیس رسم خود را بکشف احوال اهالی حکومت ارضروم و بایزید و بغداد و شامات مامور کرده بود مشارالیه مراجعت نموده بسلطان

عرض کرده است و آنچه وزرای دولت و والدۀ ولیعهد بحضور شاه در حسن حال و امنیت و آسایش ولایات عرض کرده و میکنند همه

دروغ است اهالی ولایات از ظلم و تعدی مامورین دولت و گرانی بار انواع رسومات و مالیات بستوه آمده اند بطوریکه اهالی شامات

بحال ورود طالب قرائت باشند و اهتمام در لوازم جذب قلوب اهالی آن مال فروگذاری ندارند و آنچه نواحی ارضروم و بایزید است

اهالی را با روسها دارند و آنچه اهالی عراق عرب هستند منتظر یک اشاره از طرف ایران هستند و سلطان از این راپورت بسیار واله

و پریشان شده است تحریرات تقی‌الدین پاشا والی بغداد هم موید قول این مامور است در این دو سه ماه مکرر بباب عالی و شخص سلطان نوشته است

که مردم عراق عرب بطوری میل بتشیع کرده اند که در سالی بیست و سه هزار نفر شیعه میشوند و اگر چند سال دیگر اینطور دوام کند همه یک نفر سنی در آن مملکت

نخواهد ماند و همه طالب ایران شده و بیک اشاره دولت ایران تابع خواهند شد این فقره هم اسباب پریشانی خواطر اولیای

دولت شده و مجالس منعقد کرده و مشورتها نموده عاقبت قرار داده اند بتوسط سید سلیمان نقیب بغداد و برادر او شیخ عبدالقادر در دوائر آنجا

سعی بسیار کرده و دارد و چندان در اسلامبول [illegible] سلطان است و چند نفر دیگر از علما کتابها در رد شیعه تصنیف و مذهب جعفری نوشته

و جواب کرده و در اطراف آن صفحات منتشر کنند این فقره را شنیده و نتیجه اقدامات سوء آنها کرده و عاقبت و سوء نتیجه این کار را

خاطرنشان مردم مجامعه صرف نظر کرده و در فکر تهیه اسباب منع ایالت دیگر نشوند دولت ایران در آن صفحات هستند متعصب و آنجاست

حضرات شب و روز با وجود عدم اسباب [illegible] و ما با وجود هزار اسباب استفاده نمیکنیم و اله استفاده را هم نمیدانیم

چیزی دیگر که عرض آن را لازم دانسته‌ام این است که طوری از این به بعد با سفیر کبیر رفتار بشود که معاهده کرده‌ایم شأن سفیر حفظش بشود

بنا که سفارت‌ها دیگر را عرض کرده‌ام با مردم باید به میل خودشان حرف زد لیکن امروزه دول را حقوق است اگر با آنها مراوده

تکلم بشود حقوق محفوظ باشد دو روزی است از امور [illegible] به قدر حق خودش شکسته والا هم حقوق معاهده شده پامال می‌شود و هم این

راضی و ممنون نمی‌شوند و هم بی‌شکر دارند اسلحه بزرگ دولتها امروز اسلحه حقوق ملل است عرض نمی‌کنم که به مأمورین و سفرای خارجه باید سخت گرفت

و حقوق آنها را باید داد بلکه عرض بنده این است که باید حقوق آنها را محترم شمرد و تصدیق کرد و حقوق دولت را هم باید کاملاً خواست

و محض حب قلب و خوشامد ترک کرد گفته عمده در تعریف حالت رسمی و شخصی است چنانکه در دربار عموم دول اساس مراقبت

در عالم شخصی هر قدر ملایمت و با هم یکدیگر [illegible] آشنا و با ایشان بی‌رودربایستی دارند و رجال مملکت دارند در عالم رسمی باید بعضی

گفته و دیده نشود مگر حقوق دولت به همه جهت [illegible] در دربار [illegible] جلیله عثمانی و اعتماد [illegible]

یکی هم [illegible] مراقبت تام است بعد از معاهده در این باب است که باید توجه مخصوص داشت قدغن اکید شود در امور حسابیه

هر قدر رعایا هم باشند [illegible] عثمانی [illegible] داخله [illegible] تبعه [illegible] ایران متولد شده حکم داخلی

هر بار [illegible] با دولت [illegible] و همچنین با سفیر کبیر در باب همین فقره از ازدواج و عسکر بردن اولاد تبعه ایرانی در عثمانی قبلاً این

در لزوم اصلاح آن مذاکره به عمل آمده [illegible] بلکه ان‌شاءالله این مطلب اصلاح شود علی‌الخصوص به قدری حواس ایشان

مشغول است [illegible] مذاکره [illegible] ان‌شاءالله همین روزها اقدامات [illegible] اگر مثمر

نشد به خود اعلیحضرت سلطان مراجعت خواهم کرد و اگر اصلاح نشود مراتب را عرض خواهم کرد آن‌وقت وجود سفارت کبری

سفارت کبرای اعلیحضرت شاهنشاه ایران

در اسلامبول

شماره

بحقوق دولتین و حقوق معاهده دولت علیه می‌شود مناسب نخواهد بود بالجمله مذاکرات شفاهی جناب مستطاب عالی با سفیر کبیر عثمانی

اقدامات بنده خواهد شد و اگر از طرف قرین الشرف عالی اقدام و مذاکره نشود سفیر جدید هم مثل سفیر سابق که در زمان امیر ... خان

مرحوم نوشته بود خواهد نوشت و این اشکالات را رفع نمی‌کند در اینجا این سخنان در میان نیست بالجمله امیدوارم انشاءالله

با اقدامات سفارت مقتربه کار را صلاح آید در امور خارجه محوله مساعدت و صدراعظم حاضر هم مثل سابق نمود

روابط ایران و ایران عداوت ندارد روز چهارشنبه ۲۴ شهر صفر المظفر ۱۳۰۳

شمارهٔ سند: ۴۳۶/۲
موضوع: تشریفات روز ورود سفیرکبیر عثمانی
تاریخ: ۱۸ ربیع الاول ۱۳۰۳ هـ . ق
کارتن: ۱۸
پروندهٔ:

روز جمعه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۰۳ تخاقوی ئیل

تشریفات روز ورود جناب خالدبیک سفیرکبیر عثمانی

عمدة الامراء العظام نصرالملک رئیس مستقبلین، یک نفر سرتیپ و یک نفر یوزباشی با یک صد نفر سواره قزاق و معتمدالسلطان میرزا عبداله خان سرتیپ مستشار وزارت خارجه تا عمارت اسب دوانی به استقبال جناب ایلچی خواهند رفت.

به جناب جلالت مآب امین السلطان ابلاغ شود به قرارداد حاجب الدوله در عمارت اسب دوانی میز و صندلی های خوب و شیرینی و لوازم معمول آن را به طورهای خوب و منقح حاضر خواهند ساخت و در شیرینی دقت خواهند نمود که خیلی خوب باشد. قهوه‌چی باشی اسباب چایی و قهوه در آنجا مهیا خواهند کرد.

مستقبلین در آنجا با ایلچی بعد از صرف شیرینی و چایی و قهوه با نظم و ترتیب عازم سفارتخانه خواهند شد.

رئیس مستقبلین همه جا همدوش ایلچی و سایرین پشت سر ایشان به قاعده و ترتیب خواهند آمد.

امیرآخور سه رأس اسب از اصطبل خاصه همایون با یراقهای طلا یکی برای ایلچی و دو رأس برای یدک مهیا کرده جلودار با مستقبلین به عمارت اسب دوانی خواهد برد.

قدری به دروازهٔ شهر مانده بیست نفر فراش و ده نفر شاطر حاضر خواهد بود هر یک با صاحب منصب خودش آمده تا دم سفارت خانه در پیشاپیش ایلچی باشند و نگذارند ارباب توقع زحمت به ایشان برسانند.

آنها که تماشاچی هستند و در معبرها ایستاده اند هنگام عبور جناب ایلچی به نظام صف کشیده بایستند و داخل هم نشوند باید قبل از وقت منظم نمایند که هنگام عبور ایلچی فراش مردم را اذیت نکنند.

از حکومت دارالخلافه قدغن خواهند کرد که درویش و فقیر و ارباب توقع را نگذارند سر راه ایلچی باشند و راهها و کوچها را جاروب و آب‌پاشی نمایند و چاهها و گودالها را مسطح نمایند.

در میدان توپخانه هنگام عبور ایلچی توپچیان موافق معمول قراول سلام نظامی به عمل آورند، بدون شیپور.

دویست نفر سرباز با یک نفر یاور باید دم دروازه که ایلچی از آنجا وارد شهر می‌شوند حاضر باشند. و دویست نفر دیگر با یاور دم سفارتخانه که در آنجا فرود خواهند آمد حاضر خواهند شد که موافق معمول سلام نظامی داده احترامات عسکریه به عمل آورند و ده نفر سرباز با یک نفر وکیل در آنجا قراول احترام خواهند بود و این همان قراول دایمی است که در سفارتخانه‌ها است برای در دروازه و درب سفارتخانه یاور و سرباز موقتی که خواهد ایستاد از فوج مخصوص حضرت والا نایب‌السلطنه باشد و تفنگ و رندل داشته باشند.

جناب امیرالامراء العظام مجدالدوله از نظارتخانه مبارکه ده خوانچه شیرینی به طوری که معمول ورود سفرا است در سفارت‌خانه قبل از ورود ایلچی حاضر خواهند نمود که اول تهنیت و تبریک باشد و در خوبی شیرینی و پاکیزگی خوانچه‌ها و ظروف خیلی دقت خواهد کرد. جناب جلالت‌مآب مستوفی‌الممالک مقرر خواهند فرمود چهار نفر از مستوفیان عظام با لباس درباری در منزل ایلچی حاضر شده و از جانب سنی‌الجوانب ملوکانه رسم تفقدات را به عمل آورند.

روز دویم ورود ایلچی جناب آجودان مخصوص از طرف قرین‌الشرف همایون اقدس اعلی به سفارت‌خانه رفته احوالپرسی از ایلچی خواهد نمود.

روز دویم ورود جناب صنیع‌الدوله دیدن خواهد رفت.

روز دویم ورود از طرف وزارت خارجه معتمدالسلطان میرزا عبداله‌خان سرتیپ مستشار وزارت خارجه به احوالپرسی خواهد رفت.

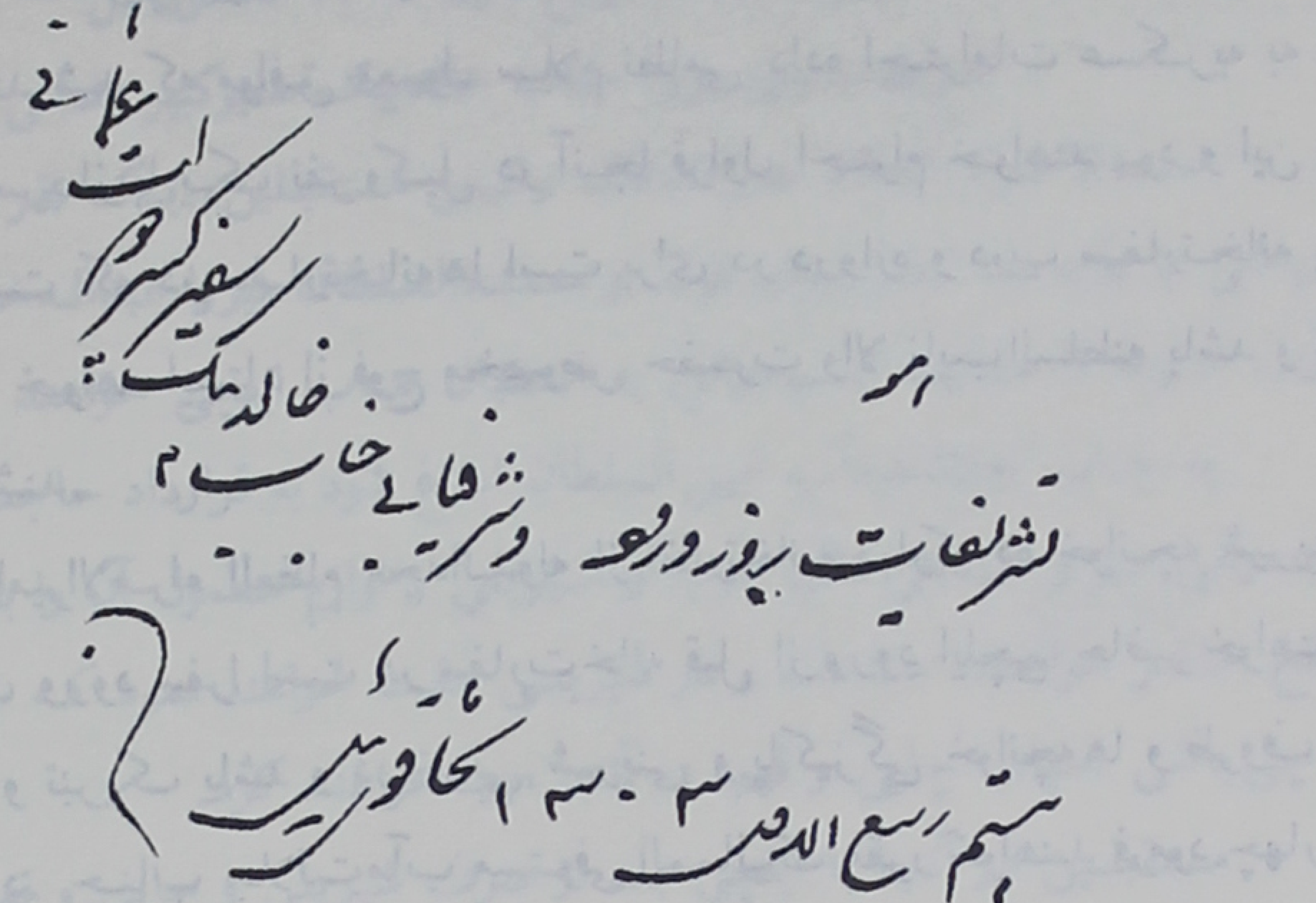
جناب خالد بیک سفیر کبیر دولت علیه عثمانی
تشریفات بروز روز عید و شرفیابی
هشتم ربیع الاول ۱۳۰۳

روز جمعه ۱۳۰۲ [illegible]

تشریفات روز ورود جناب خالد بیک سفیر کبیر عثمانی

[illegible] رئیس مستقبلین [illegible] با یکصد نفر سواره قزاق [illegible] تا [illegible] عبدالعظیم [illegible]

تا عمارت [illegible] باستقبال جناب ایلچی خواهند رفت

[illegible] عمارت [illegible] خوب [illegible]

ظرفهای خوب و شمع حاضر خواهند [illegible] وقت [illegible] خواهند

قهوه‌چی [illegible] اسباب چای و قهوه در آنجا مهیا خواهند کرد

مستقبلین در آنجا با ایلچی [illegible] صرف شیرینی و چای و قهوه با نظم و ترتیب عازم سفارتخانه خواهند شد

رئیس مستقبلین همه جا [illegible] ایلچی [illegible] با نظم و ترتیب خواهند آمد

امیر آخور [illegible] اسب از اصطبل خاصه [illegible] ایلچی [illegible] مستقبلین [illegible]

خواهد برد

[illegible] دروازه [illegible] بیست نفر [illegible] حاضر خواهند [illegible] سفارتخانه [illegible] ایلچی [illegible]

[illegible] توقف [illegible] ساعت

[illegible] جناب ایلچی [illegible]

عبور ایلچی فراشان [illegible] خواهند کرد

از [illegible] خواهند کرد [illegible]

[illegible]

در رسیدن [illegible] توپخانه [illegible] ایلچی [illegible] معمول [illegible] نظامی [illegible]

بیست نفر [illegible] دروازه [illegible] ایلچی از آنجا وارد [illegible] حاضر باشند [illegible] سفارتخانه [illegible]

خواهند [illegible] حاضر خواهند [illegible] معمول [illegible] نظامی [illegible]

[illegible] سفارتخانه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

جناب [illegible] سفارت [illegible] ایلچی [illegible]

[illegible] تهنیت و تبریک [illegible] خواهد کرد

جناب [illegible] چهار نفر [illegible] ایلچی [illegible]

رسم تعارفات را معمول آورند

روز دوم ورود ایلچی جناب آجودان مخصوص از طرف قرین الشرف همایون

اقدس [illegible] به سفارتخانه رفته احوالپرسی از ایلچی خواهد نمود

روز سوم ورود جناب صنیع الدوله خواهد رفت [illegible]

روز چهارم ورود از طرف وزارت خارجه مهرالسلطان [illegible]

با احوالپرسی خواهد رفت

شمارهٔ سند: ۴۳۶/۳
موضوع: تشریفات روز شرفیابی سفیرکبیر عثمانی به حضور شاه
تاریخ: ۲۰ ربیع الاول ۱۳۰۳ هـ . ق
کارتن: ۱۸
پرونده:

روز یکشنبه بیست ربیع الاول ۱۳۰۳ تخاقوی ئیل تشریفات روز شرفیابی جناب خالدبیک سفیرکبیر عثمانی

جناب خالدبیک سفیرکبیر روز سیم ورود به سلام خاص اعلی حضرت شاهنشاهی روحنافداه مشرف خواهد شد، نایب ایشیک آقاسی با بیست نفر فراش و ده نفر شاطر و ده نفر یساول با سه نفر نایب که یکی نایب یساول و یکی نایب فراشخانه مبارکه و دیگر نایب شاطرباشی با دو کالسکهٔ شش اسبه محض احترام سفیر و چهاراسبه به جهت صاحب منصبان با یک نایب کالسکه خانه به سفارتخانه رفته اظهار می نمایند که از جانب سنی الجوانب همایون دعوت به حضور مبارک شده اید.

هنگام عبور ایلچی سربازان که درب دروازه ارک و تک قراولان که درب عمارت مشغول قراولی هستند پیشفنگ خواهند نمود از این قرار اهل نظام حاضر خواهند بود با لباس رسمی خود.

ــ دم دروازه دولت یکصد نفر سرباز خواهد بود که پیشفنگ نمایند. قراول توپها تعظیم نظامی خواهند کرد.

ــ چهارصد نفر سرباز در دو سمت درب اعلی ایستاده پیشفنگ خواهند کرد.

نایب ایشیک آقاسی ایلچی را داخل کشیکخانه مبارکه خواهد کرد در وقتی که چند نفر از امرا و امنای دربار اعظم با لباسهای رسمی برای احترام سفیرکبیر قبل از وقت از قرار ذیل حاظر خواهند بود.

ــ جناب ظهیرالدوله

ــ امیرالامراء العظام آجودان باشی کل

ــ عمدة الامراء العظام سهام الدوله

ــ عمدة الامراء العظام شجاع السلطنه

ــ عمدة الامراء العظام سیف السلطنه

معتمدالسلطان میرزا جوادخان نایب الوزاره

معتمدخان محمدامین خان قاجار

در آنجا قهوه‌چی باشی همایون اقدس اعلی به ایشان چای و قهوه و غلیان داده بعد از صرف چایی و قهوه نایب ایشیک آقاسی به خاکپای همایون عرض خواهد کرد که سفیرکبیر در کشیکخانه حاضر است، بعد جناب ظهیرالدوله ایلچی را با صاحب‌منصبان به ترتیب و نظمی که مقرر است به پیشگاه حضور همایون خواهد برد و عرض خواهد کرد که جناب خالدبیک سفیرکبیر دولت علیه عثمانی با نامهٔ مودت ختامه شرف اندوز حضور مبارک اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی شده و پس از عرض کفش کنده شرفیاب خواهد شد. حضرات عظام که در سلام خواهند بود.

ــ شاهزادگان عظام که حامل اسباب و جواهرآلات خواهند بود.

ــ نواب مستطاب والا ملک آرا

ــ نواب مستطاب والا عزالدوله

ــ نواب مستطاب والا رکن الدوله

ــ نواب والا حاجی معتمدالدوله

ــ نواب والا فرمانفرما

ــ کشیکچی باشی با لباس رسمی و چهل نفر غلام پیشخدمت با لباس پاکیزه از دو طرف صف کشیده خواهند ایستاد.

سینی طلا دم در باغ سلطانی حاضر نمایند وقتی که ایلچی داخل باغ می شود نامه را در سینی طلا گذارده به صاحب‌منصبی که همراه ایشان است خواهند داد که به حضور مبارک ببرد. سفیرکبیر که داخل اطاق می شود نامه را ازصاحب‌منصب گرفته بلاواسطه به حضور مبارک عرض خواهد کرد اعلی حضرت شاهنشاهی نامه را به دست مبارک گرفته به جناب جلالت‌مآب وزیر امور خارجه که قبل از وقت در حضور همایون خواهد بود خواهد داد.

بعد از مرخصی در وزارت خارجه رسماً از وزیر امور خارجه دیدن خواهد کرد و فردای آن جناب وزیر امور خارجه بازدید خواهد کرد. وقت شرفیابی ایلچی میرزا عبداله‌خان سرتیپ مستشار وزارت خارجه و میرزا جوادخان سرتیپ مهماندار با جناب

مستطاب اجل وزیر به حضور همایون مشرف می شوند.

پس از مرخصی از حضور همایون که ایلچی به وزارت خارجه به دیدن جناب مستطاب وزیر آمد. جناب صدیق الملک و معتمدی السلطان و نیرالملک و میرزا عبداله خان سرتیپ مستشار با لباس رسمی حضور داشتند و معرفی شدند.

روز سه‌شنبه [illegible] ربیع الاول ۱۳۰۳ [illegible] ساعت

روز شرفیابی جناب [illegible] بیک سفیر کبیر [illegible]

جناب [illegible] بیک سفیر کبیر روم [illegible] بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه مشرف خواهند شد

نایب [illegible] آقای [illegible] بیست نفر [illegible] و ده نفر [illegible] و [illegible] نایب [illegible] و [illegible]

و [illegible] نایب [illegible] کالسکه [illegible] کالسکه [illegible]

[illegible] بحضور مبارک [illegible]

[illegible] حضور [illegible] قرار [illegible] عمارت [illegible] قرار [illegible]

[illegible] خواهند [illegible]

[illegible] نفر [illegible]	و [illegible] خواهند کرد	چهار [illegible] نفر [illegible]
[illegible]		[illegible] خواهند کرد

نایب [illegible] آقای [illegible] جلو [illegible] خواهند [illegible] حضور [illegible] قرار [illegible]

جناب [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در [illegible] نایب [illegible] آقای [illegible]

[illegible] حضور مبارک [illegible] جناب [illegible] بیک سفیر کبیر [illegible]

[illegible] حضور مبارک اعلیحضرت [illegible] شرفیاب [illegible]

[illegible] خواهند [illegible]

[illegible] خواهند [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible] سفیر [illegible] خواهند [illegible] حضور مبارک [illegible]

سفیر کبیر [illegible] نامه [illegible] حضور مبارک [illegible] اعلیحضرت شاهنشاهی نامه [illegible] مبارک [illegible] وزیر [illegible]

[illegible] حضور [illegible]

[illegible] خواهند کرد [illegible] خواهند کرد

[illegible] جناب [illegible] حضور [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۳۷
موضوع: اهدای نشان از طرف ناصرالدین شاه به فریدون‌خان ملکم پسر میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله
تاریخ: صفر ۱۳۰۴ هـ. ق
کارتن:
پروندهٔ:

آنکه چون پاس حقوق خدمات اسلاف درباره اخلاف همواره منظور نظر آفتاب اثر ملوکانه است و جناب جلالت و فخامت‌نصاب اشرف پرنس میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله سفیرکبیر این دولت علیه از بدایت عمر تاکنون به اقتضای هوشمندی و لیاقت فطری خود مصدر خدمات بزرگ بوده و مراتب دولتخواهی و شاه‌پرستی او درموارد عدیده مشهود پیشگاه مقدس ملوکانه گردیده است این اوقات که به آستان‌بوسی عتبه علیه مستسعد وفایض شد مستلزم مکارم خسروانه آن است که به ظهور مرحمت مخصوصی بین الاقران مفتخر و سربلندش فرماییم، لهذا به استدعای جناب مستطاب اجل اشرف امجد قواماً للغروالاقبال نظاماً للشوکة والاجلال مشیرالدوله یحیی‌خان وزیر امور خارجه معتمدالسلطان پرنس فریدون‌خان ملکم پسرش را به لقب جلیل پرنسی که برتر از جمیع القاب دولتی است، ملقب و به منصب آجودانی حضور همایون که از مناصب معظمه است، مفتخر و منصوب فرمودیم که از شمول این عنایت مستظهر و امیدوار بوده در مراسم چاکری مانند پدر صدیق و خدمتگزار باشد تا بیشتر مورد توجهات ملوکانه گردیده به درجات عالیه ارتقا یابد مقرر آنکه عموم چاکران دربار سپهر احتشام و وزرای عظام دولت ابد فرجام مشارالیه را به این مقام نایل دانسته پاس احترامش را مرعی و ملحوظ دارند و درعهده شناسند. حرر فی شهر صفرالمظفر ۱۳۰۴

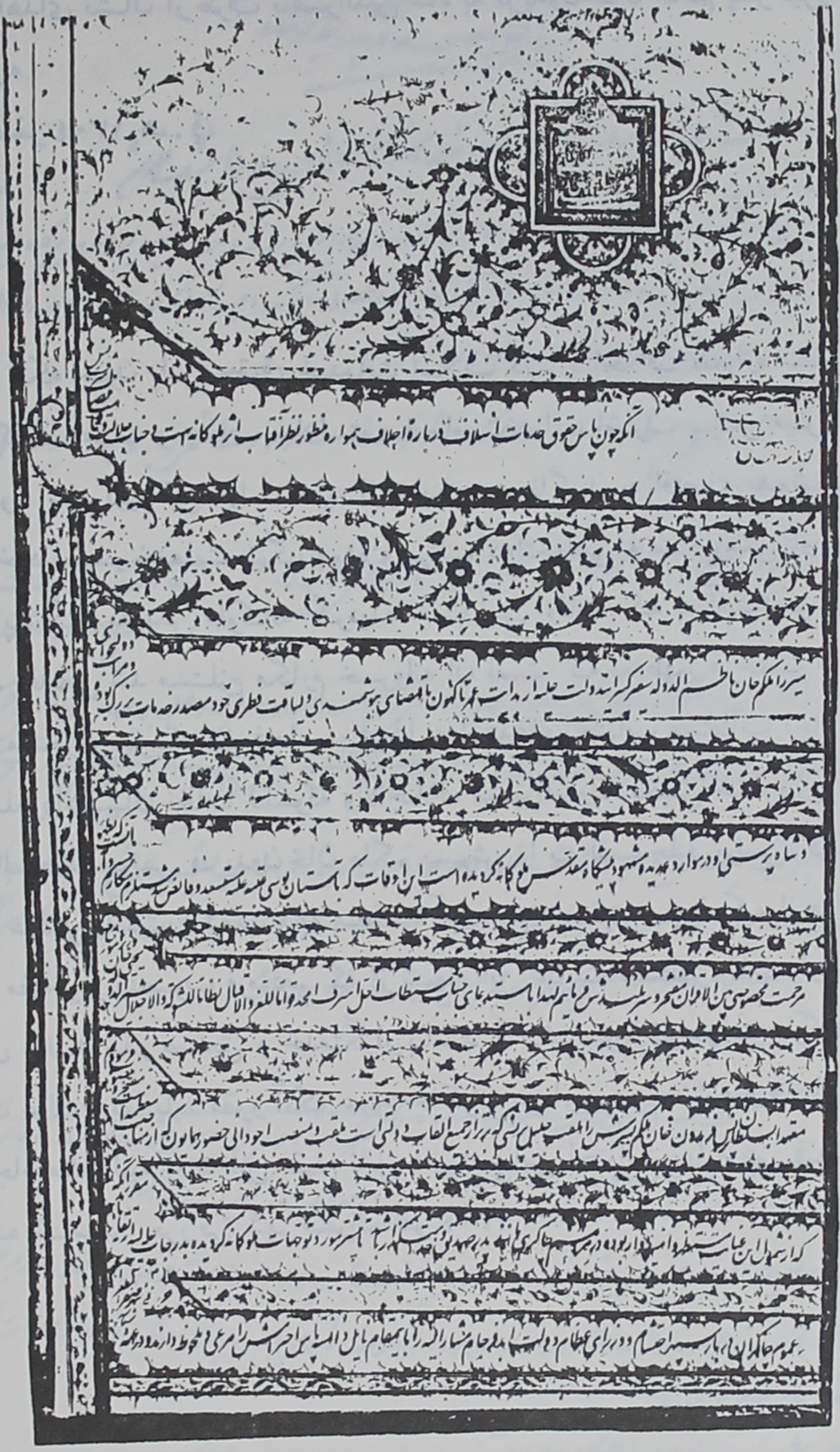

اگر چون پاس حقوق خدمات اسلاف درباره اخلاف همواره منظور نظر آفتاب اثر ملوکانه است خاصه [illegible]

میرزا ملکم خان ناظم الدوله سفیر کبیر دولت علیه از بدایت عمر تا کنون باقتضای هوشمندی و لیاقت فطری خود مصدر خدمات بزرگ [illegible]

و شاه پرستی او در موارد عدیده مشهود پیشگاه [illegible] ملوکانه گردیده است این اوقات که [illegible]

مرحمت مخصوصی بین الاقران مفتخر و سربلند فرمائیم لهذا [illegible] جناب مستطاب اجل اشرف امجد [illegible]

معتمد السلطان [illegible] خان ملکم [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۳۸
موضوع: اهداء نشان
تاریخ: محرم ۱۳۱۰ ق
کارتن: ۲۲
پروندهٔ:

فرمان تمثال مرصع‌نشان همایونی به میرزا رضاخان بنان‌الملک جنرال قونسول ایران در مصر توسط عباس حلمی خدیو مصر.

محل مهر عباس حلمی دوم

خاکپای شوکت احتوای حضرت پادشاهیلرینه معروض عبد مخلص شرمنده‌لریدرکه

هنگام [illegible] کرام [illegible] ذات شوکتسمات ظل اللهیلری [illegible] عز و سعادت [illegible] بقای قوت و سلامت

[illegible] اسلامیه‌نک دوام [illegible]

[illegible] بو عبد مخلصلرینه [illegible] شرف و افتخار [illegible] احسان [illegible] فرمان همایون [illegible] حضرت ظل اللهیلری [illegible]

[illegible] فرط التفات و وفور تلطفات [illegible] عبارات [illegible] و بو عبد [illegible] التفات پادشاهیلری

[illegible] مرجع [illegible] پادشاهیلرینه [illegible] عرض [illegible]

[illegible] مودت [illegible] طرفین [illegible] اعتنا و حمایه [illegible] پادشاهیلری [illegible]

حکومت [illegible] و مآثر همایونه [illegible] پادشاهیلرینه [illegible]

[illegible] احسان [illegible] و بو عاطفت [illegible]

[illegible] حکمراینک [illegible] خارج دائره [illegible]

[illegible] ذات شوکتسمات [illegible] الی ان [illegible]

[illegible] همایون [illegible] کسب شرف و افتخار [illegible] عرض

[illegible] عواطف [illegible] پادشاهیلری

[illegible] حضرت [illegible] شاهانه [illegible] حضرتلرینه

[illegible] شاهانه [illegible] پادشاهانه [illegible]

خدیو مصر

١٤ محرم الحرام ١٣١٠

شمارهٔ سند: ٤٣٩

موضوع: مدح و ثنای سلطان عبدالحمید به وسیلهٔ میرزا حسن خان خبیرالملک

تاریخ: ۱۳۱۱ هـ . ق

کارتن: ۲۳

پرونده: ۱٤/ق

در مدح اعلی حضرت شاهنشاه خلافت‌نشان سلطان عبدالحمیدخان غازی خلدالله ملکه و سلطانه عرض شده

ز بس که از غم ایام گشته‌ام دلتنگ — به بخت خویشتنستم علی الدوام به جنگ
ز ظلم بی حد ایرانیان و جور فلک — ببین به چهرهٔ من گشته زعفرانی رنگ
ز حسرت قد چون سرو ماهرو صنمی — نهال راست قدم گشته است خم چون چنگ
ز عشق شاهدکی گلعدار و سیم اندام — چو عندلیب کشم تا به کی زدل آهنگ
بیار ساقی سیمین کنون می صافی — که می ز آیینه دل مرا بساید زنگ
نخورده می نتوانم نکو بگویم شعر — به مدح حضرت سلطان حمید جم اورنگ
جهان عدل و سخالجهٔ عطا که به دهر — نیامده است چنین شهریار با فرهنگ
بوذر فهم فلاطون ز جود چون حاتم — به‌عقل همچو پیمبر به هوش چون هوشنگ
ز صولت تو که افراسیاب این عصری — شودبه‌معرکه مژگان به چشم خصم خدنگ
ز بانگ کوس تو درگاه کین به روز مصاف — به برّ هژبر هراسان شود، به بحر نهنگ
صدای جود و صلای سخا و مرحمتت — رسیده است به اقصای امریک و فرنگ
ز نظم و عدل تو شاهین به خطهٔ آفاق — مسلم است که نتوان نمود صید کلنگ
به اختصار گرت مدح گفتم عفو نمای — که چرخ فکر فراخ است و دهر قافیه تنگ
سزا و درخور نبود به لطف شاهنشه — هرآنکه گوید من شاعرم بگفت جفنگ
ز جور چرخ ستمکار حاسد جاهت — خمیده باد قدش همچو قامت خرچنگ
هژبر عمرت پیوسته درکنام بقا — به کوهسار جهان تا بود مقام پلنگ
هماره تا که بود معدن شکر در هند — مدام باد به کام مخالف تو شرنگ

حسن ترا یکی از مادحان دیرین است
به نظم و نثر و به خط و به گفتهای قشنگ

[حاشیه:] گاه رزم و روز مصاف، رأفت تو

در مدح اعلیحضرت شاهنشاه خلافت پناه سلطان عبدالمجید خان غازی خلد الله ملکه و سلطانه عرض شد

ز بسکه از غم ایام گشته ام دلتنگ — نجیب چو تشنه ستم علی الدوام الحنک

ز ظلم بیحد ایشان و جور فلک — ببین بچهره من گشته زعفران رنگ

ز حسرت قد چون سرو دلربا صنمی — نهال راست قدم گشته است خم چون چنگ

ز عشق شاهد گلعذار و سیم اندام — چو عندلیب کشم تا بکی ز دل آهنگ

بیار ساقی سیمین کنون بآن می صافی — چو می زداید دل مرا باید زنگ

نخورده می نتوانم نکو بگویم شعر — بمدح حضرت سلطان جمشید جم اورنگ

جهان عدل و سخا عبدالمجید عطا پرور — نیامده است چنین شهریار با فرهنگ

بود ز فهم فلاطون بجود چون حاتم — بعقل همچو پیمبر بهوش چون هوشنگ

ز صولت تو که افراسیاب عصری / شود به معرکه مژگان چشم خصم خدنگ

ز بانگ کوس تو درگه کین برآوری صف / به بر هژبر هراسان شود به بحر نهنگ

صدای جود و صلای سخای مرحمتت / رسیده تا به قسطنطنیه تا به امریکا و فرنگ

ز نظم و نثر و غزل تو شاهی و نکته آفاق / مسخر است چنان کان بود به صید کلنگ

به جنب صافی گوهرت مدح گفتم عفو نمای / چو چرخ فلک فراخ است و دهر نافه تنگ

سزاوار و درخور نبود لقب شاهنشه / هر آنکه گوید من شاعرم بگفت جفنگ

ز جور چرخ ستمگر ز حاسد جاهت / خمیده باد ز غم پشت همچو قامت خرچنگ

هزار عمرت پیوسته در کنار امام لقا / به کوهسار جهان تا بود مقام پلنگ

هماره تا که بود معدن شکر در هند / مدام باد به کام مخالف تو شرنگ

حسن ترا که ز مادحان دری است
بنظم و نثر و بخط و بگفتهای قشنگ

شمارهٔ سند: ٤٤٠
موضوع: درخواست نشان
تاریخ: رجب ۱۳۱۳ هـ . ق
کارتن: ۲۵
پروندهٔ: ۳/ت

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه

چون مراتب صداقت و حسن کفایت و کاردانی مقرب‌الخاقان ذوالفقاربیگ کار پرداز اول دولت علیهٔ ایران مقیم ازمیر به توسط این سفارت سنیهٔ کبری به عرض اولیای دولت ابدمدت قاهره رسیده و در ازای خدمات او استدعای اعطای یک قطعه نشان ذی شأن شیروخورشید از درجه دویم درباره مومی علیه شده بود. لهذا تا وصول فرمان مبارک از طرف سفارت سنیه به او اجازهٔ استعمال نشان مذکور داده می شود که زیب صدر اعتبار خود نموده همواره از شمول مراحم ملوکانه مستظهر و امیدوار باشد. تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۳

[مهر سفارت سنیه دولت علیهٔ ایران در اسلامبول در بالای سند است.]

چنین مقرر است مدت وفق کفالت و کاردانی متقرب ۱۵ سال در انقضاء هر یک سال با مواجب دولت علیه ایران.

تعلیم از سیر تو طالب سفارت سنیه بکری بنوعی اداری دولت انگلیس بحره برسید و در ازای صداقت او

تهیه ای منقطعه تا دولت شاهنشاهی و خورشید از درجه ... در دنیا ... الله ... لهذا اعلیحضرت قدر قدرت همایونی

از طرف سفارت سنیه ... به استعمال نشان مزبور مفتخر که زینت افتخار معزز گرداند

از نشان ... بمکانت مستظهر و ... دارا باشد تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۳

شمارهٔ سند: ٤٤١

موضوع: اعلام تشریفات تاجگذاری مظفرالدین میرزا

تاریخ: ۲۲ ذی‌القعده ۱۳۱۳ هـ. ق

کارتن: ۲٤

پروندهٔ: ١٤/ف

نامهٔ مشیرالملک (علاءالسلطنه) به میرزا محمودخان علاءالملک

قربانت شوم، رقیمجات جناب‌عالی مورخهٔ ۲۷ شوال زیارت شد، اطلاع بر سلامت مزاج جناب‌عالی اسباب مسرت و شکرگزاری گردید البته به توسط تلگراف اطلاع حاصل فرمودید که به ضرب گلولهٔ میرزا رضانام کرمانی شقی سوسیالیست چه انقلاباتی در کارها به هم رسانید خوب شد نبودید که مشاهده نمایید و دلتان کباب بشود پادشاهی به آن رأفت و مهربانی در توی حرم حضرت عبدالعظیم وقت ظهر که هنوز نهار صرف نکرده بود و مشغول تهیهٔ نماز بود که بعد از فراغت از نماز به منزل آمده نهار صرف بفرماید از ضربت آن نابکار شقی دنیا را وداع و یک ملت را قرین حزن و اندوه فرمود.

حضرت اشرف امجد به ملاحظهٔ آنکه اگر مردم بفهمند که شاه شهید شده است اسباب اغتشاش ولایت و مملکت شود امروز را پنهان و مخفی داشته، شاه را در توی کالسکه گذاشته در جلو ایشان نشستند و از حضرت عبدالعظیم به شهر آوردند و خلوت کردند و از کالسکه پیاده نموده به عمارت نارنجستان وارد کردند به طوری که هیچکس نفهمید شاه شهید شده است و همان شبانه که شب شنبه هیجدهم باشد ترتیب امورات نظم ولایت را دادند، هر راهی هر جایی را یک صاحب‌منصب با صد نفر سوار بردند که موجب نمایند کسی به کسی مُغرض نشود و در کل خیابانهای شهر سوارهای قزاق و سرباز قراول به قدر لزوم گماشته شد که مراقب نظم شهر باشند و شب جنازه را غسل دادند و امانت گذاشتند جمیع شاهزادگان، وزرای رؤسای قاجار، رجال دولت، امرا حاضر شدند تشییع جنازه کردند در تکیه دولت سپردند و از امروز تا آن روز تا امروز که پنجم روز رحلت شاهنشاه است هر روز مشغول تعزیه‌داری در مساجد و تکایا هستند، انتظام شهر به درجه‌ای است که هیچ وقت به این امنیت نبوده است. همان شب که اتفاق افتاد به اعلی حضرت اقدس همایون به تبریز تلگراف شد، روز دیگر به تمام سلاطین اروپ

تلگراف شد که از این واقعه و اعلام جلوس اطلاع دادند و تفصیل در ضمن احکام رسمیه نوشته شده است مطلع خواهید شد به سفرا و مأمورین هم تلگراف از جانب همایونی و حضرت اشرف کردیم که یک نسخه به خود جناب‌عالی رسیده است.

مأموریت نواب ملک‌آرا اول موقوف شد بعد معلوم شد که صلاح نیست موقوف شود از سفارت روس هم استمزاج گردید و اظهار کردند که باید ملک‌آرا بروند، نامه‌ها تجدید شد فعلاً در یک نامه از وقوع این مقدمه و اعلام جلوس همایونی دیروز به تبریز فرستاده شد که امضا بفرمایند و اعاده بدهند که نواب ملک‌آرا تا ده روز دیگر روانه شود، مدت تاجگذاری بیست روز است و تا ۲۵ ذی‌حجه در مسکو خواهند بود، ده روز عقبتر که بروند روز ۲۰ ذی‌حجه وارد مسکو خواهند شد و خصوصاً قرار شد به ملاحظهٔ عزاداری ده روز عقبتر بروند که مجالس مهمانی و جشن منقضی شده باشد.

جناب اعزازالسلطنه را اعلی‌حضرت اقدس همایون به توسط نواب عین‌الدوله از تبریز تلگراف نمودند که نگاهداشته‌اند و در رکاب مبارک مراجعت به طهران خواهند کرد، حضرت اشرف هم تصویب فرمودند برای اسلامبول معیار دیگر باید فکر بشود کی را صلاح می‌دانید، تلگراف نمایم.

امروز زاید بر این فرصت و محل نیست نمی‌دانم جناب‌عالی چه وقت به مسکو تشریف می‌برید و این نوشتجات در کجا خواهد رسید. ۲۲ ذیقعده ۱۳۱۳

محل مهر: مشیرالملک

همه چشم گذاری در رعیت که بر بنده در کابل بهانه رنجی سعی شد

جناب عزیز ارسطو از حضرت جری اهالی از سعدی با صلی السلام

از روی یک جب بخوانند که در نگاه بر ... زر در کتاب بیک

در جیب بطهران خوانند که حضرت ادیب الملک القوی فروردم

برای سعدی مهدی بیسار دیگر با بیدیک تا سعدی جسیع آرزمن

مخلص سالم

آرزو دارد برای فرح دلدار نیزم جانکاه مرد

همکر بر قصه ... راه نوشتار ... دراز سلام

۱۲ / ۲۲

۳ دی ... رمضان

شمارهٔ سند: ٤٤٢

موضوع: قتل ناصرالدین شاه

تاریخ: ۲۳ ذی القعده ۱۳۱۳ هـ. ق

کارتن: ۲٤

پروندهٔ: ١٤/ف

نامهٔ مشیرالملک (علاءالسلطنه) به میرزا محمودخان علاءالملک

قاتل میرزا رضانام کرمانی است که در اوایل بابی بوده است و در سال اولی که جمال الدین به طهران آمد خدمت او را اختیار کرده، مذهب دهری و عقیدهٔ سوسیالیست را تکمیل کرده و از فدایی های آن محسوب شده است و چندی بعد از رفتن سیدجمال الدین از طهران که بعضی اعلانها بر ضد سلطنت انتشار شد او و چند نفر دیگر گرفتار و در قزوین حبس بودند دراین اواخر به و اسطهٔ امتداد مدت حبس و تصور آنکه شاید حرامزاده پشیمان و نادم و تائب شده و این ندامت و توبهٔ او از روی حقیقت است، شاه شهید از فرط رأفت به عامه اهل ایران که داشتند او را مرخص فرموده خرجی دادند که از ایران برود او هم رفت و از قرار استنطاق و تحقیقات حالیه معلوم شد که از ایران به اسلامبول رفته باز در نزد جمال الدین بوده است، در این اواخر با صورت مبدل و لباس مبدل و به عنوان جراحی به ایران آمده بوده و مخفی می زیسته است. روز جمعه ۱۷ ذی القعده درحضرت عبدالعظیم (ص) شاه شهید زیارت می‌کردند و محض رأفت عموم مردم را از زن و مرد مرخص فرمودند و قورق را برداشتند و با کمال ملاطفت میان مردم گردش و اظهار به لطف می فرمودند و مردم مشغول دعا و ثنا و محو زیارت جمال همایون بودند، فرصت غنیمت شمرده طپانچهٔ شش‌لوله که در آستین عبا پنهان داشت از یک قدم فاصله قلب همایون را هدف ساخت و طوری مؤثر واقع شد که به فاصلهٔ شش دقیقه از رسیدن گلوله روح همایون به درجات جنان جا گرفت. فی ۲۳ شهر ذیقعده ۱۳۱۳

[illegible]

قاتل میرزا رضا نام کرمانی است که در ابتدا بابی بوده است

در سفر اول که جمال‌الدین به طهران آمد خدمت او را اختیار

کرده با او [illegible] در عقیده سوسیالیستی که دارا بود [illegible]

آن محرک شده است و چندی بعد از رفتن سید جمال‌الدین

از طهران به بعضی اعلانها بر ضد سلطنت انتشار شده او

و چند نفر دیگر گرفتار و در قزوین حبس و زنجیر [illegible] او

بواسطه اظهار ندامت از حبس [illegible] بلکه شاه چیزی به او داد

پشیمان و نادم و تائب شد [illegible] او

از بروز حرکات شاه شنیده از فرط [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ٤٤٣

موضوع: هویت سیدجمال الدین

تاریخ: ۱۲ ذی حجه ۱۳۱۳ هـ. ق

کارتن: ٢٤

پرونده: ١٤/ف

نامهٔ مشیرالملک (علاءالسلطنه) به میرزا محمودخان علاءالملک

قربانت گردم، مرقومات جناب عالی با چاپار انگلیس زیارت شد و اطلاع از سلامت مزاج جناب عالی شاکر گردید امیدوارم همیشه با صحت و ابتهاج باشند.

پاکت عریضجات را که عریضه‌های شخصانه هم در جوف آنها بود چسبانیده خدمت حضرت اشرف امجد دادم ملاحظه فرمودند نوشتجات رسمی را امروز به خاکپای همایون روحنا فداه فرستاده آن دو کاغذ رسمی را نگاهداشتند شاید بعد بدهند که فرستاده شود اما اعتقاد ندارم که میل به فرستادن داشته باشند.

بنده هم همان‌طور که مرقوم داشته‌اید اصلاً خود را آشنا نکردم که چه مطلب است جزو سایر مطالب و پاکت مطالب رسمی همان‌طور بسته دارم.

مطالب رسمی دو سه هفته قبل که به حضور همایون ارسال شده بود دو روز قبل این‌طور جواب در روی پاکت دستخط فرموده‌اند: جناب اشرف صدراعظم، کاغذهای علاءالملک را دیدیم، در باب مطرودین و تعمیر عتبات عالیات کاظمین که نوشته بود البته با سفیرکبیر مذاکره کرده‌اید اگر تا به حال در آن قسمتها مذاکره نکرده‌اید مذاکره بکنید و قرارها را بدهید که کار در موقع بگذرد، حقیقت علاءالملک خیلی خوب جدیت کرده است.

برای اطلاع جناب عالی مضمون دستخط مبارک در آن ضمن مندرج شد. در باب جمال الدین در اینجا با جناب منیف پاشا مذاکرات زیاد شده و به موجب مادهٔ چهارم مقاوله‌نامهٔ مورخه ۱۲۹۲ مطالبه تسلیم جمال الدین به سفارت ایران شد و منیف پاشا وعده کرد به باب عالی تلگراف نماید تا ببینیم چه نتیجه خواهد بخشید.

از سفارت انگلیس هم اظهار شد که جمال ادعا می‌نماید که افغان است و استدعای تبعیت انگلیس را کرده است مضمون کاغذ نواب عیناً در این ضمن نوشته

می شود که مستحضر باشید.

با آن چاپار لندن سرفیلیپ گری از اسلامبول به وزیرمختار نوشته بودند که قبل از قتل شاه شهید سیدجمال الدین به سفارت کبری عرض کرده بوده که من رعیت افغان و از اهل افغانستان هستم و می خواهم تحت حمایت انگلیس باشم عریضهٔ او را به وزارت امور خارجهٔ لندن فرستاده بودند که برحسب دستورالعمل آنجا در حق او رفتار نماییم جناب وزیرمختار می‌گویند که اگر این شخص رعیت ایران است و اهل اسدآباد خوب است حضرت اشرف مقرر بفرماید به طور تحقیق ثابت و واضح گفته شود که اگر این مرد به اشتباه خود را افغان قلم بدهد قبول نشود، حالا مشغول تهیه اسناد شبهات رعیتی او به دولت ایران هستم و همه‌جا رسانیدیم به شما هم اطلاع می دهم صورت مذاکره با منیف پاشا را هم برای اطلاع جناب‌عالی خواهم فرستاد و بعد از ملاحظه اعادی بدهند که باید در وزارت خارجه در دفتر باشد. زیاده چه عرض نماید. ۱۲ شهر ذی‌حجه ۱۳۱۳

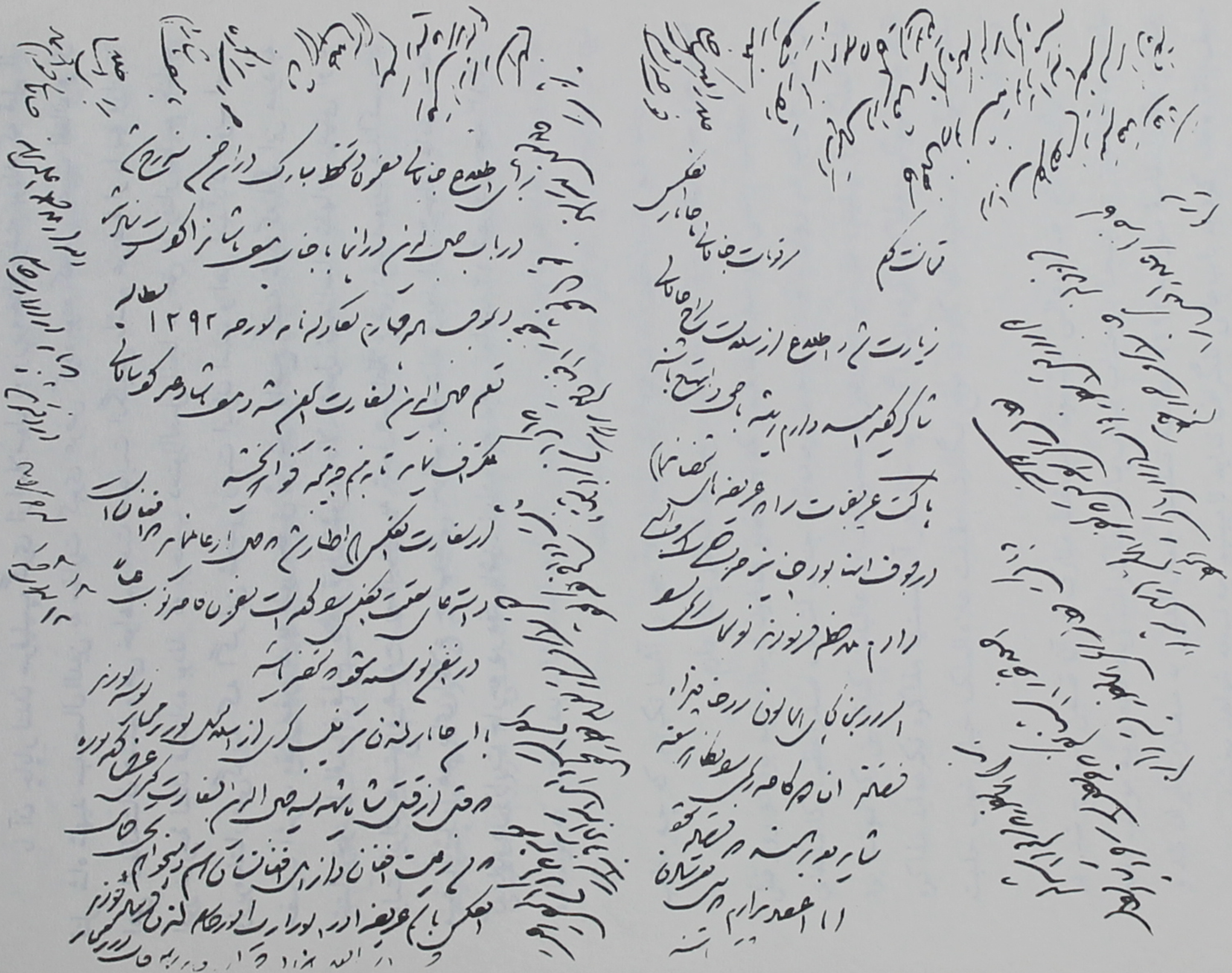

شمارهٔ سند: ٤٤٤
موضوع: تاجگذاری مظفرالدین شاه
تاریخ: ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۱۳ هـ. ق
کارتن: ٢٤
پروندهٔ: ١٤/ف

نامهٔ مشیرالملک (علاءالسلطنه) به میرزا محمودخان علاءالملک

مأمورین تاجگذاری امروز از منجیل حرکت کردند پس‌فردا در رشت و روز چهارشنبه در انزلی خواهند بود و پنجشنبه پانزدهم ذی‌حجه به کشتی خواهند نشست.

تشریف بردن جناب عالی به تهنیت تاجگذاری که سرنگرفت آنچه فی وقع هرچه پیش آید انشاءالله تعالی خیر است موکب همایونی امروز به اول خاک خمسه وارد شدند ۲۲ وارد یافت‌آباد و ٢٤ گویا وارد شهر بشوند مدت عزاداری هم روز ۱۸ ذی‌حجه که روز عید غدیر است منقضی می‌شود که از ورود به شهر موکب همایون دیگر سیاه‌پوش نباشند، چراغان نمایند آتش‌بازی نمایند.

در باب چاپار باید باز در ضمن نوشتجات مرقوم بفرمایند حالا در حقیقت اول دولت است انشاءالله تعالی اغلب کارها باید درست بشود و همه نوع امیدواری است.

پیشکشی حکام به تومانی هفت‌هزار بعضی حالات سابقه پیشکشی امارات تماماً موقوف بشود امیدوارم کارها درست بشود زیاده بر این فرصت نیست. ایام اقبال به کام.

۱۲ شهر ذی‌حجه ۱۳۱۳

محل مهر: مشیرالملک

[illegible]

[illegible] خواهند [illegible]

[illegible] خواهند نشست

تشریف [illegible]

[illegible]

[illegible] ذیقعده [illegible]

۲۲ ذیقعده [illegible] ۲۴ [illegible] ذیقعده [illegible]

[illegible] ۱۸ [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل ۲

امور اتباع و کنسولی

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

شمارهٔ سند: ٤٤٥
موضوع: ترجمهٔ اخبار از روزنامه‌ها «گزارش اسلامبول»
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۲۷۰ ق)
کارتن: ۷
پرونده: ۳/ت

ترجمهٔ روزنامهٔ بیست و هفتم فوریهٔ ماه روسی مطابق بیست و ششم ذی‌قعده‌الحرام

دولت علیه ایران: از قسطنطنیه مورخهٔ بیست و سیم فوریه اخبار شده که از جنگ و نزاع مابین دولتین ایران و روم هنوز خبری معلوم نیست، تا سفیرکبیر و وزیرمختار دولت علیه ایران به اسلامبول وارد شود.

معاهدهٔ[ای] که مابین اعلی حضرت شاهنشاه ایران و ملکهٔ انگلیس به جهت کثرت معاشرت تلگرافی فی‌مابین دولت انگلیس و هندوستان منعقد شده بود منتشر شده است و به موجب این معاهده تلگراف در وسط خاک دولت ایران کشیده بشود و دولت ایران لازمه اهتمام و تقویت را بکند، برای سهولت کشیدن سیم، و مقرر شده است که به جهت همین فقره تقویت، یک هزار و چهارصد لیره که عبارت از سه هزار تومان باشد به دولت ایران بدهند و این عهدنامه تا مدت بیست سال معتبر است.

دولت عثمانی: روزنامه هرالد اعلام می دارد، که باب‌عالی حکم کرده است قواعد و قوانینی که سابقاً معمول بود و به سبب آن عیسویان ممنوع از دخول در مساجد و مشاهد مقدّسه اسلامیان بودند منسوخ باشد و مسیحیان مأذون باشند که در کلّ مساجد و مشاهد داخل بشوند، مشروط بر اینکه در کمال عزت و احترام داخل شده، خلاف احترامی از ایشان نسبت به دین اسلام به ظهور نرسد.

اعلان‌نامهٔ امروز منتشر شده بود، و به موجب آن وزیر امور خارجهٔ یونان رئیس مجلس گفتگوی پاریس را مخیّر نموده است که دولت مزبور همان عزم و خیال آن مجلس را اختیار نموده است و از قرار روزنامهٔ نمسه، امروز مسیو دلانیس به‌علاوه به سفیر یونان مقیم پاریس اعلام کرده و ایرادی در نتایج این مجلس گرفته است و می‌گوید باید به سفرای دول معظمه که اجزای این مجلس بودند ابراز شود.

دولت موقتی اسپانیا: در باب مسئلهٔ انتخابی پادشاه اسپانیا روزنامجات ینرین

ثابت می‌کنند که دوم فرمانند و پدر پادشاه پرتکال در قبول سلطنت اسپانیا مسامحه می‌ورزد و می‌گوید مملکت پرتکال که به همه جهت هشت کرور جمعیّت داشت، سلطنتش بار بسیار گرانی به جهت او بود تا چه رسد به مملکتی بدین‌وسیعی که عدد نفوسش سی وچهار کرور باشد، و معلوم است که امر سلطنت در این مملکت بسیار بزرگ است و چنین چیزی از قوهٔ او برنمی آید.

دولت دانمارک: از وینیا پایتخت آستریه مورخهٔ بیست و چهارم فوریه خبر رسیده است که به موجب اخبار تلگرافی از کین‌باک [کپنهاک] پایتخت دانمارک دولت مزبور خیال دارد که مملکت هند مشرقی متصرفی خود را به ممالک متحابهٔ ینکی دنیای شمالی بفروشد و وزیر جنگ دانمارک به جهت این مبایعه مأمور و روانه شده است.

ینگی دنیا: اخبارات از راه نیوبرک مورخهٔ بیست و یکم فوریه رسیده و اعلام می‌دارد که اغتشاش زیاد در بعضی از بلاد و شهرهای مکزیک به ظهور رسیده است و جنرال نکرت شهر پوآئیلا را شبیخون زده متصرف گشته است.

اخبار تلگرافی: از اسلامبول مورخهٔ بیست و پنجم فوریه خبر رسیده که باب‌عالی دیروز به سفرای خود شرحی فرستاده و اظهار امتنان و شکرگزاری کرده بود، که رهین منّت دول معظمه اروپا به جهت حمایت و کمک و گفتگوی ایشان در فقرهٔ منازعه با دولت یونان هستم. قانون‌نامهٔ تبعهٔ دولت عثمانی که در مجلس شوری باب‌عالی ممضی داشته و منتشر کرده‌اند از قرار ذیل است.

اولاً، اشخاصی که پدر و مادرشان یا تنها پدرشان رومی است. از تبعهٔ دولت روم محسوب هستند.

ثانیاً، کسانی که در خاک عثمانی متولد شده‌اند و پدر و مادر آنها خارجه هستند بعد از رشد و رسیدن به حدّ بلوغ می توانند خود را تبعهٔ عثمانی محسوب کنند.

ثالثاً، اشخاصی که از تبعهٔ خارجه و به درجهٔ رشد و تمیز رسیده باشند و مدت پنج سال در خاک عثمانی متوقف باشند می توانند به وزیر امور خارجه ابراز نموده خود را تبعهٔ عثمانی محسوب نمایند.

رابعاً، دولت عثمانی می تواند خارجه‌ای را که قابل و طالب تبعیّت وی باشد به اذن آن شخص بدون اینکه نیز پنج‌سال متوقّف در آن مملکت باشد، تبعهٔ خود محسوب نماید.

خامساً، تبعهٔ عثمانی اگر به اذن و اجازهٔ دولت خود خود را به خارجه بسته باشد یا از تبعهٔ خارجه شده باشد او را تبعهٔ خارجه محسوب می نمایند. ولی اگر به دولت خود اظهار نکرده باشد او را تبعهٔ عثمانی محسوب می دارند و به طرز خواهش دولت مزبور با وی رفتار خواهند نمود، و هیچ رعیّتی از تبعیّت خود بدون اذن از دولت خود نمی تواند تبعهٔ خارجه شود.

سادساً، با وجود این دولت عثمانی قبول نمی‌کند کسی را که در خارجه خود را تبعه دولتی دیگر کرده باشد و بدون ابراز به دولت خود در خارجه به منصبی نظامی مشغول شود در این صورت می تواند ممانعت کند چنین شخصی را که دوباره به وطن خود معاودت کند.

سابعاً، زن عثمانی که به خارجه شوهر کرده باشد معلوم است که از تبعیت خود خارج است ولی سه سال بعد از وفات شوهر اگر بخواهد می تواند از تبعهٔ دولت خود شود.

ثامناً، طفلی که پدرش از تبعهٔ دولت عثمانی بوده و بعد تبعهٔ خارجه شده یا از تبعیت خود بیرون رفته باشد این طفل تبعهٔ خارجه نیست از اتباع دولت عثمانی محسوب می شود، و طفلی که پدرش اولاً تبعهٔ خارجه بوده و بعد تبعیّت دولت عثمانی قبول کرده باشد، او تبعهٔ عثمانی نیست از اتباع خارجه محسوب است.

تاسعاً، اشخاصی که در خاک عثمانی متوطّن و متوقّف باشند به قرار و قانون دولت عثمانی با وی رفتار خواهد شد تا تبعیّت خارجه اش معلوم باشد.

اخبار مخصوص به روزنامهٔ وینیا پایتخت آستریه مورخهٔ بیست و دویم فوریه اعلام شده که عمّاقریب سفیری از جانب دولت عثمانی مأمور به توقف آتن پایتخت یونان و سفیری از جانب یونان مأمور به اقامت در قسطنطنیه مشخص خواهند نمود.

سواد کاغذی است که وزیرمختار یونان مقیم فلرانس به موسیو ولیانیس نوشته است.

جناب وزیر، به نظر من حالا دولت ایطالیا در همه‌چیزها ترقّی کرده است و چندی است که این دولت جدیدهٔ ایطالیا بر پا شده است و کم کم در امورات خود نوعی تسلّط پیدا می‌کنند و مطلقاً نفعی از جنگ و منازعهٔ اروپا نخواهد برد، بلکه ضرر کلّی به آن دولت خواهد رسید. معلوم است که دولت ایطالیا نفع ما را منفعت خود می داند و ضرر

ما را نیز ضرر خویش می شمارد. ما به هیچ‌وجه از جانب آن دولت انتظاری نداریم که مداخله در این فقره گفتگو به جهت خاطر ما نماید. بدیهی است که اگر سایر دول نسبت به این دولت محض خیرخواهی خیالی بکنند. آن‌جناب در این فقره نهایت اهتمام خواهد نمود.

ترجمه روزنامه بیست و هفتم فوریه روسی مطابق بیست و ششم ذی قعده الحرام

دولت علیه ایران

از قسطنطنیه مورخه بیست و سیم فوریه اخبار شده) که از جنگ و نزاع مابین دولتین

ایران و روم هنوز خبری معلوم نیست تا سفیر کبیر و وزیر مختار دولت علیه ایران

باسلامبول وارد شود)

معاهده که مابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و ملکه انگلیس بجهه کثرت معاشرت تلگراف فی

مابین دولت انگلیس و هند و ستان منعقد شده بود منتشر شده است و بموجب

این معاهده تلگراف در وسط خاک دولت ایران کشیده بشود و دولت ایران

لازمه اهتمام و تقویت را بکند برای سهولت کشیدن سیم و مقرر شده است که بجهه

همین فقره تقویت یکهزار و چهارصد لیره که عبارت از سه هزار تومان باشد

بدولت ایران بدهند و این عهدنامه تا مدت بیست سال معتبر است)

دولت عثمانی

روزنامه هرالد اعلام میدارد (که باب عالی حکم کرده است قواعد و قوانینی که سابقا

معمول بود و بسبب آن عیسویان ممنوع از دخول در مساجد و مشاهد مقدسه اسلامیان

بودند ممنوع باشد و مسیحیان مأذون باشند که در کل مساجد و مشاهد داخل شوند

مشروط بر اینکه در کمال عزت و احترام داخل شده خلاف احترامی از ایشان

نسبت بدین اسلام بظهور نرسد)

اعلان نامه امروز منتشر شده بود (و بموجب آن وزیر امور خارجه یونان رئیس

مجلس گفتگوی پاریس را خبر نموده است که دولت مزبور همان عزم و خیال

انجمن را اختیار نموده است و از قرار روزنامه نسه امروز مسیو دلانس بعلاوه
بسفیر یونان مقیم پاریس اعلام کرده و ایرادی در شناختن این مجلس گرفته است و میگوید
باید سفرای دول معظمه که اجزای این مجلس بودند ابرار شود)

دولت موقتی اسپانیا

در باب مسئله انتخاب پادشاه اسپانیا روزنامجات بر این ثابت میکنند که دوم
فرماننده و پدر پادشاه پرتگال در قبول سلطنت اسپانیا مسامحه میورزد و میگوید
مملکت پرتگال که بهمه جهت هشت کرور جمعیت داشت سلطنتش بار بسیار گرانی بجهه او بود
تا چه رسد بمملکتی بدین وسیعی که عدد نفوسش سی و چهار کرور باشد و معلوم است
که امر سلطنت در این مملکت بسیار بزرگست و چنین چیزی از قوه او بر نمی آید)

دولت دانمارک

(از وینا پای تخت آستریه مورخه بیست و چهارم فوریه خبر رسیده است) که بموجب اخبار تلگرافی از کپن هاک پای تخت دانمارک دولت مزبور خیال دارد که مملکت هند شرقی متصرفی خود را بممالک متحابه ینگی دنیای شمالی بفروشد و وزیر جنگ دانمارک بجهة این مبایعه مأمور روانه شده است)

ینگی دنیا

(اخبارات از راه نیویرک مورخه بیست و یکم فوریه رسیده و اعلام میدارد) که اغتشاش زیاد در بعضی از بلاد و شهرهای مکزیک بظهور رسیده است و جنرال نگرت شهر پوئبلا را شبیخون زده متصرف گشته است)

اخبار تلگرافی

(از اسلامبول مورخه بیست و پنجم فوریه خبر رسیده) که باب عالی دیروز بسفرای خود

شرحی فرستاده و اظهار امتنان و شکرگذاری کرده بود که رهین منت دول معظم

اروپا بجهت حمایت و کمک و گفتگوی ایشان در فقره منازعه با دولت یونان هستم

قانون نامه تبعه دولت عثمانی که در مجلس شوری باب عالی ممضی داشته و منتشر کرده اند

از قرار ذیل است

اولاً اشخاصیکه پدر و مادرشان یا تنها پدرشان رومی است از تبعه دولت روم

محسوب هستند

ثانیاً کسانیکه در خاک عثمانی متولد شده اند و پدر و مادر آنها خارجه هستند

بعد از رشد و رسیدن بحد بلوغ میتوانند خود را تبعه عثمانی محسوب کنند

ثالثاً اشخاصی که از تبعه خارجه و بدرجه رشد و تمیز رسیده باشند و مدت

پنج سال در خاک عثمانی متوقف باشند میتوانند بوزیر امور خارجه دولت بروز اظهار نموده

خود را تبعه عثمانی محسوب نماید)

رابعاً — دولت عثمانی نمیتواند خارجه را که قابل و طالب تبعیت وی باشد بادن تبعه شخص بدون اینکه نیز پنج سال متوقف در آنملکت باشد تبعه خود محسوب نماید)

خامساً — تبعه عثمانی اگر باذن و اجازه دولت خود در اسناد خارجه بسته باشد یا از تبعه خارجه شده باشد او را تبعه خارجه محسوب مینماید ولی اگر بدولت خود اظهار نکرده باشد او را تبعه عثمانی محسوب میدارند و بنظر خواهش دولت مزبور با وی رفتار خواهند نمود)

و هیچ رعیتی از تبعیت خود بدون اذن از دولت خود نمیتواند تبعه خارجه شود)

سادساً — با وجود این دولت عثمانی قبول نمیکند کسی را که در خارجه خود را تبعه دولتی دیگر کرده باشد و بدون ابراز بدولت خود در خارجه بمنصبی نظامی مشغول شود در اینصورت میتواند ممانعت کند چنین شخصی را که دوباره بوطن خود معاودت کند)

سابعاً زن عثمانی که بخارجه شوهر کرده باشد معلومست که از تبعیت خود خارج است
ولی سه سال بعد از وفات شوهر اگر بخواهد میتواند از تبعه دولت خود شود

ثامناً طفلی که پدرش از تبعه دولت عثمانی بوده و بعد تبعه خارجه شده یا از تبعیت خود بیرون رفته
باشد این طفل تبعه خارجه نیست از اتباع دولت عثمانی محسوب میشود و طفلیکه پدرش اولاً
تبعه خارجه بوده و بعد تبعیت دولت عثمانی قبول کرده باشد او تبعه عثمانی نیست
از اتباع خارجه محسوب است

تاسعاً اشخاصی که در خاک عثمانی متوطن و متوقف باشند بقرار قانون دولت عثمانی
با وی رفتار خواهد شد تا تبعیت خارجه اش معلوم باشد

اخبار مخصوص بروزنامه وینه پای تخت آستریه مورخه بیست و دویم فوریه اعلام شد
که عماقریب سفیری از جانب دولت عثمانی مأمور بتوقف آتن پای تخت یونان و سفیری

از جانب دولت یونان مأمور باقامت در قسطنطنیه مشخص خواهند نمود)

سواد کاغذیست که وزیر مختار یونان مقیم فلرانس بکوستو ولیانیس نوشته است

جناب وزیر بنظر من حالا دولت ایطالیا در همه چیز ترقی کرده است

و چندی نیست که این دولت جدیده ایطالیا برپا شده است و کم کم در امورات خود

نوعی تسلط پیدا می‌کنند و مطلقا نفعی از جنگ و منازعه اروپا نخواهد برد بلکه ضرر کلی

بآن دولت خواهد رسید معلوم است که دولت ایطالیا نفع ما را منفعت خود میداند

و ضرر ما را نیز ضرر خویش میشمارد با هیچوجه از جانب آن دولت انتظاری نداریم

که مداخله در این فقره که گفتگو نتیجه خاطر ما نماید بدیهی است که اگر سایر دول

نسبت باین دولت محض خیرخواهی خیالی بکنند آنجناب در این فقره نهایت

اهتمام خواهد نمود)

شمارهٔ سند: ٤٤٦
موضوع: اخذ وام از صاحبان ملک
تاریخ: ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸-ق
کارتن: ۹
پرونده: ۵/ح

ترجمهٔ سواد نوشته رسمی باب‌عالی است که به سفارت سنیه آمده است

به جناب عطوفت‌مآب حاجی میرزا محمدحسین‌خان ایلچی وسط دولت ایران برسد

در ممالک محروسهٔ شاهانه به جهت ظهور بعضی اسباب لازم و مقتضی آمده است که از هر شخص که متصرف به املاک است، بلااستثناء نسبت به حال و ثروت آنها مبالغ مناسبی استقراض شده، در مقابل آن قوایم نقدیه اعطا بشود و به وجهی که چندی قبل به همهٔ ایالات فرستاده شده بود به ایالت بغداد نیز به قدری که لازم و مقتضی بود از قوایم فرستاده شده بود. در حالتی که اهالی ایالت مذکوره این ماده را با کمال خشنودی و ممنونیت قبول کرده‌اند، والی بغداد با تلگراف نوشته اخبار نموده است که شهبندر یعنی کار پرداز دولت متبوعهٔ آن‌جناب مقیم بغداد به کسانی که از تبعهٔ ایران در ایالت مذکوره متوطن گشته و مثل بومی شده‌اند، مدعی شده و می شود که از آنها استقراض مذکور استحصال نشود و بلکه از تبعهٔ دولت عثمانی بعضی کسان را در زیر حمایت خود گرفته می خواهد که آنها قوایم مذکوره را قبول ننمایند. به وجهی که حاجت اظهار و بیان نیست، این استقراض به نفوس و به شخص طرح نشده، به املاک طرح شده است، بناء علیه تبعهٔ اجنبی اصلاً سررشتهٔ عهداً و اصولاً ندارند که خودشان را از این ماده مستثنی بدارند و حال آنکه تبعه و مأمورین دول سائره در این باب اصلاً مخالفت نکرده‌اند، مگر کار پرداز مومی الیه که این گونه حمایت تبعهٔ دولت علیه را کردن و خواه ممانعت و مخالفتی که در قبولی قوایم مذکوره دارد. واضح و آشکار حقوق دولت علیه را ضایع کردن است و بدیهی است که این کیفیت در نزد آن عطوفت‌مآب رهین جواز نخواهد بود. لهذا با کمال توقیر واحترام التماس می شود که سریعاً به کار پرداز مومی الیه وصایای لازمه و قویه اجرا بشود که این مخالفت خود را موقوف نماید.

[حاشیه:] متعلق به نمرهٔ ۵۵

معلومی شد

سواد نامهٔ سامی بالادر که بعبارت سیه ادارت

ایران دولتی اوزره ایلچیسی عطوفتلو حاجی میرزا حسین خان حضرتلرینه

ممالک محروسهٔ شاهانه‌ده املاکه متصرف اولان هر بر شخصدن بلا استثنا حال و ثروتلرینه نسبتله مناسب مقدار اقچه استقراض اولنه رق
مقابلنده قوائم نقدیه اعطا اولنمسی بعض اسبابدن طولایی لزوم کورنمش اولدیغندن بوندن اقدم هر بر ایالته کوندرلدیکی مثللو بغداد ایالتنه
دخی لزومی مقدار قوائم ارسال اولنمشدی اهالی مرقومه طرفندن بو خصوص کمال خشنودی و ممنونیتله قبول اولنمش اولدیغی صره‌ده محل مذکورده
مقیم دولت متبوعه‌لری شهبندری محل مذکورده توطن ایده‌رک حکمنه کیرمش اولان تبعهٔ ایرانیه‌دن عدم استحصالنی ادعا ایلدیکی
مثللو تبعهٔ صحیحهٔ دولت علیه‌دن بعضلری بر طاقم کسان تبعهٔ ایرانیه‌دن اولدقلرندن بحثله قوائم مذکوره‌یی قبول ایتدیرمامکده بولندیغی بو کره
بغداد والیسی جانبندن بالتلغراف اشعار قلنمشدر بیانه حاجت اولمدیغی وجهله اشبو استقراض شخصی اوزرینه اولمیوب املاک اوزرینه
اولدیغندن تبعهٔ اجنبیه‌نک کندولرینی بوندن مستثنا طوتمه‌لری اصولاً بر سررشته ایده‌جک هیچ بر شی اولمدیغی و بناءً علیه
بو بابده دول متحابهٔ سائره تبعه و مأمورلری طرفلرندن بر کونه مخالفت و ممانعت کوسترلدیکی جهتله شهبندر موما الیهک کرک
تبعهٔ مرقومه‌دن استقراض مذکورک تحصیل حقنه اولان مخالفتی و کرک تبعهٔ دولت علیه‌یی حمایه ایلمسی دولت علیه‌نک آچیقدن
آچیغه حقوقنه طوقنه‌جق و بو صورت نزد عطوفتلرنده دخی رهین جواز اولمیه‌جغی مجزوم بولندیغی جهتله بو بابده موما الیه طرفنه
سریعاً وصایا و تنبیهات لازمه اجرا اولنمسی التماسنه و بو وسیله ایله تکریر تأمینات احترامیه‌یه ابتدار قلندی فی ۷ ربیع الآخر ۲۷۸

شمارهٔ سند: ٤٤٧
موضوع: ترجمهٔ قانون مطبوعات عثمانی
تاریخ: (۲ شعبان ۱۲۸۱ هـ. ق)
کارتن: ١١
پروندهٔ: ١٤/ق

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

قانون هرگونه روزنامه و اوراق اخبارات مملکتی و سیاسی که در استامبول و ممالک شاهانه چاپ و انتشار می یابد.

فصل اول

مطالب عمومی

اول، روزنامه و سایره که مطالب سیاسی و مملکتی دارد در هر زبان می خواهد باشد خواه منظم و در اوقات معین و خواه جزء جزء و در اوقات غیرمعین بدون اجازه نمی تواند انتشار یابد طالبین امتیاز این اوراق و روزنامه اگر از رعیت دولت علیه است عریضهٔ خود را به وزارت علوم و اگر از رعیت خارجه است خود را به وزارت امور خارجه باید تقدیم نماید از طرف آن دو وزارت شرایط مادهٔ سیم در حق صاحب عریضه تحقق شده اجازهٔ لازم داده ولی اجازت‌نامه باید از ادارهٔ انطباعات بدهند.

دوم، اشخاصی که در ولایت شاهانه این گونه روزنامه و اوراق را امتیاز می خواهند به حاکم ولایت عریضه داده، اگر آن شخص از رعیت دولت علیه است به وزارت علوم می نویسد و اطلاع می دهد و اگر رعیت خارجه است به وزارت جلیله امور خارجه نوشته، اگر شرایط ماده سیم را دارا است اجازتنامه به حاکم فرستاده می شود.

سیم، شخصی که می خواهد روزنامه تأسیس نماید اگر از رعیت دولت علیه است باید سی سال داشته و کمتر نباشد و از جهت جنحه و جنایت محکوم نباید باشد و حقوق شخص خود را تماماً مالک و متصرف باشد در این حالت می تواند اجازه بگیرد و از رعیت خارجه است باید مانند رعیت دولت علیه تابع مندرجات این دستورالعمل باشد و در وقوع جنحه و جنایت انطباعاتی رفتاری که در حق رعیت دولت علیه در دیوانخانه و

محاکمه مجری است در حق مشارالیه هم از روی همان ترتیب و اصول مجری خواهد شد اگر این شرایط را قبول نماید نایل اجازه می شود.

چهارم، با عریضه‌ای که در نمرهٔ اول ذکر شد یک طغرا سند پا به مهر و امضا حاکی از اسم روزنامه و اسم چاپخانه و مدیر مسئول آن و ایام چاپ آن که چند روز در یک ماه چاپ می شود تقدیم باید شود، مدیر روزنامه با قلم خود یک نسخه را امضا گذاشته به انطباعات فرستاده بعد از آن دیگر نسخه‌ها به امضای خود چاپ نموده، همان‌طور منتشر سازد و در ولایات به حاکم المملکت تقدیم نماید.

پنجم، وقتی که صاحب و مدیر روزنامه و اوراق مرتب سایرهٔ خواسته باشد اجازه‌نامهٔ خود را به یک شخص ترک نماید به مرجع آن اطلاع داده و همان شخص هم باید به حکم نمرهٔ اول و دوم و سیم تحصیل اجازه کند، اگر هم روزنامه و چاپخانه تغییر و تبدیل یابد مدیر و یا صاحب آن باید به مرجع آن خبر دهد.

ششم، اوراق سیاسی که اکنون در استامبول و دیگر ممالک شاهانه منتشر می شود از این اجازهٔ رسمی معاف بوده و حکم اخطارات و اعلانات در حق آنها منسوخ است ولی بعد از این همه اینها باید تابع احکامات این دستورالعمل باشد.

هفتم، در آخر یک مطلب و یا یک مقاله که از طرف شخص دیگر در روزنامه نویسانده امضا نباشد، مسئولیت آن بر گردن همان روزنامه‌نویس است که در آن امضا گذاشته است، اگر امضا گذاشته به خلاف این دستورالعمل باشد صاحب روزنامه و مقاله هر دو در مسئولیت شریک اند.

هشتم، اگر از ریاست انطباعات در استامبول و از طرف حکام در ولایات تحریرات رسمی فرستاده شود بدون مطالبهٔ مزد و قیمت در چاپ اول و دوم روزنامه باید نوشته شود و اگر در روزنامه اسم شخص محترم را صریحاً و یا به طریق کنایه یک مطلب بنویسند آن شخص جواب بنویسد باید در چاپ اول و دوم درج نماید و پول نگیرد به شرط اینکه از دو برابر مقاوله سابق زیاد نباشد.

نهم، روزنامه و اوراق سایره که مطالب سیاسی و متفرقه دارد و از دولت علیه بدگویی کرده و خیال دشمنی داشته و در ممالک خارجه چاپ می شود وصول آن به ممالکت محروسه قدغن است.

فصل دوم

در خصوص تنبیه و سیاست

دهم، هرکه بدون اجازهٔ دولت علیه یعنی مغایر این دستورالعمل روزنامه یا ورقهٔ مرتب تأسیس و منتشر سازد برای هر نسخه و یا جزوان ده لیرای طلا جریمه و روزنامهٔ این ترتیب قدغن خواهد شد.

یازدهم، هرکه به حکم مادهٔ چهارم دستورالعمل یک نسخه امضا شده را به مرجع خود یا بدون امضا انتشار یابد هم ده عدد لیرای طلا جریمه خواهد شد.

دوازدهم، اگر روزنامه‌نویس از نوشتن تحریرات رسمی که در مادهٔ هشتم گفته شد که از طرف حکومت فرستاده می شود نکول نماید از دو لیرا تا بیست و پنج لیرا جریمه باید بشود و یا جوابی که از آحاد ناس فرستاده می شود درج نکند از دو لیرا تا بیست و پنج لیرا جریمه شده تنبیهی که از بابت مقاله شکایتی لازم است علیحده حکم می شود.

سیزدهم، چنانچه در فصل دوم قانون جزا شرح داده شده هر شخصی به توسط روزنامه بعضی اشخاص را تحریک و اغوا به فساد نماید که امنیت داخلی دولت علیه و آسایش ممالک محروسه را اخلال نماید مشترک، تنبیهی که در حق چنین کسی نسبت به درجهٔ جنحه و جنایت وارد آید آن شخص محرک و روزنامه‌نویس هم مستحق همان تنبیه هستند چاپ آن روزنامه نیز از طرف حکومت موقتاً یا به کلی قدغن خواهد شد.

چهاردهم، هر روزنامه‌نویس مغایر آداب عمومی و محاسن اخلاق ملتی چیزی بنویسد و یا به توسط روزنامه به یکی از ادیان متداول حقارت نماید از یک لیرا تا بیست و پنج لیرا جریمه شده و یا اینکه از یک هفته تا سه ماه حبس می شود.

پانزدهم، اگر روزنامه‌نویس در حق سلطنت سنیه و خانوادهٔ سلطنت الفاظ و تعبیرات غیرمناسب به کار ببرد یا در علیهٔ حکومت اعلی حضرت همایونی جسارت نماید از شش ماه تا سه سال حبس و یا اینکه از بیست و پنج لیرا تا صد و پنجاه لیرا باید جریمه شود.

شانزدهم، اگر حرفی که به آبروی وزرای دولت و روسای ولایات مستقل و ممتاز برخورد نویسنده از یک ماه تا یک سال حبس و یا از پنج لیرا تا صد لیرا جریمه خواهد شد.

هفتدهم، در حق پادشاهان متفق دولت علیه هستند اگر الفاظ و تعبیرات که به ایشان برخورد نویسد از سه ماه تا یک سال حبس و یا از پنج لیرا تا صد لیرا جریمه شود.

هیجدهم، ذم آن است که اعمال مخصوص شخصی را یا هیئتی را نوشته هتک ناموس و کسر اعتبار آن شود و قدح آن را گویند که اعمال مخصوص آن بیان نشده حقارت نموده و فحش دهند.

نوزدهم، در حق یک هیئت مجلس و محکمه و یا کومسیون یک کار ذم و قدح واقع شود متجاسر از پانزده روز تا یک سال محبوس و یا اینکه از دو لیرا تا پنجاه لیرا جریمه.

بیستم، اگر در حق مأمورین و خدام دولت علیه ذم واقع شود از ده روز تا ده ماه محبوس و یا از یک لیرا تا چهل لیرا جریمه می شود.

بیست و یکم، در علیه سفیرکبیر و وزیرمختار و سفیر و مصلحت گذار و دیگر مأمورین دول خارجه مقیم دربار دولت علیه ذم نوشته شود متجاسر از هشت روز تا هشت ماه حبس و یا از یک لیرا تا سی لیرا جریمه خواهد شد.

بیست و دوم، اگر در روزنامه در حق احاد ناس ذم بکند روزنامه‌نویس از پنجاه قروش تا پانزده لیرا جریمه یا از پنج روز تا پنجاه روز محبوس می شود.

بیست و سوم، در حق یک نفر مأمور دولت علیه ذم نوشته باشد تنبیه سابق مجری می شود و اگر در اثنای مأموریت در حق یک نفر مأمور ذم نویسند بعدالمحاکمه اگر آنچه در باب مأموریت او نوشته است توانست ثابت نماید شخص نویسنده تنبیه ندارد در این میان اگر به شخص مأمور قدح شده است، فقط تنبیه قدح لازم است.

بیست و چهارم، در حق مأمورین دول متحابّه و دولت علیه چنانچه در مادهٔ بیست و بیست و یکم شرح داده شده قدح واقع شود متجاسر از پنج روز تا پنج ماه حبس و از پنجاه غروش تا پانزده لیرا جریمه باید شود.

بیست و پنجم، در حق احادالناس قدح واقع شود متجاسر از دو روز تا دو ماه حبس و یا از سی غروش تا پنج لیرا جریمه می شود.

بیست و ششم، اگر روزنامه‌نویس عمداً اخبار دروغ و اسناد جعلی را برای نیت فاسدی بنویسد و یا اینکه این طور اخبارات را از روزنامهٔ دیگر نقل نماید، از یک ماه تا یک سال حبس و یا از ده لیرا تا پنجاه لیرا جریمه شود.

بیست و هفتم، تنبیهایی که در حق روزنامه‌نویسان به حکم مادهٔ پانزدهم و شانزدهم و هفتدهم و بیست و یکم مجری باید بشود ترک کرده از طرف حکومت به قدر یک ماه می‌تواند قدغن شود اگر اقتضا نماید.

بیست و هشتم، روزنامه‌نویسان صورت حکم را که در خصوص قدغن چاپ روزنامه صادر می‌شود در یکی از نسخه‌های خود که تا یک ماه چاپ خواهد شد بنویسد، این حکم به شرط اینکه مخارج چاپ کرده به عهده محکوم باشد در چند روزنامه دیگر اعلان کردن را می‌تواند حکم نماید.

بیست و نهم، اگر در دو سال به حکم این دستورالعمل روزنامه یا ورقه مرتب سه دفعه محکوم شود حکومت می‌تواند آن را به کلی یا موقتاً قدغن نماید.

سیم، اگر مدیر و یا صاحب مسئول روزنامه از جهت جنحه و جنایت محبوس شود روزنامه او به توسط یک مدیر موقت می‌تواند چاپ شود ولی باید تابع شرایط این دستورالعمل باشد.

سی و یکم، اگر در روزنامه جنحهٔ واقع شود به هر که راجع باشد تا آن شخص عارض بشود، محاکمه نمی‌شود. اما در موقعی که به سلطنت همایون و به خانوادهٔ سلطنت و به حکومت اعلی حضرت همایونی و وزرای دولت علیه بد بنویسد و یا برخلاف آداب عمومی و محاسن اخلاق ملتی باشد حکومت مدعی خواهد شد و به ادیان متداول و مذاهب جاریه حقارت نماید تا مأمورین آن دین و مذهب عارض نشوند از جانب حکومت رؤیت دعوی نمی‌شود.

سی و دوم، اگر در روزنامه جنحه به ظهور رسد و بعد از آن تا شش ماه حکومت و یا احاد ناس مدعی نشود پس از انقضای آن مدت هرکه مدعی شود گوش نداده و حرف او مسموع نخواهد بود.

سی و سوم، در تکرار جنحه و جنایت خواه از طرف حکومت بدون محاکمه امر و خواه از محکمه حکم شود تنبیه دو برابر خواهد شد.

سی و چهارم، در باب جنحه و جنایت که در مادهٔ پانزدهم و شانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیستم و بیست و یکم و بیست و چهارم مشروح است یک کومسیون پنج‌نفری در باب‌عالی انعقاد یافته بعد از تحقیقات به دیوانخانهٔ عالیه راپورت نموده از آنجا حکم تنبیه و مجازات صادر و جنحه و جنایات که در ماده دیگر نوشته شده در محکمه نظمیه

حکم می شود.

سی و پنجم، این دستورالعمل از ۲ شعبان ۱۲۸۱ معتبر است.

قانون هرگونه روزنامه و اوراق اخبارات حکمی و سیاسی که در تمامی ممالک شاهانه چاپ و نشر می‌شود

فصل اول

مطالب عمومی

اول روزنامه و یا ورقه که مطالب سیاسی و مملکتی دارد و در هر زبان منتشر خواهد شد خواه منظم و در اوقات معین و خواه جزو جزو و در اوقات غیر معین بدون اجازه نمی‌تواند منتشر شود. طالبین امتیاز این اوراق و روزنامه اگر از رعیت دولت علیه است عریضه خود را به وزارت علوم و اگر از رعیت خارجه است عریضه خود را به وزارت امور خارجه باید تقدیم نماید. از طرف آن دو وزارت شرایط ماده سیم در حق صاحب عریضه تحقیق شده اجازه لازم داده ولی اجازت‌نامه باید از اداره انطباعات برسد.

دوم اشخاصی که در ولایات شاهانه این گونه روزنامه و اوراق را امتیاز می‌خواهند به حکام ولایات عریضه داده اگر آن شخص از رعیت دولت علیه است به وزارت علوم و انطباعات و دارالطباعه و اگر از رعیت خارجه است به وزارت جلیله امور خارجه فرستاده که شرایط ماده سیم را دارا است اجازت‌نامه به حکام فرستاده شود.

سیم شخصی که می‌خواهد روزنامه نشر بدهد اگر از رعیت دولت علیه است باید سی سال داشته و کمتر نباشد و از جهه جنحه و جنایات محکوم نباشد و حقوق شخص خود را تماماً مالک و متصرف باشد در این حالت می‌تواند اجازه بگیرد و از رعیت خارجه است باید مانند رعیت دولت علیه تابع همه درجات این دستورالعمل باشد و در وقوع جنحه و جنایات انطباعیه رفتاری که در حق رعیت دولت علیه در دیوانخانه و محکمه مجری است در حق مشارالیه هم از روی همان ترتیب و اصول مجری خواهد شد اگر این شرایط را تحصیل ننماید اجازه نمی‌شود

چهارم با عریضه‌ای که در نمره اول ذکرش گذشته با مهر و امضاء کامل از اسم روزنامه و اسم چاپخانه

و مدیر مسئول آن و ایام چاپ آن در هفته و روز در کدام چاپخانه چاپ شود تقدیم بکند مدیر روزنامه با قبض خود یک نسخه را

امضاء کرده باشد به اطلاعات فرستاده و بعد از آن دیگر نسخه‌ها با امضاء مخصوص چاپ شده به انظار منتشر سازد و در ولایات

به حکام مملکت تقدیم نماید

پنجم در صورتی که صاحب و مدیر روزنامه و اوراق مرتب ساخته خواسته باشد اجازه‌نامه خود را به یک شخص دیگر

بدهد به مرجع آن اطلاع داده و همان شخص هم باید که در نمره اول و دوم و سوم تحصیل اجازه کند اگر اسم

روزنامه و چاپخانه تغییر داده شود باز مدیر و صاحب آن باید به مرجع آن خبر دهد

ششم اوراقی که سابق بر این الی اکنون در اسلامبول و دیگر ممالک شاهانه منتشر شده‌اند از این تاریخ اجازه رسمی موقوف

شده و حکم اخطارات و اعلانات در حق آنها مسدود است ولی بعد از این همه آنها باید تابع احکامات

این دستورالعمل بشوند

هفتم در موقع یک مطلب یا یک مقاله که از طرف شخص دیگر در روزنامه نوشته شود امضاء آن شخص نوشته نیست

آن را کردن همان روزنامه‌نویس است در آن امضا که نشده است اگر امضا کرده شده به حذف اسم دستورالعمل

شخص صاحب روزنامه و مقاله هر دو در مسئولیت شریک هستند

هشتم اگر از ریاست اطلاعات در اسلامبول و از طرف حکام در ولایات تکذیب رسمی فرستاده

شود در اول نمره‌ای که بعد از وصول آن در چاپ آید در همان روزنامه باید نوشته شود و اگر در روزنامه اسم شخص مکرر را

صریحاً و یا بطور کنایه یک مطلب نوشته آن شخص جواب نوشته باید در چاپ آید در نمره دوم آن تاریخ

و پول نگیرد بشرط اینکه از دو ورق بیشتر نباشد

نهم روزنامه و اوراق منتشره که مطالب منافی تشنیع دارد و نظر دولت علیه بر کدورت تعلق گیرد و
دشمنی داشته و در ممالک خارجه چاپ شده دخول آن به ممالک محروسه قدغن است

فصل دوم

در خصوص تنبیه و سیاست

دهم هر که بدون اجازه دولت علیه یعنی مغایر این دستور العمل روزنامه یا ورقه مرتب باسمه و منتشر
سازد برای هر نسخه دو یا فرد آن ده لیرای طلا جریمه و روزنامه این ترتیب قدغن خواهد شد

یازدهم هر که بحکم ماده چهارم دستور العمل یک نسخه امضا شده را بمرجع خود نبردن امضا اشاره
هم ده عدد لیرای طلا جریمه خواهد شد

دوازدهم اگر روزنامه نویس از نوشتن تحریرات رسمی که در ماده هشتم گفته شد از طرف حکومت
فرستاده شود نکول نماید از ده لیرا تا پنج لیرا جریمه هر شود و یا جرایدی که از جاذبه و تا ده شهر خروج
که از ده لیرا تا پنج لیرا جریمه شده تنبیه ده از آن مقاله نگاشتی نزدیک است علیحده حکم میشود

سیزدهم چنانچه در فصل دوم قانون چرا شرح داده شد هر شخص بتوسط روزنامه بعضی اشخاص را
تحریک و اغوا بنقار بر ضد دولت داخلی دولت علیه و اهالی ممالک محروسه را اخلال نماید
مشترک متهمین در حق چنین کس است هر چه شخص و جنایات ولدار اشخاص محرک و روزنامه نویس
هم مستحق آنچه که چاپ آن روزنامه نیز از طرف حکومت توقیف یا بکلی قدغن خواهد شد

چهاردهم هر روزنامه نویس مغایر آداب عمومی و محاسن اخلاق چیزی منتشر کند و یا بتوسط
روزنامه

روزنامه نگار یا دارنده اول حقارت نماید از یک لیرا تا پنج لیرا جریمه شده و یا اینکه از
یک هفته تا سه ماه حبس شود

پانزدهم اگر روزنامه نویس درحق سلطنت سنیه و خانواده سلطنت الفاظ و تعبیرات غیر مناسب بکار
ببرد و یا درعلیه حکومت اعلیحضرت همایونی حقارت نماید از شش ماه تا سه سال حبس و یا اینکه از بیست و
پنج لیرا تا صد و پنجاه لیرا جریمه شود

شانزدهم اگر جرائد درباره وزرای دولت و رؤسای ولایات مستقله و ممتازه حقارت نوشته
از یکماه تا یکسال حبس و یا از پنج لیرا تا صد لیرا جریمه خواهد شد

هفدهم درحق پادشاهان متفق دولت علیه هم باشد اگر الفاظ و تعبیرات حقارت آمیز نوشته شود
از سه ماه تا یکسال حبس و یا از پنج لیرا تا صد لیرا جریمه شود

هیجدهم ذم آنست درباره اعمال مخصوص شخصی را اهتمام نوشته هتک ناموس و کسر اعتبار آن شود و قدح
آنست که در اعمال مخصوص آن بی آن نشر خسارت نموده و تحقیر دهد

نوزدهم درحق یک هیئت مجلس و محکمه و یا کومیسیون یک بار ذم و قدح واقع شود محبوس از
پانزده روز تا یکسال محبوس و یا اینکه از ده لیرا تا پنجاه لیرا جریمه

بیستم اگر درحق مأمورین و خدام دولت علیه ذم واقع شود از ده روز تا ده ماه محبوس و یا از یک لیرا
تا پنج لیرا جریمه شود

بیست و یکم درعلیه سفرای کبار و وزرای مختار و تعریض مصلحت گذار و دیگر مأمورین دول خارجه مقیم دربار دولت علیه
ذم نوشته شود محبوس از هشت روز تا هشت ماه حبس و یا از یک لیرا تا سی لیرا جریمه خواهند شد

بیست و دوم اگر در روزنامه در حق اجانب هتاکی دول بکند روزنامه‌نویس از پنجاه قروش تا پانزده لیرا جریمه یا از پنج روز تا پنجاه روز محبوس میشود

بیست و سوم در حق کسانیکه مأمور دولت علیه هستند نوشته‌ها تهمت آمیز بنویسد محبوس میشود و اگر در آنها مأمورین در حق کسانیکه مأمور دولتند نوشته شده باشد اما کسیکه اگر آنچه در باب مأمورین نوشته است ثابت نماید شخص نویسنده جریمه نمیدهد در این صورت اگر شخص مأمور مقدوح شده است فقط جریمه قدح ملحوظ است

بیست و چهارم در حق مأمورینیکه در حال مشغول به خدمت علیه چنانچه در باب دولت دیگر تشریح داده شده قدح واقع شود متهم از پنج روز تا پنج ماه حبس و از پنجاه قروش تا پنجاه لیرا جریمه میشود

بیست و پنجم در حق آحاد الناس قدح واقع شود متهم از ده روز تا دو ماه حبس و یا از بیست قروش تا پنج لیرا جریمه میشود

بیست و ششم اگر روزنامه‌نویس عمداً اخبار دروغ و اشتهار مجعول را اعلان کند یا آنکه انتظار اخبارات را از روزنامه دیگر نقل نماید از یکماه تا یکسال حبس و یا از ده لیرا تا پنجاه لیرا جریمه میشود

بیست و هفتم تنبیهاتیکه در حق روزنامه‌نویسان حکم شده ماده پانزدهم و شانزدهم و هفدهم و بیست و یکم مجری میشود ترک کلیه در طرف حکومت تعیین یکماه میتواند توقیف شود اگر توقیف نماید

بیست و هشتم روزنامه‌نویسان صدور حکم را در خصوص توقیف چاپ روزنامه در نمره دیگر از نسخه‌های خود تا یکماه چاپ خواهند نمود هر حکم بشرط آنکه مخارج چاپ کرده معهود نگردد بشرط در بقیه روزنامه دیگر اعلان کردن را تصدیق حکم نماید

بیست و نهم اگر در محال بحکم دستور العمل روزنامه یا در مرتبه دفعه دیگر کرده شود حکومت میتواند

میتوانند از انطباع یا فروش قدغن نمایند

سیم اگر مدیر یا صاحب مسئول روزنامه از جهة جنحه و جنایت محبوس شود روزنامه او بتوسط یک مدیر موقت میتواند چاپ شود ولی باید تابع شرایط این دستور العمل باشد

سی و یکم اگر در روزنامه جنحه واقع شود بهر کس راجع شود تا شخص عارض نشود محاکمه نخواهد شد اما در مواقعی که بطور [illegible] و یکانواده سلطنت و حکومت اعلیحضرت همایونی و وزرای دولت علیه مذموم شود و یا بر خلاف ادب عمومی و حجب و حیا و اخلاق ملی باشد حکومت مدعی خواهد بود دیوانخانه اول دیده است جاریه تجارت یا تا مأمورین آن اعم و مذهب عارض شوند از جانب حکومت رسیدگی و دعوی میشود

سی و دوم اگر در روزنامه جنحه بطور تکرار واقع شود و بعد از آن تا شش ماه حکومت دیوانخانه میتواند از انطباع آن مدت هرگاه مدعی تخفیف گرفتن اراده و حرف از ممنوع نخواهد بود

سی و سوم در تکرار جنحه و جنایت خواه از طرف حکومت یا دیوانخانه که امر و خواه از محکمه حکم شود تمام دو برابر خواهد شد

سی و چهارم در باب جنحه و جنایت که در ماده پانزدهم و شانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیستم و بیست و یکم و بیست و چهارم مشروح است یک کومیسیون پنج نفری در دیوانخانه عدالت العظمی تشکیل یافته از تحقیقات [illegible] عدلیه راپورت نموده از آنجا حکم تنبیه و مجازات صادر میشود و جنحه و جنایات که در ماده دیگر است در محکمه نظمیه حکم میشود

سی و پنجم این دستور العمل از ۲ شعبان الی ۱۲ معتبر است

شمارهٔ سند: ۴۴۸
موضوع: عدم ارث به اولاد از مادر عثمانی
تاریخ: ۲۶ صفر ۱۲۸۳ هـ. ق
کارتن: ۱۲
پروندهٔ: ۱/الف

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمره: ۳۲ ـــ ۱۱

فدایت شوم، دو روز قبل پوستهٔ بغداد وارد شد و مقرب‌الخاقان میرزا بزرگ‌خان سواد مراسله از والی بغداد به جهت اطلاع من فرستاده بود که در مراسلهٔ مزبورهٔ والی مشارالیه اخبار می نماید من‌بعد از تبعهٔ ایران اشخاصی که از تبعهٔ عثمانی زن می‌گیرند اولاد آنها از املاک والدهٔ خودشان ارث نبرده و مالک نمی توانند شد. و نوشته بود هنوز جوابی به مُراسله مزبوره ننوشته و منتظر تعلیمات از طرف من می باشد.

بنده نیز مراسلهٔ رسمیه به جناب عالی پاشا نوشته و به ادلّه مذهبیه اسلامیه تقبیح این تکلیف ایالت بغداد را نمودم ولکن در مراسله مزبوره نکات باریک که راجع به دولت عثمانی می تواند شد و عدم رعایت آنها را به احکام آلهیه و شریف نبویّه(ص) اثبات می تواند کرد درج نمودم. سواد تذکرهٔ نامق پاشا به کارپرداز بغداد و سوادی از مراسلهٔ خودم به نظارت امور خارجهٔ عثمانی در جوف این عریضه به جهت اطلاع عالی می فرستم، مقرر بفرمایید عالی جاه حاجی حسن‌آقا به دقت ترجمه نموده به ملاحظهٔ سامی برساند. و بهجهت کارپرداز مشارالیه نیزسوادی از همین مراسله خودم فرستادم و نوشتم که در جواب به نامق‌پاشا بنویسد. سواد مراسلهٔ مورخهٔ ۸ محرم شما را به جهت اطلاع سفارت سنیه فرستاده بودم در مقابل او مراسله به نظارت خارجهٔ عثمانی نگاشته و سوادی به جهت من فرستاده‌اند که نسخهٔ از او به جهت استحضار شما می فرستم و به ادلّه که در مراسلهٔ مزبوره درج است مأمورین ایران از قبول چنین تکلیفی که مغایر احکام شریعت محمّدیه(ص) است عقلاً و اعتقاداً معذور می باشند.

و اگر چنانچه به نظر جناب‌عالی جوابی علاوه بر آنچه در مراسله بنده به نظارت امور خارجه مسطور است برسد مرحمت فرموده، بدون تأخیر به میرزا بزرگ‌خان مرقوم

داشته و بنده را نیز اطلاع بدهید، مراتب محض استحضار خاطر سامی جسارت به عرض رفت.

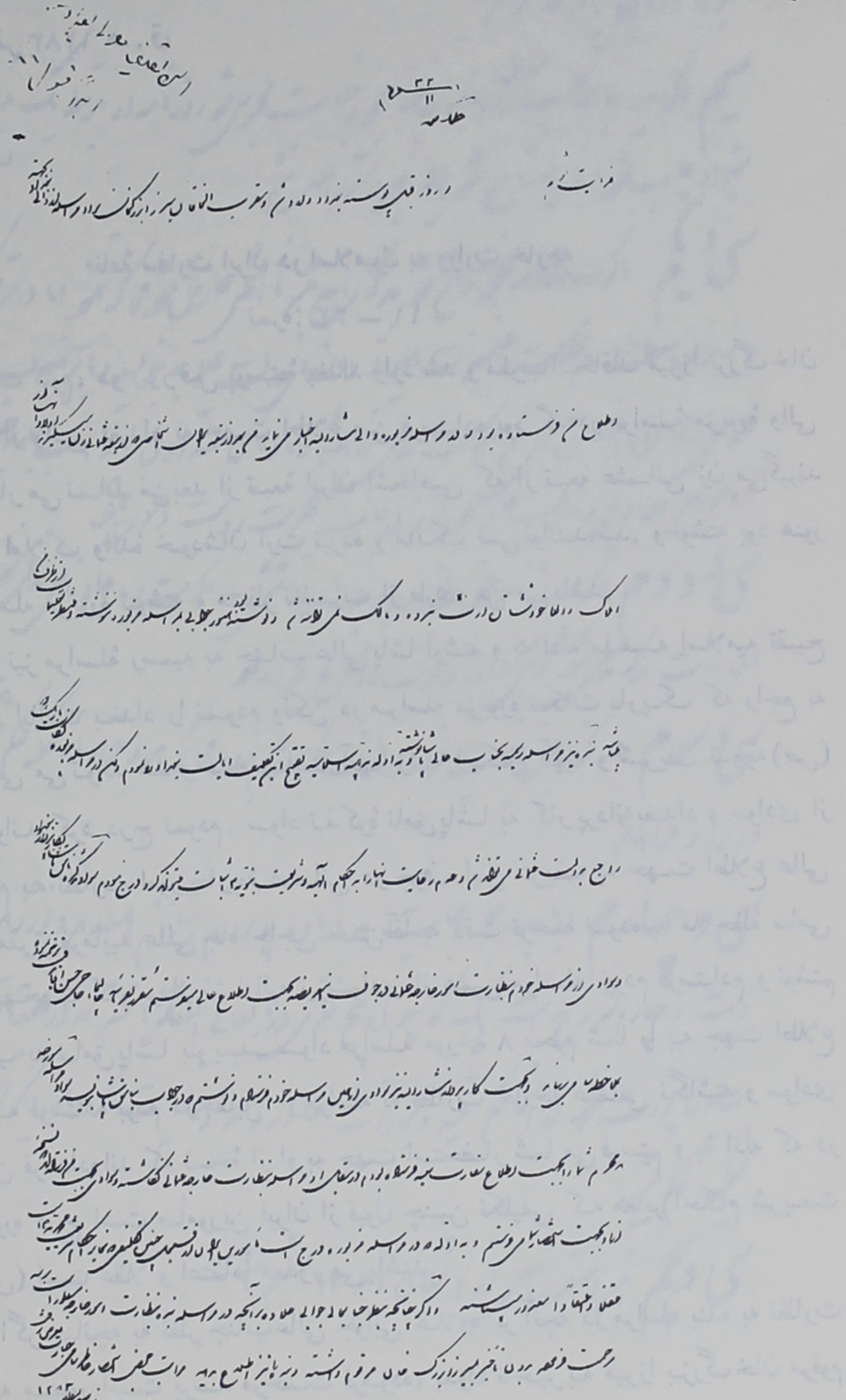

شمارهٔ سند: ۴۴۹
موضوع: عدم وراثت اولاد از مادر خود که تبعهٔ عثمانی باشد
تاریخ: ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۸۳ هـ. ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱/الف

نمرهٔ ۲۰۷

نامهٔ کنسولگری ایران در بغداد به وزارت خارجه

هو

تصدقت شوم، به موجب رقیمه مبارک مورخ ۲۱ جمادی الاولی مطابق نمرهٔ ۳۸ در فقرهٔ عدم وراثت اولاد از مادر خود که تبعهٔ عثمانی باشد و جناب نامق پاشا به کارپردازخانه رسماً نوشته و فدوی سواد آن را با سواد جوابی که نوشته‌ام انفاد داشته بودم، مرقوم فرموده بودید که برحسب اظهار این غلام جناب وزیرمختار اسلامبول نیز مذاکره در آنجا نموده و سواد کاغذ جناب پاشا را که به نظارت خارجه عثمانی نوشته بوده است فرستاده بود و فدوی نبایست مذاکرهٔ جناب پاشا را قبول بکنم و بایست رد نمایم و یا جواب بنویسم که آنچه در این باب نوشته شود در نزد من هیچ قوّت و اعتبار ندارد و کاغذ بی حساب او که دلیل قوی بر بی اعتدالی اوست گویا هیچ صلاح نباشد و سند و مستمسک قوی است شق ثانی امر عالی اقدام کردم و جواب نوشته و اقامهٔ دلیل بر بی حسابی قول و ردّ خیال او نوشتم و سواد آن را که فرستاده‌ام و ملاحظه فرموده‌اید، تصوّر فرمایید که از همین فقره چه درهای تعدّی وا می شود، در عراق عرب تبعهٔ هر دو طرف باهم وصلت کرده‌اند در مادهٔ اغلبی این حکم را جاری باید دانست و برای هر یک مدّتی باید مذاکره کرد و دردسر باید کشید و بعد از آنکه به این صراحت اخبار به مأمور دولت علیه نموده و به وکلای دولت متبوعهٔ خود بنویسید ظاهر است که اجرای غیر از این خیال را در نظر ندارد و قرار رفع آن منوط به تدابیر صائبه جناب عالی و گفتگو با سفارت آنها در دارالخلافه و یا سفارت سنیهٔ در اسلامبول می باشد فدوی از جواب دادن مساهله نکرده و برحسب امر مبارک روی رضا ننموده است، زیاده چه جسارت نماید. الامرالعالی مطاع.

با مهر بزرگ

خلاصه

هو

تلگراف ششم
نمره ۲۰۷

بموجب رقیمهٔ مبارکه مورخهٔ ۲۱ جمادی‌الاولی سابق نمره ۳۰۱ در فقرهٔ عموم زوار ایران است
مرقوم شده
۱۸ جمادی‌الثانی سنه ۱۲۸۳

اولا دارند در حدود که تبعهٔ عثمانی نباید در جناب سفارت بکار بردارند نه ریگان نوشته در فردوی که از آنها برادر جوابکه نوشته‌اند

انفاذ دادستور بودم مرقوم فرموده بودید که برحسب ابلاغ انفصال جناب وزیر مختار از اسلامبول هرگاه که در این مقصد سواد کاغذ

جناب ایشان را که بنظارت خارجهٔ عثمانی نوشته بوده‌اند فرستاده بود دفعه‌ای بیانات اگر جناب ایشان را قبول کنیم.

دولت علیه نیایم دیگر جواب بنویسیم که آنچه در این باب نوشته شده در زمان هیچ توقف ننمایند اظهار دارد و کافی نخواهد

بی‌حساب است که دلیل قوی بر یک اعتدالی است گویا هیچ صلاح نباشد و دستمک قوی است تشویق نمایند

امر ملاحظه اقدام کردم جواب نوشته دلیل بر بی‌پایی زوال در رد خیال او نوشتم و سواد او را فرستادم

ملاحظه فرموده‌اند تصور فرمایند که از همین فقره چه درجه تعدی در عراق عرب تبعهٔ ما هر روز در مقام

دست کرده‌اند درجه‌ای که اعلی این حکم را جاری باید داشت برای هر یک ترتیب باید هرگاه کرده در

باید کشید بعد از آنکه با این صراحت اختیار را به دولت علیه نموده دیگر کاری از پیش نخواهد رفت بنویسید

ظاهر است که اجرای غیر از این خیال را در نظر ندارد و قرار رفع آن منوط به امر مبارک جناب با

با سفارت آنها در دارالخلافه یا سفارت سنیه در اسلامبول است که فدوی از جواب دادن سکوت نموده

برحسب امر مبارک روی رضا نموده است زیاده چه جسارت نماید الامر الاعلی مطاع

شمارهٔ سند: ۴۵۰
موضوع: املاک ایرانیان مقیم عثمانی
تاریخ: ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۸۳ هـ. ق
کارتن: ۱۲
پرونده: ۱/الف

ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت سنیهٔ ایران به باب‌عالی

خلوص عقیدت اهالی ایران نسبت به ائمهٔ عظام علیهم‌السّلام که در داخل ایالت بغداد مدفون می باشند معلوم هر کس و نزد عالی آن‌جناب نیز واضح است. و اینکه اهالی مرقومه از ازمنهٔ قدیمه در اماکن متبرکهٔ مزبوره به عنوان زیارت و اغلبی به کف ید از آلایش دنیویّه و اختیار مجاورت و تحصیل علوم در آنجاها اوقات گذار بوده و بذل مقدرت به هر نوع مصروفات و موقوفات نموده و حتی المقدور از امداد فقرا و محتاجین خالی نبوده‌اند. از علائم موقوفات و سایر آثار آنها هویداست. و انکار این معنی سزاوار انصاف نیست. و چون اشخاص مذکوره محققاً به مرور دهور در ایالت بغداد املاک و منازل زیاد ابتیاع نموده، بعضی را وقف و در بعضی خودشان توقف کرده‌اند، ثابت می شود که در داخل ایالت مذکوره قانونی در حق املاک نبوده در بیع و شری آنها تنها به سند قباله‌ای که از طرف علمای عظام بر نهج شرعی داده شده اکتفا رفته و متصرّف می‌گشته‌اند. فقط از مدتی به این طرف حکومت بغداد به هر سببی که مبتنی است آرزو و خیال تصرف املاک ایرانیه را به‌هم رسانیده و به نتایج آتیهٔ آن اصلاً ملتفت نگردیده، در تحصیل اسبابی که خیالات باطنی خود را از قوّه به فعل آورد افتتاح برخی ابواب احتجاج غیرمترقبه نموده به قراری که از وجنات احوال معلوم می شود، در اجرای آن مصرّ هم می باشد.

چنانکه پیشتر در فاوه به آرزوی غصب املاک به بعضی حرکات غیرمترقبه شروع شده و از طرف سفارت سنیه شکایت این حرکت مفصلاً در ضمن نوشته عاجزانه به باب‌عالی اظهار و از طرف باب‌عالی حکم صادر و ارسال گردیده بود، به هر طوری بود مقصود حاصل نگشته، علاوه برین در حق خانه‌ای که حاجی میرزا محمّد همدانی متصرّف بوده هیچ‌یک از فتاوی و سایر حجج شرعیه قاضی مملکت و سایر علمای عظام

را که درین باب در دست داشته به هیچ‌وجه نگاه نکرده، فقط به جواب اینکه اهل ایران درین‌جا متصرّف املاک نمی‌توانند شد، خانه مذکور را جبراً تخلیه و به یک ضعیفه واگذار نموده همین جواب را در ضمن تحریرات رسمیّه به کارپردازخانهٔ ایران نیز قلمی داشته‌اند، الحق وقوع و دوام این مقوله معاملات جبریه در نظر سفارت سنیه جای کمال استغراب است و غریبتر اینکه ضعیفهٔ مرقومهٔ فوق و حاجی میرزا محمد هر دو از تبعهٔ ایرانیّه‌اند و این مرافعه در میان دو نفر ایرانی مذکور بوده و مرافعه آنها به معرفت شرع شریف طی شده و حکومت مذکوره حق مداخله درین مسئله نداشته معهذا فتاوی و حجج مذکوره را نگاه نکرده جواب داده است که ایرانی در اینجا متصرّف ملکی نمی‌تواند شد و قاضی مملکت این مسئله را نفهمیده است و تنها به همین حرف خانهٔ مذکور را جبراً اخذ و به ضعیفهٔ مرقومه تفویض نموده است. به همه کس معلوم است که از هفتصد هشتصد سال قبل تا حال اهالی ایران در داخل ایالت مذکوره به ابتیاع املاک و تصرف آنها و اختیار مجاورت اشتغال داشته، از طرف سلاطین عظام عثمانیه و حضرات ولات گرام به این گونه متصرّف املاک بودن ایشان وقتاً من الاوقات وجهاً من الوجوه تعرض نفرموده‌اند، و در تأیید این معنی مفاد کاغذی که به تاریخ ۲ ذی‌حجهٔ ۷۴ از باب‌عالی به حضرت فرخ‌خان امین‌الدوله و به تاریخ ۱۰ صفر ۷۵ از طرف معزی‌الیه به باب‌عالی نوشته شده است به حدّ کفایت می‌باشد. اگرچه خیلی مدت است که این افکار و حکومت مذکوره مجزوم دولت علیهٔ ایران شده، ولکن چون یقین دارند که مسالمت موجوده بین‌الدولتین به نحوی که در نزد وکلای عظام ایرانیّه عزیزالقدر و گران‌بهاست، در نزد اولیای فخام عثمانیه نیز مغتنم و گران‌بها می‌باشد و البته نتایج افکار حکومت مذکوره پیشرفتی به‌هم نرسانیده مجری نخواهد گردید. علی هذا سکوت اختیار فرموده‌اند. و چون حاجت تعریف و ایضاح ندارد که اهالی مرقومه املاک اتباعی خودشان را به موجب اسناد علمای عظام که به رضای طرفین امضا و مهر شده است متصرّف می‌باشد. و ذات معارف سمات آن‌جناب نیز به کافهٔ اصول و دقایق عارف‌اند، لهذا زیاده بر این حاجت تفصیل ندیده این قدر زحمت می‌دهد که مسئلهٔ متصرف املاک بودن اهالی ایران در ایالت بغداد کیفیّتی است روشن.

در حالتی که اهالی ایران به موجب سندات مذکورهٔ علما متصرف املاک و بیع و شرای آنها نیز به اطلاع علما بوده و چندین سالها به همین طورها گذرانده و از طرف

هیچ والی و مأموری تعرّض نشده است. و حالا حکومت مذکوره پیشنهاد خود نموده که سندات مزبوره را کان‌لم‌یکن گرفته به حرف یک نفر بی سروپایی که بگوید فلان املاک مال من است، سندات مذکورهٔ طرف مقابل بعد از ارائه مقبول نیفتاده بشهادت دو نفر شاهد بزور املاک هر کس جبراً از دستش گرفته شود. البته این گونه پیشنهاد حکومت مِذکوره در نزد حقانیّت کاملهٔ آن‌جناب قرین تجویز نخواهد شد و دولت علیهٔ متبوعهٔ من هم معذور خواهد بود، که به ضایع و پایمال شدن حقوق مشروعهٔ چندین سالهٔ تبعهٔ خود رضا ندهد.

نظر به اینکه اهالی ایران در داخل ایالت مزبوره به هر نوع املاک متصرّف هستند و سبک و سیاقی که حکومت مذکوره در این باب پیشنهاد نموده است. اهالی ایران در حق املاک خود مطمئن نمی‌توانند شد، و در صورت ظهور این مقوله دعاوی راجعه به املاک فی‌مابین تبعهٔ دولت علیهٔ متبوعهٔ آن‌جناب و اهالی ایران لابد حضور ترجمان کارپردازخانه لازم خواهد آمد. و در این باب به هر دعوی که بی حضور ترجمان کارپردازخانه رسیدگی شده باشد رهین قبول نخواهد گردید، بدین‌جهت مجبوراً به بیان کیفیّت مبادرت و خواهش اخصّ عاجزانه می‌کنم که از حالا کیفیّت به حکومت مزبوره امر و اشعار فرموده شود، و بدین‌وسیله روابط اخلاص مخصوص خود را نسبت به آن‌جناب تأکید می نمایم.

۲۲ جمادی الثانی ۱۲۷۰ تاریخلی و ۹۹ نومرولو جناب سفارتپناهیدن واروده
بغداد ایالتنه دائر تذکره صورتیدر

بغداد ایالتی داخلنده کائن اماکن عظام زیارتگاه علوم دینیه حوزه‌سی اهالی ایرانیه‌نك درکار اولان خلوص و عقیدتلری هرکسجه معلوم و عتبات عالیات
مطهره زیارت وضع واضح و اهالی مرقومه ازمنه قدیمه‌دن برو اماکن مبارکه‌ده زیارت و التماس دعا و بویله کنار ایرانده اولدقلرندن مجاورت
قطعیه‌یه عبادت وضع واضح اولدقلری و هرکون مصروفات و موقوفاتی بذل مقدرت و اولانلرینه اطلاقی قدر فقرا و محتاجینه امداد ایتمکده اولدقلری
اخبار و تحصیل علوم ایله اوقاتلری اولدقلرنده بونی انکار ایتمك انصافه سزا دکلدر بنا علیه بونلر مرور و دهور ایله ایالت مذکوره‌ده
وضع اقامت و علماء موقوفاتلرندن اولدقلرنده ایالت مذکوره داخلنده املاك دار قانونه
بك چوق املاك و منزل اشترا ایدرك بعضیسی وقف و بعضیسی کندولری اقامت ایتمك اولدقلرندن علمای عظامك برای شرعی ویرمش اولدقلری قباله سندی ایله اکتفا و متصرف اولدقلری املاکلری اشتا ایله
بیع و شرا اولنوب بعده حکومتك هر بریسنه فی البر املاك ایرانیه‌یه تصرف ایتمك امل واردر بو صورتله بونك نتایجی
منتج اولمشدر فقط بر مدتدنبرو بغداد حکومتی قوه‌سیله استملاك املاكلرنك استبابی احتیاجه غیر قریبه بر طاقم قیل و قاله
باعث اولوب احتیاط اولنرق حقوقی احوالی اشکاللشدر کیفیت تعدیل اولنه تقریر عرض تفصیل باب اولدیغی و چوق کیفیت فائده‌ده
دونالمه اجازه اولنمه‌سی اولدیغی حالده سفارت سنیه جانبندن وقوع اولان افاده و اشکالاتی باب عالی جانب عالیسنه
غصب املاك ایتمه‌سی برطاقم مسائل غیر مفیده نشئت اولدیغی حالده سفارت جانبندن حاجی میرزا محمد متصرف اولدیغی خانه‌ی قاضی محکمت
امرکونه بیان اولنه مقصود حاصل اولمش ایدی بو دفعه ساعتده هدایت حاجی میرزا محمدك متصرف اولدیغی خانه‌ی قاضی محکمه
سایر علمای عظام طرفلرندن ویرلمش اولان اعلام و حجج شرعیه سایره‌نك هیچ بریسی طانیمیه‌رق فقط ایرانلو بوراده املاك متصرف اوله‌مزلر دیو
خانه مذکوری جبراً الوب قانونه ویرمش و بونك تحریراتی سببیله و هی کاربردازخانه ایرانیه‌ده بالواسطه اولدیغی و بو معاملاتك صورت جبریه‌یه
اولدیغی حالده اعلام و حجج مذکوره‌یه نظر التفات اولنمیوب ایرانلو بوراده املاك متصرف اولمز دیو خانه‌ی میرزا محمدك خانه‌سی ایرانیه‌ده
وقوع و دوامی سفارت سنیه نظرنده الحق جای استغرابدر بونلاره اغرب بودر که بالاده بیان اولنان قانونه خلاف حکومت مذکوره‌نك بونی مداخله و حقلرینی
اولدقلری و ماده منازع فیه ایکی ایرانلو بیننده اولدیغی حالده مداخله شرعیه صرفیه بولندیغی و حاکم قاضی مملکت بوسنه‌ده اکلاماشدر و ایرانك جبر
اولدیغی حالده اعلام و حجج مذکوره‌یه طانیمیوب یالکز ایرانلو بوراده املاك متصرف اوله‌مز و قاضی مملکت بوسنه‌یی کلکوه و کبه اهالی ایرانیه ایالت
ایله خانه مذکوری الوب قانونه مقبوضه ویرمشدر حالبوکه معلوم اولدیغی وجهله بر سکز بوز سنه‌دنبرو بو اراضی‌لر کلمکده و سلاطین عظام عثمانیه و ولات کرام حضراتی طرفلرندن
مذکوره داخلنده املاك الوب متصرف اولدقلری و مجاورت اخبار ایتمك اولدقلرنده و بو بابده ایمان ایجوبه ۱۰ صفر ۱۲۷۰ تاریخلی
بونلرك بو وجهله املاك متصرف اولدقلرینه وقفنامه‌لر و الاوقاف و وقف مهالوجوه تقریره جوابنامه‌لر اولنه تقریر سالفی دلیل
باب عالیه دولتلو فرخ خانه حضرتلرینه ابلاغ اولنان تذکره‌نك وجه ایله حضرتلری طرفندن ۱۰ صفر ۷۰ تاریخلی بابعالیه موجود اولان سابقی ندر
قائم اولدیلو حکومت مذکوره‌نك بو افکاری چوقدنبرو دولت علیه ایرانیه‌نك محروم الرسم بینه الدوله‌یه اولدیغی تیقه الاملاکلرینی بو وجهله احکام
وکلای عظام ایرانیه عدت کرانقدر اولدیغی تقلا اولنیلی تمام عثمانیه حضراتی تذکرنی کرانبها اولدیغی تیقه الاملاکلرینی و اشیاعی ایلدکلری املاك
مذکوره‌نك نتیجه‌سی غیر مجری اولرجه اشتغالهری اولدیغنده سکوت طرفنی الزام بیورلمشدر اهالی مرقومه وضع بیع و شرا ایلدکلری
واقفیت رضایه علمای عظام جانبندن امضا و تحریر قلنان سندات ایله متصرف اولدقلری حاجت تعریف و ایضاح اولنوب ذات معالیسنه

نظاً تبعه‌لری دخی کافه اصول ورفاهی عائد اولدقلرینه بونلرن بنام تقصیر حجت یوقدر. شوقدر وارکه بغداد ایالتنده ایرانیلرك
املاکی تصرف اولنماری مسئله‌سی روشنه رابطه‌سیه اولوب بونجه اهالی ایرانیه ذکر اولنانه علما سنه‌ایله متصرف ویکدیگرلرینه بیع وشرالری بولنوب
اولدیغی وبونجه سنه‌لر بووجهله کیفیت هیچ زوالی ومأمور طرفنه تعرض اولمدیغی حالده شمدی حکومت مذکوره‌نك سنه‌ات قیودجه
کاه‌لرم بکمه حکمت لحوزره بی‌رو یاپان رئیسی فلانه املاکی بیمدر دیو ادعا ایلدیکنه طرف مقابل سنه‌ات مذکوره‌یی ابراز ایلدیکی
صورتده قبول اولنمیوب ابلی نفر شخصه روزایله هرکس املاکی النه جبراً المق طریقی پیشنهاد ایدلمسی حقانیت کامله دولتعلیه
منبوعاری نزدنده قطعاً رضیه جواز اولمدیغی شبهه‌دن وارسته ایسه‌ده منبوع اعظم عاجزی دخی بنجه سنه‌لر بونجه‌سنه مالك
اولدقلری حقوق مشروعه اربابك پایمال اولمسنه روی رضا گوستره‌جکی امرده معذور بولنمشدر. چونکه ایالت مذکوره داخلنده اهالی
ایرانیه هرکونه املاکه متصرف بولنمه حکومت مذکوره‌نك بوبابده ویرمش ابلاح اولدیغی سبب وسیاقه باقلنجه املاکی حقنده مظهر الحاظ
وامیه اولامیه حقلرینی دولتعلیه منبوعاری نجه‌سیله ایرانلو جانبنه بوبابده املاکه دائر دعاوی ظهور ایتدکجه اولور ایسه کاربرداز جنرالی
ناچار قصور لازمه‌جکی وبووضعیت رجانامه دعوا کوریلور ایسه رضیه قبول اولنمدیغی بیاننه مجبوریت حاصل اولمش اوضعه کیفیتك
حکومت مذکوره‌یه سپارشنده امر واشعار بیورلمسی احضار التماسی عاجزی بولندیغی بیاننه وبو وسیله ایله تأکید ایلدیکم اخلاص مخصوصه مهر دایمی اتخاذ قلنمشدر.

شمارهٔ سند: ۴۵۱
موضوع: املاک اتباع ایران در عثمانی
تاریخ: ۵ رجب ۱۲۸۳ هـ. ق
کارتن: ۱۲
پروندهٔ: ۱/الف

مراسلهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمرهٔ ۱۸ــ ۱۱۴

فدایت شوم، از چندی است میرزا بزرگ خان شکایت می نماید که در مواد املاک تبعهٔ دولت علیه در عراق عرب اشکالات به عمل می آورند و در محاکمه که فی مابین تبعهٔ ایران و تبعهٔ عثمانی در خصوص املاک واقع می شود به حقّانیّت و عدالت رفتار نکرده عمداً تبعهٔ ایران را بی حق می نمایند و مادهٔ خانهٔ میرزا محمد همدانی را که البته تفصیل او را معروض داشته اند، مجدداً احتیاج به تصدیع ندارید، دلیل و شاهد عمل آورده نوشته بود که منازعهٔ فی مابین دو نفر ایرانی را که دایر به فقرهٔ املاک باشد می خواهند در حکومت و نزد قاضی رؤیت نمایند. در این باب چند مجلس طولانی با عالی پاشا مذاکره نموده و گفتم رفتاری که از نامق پاشا ملاحظه می شود و همتی که در ابطال حقوق املاک ایرانی در عراق عرب بسته است امنیت ما را کلیتاً سلب نمود و من بعد در جمیع مرافعات و محاکمات دایر به املاک تا ترجمان کارپردازخانه حضور نداشته باشد آن محاکمه و مرافعه را دولت علیهٔ ایران به نظر صحت ملاحظه نخواهد نمود. در جواب می‌گفت شما می دانید که تبعهٔ خارجه در خاک عثمانی عهداً و اصولاً صاحب ملک نمی توانند شد و از برای تبعهٔ ایران در عراق عرب استثنا نموده در تصرف املاک آنها اغماض می‌کنم ولی مداخلهٔ مأمور و حضور ترجمان را در محاکمهٔ دایر به املاک تجویز نمی توانیم کرد. هرقدر مشارالیه انکار می‌کرد بنده در اصرار خود می افزودم، بالأخره گفت این عمل بزرگی است و مسئولیت او را من تنها به عهدهٔ خود نمی توانم گرفت لابد در مجلس وکلا مذاکرهٔ این کار را می نمایم و رأی سایر وکلا را نیز تحصیل نموده بعد جواب آخری خودم را به شما خواهم گفت. گفتم حالا که می خواهید اتمام این عمل را به مذاکره در مجلس وکلا بیندازید، پس من تفصیل را در تلو مراسلهٔ رسمیه به شما

بنویسم و ادلّهٔ خود را بیان نمایم همان کاغذ را به موقع مذاکره بگذارید.

لهذا مراسله که سواد او را در جوف ملاحظه خواهید فرمود، نوشته فرستادم چون آنچه باید گفته شود در مراسلهٔ مزبوره درج است و از ترجمهٔ او مستحضر می توانید گردید. لهذا در این عریضه بسط نمی دهم و مآل و مذاکرهٔ بنده به هر جا منجر شد و جوابی که رسید جناب‌عالی را مطلع خواهم ساخت و یقین بدانید در حفظ حقوق تبعهٔ دولت علیه و مدافعه از آنها آنی غافل نخواهم بود و از وظیفهٔ مأموریت خود عقب نخواهم ماند، مراتب عجالتاً بهجهت استحضار خاطر جناب‌عالی عرض شد، زیاده عرضی نیست. معروضه ۵ شهر رجب‌المرجب ۱۲۸۳

با مهر عبده الراجی محمدحسین

[حاشیه، دستخط ناصرالدین شاه:] «در این فقره کوتاهی نکنند، باید سخت ایستادگی نمایند.»

نمره ۱۱۴
۱۸
ملاحظه شد

[illegible] از چندی است میرزا [illegible] خان شکایت می‌نماید و در باب حرکت تبعه دولت علیه در عراق عرب [illegible] دولت عثمانی [illegible]

[illegible]

و نیز همین تبعه انگلیس و تبعه عثمانی در خصوص املاک [illegible] واقع می‌شود به کفایت دولت [illegible] رفتار کرده [illegible] تبعه انگلیس [illegible]

[illegible] نوشته بود [illegible] دولت [illegible]

[illegible] جناب [illegible] مجلس [illegible] ملاحظه می‌شود [illegible] حقوق [illegible]

[illegible] در عراق عرب [illegible] دولت [illegible] ترجمان [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] ملاحظه [illegible] در جواب [illegible] تبعه خارجه [illegible]

[illegible] تبعه انگلیس [illegible] عرب [illegible] در تصرف املاک [illegible] می‌کنم [illegible]

[illegible] حرکت [illegible] نمی‌توانم کرد [illegible] بنده [illegible]

[illegible] خود [illegible] توانم گرفت [illegible] در مجلس [illegible] جواب [illegible]

خواهم گفت [illegible] در مجلس [illegible]

[illegible] نوشته [illegible]

[illegible] بنده [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible]

۱۲۸۳

[illegible] مورخه ۵ شهر رجب المرجب

شمارهٔ سند: ۴۵۲
موضوع: قانون‌نامهٔ عثمانی در مورد تذکره و اتباع
تاریخ: ۱۶ شعبان ۱۲۸۶ هـ. ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۹/س

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

نمرهٔ ۹۳ ــ ۱۴

فدایت شوم، در تعلیقهٔ رفیعهٔ مورخ سلخ جمادی‌الثانی که در لف پاکت مرقومهٔ ۱۴ رجب ارسال فرموده‌اید، در باب سه نسخه قانون‌نامهٔ جدید عثمانی در باب تذکره و غیره ایفاد خدمت‌عالی نموده و رأی جناب‌عالی را قبل از حلول سه ماه مدت معینه خواسته بودم، مرقوم می دارید که ترجمهٔ آنها را به حضور مهر ظهور همایونی فرستاده‌اید و به هر چه رأی همایونی علاقه گرفت، ثانیاً به بنده اطلاع خواهید داد.

و همچنین رأی سفرای خارجه مقیمین اسلامبول را خواسته بودید سفرای مشارالیهم نیز قانون‌نامه‌ها را به وزارت امورخارجهٔ متبوعهٔ خودشان فرستاده استفسار رأی نموده بودند. هنوز اطلاع کامل از جوابهای آنها ندارم لکن دولتین فرانسه و انگلیس در چنین مواد تقویت و تمکین دولت عثمانی را می نمایند. زیرا که از قوت و اقتدار خودشان مطمئن و خاطرجمع هستند که به تبعهٔ آنها خلاف قاعده نمی توانند کرد و در ظهور خلاف قاعده و اجحافی بزرگ به تغییر هر قاعده و قانون در خاک دولت عثمانی مقتدر و مسلط می باشند ولکن برای تبعهٔ دولت ابدمدت به جهات عدیده خسارت و ضرر دارد و تنها به اینکه ما بنویسیم قانون‌نامهٔ شما را قبول نداریم در صورت قبول دیگران مثمر ثمر نمی تواند شد درهرحال منتظرم با کمال سرعت از رأی صائب خودتان استحضارم بدهید. معروضه ۱۶ شعبان المعظم ۱۲۸۶

نمره ۹۳

دوست من   در باب نسخهٔ قانون [illegible] مرقوم فرموده‌اید که [illegible] ارسال [illegible] رقم [illegible] کتب [illegible] مبادی [illegible] نسخه [illegible]

در باب [illegible] بسیار [illegible] ضرورت [illegible] در باب [illegible] قبل از [illegible] دست [illegible] خواسته بودم [illegible] مرقوم [illegible] ترجمه [illegible] زیاده

[illegible] دولت [illegible] تا بنده [illegible] اینجا [illegible] خواسته [illegible] زیاد

[illegible] وزارت [illegible] بیروت

[illegible] دولت عثمانی [illegible] وزارت [illegible] سلطان [illegible] حذف قاعده [illegible] کرد

[illegible] حذف قاعده [illegible] دولت عثمانی [illegible] سلطان [illegible] دیگر [illegible]

دولت ایران [illegible] ضرورت دارد و تنها [illegible] قانون [illegible] ایران [illegible] قبول

دیگر [illegible] مطلوم [illegible] با کمال [illegible] خودتان [illegible] مورخه [illegible] شهر شعبان المعظم ۱۲۸۶

شمارهٔ سند: ۴۵۳
موضوع: موقعیت تجّار ایرانی، دعاوی حقوقی، تابعیت
تاریخ: ۲۰ شوال ۱۲۸۶ هـ. ق
کارتن: ۱۳
پرونده: ۳/ت

گزارش سفارت ایران در اسلامبول به وزارت امور خارجه
نمرهٔ ۱۳۷ ــ ۱۹

فدایت شوم، کسادی بازار و بی پولی و اختلال تجارت تبعهٔ ما به حدی رسیده است که مافوقی بر او متصور نیست، اشخاصی که در اینجا هستند از دو شق خارج نیستند یا حق العمل کار و گماشتهٔ آنهایی که در ایران می باشند. یا تنباکوفروش و اصناف خورده [خرده]. امّا آنهایی که حق العمل کار می باشند حالت رؤسای ایشان که در طهران و تبریز هستند بر جناب عالی معلوم و روشن است. حالت رؤسا که آن قسمها باشد مرئوسین و عمال را بدون اشکال می توان استنباط نمود که در چه وضع و حالت خواهند بود. اصناف هم خورده [خرده] فروشند و بی مایه، از یک طرف باید بگیرند و از طرف دیگر بدهند. معاش مأمورین عثمانی که سابقاً در هر ماه می رسید و به اصناف می دادند و تنخواه به تداول می افتاد حالا هشت و نه ماه در تراکم و تداخل است، تنخواه نمی‌گیرند که به اصناف بدهند در معاملات و دادوستد سکتهٔ کلی واقع شده است، محاکمه هم در این مملکت قانونی دارد که ذره‌ای از آن قانون اگر تخلّف شود فی الفور فرنگی ها و عثمانی ها نسبت وحشیگری و عدم تمدن به شخص می دهند و روزنامه‌چی ها تفصیلها می نویسند و موجب رسوایی و فضاحی می‌گردند. مثلاً اشخاصی که معاملهٔ تجارتی یا اخذ و عطای پولی با یکدیگر دارند و کارشان به مرافعه و محاکمه می‌کشد به قاعده‌ای که متداول است همین که یکی از طرفین ادّعای خود را از روی سند یا دفتر به ثبوت رسانید آن وقت فوراً حق دریافت تنخواه یا مطالبهٔ حبس مدیون خود را دارد. بعد از توقف نود و یک روز در حبس آن وقت طلبکار هر جا مال مدیون خود را از منقول یا غیرمنقول سراغ بدهد فرض حاکم است که به هراج [حراج] گذارده بفروشد و تنخواه او را به صاحب طلب بدهد و الاّ تکلیفی بر حکومت نیست.

این است قواعد سفارتهای خارجه و دولت عثمانی امّا تبعهٔ ما نه آن عار و ننگ را دارند که قباحت و سرشکستگی و عیب محبوس شدن را بفهمند و نه ارباب طلب دلشان به حبس تشفی می‌یابد و نمی‌خواهند به تحت قاعده بروند، متصل می‌گویند که مدیون ما را چوب بزنید و شکنجه نمایید تا پول بدهند بنده نیز آنچه خدمت جناب‌عالی عرض می‌نمایم به آنها نمی‌توانم گفت که جهت چوب نزدن و شکنجه ننمودن من چه چیز است و بلکه به عبارت اخری در قوه ندارم خلاصه به یک مرارتی گرفتارم که مافوقی بر او متصوّر نیست.

علاوه بر همه این دردها سال قبل هنگامی که بنده در دارالخلافه بودم دولت عثمانی قانون‌نامه به جهت تبدیل تبعیّت وضع نموده و به جمع سفارتها تبلیغ کرده است، چنانچه مقرب الخاقان میرزااحمد شارژدفر سابق در تلو عریضهٔ مورخهٔ ۱۰ شهر ذی قعده الحرام ۱۲۸۵ نمرهٔ ۱۱۳ خود به عرض عالی رسانیده است و صورتی هم از قانون‌نامه لفاً فرستاده است در آنجا مذکور می‌دارد هر کس احدی از والدینش تبعهٔ عثمانی باشد خود او تبعهٔ عثمانی محسوب می‌شود. و هرکه پنج سال متصلاً در خاک عثمانی توقف نمود حق مطالبهٔ تبعیت عثمانی را خواهد داشت و به محض اظهار میل او به تبعیّت عثمانی فوراً قبول خواهد شد و قس علی هذا سایر فصول قانون‌نامه که همه مساعد بر تبدیل تبعیت و قبولی دولت عثمانی است و قانون‌نامهٔ مزبوره را در جمیع روزنامه‌ها طبع و انتشار داده‌اند و اکثری از اهالی ایران یا خوانده و یا شنیده و فهمیده‌اند و اغلبی از این اشخاص که هریک از بیست سال و پانزده و ده سال است که در اینجاها می‌باشند و بعضی هم مادرشان عثمانی است که پدرشان به این مملکت آمده و با زن عثمانی ازدواج نموده‌اند. دول انگلیس و فرانسه و اوستریا و پروس و بلجیک و هولند و غیره به تمامها قرارنامهٔ مزبوره را قبول نموده‌اند، به عقیدهٔ بنده چون می‌دانند تبعهٔ آنها به این درجه بی‌غیرت نیستند که به آسانی تبدیل تبعیت اصلیهٔ خود را نمایند قبول کرده‌اند دولت عثمانی نیز همین که یک یا دو دولت معظم یکی از قانون‌نامه‌های او را قبول نمود و تصدیق کرد اجرای او را دربارهٔ جمیع تبعهٔ خارجه حق خود می‌داند. اگرچه جناب‌عالی در تعلیقهٔ جوابیه که به میرزا احمد مرقوم فرموده‌اید عدم قبول و تصدیق قانون‌نامهٔ مزبوره را امر نموده‌اید و به همان قسم جواب به نظارت خارجه نوشته شده است، ولکن می‌دانم همین که از تبعهٔ ایران یک نفر یا متعدد که از سفارت اصرار ببینند و به باب‌عالی به

جهت قبول تبعیّت عثمانی بروند مقبول خواهند شد، آن وقت من به جهت وقایه اعتبار سفارت باید فرستاده آنها را جبراً بکشم در این صورت به حکم باب‌عالی نفرات ضبطیه از آنها حمایت خواهد کرد و غائله بر پا خواهد شد، چون تا به امروز بحمدالله وجود من همیشه اسباب رفع غائله به جهت اولیای دولت علیّه بوده است و هیچ‌وقت ایجاد مشکلات نکرده‌ام، لهذا قبل از وقت لازم دیدم که مراتب را خدمت جناب‌عالی عرضه دارم، در وقوع چنین غایله اگر بر دفع و رفع او حاضر واعادهٔ اعتبار و عظم سفارت را مقتدر می باشید او را مرقوم می دارید که بنده هم از روی جسارت و اطمینان حرکت نمایم زیرا که اگر غایله فی‌مابین بنده و باب‌عالی به وقوع برسد رفع او را دیگر من خود نمی توانم کرد و بر عهدهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه خواهد ماند. معروضه ۲۰ شهر شوال ۱۲۸۶

نمره ۳۷/۱۹

[illegible] ... از روی [illegible] ... تجارت [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... حالت [illegible] ... طهران و تبریز [illegible]

[illegible] ... حالت [illegible] ... وضع دولت [illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ٤٥٤
موضوع: منع ازدواج اتباع ایران و عثمانی ــ امور اتباع
تاریخ: ۸ ذی حجة الحرام ۱۲۹۰ هـ. ق
کارتن:
پروندهٔ:

صورت مقاوله‌نامه‌ای است که به شرط بقا و رعایت اجرای احکام و عهدنامجات منعقده و موجوده در میان دولتین علّیتین ایران و عثمانی کمافی السابق و همچنین به شرط باقی داشتن احکام قرارنامه‌هایی که مصدّق و مرعی الاجرا بوده است در میان سفارت سنیهٔ ایران و نظارت خارجهٔ عثمانی ترتیب و قرار داده شده است

اولاً، تبعهٔ دولت علیهٔ ایران که در ممالک عثمانی هستند در همهٔ خصوصیات متعلقه به جنایت و جنحه و قباحت رأساً به نظامات و قوانین دولت عثمانی و بلاواسطه به ضابطه و محاکم سلطنت مشارالیها تابع خواهند شد. دعاوی و اختلافات متعلّقه به تجارت و حقوق عادیه که در میان تبعهٔ ایران و عثمانی اتفاق بیفتد در محکمه‌های عثمانی رؤیت و فصل خواهد شد و در وقت رسیدگی به آن گونه دعاوی حاضر داشتن ترجمان از جانب کار پردازها جایز خواهد بود.

و در خصوص اجرای احکام اعلامهای متعلّقه به تجارت و حقوق که در محکوم علیه بودن تبعهٔ ایران صادر می شود رجوع به توسط سفارت سنیه و کار پردازها خواهد شد. و اگر چنانچه به ملاحظه مدتی که به جهت اجرای اعلامات مذکوره لازم می آید عدم اجرا یا عدم امکان اجرا از جانب سفارت سنیه و کار پردازها معلوم و معین بشود از جانب مأمورین عثمانی بلاواسطه اجرا خواهد شد.

ثانیاً، اگر چنانچه تبعهٔ ایران که در ممالک عثمانی اقامت دارند بخواهند مانند تبعهٔ عثمانی داخل صفت اصنافی بشوند و صنعت و پیشه پیش گیرند، چون از تمامی نظامات و قوانین که در حق عموم اصناف مرعی الاجراست بهره‌مند خواهند شد. لهذا مادامی که اصنافی و پیشه و صنعت اجرا می‌کنند به نظامات و اصول و قوانین مذکوره تابع شده و بدین جهت از ایفای رسومی که اصناف تبعهٔ عثمانی مکلّف هستند ناچار خواهند بود. و در خصوصات و معاملات متعلقه به اصنافی رأساً به محاکم و مأمورین

عثمانی تابع خواهند شد.

ثالثاً، کار پردازها و وکیل کار پردازهای دولت علیهٔ ایران که در ممالک عثمانی بوده و صفت مأموریت ایشان به موجب بروات و اوامر دولتی مصدّق شده و خواهد شد و ترجمانهای ایشان از امتیازات و مساعدات و معافیاتی که قونسولها و وکلای قونسولهای سایر دول متحابّه و ترجمانهای آنها بهره‌مند هستند، بهره‌مند خواهند بود.

رابعاً، به ملاحظهٔ اینکه کار پردازها و وکیل کار پردازها مأمور به استحصال اسباب امنیّت و منفعت و حمایت تبعهٔ دولت علیهٔ ایران که برّاً و بحراً به ممالک عثمانی تردّد و یا اقامت می‌کنند، هستند. در این فقرات تبلیغات و اظهارات شفاهیه و تحریریه به حکومات محلّیه به عمل خواهند آورد. و همچنین هرگاه در حق مأمورین و ضابطان عثمانی شکایتی از طرف تبعهٔ دولت علیهٔ ایران ظاهر بشود کار پردازها و وکیل کار پردازها شفاهاً و تحریراً به اجرای تبلیغات لازمه اقدام خواهند کرد. واشخاصی را که از تبعهٔ ایران لازم بشود به ممالک ایران فرستاده شوند کار پردازها و وکیل کار پردازها روانهٔ ایران خواهند نمود و در صورت لزوم حق خواهند داشت که در فرستادن آنها به وساطت و معاونت حکومت محلّیه رجوع نمایند که حکومات محلیه برحسب اظهارات ایشان لازمهٔ معاونت را به عمل بیاورند. در خصوص ترکهٔ تبعهٔ ایران که در ممالک عثمانی وفات می‌کنند چون اجرای تصاحب ترکهٔ آنها و معاملات تحریریه و غیر آن به کار پردازها و وکلای کار پردازها راجع است. در صورتی که از جانب تبعهٔ عثمانی در حق ترکه اقامهٔ دعوایی بشود در محاکم و مجالس متعلقه به دعوا موافق نظام رسیدگی خواهد شد.

خامساً، تبعهٔ ایران که مأموریت رسمیّه نداشته و در ممالک عثمانی تردّد و سیاحت می‌نمایند به وسیلهٔ اینکه اصول پساپورط [پاسپورت] و تذکرهٔ مرور و نظامات کرانتین که در حق سایر تبعه خارجه مرعی الاجراست تابع می‌شوند، خللی به صفت تبعهٔ خارجه بودن آنها از این جهت وارد نخواهد گردید.

سادساً، چون تبعهٔ ایران که در ممالک عثمانی اقامت دارند به صفت تبعهٔ خارجه هستند مثل سایر تبعهٔ خارجه از خدمات و تکالیفی که مخصوص و منحصر به تبعهٔ عثمانی است مانند خدمات و بدلات عسکریه مستثنا خواهند بود.

سابعاً، هرگونه دعوا و نزاعی که در میان تبعهٔ دولت علیهٔ ایران اتفاق بیفتد به

معرفت کار پردازها و وکیل کار پردازها انجام داده خواهد شد و اگر در این گونه فقرات کار پردازها و وکیلها به حکومات محلیه رجوع نمایند لازمهٔ معاونت به عمل خواهد آمد.

ثامناً، همچنان که از جانب مأمورین عثمانی به منسوبیّت و تعلق امور تبعهٔ دولت علیهٔ ایران به کار پردازهای خودشان مداخله نخواهد شد در خصوص ایفای رسومی که تبعهٔ مزبوره باید به کار پردازهای خودشان بدهند نیز از جانب حکومات محلیّه به وجهی مداخله نخواهد شد.

تاسعاً، اگر یکی از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران بخواهد داخل تبعیّت عثمانی بشود، موافق نظام مخصوصی که در حق سایر تبعهٔ خارجه جاری است لازمهٔ آن اجرا خواهد شد و در خارج این اصول احدی از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران به خلاف قاعده و نظام تبعیّت دولت عثمانی قبول نخواهد گردید.

عاشراً، چون اجرای معاملهٔ متقابله در حق تبعهٔ عثمانی که در ممالک محروسهٔ ایران اقامت دارند طبیعی است لهذا هر کدام از فقرات مساعداتی که در حق تبعهٔ دولت علیهٔ ایران در این قرارنامه نموده شده است، در حق تبعهٔ عثمانی که در ممالک محروسهٔ ایران اقامت دارند دریغ کرده شود و به عمل نیاید، از اجرای همان مساعده در حق تبعهٔ دولت علیهٔ ایران که در ممالک عثمانی مقیمند صرف نظر خواهد شد. و در این باب نیز معاملهٔ متقابله از طرفین مرعی خواهد گردید.

حادی عشر، اگر از جانب دولت علیهٔ ایران خواسته شود که تبعهٔ ایران از حقوق تصرف املاک بهره‌مند شوند، در این باب قرارنامهٔ جداگانه نوشته خواهد شد و تا هنگام تنظیم قرارنامه مذکوره کیفیت تعرّف املاک بر منوال سابق خواهد ماند.

ثانی عشر، همچنین اگر دولت علیهٔ ایران بخواهد که تبعهٔ ایران با تبعهٔ عثمانی ازدواج کنند در این خصوص نیز بالاتفاق به انعقاد یک مقاولهٔ مخصوصه موافقت خواهد شد.

ثالث عشر، در خصوص معاملات و دعاوی و منازعاتی که در میان تبعهٔ دولت علیهٔ ایران و تبعهٔ سایر دول خارجه اتفاق می افتد، تا مقرر شدن قراردادی در این باب مابین سفارت سنیّهٔ ایران و سفارتهای دیگر به طوری که سابقاً مرعی الاجرا بوده است رفتار خواهد شد.

خاتمه، در معاملاتی که خارج از مندرجات فصول سیزده گانهٔ فوق است تبعهٔ

دولت علیهٔ ایران که در ممالک عثمانی هستند و تبعهٔ عثمانی که در ممالک محروسهٔ ایران می باشند از امتیازات و مساعداتی که سایر تبعهٔ دول خارجه که زیادتر از همه مظهر مساعده هستند بهره‌مند باشند، بهره‌مند خواهند بود. و هر یک از فقرات و خصوصات که در فصول مذکوره نموده شد از جانب دولت علیهٔ ایران مجری نشود از جانب دولت عثمانی نیز سمت اجرا نخواهد یافت.

تفسیر و ایضاح بعضی از فقرات این قرارنامه از سفارت سنیّه جداگانه برای دستورالعمل کارپردازخانه ها مرقوم خواهد شد.

[illegible] از ... فقرات ... حمایت اجرای احکام عهدنامجات منعقده و موجوده در میان دولتین علیتین ایران و دولت عثمانی ... السابق و همچنین بشرط باقی داشتن احکام قرار نامههای ... مصدق و مرعی الاجرا بوده است در میان سفارت سنیه ایران و نظارت خارجه عثمانی ترتیب و قرار داده شده است

فی ۸ شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۹۰

اولا تبعه دولت علیه ایران که در ممالک عثمانی هستند در جمیع خصوصات متعلقه بجنایت و جنحه و قباحت راجع بنظامات و قوانین دولت عثمانی و بلاواسطه بضابطه و محاکم سلطنت مشار الیها تابع خواهند شد دعاوی و اختلافات متعلقه بتجارت و حقوق عادیه که در میان تبعه ایران و عثمانی اتفاق بیفتد در محکمههای عثمانی رؤیت و فیصل خواهد شد و در وقت رسیدگی باینگونه دعاوی حاضر داشتن ترجمان از جانب کارپردازها جایز خواهد بود و در خصوص اجرای احکام اعلامهای متعلقه بتجارت و حقوق که در محکوم علیه بودن تبعه ایران صادر میشود رجوع بتوسط سفارت سنیه و کارپردازها خواهد شد و اگر چنانچه بملاحظه دلائلی که بجهة اجرای اعلامات مذکوره لازم می آید عدم اجرا یا عدم امکان اجرا از جانب سفارت سنیه و کارپردازها معلوم و معین بشود از جانب مأمورین عثمانی بلاواسطه اجرا خواهد شد

ثانیا اگر چنانچه تبعه ایران که در ممالک عثمانی اقامت دارند بخواهند مانند تبعه عثمانی داخل صنف اصنافی بشوند و صنعت و پیشه پیش گیرند چون از تمامی نظامات و قوانینی که در حق عموم اصناف مرعی الاجرا است بهرهمند خواهند شد لهذا مادامیکه اصنافی و پیشه و صنعت اجرا میکنند بنظامات و اصول و قوانین مذکوره تابع شده و بدین جهة از ایفای رسومی که اصناف تبعه عثمانی مکلف هستند ناچار خواهند بود و در خصوصات و معاملات متعلقه باصنافی راجع بمحاکم و مأمورین عثمانی تابع خواهند شد

ثالثا کارپردازها و وکیل کارپردازان دولت علیه ایران که در ممالک عثمانی بوده و صفت مأموریت ایشان بموجب براوات و اوامر دولتی مصدق شده و خواهد شد و ترجمانهای ایشان از امتیازات و مساعدات و معافیاتی که قونسولها و وکلای قونسولهای سایر دول متحابه و ترجمانهای آنها بهرهمند هستند بهرهمند خواهند بود

رابعا بملاحظه اینکه کارپردازها و وکیل کارپردازها مأمور باستحصال اسباب امنیت و منفعت و حمایت تبعه دولت علیه ایران که براً و بحراً بممالک عثمانی تردد و یا اقامت میکنند هستند در این فقرات تبلیغات و اظهارات شفاهیه و تحریریه بحکومات محلیه معمول خواهند آورد و همچنین هرگاه در حق مأمورین و ضابطان عثمانی شکایتی از طرف تبعه دولت علیه ایران ظاهر بشود کارپردازها و وکیل کارپردازها شفاها و تحریرا باجرای تبلیغات لازمه اقدام خواهند کرد و اشخاصی که از تبعه ایران لازم بشود بممالک ایران فرستاده شوند کارپردازها و وکیل کارپردازها روانه ایران خواهند نمود و در صورت لزوم حق خواهند داشت که در فرستادن آنها بوساطت و معاونت حکومت محلیه رجوع نمایند که حکومات محلیه برحسب اظهارات ایشان لازمه معاونت را بعمل بیاورند در خصوص ترکه تبعه ایران که در ممالک عثمانی وفات میکنند چون اجرای تصاحب ترکه آنها و معاملات تحریریه و غیره آن بکارپردازها و وکلای کارپردازها راجع است در صورتی که از جانب تبعه عثمانی در حق ترکه اقامه دعوای بشود در محاکم و مجالس متعلقه بدعوی موافق نظام رسیدگی خواهد شد

خامسا تبعه ایران که ... اقامت ... در ممالک عثمانی ... و سیاحت مینمایند بوسیله اینکه اصول پساپورت و تذکره ... و نظامات ... که در حق سایر تبعه خارجه مرعی الاجرا است تابع می شوند خللی بصفت تبعه خارجه بودن آنها از این جهة وارد نخواهد گردید

سادسا چون تبعه ایران که در ممالک عثمانی اقامت دارند بصفت تبعه خارجه مقیمند مثل سایر تبعه خارجه از خدمات و تکالیفی که مخصوص و منحصر بتبعه عثمانی است مانند خدمات و بدلات عسکریه مستثنا خواهند بود

سابعا هر گونه دعوا و نزاعی که در میان تبعه دولت علیه ایران اتفاق بیفتد بمعرفت کارپردازها و وکیل کارپردازها انجام داده خواهد شد و اگر در اینگونه فقرات کارپردازها و وکیلها بحکومات محلیه رجوع نمایند لازمه معاونت بعمل خواهد آمد

ثامنا همچنانکه از جانب مأمورین عثمانی بخصوصیت و تعلق امور تبعه دولت علیه ایران بکارپردازهای خودشان مداخله نخواهد شد در خصوص ایفای رسومی که تبعه مزبوره باید بکارپردازهای خودشان بدهند نیز از جانب حکومات محلیه بوجهی مداخله نخواهد شد

تاسعا اگر یکی از تبعه دولت علیه ایران بخواهد داخل تبعیت عثمانی بشود موافق نظام مخصوصی که در حق سایر تبعه خارجه جاری است لازمه آن اجرا خواهد شد و خارج از این اصول احدی از تبعه دولت علیه ایران بخلاف قاعده و نظام تبعیت دولت عثمانی قبول نخواهد گردید

عاشرا چون اجرای معامله متقابله در حق تبعه عثمانی که در ممالک محروسه ایران اقامت دارند مطلوب می است لهذا هر کدام از فقرات مساعداتی که در حق تبعه دولت علیه ایران در این قرارنامه منظور شده است در حق تبعه عثمانی که در ممالک محروسه ایران اقامت دارند دریغ کرده شود و مجری نباید از اجرای همان مساعده در حق تبعه دولت علیه ایران که در ممالک عثمانی مقیمند صرف نظر خواهد شد و در این باب نیز معامله متقابله از طرفین مرعی خواهد گردید

حادی عشر اگر از جانب دولت علیه ایران خواسته شود که تبعه ایران از حقوق تصرف املاک بهرهمند شوند در این باب قرارنامه جداگانه نوشته خواهد شد و تا هنگام تنظیم قرارنامه مذکوره کیفیت تصرف املاک بر منوال سابق خواهد ماند

ثانی عشر همچنین اگر دولت علیه ایران بخواهد که تبعه ایران با تبعه عثمانی ازدواج کنند در این خصوص نیز بالاتفاق با انعقاد یک قاوله مخصوصه موافقت خواهد شد

ثالث عشر در خصوص معاملات و دعاوی و منازعاتی که در میان تبعه دولت علیه ایران و تبعه سایر دول خارجه اتفاق می افتد تا مقرر شدن قراردادی در این باب مابین سفارت سنیه ایران و سفارتهای دیگر بطوریکه سابقا مرعی الاجرا بوده است رفتار خواهد شد

خاتمه در معاملاتی که خارج از مندرجات فصول سیزدهگانه فوق است تبعه دولت علیه ایران که در ممالک عثمانی هستند و تبعه عثمانی که در ممالک محروسه ایران میباشند از امتیازات و مساعداتی که سایر تبعه دول خارجه که زیادتر از همه مظهر مساعده هستند بهرهمند باشند بهرهمند خواهند بود و هر یک از فقرات و خصوصات که در فصول مذکوره نموده شد از جانب دولت علیه ایران مجری نشود از جانب دولت عثمانی نیز نسبت اجرا نخواهد یافت

تفسیر و ایضاح بعضی از فقرات این قرارنامه از سفارت سنیه جداگانه برای دستورالعمل کارپردازها مرقوم خواهد شد

دولتين عليتين ايران وعثمانى بيننده منعقد وموجود اولان معاهدات ايله مصدق ومرعى الاجرا اولان مقاوله نامه لرك احكامى كما كان باقى ومرعى ولمق اوزره مؤخراً سفارت سنيه ايله نظارت جليلهٔ خارجيه بيننده قرار لشديريلان وجانب باب عاليدن رسماً سفارته كوندرلمش اولان مقاوله نامه نك صورت مصدقه سيدر

اولاً ممالك دولت عليه ده بولنان تبعهٔ ايرانيه جنايت وجنحه وقباحته متعلق كافهٔ خصوصاتده طوغريدن طوغرى يه قوانين ونظامات دولت عليه يه وبلاواسطه ضابطه ومحاكم سلطنت سنيه يه تابع اولەجقدر تبعهٔ ايرانيه ايله تبعهٔ دولت عليه بيننده تجارت وحقوق عاديه يه متعلق تكون ايده جك بالجمله دعاوى واختلافات محاكم دولت عليه ده فصل ورؤيت اولنه جق وبومثللو دعاوينك حين رؤيتنده شهبندرلر طرفندن ترجمان بولندرمق جائز اوله جقدر وتبعهٔ ايرانيه عليهنه وريله جك حقوق وتجارت اعلامانك احكامى مأمورين دولت عليه طرفندن سفارت وشهبندرلر واسطه سنه مراجعتله اجرا اولنه جق ايسه ده اعلامات مذكوره نك اجراسنه لازم كله جك مدته نظراً شايد سفارت وشهبندرلر طرفندن اجرا اولنميه جق وياخود اولنه ميه جكى تعيين ايلديكى حالده بلاواسطه مأمورين دولت عليه طرفندن اجرا اولنه جقدر

ثانياً ممالك محروسه ده اقامت ايدن تبعهٔ ايرانيه دولت عليه تبعه سى مثللو حرف وصنايع اجرا ايتمك واصنافقه منتسب كيرمك ايستر ايسه على العموم اصناف حقنده مرعى الاجرا اولان كافهٔ نظامات وقوانيندن مستفيد اوله جقلرندن اصنافلق وحرف وصناعت اجرا ايدكجه ذكر اولنان نظامات وقوانين واصوله تابع وبو وجهله تبعهٔ دولت عليه دن بولنان اصنافك مكلف اولدقلرى رسوماتى تأديه يه مجبور اوله جق واصنافلقه متعلق خصوصات ومعاملاتده طوغريدن طوغرى يه محاكم ومأمورين دولت عليه يه تابع اوله جقلردر

ثالثاً ممالك محروسهٔ عثمانيه ده بولنوب صفت مأموريتلرى برات واوامر عليه ايله تصديق اولنمش واولنه جق اولان ايران دولتى شهبندرلرى وشهبندر وكيللرى وترجمانلرى سائر دول متحابه قونسلوس وقونسلوس وكيللرى وترجمانلرينك نائل اولدقلرى امتيازات ومعافيات ومساعداته نائل اوله جقلردر

رابعاً ذكر اولنان ايران شهبندر وشهبندر وكيللرى تبعهٔ ايرانيه دن براً وبحراً ممالك محروسه يه آمد وشد وممالك مذكوره ده اقامت ايدنلرك استحصال اسباب امنيت ومنفعتلرينه وحمايه لرينه مأمور اولدقلرندن بوكا دائر شفاهاً وتحريراً تبليغات لازمه يى حكومات محليه يه اجرا ايده جكلر وتبعهٔ ايرانيه طرفندن دولت عثمانيه مأمورين وضابطانى عليهنه بركونه شكايت وقوعنده دخى شهبندر وشهبندر وكيللرى طرفندن ماده نك بيانيله شفاهاً وتحريراً تبليغات لازمه نك اجراسنه وشهبندر وشهبندر وكيللرينك ايران تبعه سندن مملكتلرينه اعاده سنه لزوم كوردكلرى اشخاص كندى معرفتلريله وايستدكلرى حالده حكومت محليه نك واسطه ومعاونتيله كوندرمكه صلاحيتلرى اوله جقدر ممالك محروسه ده وفات ايدن تبعهٔ ايرانيه نك تركه لرينه وضع يد ايله انلره متعلق معاملات تحريريه وسائره نك اجراسى ايران شهبندر وشهبندر وكيللرينه عائد اوله جغندن تبعهٔ دولت عليه جانبندن تركه عليهنه اقامه اولنه جق دعاوينك عائد اولدقلرى محاكم ومجالسده نظامى وجهله رؤيت اولنه جقدر

خامساً مأموريت رسميه ده بولنميوب ممالك محروسه يه آمد وشد وياخود ممالك محروسه ده سياحت ايليان تبعهٔ ايرانيه نك تبعهٔ اجنبيهٔ سائره حقنده مرعى الاجرا اولان پاسابورط ومرور تذكره سنه وقرانتينه نظاماتنه تابع اولملريله بوندن [illegible] [illegible] كليه جكدر

سادساً ممالك محروسه ده اقامت ايدن تبعهٔ ايرانيه [illegible] تبعهٔ اجنبيهٔ سائره مثللو [illegible] [illegible] [illegible] مخصوص ومنحصر اولان خدمات وتكاليفدن مستثنى [illegible]

سابعاً تبعهٔ ايرانيه بيننده تكون ايدن جنح هر نوع [illegible] شهبندر وشهبندر وكيللرى [illegible] اوله جقدر [illegible] شهبندر وشهبندر وكيللرينك حكومت محليه يه [illegible] اوله جقلردر

ثامناً ايرانلولرك كندى شهبندرلرينه اولان [illegible] مثللو تبعهٔ مرقومه نك شهبندرلرينه تأديه سنه مجبور [illegible] وتكاليفنه حكومات محليه طرفندن مداخله اولنميه جقدر

تاسعاً تبعهٔ ايرانيه دن برى دولت عليه تابعيتنه كيرمك ايستر ايسه بالجمله تبعهٔ اجنبيه حقنده جارى اولديغى وجهله نظام مخصوصنه تطبيقاً اقتضاسى اجرا اولنه جقدر وبو اصولك خارجنده اولەرق تبعهٔ مرقومه دن هيچ برى خلاف نظام دولت عليه تابعيتنه قبول اولنميه جقدر

عاشراً ممالك ايرانيه ده بولنان تبعهٔ سلطنت سنيه حقنده معامله متقابله اجراسى امور طبيعيه دن اولمغله اشبو قرارنامه ده تبعهٔ ايرانيه حقنده كوستريلان مساعداتك هر قنغيسى ممالك ايرانيه ده بولنان تبعهٔ دولت عليه حقنده دريغ اولنه جق اولور ايسه اول مساعده نك ممالك سلطنت سنيه ده متمكن ايرانلولر حقنده دخى اجراسندن صرف نظر اولنه جق وبو بابده ايكى طرفجه دخى معاملهٔ متقابله يه رعايت قلنه جقدر

حادى عشر تبعهٔ ايرانيه نك تصرف املاك حقوقنه مظهر اولملرى دولت متبوعه لرى طرفندن مراد اولنور ايسه بونك ايچون بر مقاولهٔ مخصوصه تنظيمنه موافقت اولنه جق ومقاولهٔ مذكوره نك تنظيمنه قدر تصرف املاك خصوصى حال سابقى اوزره دوام ايده جكدر

ثانى عشر وكذا تبعهٔ ايرانيه نك تبعهٔ دولت عليه ايله ازدواج معامله سنه مظهر اولملرى دولت متبوعه لرى طرفندن مراد اولنور ايسه بالاتفاق بوكا دائر دخى بر مقاولهٔ مخصوصه تنظيمنه موافقت اولنه جقدر

ثالث عشر تبعهٔ ايرانيه ايله دول متحابهٔ سائره تبعه سى بيننده تكون ايده جك معاملات ودعاوى ومنازعاته دائر ايران سفارتيله سائر سفارتلر بيننده بر قرار وريلنجيه قدر معاملات ودعاوى ومنازعات مذكوره جه كما فى السابق مرعى الاجرا اولان قاعده يه توفيقاً معامله اولنه جقدر

خاتمه

بالاده محرر اون اوچ ماده نك شامل اولديغى خصوصاتدن ماعدا معاملاتده ممالك محروسه ده بولنان تبعهٔ ايرانيه وكذلك ممالك ايرانيه ده بولنان تبعهٔ دولت عليه الى زياده مظهر مساعده اولان دول سائرهٔ اجنبيه تبعه سنك نائل اولدقلرى امتيازات ومساعداته نائل اوله جق ومواد مذكوره ده كوستريلان خصوصاتك هر قنغيسى دولت ايرانيه طرفندن اجرا اولنمز ايسه دولت عليه طرفندن دخى موقع اجرايه ايصال اولنميه جغى مقرردر

شمارهٔ سند: ۴۵۵

موضوع: تذکره

تاریخ: غره شوال ۱۲۹۷

کارتن: ۲۱

پروندهٔ:

نمونهٔ یک تذکرهٔ اقامت صادره از سفارت سنیهٔ کبرای ایران در اسلامبول

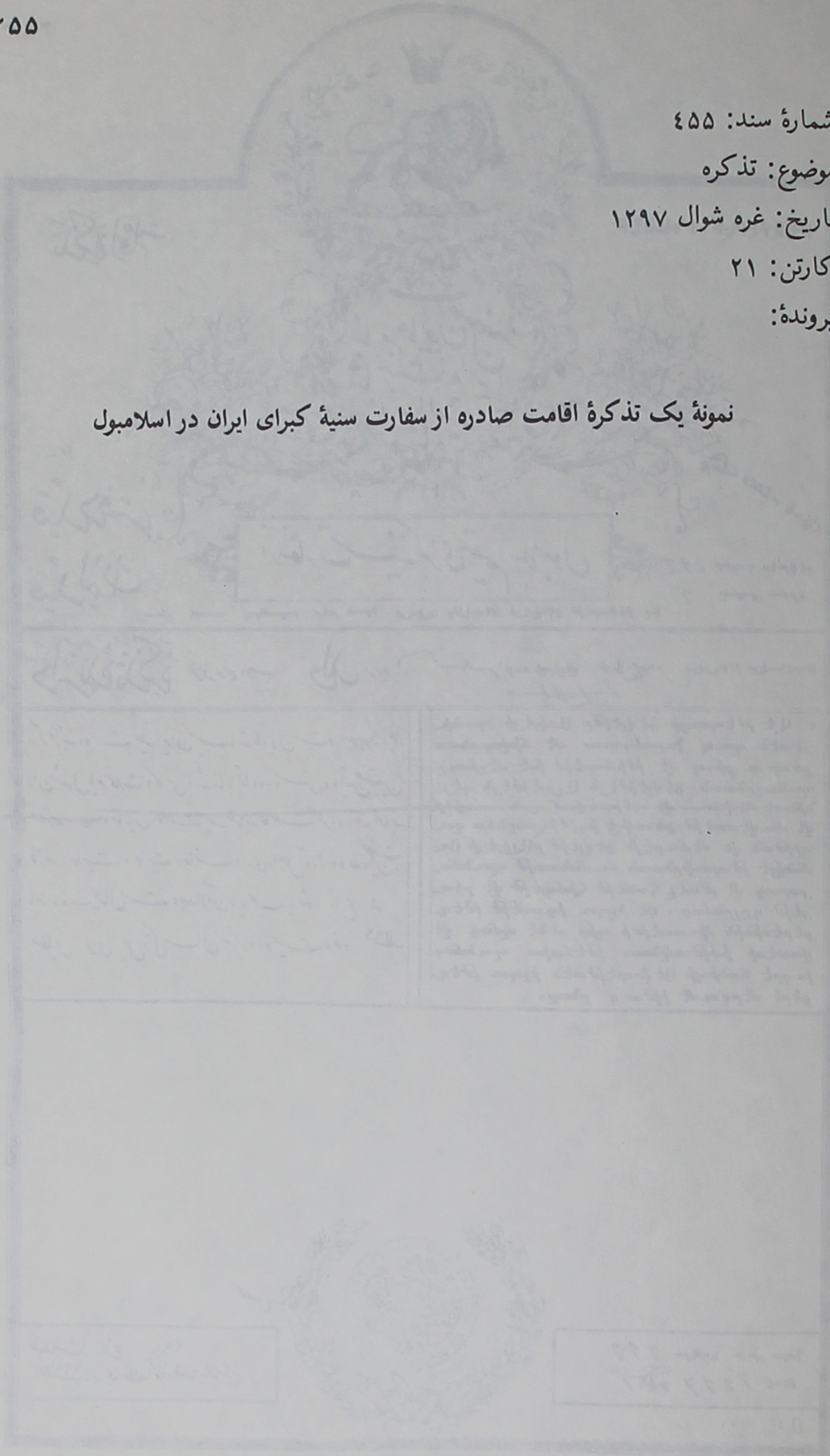

[illegible]

تذکرهٔ اقامت

بنام همایون اعلیحضرت
شاهنشاه ایران
ناصرالدین شاه

قید دفتر ۲۹۲

قید لیمان

از سفارت سنیهٔ کبرای مقیم اسلامبول

[illegible] 292

[illegible] 2

[illegible]

دارندهٔ تذکره [illegible] ولد [illegible]

[illegible]

که از تبعهٔ دولت علیه ایران میباشد مأذون است در اسلامبول و جوار
آن مشغول بامر تجارت و کاسبی باشد بنا باتحاد و دوستی دولتین علیتین
[illegible] از امنای دولت علیه عثمانیه خواهش کرده و عند الحاجه
لازمهٔ رعایت و حمایت و جانبداری را بعمل آورند و مدت این تذکره
نامه تا مدت یکسال است و بعد از آن باید تجدید شود تاریخ ماه
مطابق لوی ییل ترکی سال هزار و دویست و نود ۱۲۹۷

[illegible]

CONSULAT GENERAL DE PERSE A CONSTANTINOPLE

[illegible] 292

[illegible] 1297 [illegible]

قید شد نمره ۲۹۲
سنه ۱۲۹۷ [illegible]

D. [illegible]

تذکرهٔ اقامت

بنام همایون اعلیحضرت
شاهنشاه ایران
ناصرالدین
شاه

پیرایک نمره سی

قید دفتر ٢٩٢

قید لیمان ٢ از سفارت سنیهٔ کبری مقیم اسلامبول

دارندهٔ تذکره قوان اوغلی ادیب ولد ابراهام

که از تبعهٔ دولت علیهٔ ایران میباشد مأذون است در اسلامبول و جوار
آن شغلی بار تجارت و کاسبی باشد بنا بتکالیف و دوستی دولتین علیتین
کارگذاران و مأمورین دولت علیهٔ عثمانیه ممانعت نکرده و ملتمس انکه
بهر نوع رعایت و حمایت و جانب داری را بعمل آورند و مدت این
رخصت نامه تا مدت یکسال است و بعد از آن باید تجدید شود بتاریخ ماه
مطابق لوی ئیل ترکی سال هزار و دویست و نود و هفت سنه ١٢٩٧

قید شد نمره ٢٩٢
سنه ١٢٩٧ غرهٔ شوال ایکیور لمق ل پیدی سی

Consulat Général de Perse à Constantinople
جنرال قونسلگری دولت علیه ایران در اسلامبول

D. Bussetil

شمارهٔ سند: ٤٥٦
موضوع: شکایت از حاجی علی آقا پسر مرحوم میرزاعلی محمدخان نظام الدوله در همکاری با اشرار
تاریخ: ۸ شوال ۱۳۰۰ هـ. ق
کارتن: ۲۱
پروندهٔ:

نامهٔ میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه به سفارت ایران در استانبول (معین الملک)

جناب جلالت مآبا

حاجی علی آقا پسر مرحوم میرزاعلی محمدخان نظام الدوله نوهٔ میرزا عبدالله خان امین الدوله نوادهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان اصفهانی صدراعظم که مادر او نواب شمس الدوله دختر خاقان مغفور و مجاور نجف اشرف و عتبات عرش درجات می باشد از صغر سن بلهوو لعب و مسامرت با اشرار عرب و پوشیدن لباس آنها و معاشرت با طایفهٔ زکرت و شمرت و متابعت آنها در شرارت و سرقت و غیره عادت کرده بکلی از رویهٔ نجابت پدر و مادری و مقتضیات مجاورت آن عتبات مینو درجات منحرف گردیده و اکنون که در سن وقوف متوقف است، از آن حالات منصرف نشده سهل است بر مدارج شرارت و اضرار و معارج شمیت اشرار و اقدام به هتک احترام علمای اعلام و مخصوصاً ایراث انواع مضار به رعایا و تجار دولت علیهٔ ایران افزوده حتی در تحریک قتل شریک می گردد به حدی که علما و تجار و رعایای دولت علیه مجاور آن تربت سنیهٔ شروح مبسوطه مبنی بر شکایت از شرارت و سوء حرکت او نوشته و اخراج او را از عراق عرب از تکالیف واجبهٔ شرعیه و باعث آسایش وضیع و شریف و مجاورین فقیر ضعیف و ثواب عظیم شمرده از این نوشتجات متظلمانه به همه جا و خدمت جناب مستطاب مجتهدالزمان حاجی ملاعلی مجتهد سلمه الله نیز فرستاده جناب معزی که از فحول مجتهدین و در اینجاها عماد دین می باشند عریضهٔ مشروحی در این فقره به حضور مرحمت ظهور مبارک اقدس همایون ملوکانه روحنافداه تقدیم نمودند، دستخط مرحمت نمط مبارک همایون مشعر بغایته القصوای تأکید در آوردن او به ایران و اخراج از عراق عرب و مذاکره با سفارت کبرای عثمانی در طهران و تلگراف به آن جناب جلالت مآب در سرعت حصول این منظور

به افتخار این جانب شرف صدور یافت که سواد عریضهٔ مزبور و دستخط انجم نقط مذکور محض مزید اطلاع شما از درجهٔ تأکید خاطر خطیر مبارک خسروانه لفاً ارسال گردید، این جانب نیز فوراً حسب الارادة العلیه با تلگراف رمز نمره و تاریخ شما را به اجرای امر قدر قدرمطاع همایونی مکلف نموده خودم در اینجا با جناب سفیرکبیر دولت عثمانی مذاکره نمودم، اگرچه ذکری از تبدیل تبعیت او و پسرش به میان آوردند لاکن به مناسبت شاهزاده بودن مادر او و خارج بودن تبدیل تبعیت او از جمیع قوانین اساسیه و دلایل کاهله رد شد، سهل است جناب سفیرکبیر در کمال همراهی از برای اجرای این منظور حاضرند و خواهش کردند کاغذ رسمی در ین باب به جناب معزی الیه نوشته شود که به استناد آن با باب‌عالی داخل این مذاکره شود، من هم شرح لازم را نوشتم. حال بر حسن تدابیر و فی الجمله اقدام محسنانه وکفایات کامله آن‌جناب جلالت‌مآب است که سریعاً و عاجلاً حکم حَکَم تلگرافی مؤکد، مشعر بر فرستادن او و به توسط کار پردازی ما به خاک ایران یا طرد فوری و عاجل از عراق عرب به هر جایی دیگر از ممالک عثمانی که صلاح دانید از باب‌عالی تحصیل نمایید و این امر اکید مطاع همایونی را اجرای دارید. جناب ایلچی کبیر هم نهایت همراهی را دارند و طوری مطلب را به باب‌عالی خواهند نوشت که متضمن نهایت تسهیل در این مسئله باشد، منتظرم که اجرای این کار را عاجلاً با تلگراف و مشروحاً با چاپار اطلاع دهید که به عرض حضور مهرظهور مبارک ملوکانه برسد.

زیرا که فی الحقیقه خاطر خطیر همایونی در انتظار این فقره می باشند. مادر حاجی علی آقا هم عریضهٔ تلگرافی به خاکپای مبارک تقدیم و از او شکایت کرده بود، دستخط مطاع خیلی موکد در تلگراف مزبور به افتخار من صادر شد، سواد آن را نیز لفاً فرستادم.

زیاده زحمت افزا شد

۸ شهر شوال ۱۳۰۰

جناب جلالتمآب

حاجی علی خان پسر مرحوم میرزا علی محمد خان نظام الدوله نوه میرزا عبدالله خان امین الدوله ولد مرحوم حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی

صدر اعظم ... اتابک اعظم ... [illegible] ... شرف ... [illegible] ... از ... [illegible]

در پوشیدن لباس ... [illegible] ... طایفه ... [illegible] ... و بعد ... [illegible] ... کرد ... [illegible]

و مقتضیات ... [illegible] ... منحرف کرده ... [illegible] ... توقف ... [illegible] ... منصرف ... [illegible]

... [illegible] ... علمای اعلام ... [illegible] ... انواع ... [illegible]

... [illegible] ... علما ... [illegible] ... شروع ... [illegible] ... ارشادات ... [illegible]

... [illegible] ... اعظم ... [illegible] ... سلطنت ... [illegible]

... [illegible] ... جناب ... مجتهدین ... [illegible] ... عریضه ... [illegible]

مبارک ... [illegible] ... شرط ... [illegible] ... اعراق عرب

... [illegible] ... سفارت ... [illegible] ... جناب ... [illegible]

... [illegible] ... جناب ... [illegible] ... الاسلام ... [illegible]

... [illegible] ... تاریخ ... [illegible] ... جناب سفیر ... [illegible]

... [illegible] ... سلطنت ... [illegible]

... [illegible] ... جناب سفیر ... [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۵۷
موضوع: تغییر تابعیت
تاریخ: احتمالاً ۱۳۰۰ هـ . ق
کارتن: ۱۷
پرونده: ۳/ت

نامهٔ سفارت ایران در اسلامبول به وزارت خارجه

در ظهر صورتی که ناظم الدوله در ضمن نوشتجات خود فرستاده بود و به عرض لحاظ انور اقدس همایون روحنافداه رسید، دستخط مطاع مبارک شرف صدور یافته بود، که مشیرالملک توضیح کرده به عرض برسد، مقصود ناظم الدوله از فرستادن این صورت این است که این اشخاص که رعایای ایران هستند با اینکه محذورات دارند و در تحت اعتراضات و محکوم جنرال قونسولگری ایران هستند، دولت عثمانی تغییر تبعیت آنها را قبول کرده و به آنها باسپورت داده است. مثلاً هر یک از آنها که به یک نفر رعیت ایران مقروض بوده و در قونسولگری در تحت محاکمه و مطالبه بوده است محض طفره از ادای قرض خود رفته تبعیّت عثمانی را قبول کرده است و با اینکه قونسولگری رسماً اعلام کرده است، که مادام که این شخص در تحت محاکمه و مسئولیت است و برائت ذمّه حاصل نکرده ترک تابعیت او مقبول نتواند بود. باز به آن شخص باشپورت [پاسپورت] داده و تبعیت او را قبول کرده است و این صورت اسامی سی نفر تبعهٔ ایران است که در تحت محاکمه و مسئولیت بوده‌اند و با اینکه از قونسولگری رسماً اعلام کرده‌اند، باز دولت عثمانی تبعیت آنها را قبول کرده است محض اطلاع خاطر مرحمت مظاهر همایونی روحنافداه جسارت به عرض نمود، الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[توضیحات پشت پاکت:] صورت ارسالی ناظم الدوله و توضیحاتی که حسب الامر الاقدس شده است، از عرض لحاظ انور اقدس همایون شاهنشاه ظل الله روحنافداه خواهد گذشت.

[نوشته و دستخط ناصرالدین شاه:] «جناب صدراعظم، خیلی کار بدی کرده‌اند باید سخت گرفت و پروتست کرد و آنجا با سفیرکبیر حرف زد و آنجا ناظم الدوله حرف بزند

و خیلی سخت گرفت و اهتمام کرد که موقوف شود و این کار با خود ناظم‌الدوله است که آنجا سخت گرفته تمام نماید. بسیار کار بدی است در اینجا با سفیرکبیر باید حرف زد در اسلامبول خود ناظم در کمال سختی ایستادگی می‌کند در رفع این کار، به او تلگراف کنید که چارهٔ این کار چه چیز است و اگر لازم شد به سفارت روس و انگلیس هم مداخله بدهید.»

در این صورتی که ناظم‌الدوله در ضمن نوشتجات خود فرستاده بود و بعرض ملاحظه انور اقدس همایون

روحنا فداه رسیده و در خط مطاع مبارک شرف صدور یافته بود که شیر ملک توضیح

کرده بعرض برسد مقصود ناظم‌الدوله از فرستادن این صورت این است که این اشخاص

که رعایای ایران هستند با اینکه محذورات دارند و در تحت اعتراضات و حکومت

جنرال قونسولگری ایران هستند دولت عثمانی تعیین تبعیت آنها را معین کرده و رسماً

باشپورت داده است مشعر هر یک آنها در تبعیت یک نفر رعیت [illegible]

متعرض نشده و در قونسولگری در تحت محاکمه و مطالبه نفقه است مخصوص خطرناک از اطراف

قرض خود رفته تبعیت عثمانی را قبول کرده است و با اینکه در قونسولگری رسماً

اعلام کرده است که تمام کارهای شخص در تحت محاکمه و مسئولیت است و در اداره

ذمه خاص نکرده ترک تابعیت را معمول شده بود باز باید آن شخص

باشپورت داده و تبعیت او را قبول کرده است و این صورت اسامی

سی نفر تبعهٔ ایران است که در تحت محاکمه و مسئولیت بوده‌اند و با اینکه از قونسولگری رسماً

خاطر حفظ الملة کرده است آنها را قبلاً به تبعیت دولت عثمانی باز کرده‌اند اعلام

مرحمت مظاهر همایونی روحنا فداه جسارت به عرض نمود الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

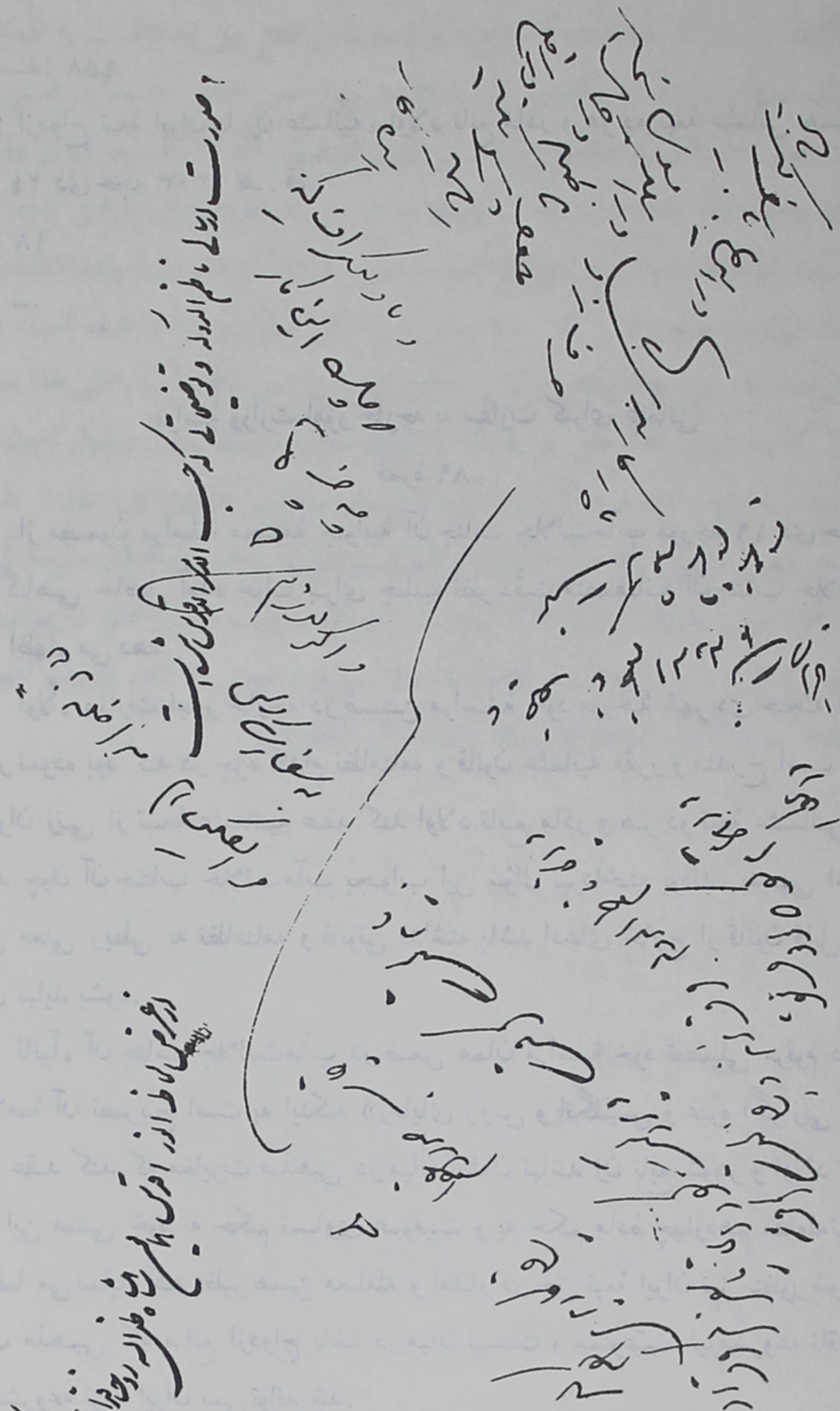

شمارهٔ سند: ۴۵۸
موضوع: ازدواج تبعهٔ ایران با زن عثمانیه، اولاد تابع مادر و هر دو تبعهٔ عثمانی هستند.
تاریخ: ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۰۳ هـ. ق
کارتن: ۱۸
پروندهٔ: ــ

مراسلهٔ وزارت امور خارجه به سفارت کبرای عثمانی

نمرهٔ ۸۹

از مضمون مراسلهٔ محترمهٔ جوابیهٔ آن‌جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۱۹ ذی‌حجه نمرهٔ ۵۰۳ آگاهی حاصل آمده جواباً برای جلب نظر دقّت منصفانه آن‌جناب جلالت‌مآب زحمت اظهار می دهد.

اولاً، وزارت امور خارجه در ضمن مراسلهٔ خود مورخهٔ شهر ذی‌حجه نمرهٔ ۷۳ استفسار نموده بود که در جزء کدام نظامنامه و قانون عثمانیه مقرر و مندرج است که اگر تبعهٔ ایران زنی از تبعهٔ عثمانیه عقد کند اولاد تابع مادر و هر دو تبعهٔ عثمانی معدود می شوند چون آن‌جناب جلالت‌مآب بجواب این سؤال نپرداخته بودند، بدیهی است که اگر این معنی ربطی به نظامنامه و قانونی نداشته باشد ادعای خارج از قانون قابل اعتنا و اعتباری نباید بشود.

ثانیاً، آن‌جناب جلالت‌مآب در ضمن همان مراسلهٔ خود تفصیلی مرقوم داشته‌اند که خلاصهٔ آن تصریح است به اینکه «رعایای روس و انگلیس و غیره اگر زنی از تبعهٔ عثمانیه عقد کند که مغایرت مذهبی در میان ایشان نباشد زن تابع شوهر و اولاد تابع پدر است» این معنی خود به حکم تساوی عمومیت و به حکم مادهٔ چهاردهم مقاوله‌نامهٔ سنهٔ ۹۲ اقتضا می نماید که نظیر همین معامله و امتیاز در حق تبعهٔ ایران نیز منظور شود، زیرا اختلاف مذهبی که مانع ازدواج باشد در میان نیست و ممنوعیّت غیرمشروعه ناقض این حقوق مشروعه تبعهٔ ایران نمی تواند شد.

ثالثاً، قریب دوازده سال پیش از این یعنی در شعبان سنهٔ ۹۱ مابین سفارت کبرای دولت علیه و باب‌عالی تعلیماتی برای تفکیک تبعهٔ طرفین در رفع این گونه اختلافات و اشکالات جانبین قلمی و مبادله شده صورت آن از طرفین به تمامی ایالات عثمانیه

ارسال گشته است که مطابق آن تفکیک تابعیت و قطع این اختلافات را ننمایند اگر ممنوعیت ازدواج اثری و حکمی در مسئلهٔ تابعیت می داشت حتماً در ضمن همان تعلیمات صریحاً مقید و مندرج می شد، چون در ضمن آن ابداً همچو قیدی ولو اینکه ایهاماً هم بوده باشد مندرج نیست و حقیقتاً مستندی که امروز برای طرفین بدون شبهه و تردید وسیله تفکیک تبئی [تبعی] تبعهٔ جانبین در خاک عثمانیه بوده باشد، همان تعلیمات مزبوره است و بس که به امضای باب‌عالی مقرر و مبادله شده است و هرچه خارج از مصداق این بوده باشد، قابل اعتنا و اعتباری نمی تواند شد. علی هذا ممنوعیت مزبوره را که به هیچ‌وجه ربطی به تعلیمات مرقومه ندارد، وسیلهٔ سلب حقوق تابعیّت اولاد بر پدر اتخاذ نمودن بالبداهه منافی تعلیمات مزبوره و مخالف حقوق باهرهٔ دولت علیهٔ ایران است و به همین دلایل معتبره و مسلّمه از انصاف سفیرانه و خلوص افکار سلیمهٔ آن‌جناب جلالت‌مآب قویاً مأمول است که مساعی جمیله و همم مؤثرهٔ خود را برای اجرای حقانیت این فقره و منع تخلف از مدلول تعلیمات مزبوره مبذول داشته، وزارت امور خارجه را از نتیجهٔ حسنهٔ آن مستحضر فرمایند، زیاده زحمت ندارد.

وزارت امور خارجه

مورخه ۲۳ شهر ... ۱۳۰۳

نمره ۸۹

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۵۹

موضوع: تابعیت حاجی آقا پسر نظام الدوله

تاریخ: ۶ ربیع الاول ۱۳۰۴ هـ. ق

کارتن: ۱۹

پروندهٔ: ۳/ت

هو

سواد مراسلهٔ سفارت کبرای عثمانیه به وزارت امور خارجه

نمرهٔ ٦٤٤

از قرار عرض حالی که به سفارت کبری از جناب حاجی علی آقا به دوستدار رسیده است و موجب کمال تأسف شده، امروز مومی الیه خدمت جناب مستطاب اشرف عالی آمده به او فرموده اید که در خصوص ادّعای از مانکچی چرا به سفارت کبرای عثمانی رجوع کرده ای، او گفته است چون که تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه هستم و جناب اشرف فوراً از این جواب برآشفته فرموده اند او را ببرند مغلولاً* محبوس نمایند و اکنون دوستدار مؤکداً و مصرّحاً اظهار می دارد که حاجی علی آقا را پدرش مرحوم نظام الدوله در زمان حیوة [حیات] خود تبعهٔ دولت عثمانیه کرده اند. و به همین جهت اوقاتی که ابتیاع املاک برای تبعهٔ دول سایره در ممالک عثمانیه ممنوع بوده است، اوصاحب اراضی و املاک شده و پسرش هم بالفعل در سلک عسکریه است و این حرکت را دوستدار نسبت به سفارت سنیه و حقوق دولت علیه بی اعتنایی و بی احترامی می داند و فوراً استخلاص او را درخواست می نماید و الّا ناچار است به تدابیر لازمهٔ مؤثره تشبّث کند. زیاده زحمت است.

[حاشیه] اصل این مراسله به واسطهٔ ناظم الملک به سفارت ردّ شده.

نمره ۶۴۴

سواد مراسله سفارت کبرای عثمانیه مورخه ۶ ربیع الاول ۱۳۰۴

از قرار عرض حالی که بسفارت کبری از جناب حاجی علی آقا به دستدار رسیده است و موجب حمایت تابعیت شده
امروز نوکری ایشان خدمت جناب مستطاب اشرف عالی آمده باو فرموده اند که در خصوص ادعای اربابی بخمیجی
چرا بسفارت کبرای عثمانی رجوع کرده او گفته است چونکه تبعه دولت علیه عثمانیه هستم و جناب اشرف
فوراً از این جواب برآشفته فرموده اند او را ببرند و مغلولاً محبوس نمایند و همچنین دستدار شنوده که او مقصر جا [illegible]
اظهار میدارد که حاجی علی آقا را پدرش مرحوم نظام الدوله در زمان حیوة خود تبعه دولت علیه عثمانیه
کرده اند و بهمین جهت او قانوناً اتباع املاک برای تبعه های سایره در ممالک عثمانیه ممنوع محضه است
او صاحب اراضی و املاک شده و پسرش هم بالفعل در سلک عسکریه است و این حرکت را
دستدار نسبت بسفارت سنیه و حقوق دولت علیه بی اعتنائی و بی احترامی میداند و فوراً
استخلاص او را درخواست مینماید و الّا ناچار است تدابیر لازمه مؤثره تشبث کند زیاده زحمت است

شمارهٔ سند: ٤٦٠
موضوع: مسئلهٔ قرعهٔ عسکریه
تاریخ: ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۰۵ هـ. ق
کارتن: ۱۹
پروندهٔ: ٤٦

تلگراف معین الملک به امین السلطان

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

به جناب مستطاب امین السلطان، مسئلهٔ قرعهٔ عسکریه گذشته به عرض سلطان عثمانی رفته، روز شنبه حکم تلغرافی به ولایات می رود با تلغراف اطلاع می دهم. در باب مقرری مستدعی است توجه مخصوص بفرمایید. محسن

تاریخ اصل مطلب ۲۱ ربیع الثانی است و تاریخ تلغرافخانه ۲۹ ایضاً معلوم نیست در تاریخ تلگراف سهوی شده یا در تلگرافخانه ها هشت روز معطّل شده است.

وزارت امور خارجه

مورخه ۲۹ شهر ثمن ۱۳۰۵

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

بجناب مستطاب آقای السلطان   مسئله قرعه عسکریه که نوشته

بعرض سلطان عثمانی رفته روز شنبه حکم تلگرافی بولایات میرود با تلگراف

اطلاع میدهم در باب مقرری مستدعی است توجه مخصوص بفرمایید محسن

تاریخ اصل مطلب ۲۱ ربیع الثانی است و تاریخ تلگرافخانه ۲۹ از ایضاً

معلوم نیست در تاریخ تلگراف سهو شده یا در تلگرافخانهها نه(?) روز

معطل شده است

شمارهٔ سند: ٤٦١
موضوع: حقوق اتباع ایران ــ مسئلهٔ قرعهٔ عسکریه
تاریخ: ۳ جمادی الاول ۱۳۰۵ هـ . ق
کارتن: ۱۹
پرونده: ٤٦

تلگراف معین الملک به امین السطان

استخراج تلگراف رمز از استامبول

به جناب مستطاب امین السلطان، با صدراعظم و وزیر امور خارجه امروز مذاکرات لازمه نمودم اتفاق حاصل شد. پس‌فردا در مجلس شورا دیده به عرض سلطان عثمانی می رسانند.

امیدوارم روز شنبه حکم تلغرافی بفرستند، عجالتاً حکم تلغرافی به بغداد فرستادند که قانون عسکر عمومی و شامل ماقبل نیست متعرض نشوید. همین که اراده صادر شد با تلغراف اطلاع می دهم. محسن، تاریخ مطلب دویم جمادی الاولی

وزارت امور خارجه

مورخه ۳ شهر جمادی الاولی ۱۳۰۵

نمره

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

بجناب مستطاب اجل امین السلطان با صدر اعظم و وزیر امور خارجه

امروز مذاکرات لازمه نمودم اتفاق حاصل شد پس فردا در مجلس شورا داده

بعرض سلطان عثمانی میرسانند امیدوارم روز شنبه حکم تلگرافی بعراق نوشته

عاجلانه حکم تلگرافی به بغداد فرستاده در قانون عسکر عمومی و شاهی ما تقبت بنیت

بمعروض نشود همینکه اراده صادر شد با تلگراف اطلاع میدهم (محسن)

تاریخ مطلب ۲۴ جمادی الاولی

شمارهٔ سند: ٤٦٢
موضوع: مسئلهٔ قرعهٔ عسکریه
تاریخ: ۳ جمادی الاول ۱۳۰۵. ق
کارتن: ۱۹
پروندهٔ: ٤٦

تلگراف معین الملک به امین السلطان

هو

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

به جناب مستطاب امین السلطان، در مسئلهٔ قرعهٔ عسکریهٔ فی مابین سفارت کبری و باب‌عالی مقرر بود که ازدواج ایرانی با زن عثمانی کمافی السابق ممنوع باشد، در صورت وقوع طرد شوند. اگر برگردند اولاد آنها عسکر شوند، قانون جدید عسکریه هم منحصر به اولاد زن عثمانی بوده شامل ماقبل نباشد. قرار بود دیروز رسماً به سفارت نوشته حکم تلغرافی به ولایات بفرستند سواد کاغذ رسمی را قبل از وقت به سفارت داده بودند بنده هم قبل از نوشتن سواد اصلاحات سواد کاغذ خودشان را در مجلس شورا خوانده بعضی تغییرات داده بودند عمدهٔ آن ابقای مادهٔ سیم قانون منع ازدواج بود که زن ایرانی وارث عثمانی می شوند چون عمده مقصود بنده نفی آن قانون بود، قبول نکردم. فردا با صدراعظم و وزیر خارجه مذاکره خواهم کرد، اگر انشاءالله صورت گرفت فبهاالمطلوب و الّا در دو فقرهٔ مسبوقه که یکی انحصار قانون به اولاد زن عثمانی، دیگری عدم شمول ماقبل است اوامر صادر کرده به اتفاق سفرای کبار واسطه در انجام اساس مسئله اقدام می‌کنیم. تعجیل نکنید بگذارید کار محکم بشود، بعد از این تلگراف رمز بفرستید. محسن، تاریخ مطلب غره جمادی الاولی

وزارت امور خارجه

مورخه ۳۰ شهر جمادی الاولی ۱۳۰۵

نمره

هو

استخراج تلگراف رمز از اسلامبول

بجناب مستطاب امین السلطان — در مسئله قرعه عسکریه قنسولهای سفارت کبری

و بالنتیجه مقرر بود که از ازدواج ایرانی با زن عثمانی که از سابق ممنوع بود در صورت وقوع

طرد شوند اگر برگردند اولاد آنها عسکر شوند قانون جدید عسکریه هم منحصر باولاد زن عثمانی

بود که شاید باقی نباشد قرار بود دیروز رئیس سفارت نوشته حکم تلغراف بولایات

بنویسند سواد کاغذ رسمی را قبل از وقت بسفارت دولت علیه بدهند هم قبل از

نوشتن سواد و اصلاحات سواد کاغذ خودشان را در مجلس شورا خوانده بعضی تغییرات

دولت علیه عهده کن القاء ماده تیم قانون منع از ازدواج اتباع زن ایرانی و ارث

عثمانی میشوند چنین عهده مقصود بنده نقض آن قانون بود قبول نکردم فردا با صدر اعظم

و وزیر خارجه مذاکره خواهم کرد اگر انشاءالله صورت گرفت فبها المطلوب و الا در

در فقره مسبوقه در یک انحصار قانون باولاد زن عثمانی دیگری عدم شمول تبعه باقی است

او امر صادر کرده با اتفاق سفرای کبار واسطه در انجام اساس مسئله اقدام میکنیم

تحصیل بکنیم بلکه از ید کار محکم شیعه ازین تلگراف رمز بنویسید محسن

تاریخ مطلب غره جمادی الاولی

شمارهٔ سند: ٤٦٣
موضوع: وضع عسکریهٔ اولاد متولد از نسوان عثمانی
تاریخ: ۱۲ رجب ۱۳۰۵ هـ. ق
کارتن: ۱۹
پروندهٔ: ۵/ح

ترجمهٔ تقریر باب عالی به سفارت کبری ایران در اسلامبول

تقریرهای جناب عالی در باب منع ازدواج تبعهٔ ایرانی با نسوان عثمانیه، با نظام‌نامهٔ مورخهٔ ۵ شهر شعبان ۱۲۹۱ دایر بر مکلفیّت خدمت عسکریهٔ ایرانی که خلاف ممنوعیت ازدواج از نسوان عثمانیه تولد یافته‌اند و به موجب فقرات محرره در مادهٔ سی و دویم نظام‌نامهٔ اخذ عسکر که بعضی اعتراضات کرده و خواهش طیّ فقره مزبوره رانموده بودید رسیده. با تذکره مخلص به حضور سامی صدارت ارسال و کیفیت در مجلس خاصّ وکلا مذاکره شده است، که ممنوعیت مذکوره از قدیم بوده و چنان که نظام‌نامهٔ مزبوره مورخ ۱۲۹۱ نیز مؤید آن می باشد و چون نظام‌نامهٔ اخذ عسکری متضمّن اصول و قواعدی است، که از طرف دولت اتخاذ شده و مندرجات آن نیز مبین معاملات آتیة‌الوقوع است، لهذا طی فقرهٔ مزبور جایز نبوده برای تمامی این ممنوعیت مکرّر از طرف جناب عالی تأمینات داده شده و برحسب مسالمتی که تیمناً در بین دولتین جاری است از طرف سلطنت سنیه محض اظهار یک معامله مضافات کارانه به دولت متبوعهٔ عالی در جلوگیری ازدواج خلاف ممنوعیت در آتیه بائمه و مختارانیکه بر عقد و نکاح مأذون و خلاف ممنوعیت حرکت کرده‌اند، اجرای مجازات گردیده، و همچنین به انهایی که خلاف ممنوعیّت ازدواج نموده و از ممالک عثمانیه طرد شده‌اند در صورت رضای زنان بردن زن خودشان ممانعت نخواهد شد. و در مکلفیّت به خدمت عسکری اولادی که از این ازدواج حاصل گردیده، در ممالک عثمانی مانده‌اند. و اشخاصی که برحسب وقوع خلاف ممنوعیّت ازدواج به موجب قرار طرد شده‌اند هرگاه عودت نمایند اولاً آنها نیز مثل اولاد ایرانی که در خاک عثمانی مانده‌اند در سنّ دخول عسکری مکلّف به خدمت عسکری خواهند بود. فقط اولاد ذکوری که قبل از نشر نظام‌نامهٔ اخذ عسکری از رجال ایرانی و نسوان عثمانیه تولد یافته‌اند به معافیت آنها از خدمت عسکری قرار داده شده و بر

این هم بدواً از طرف جناب‌عالی اظهار موافقت گردیده. برای تمامی اجرای این قرار از سفارت علیه معاملات لازمه را ایفا و در این باب به مأمورین سلطنت سنیه هم وصایای مقتضیه اجرا گردید.

وزیر خارجه

سفارت کبرای اعلیحضرت شاهنشاه ایران
در اسلامبول
شماره
تاریخ

ایران سفارتیدن

نسوانه ایله ... ممنوعیت خلاف ایدن نظامنامه‌نک ۱۲۹۱ تاریخلی ۵ شعبان حقنده‌کی ازدواجلری منع قادینلرله عثمانلی یازیلک
عادات بعضاً ... ماده‌سنک ... اوتوزایکنجی ... نظامنامه‌سنک ... عسکریه ایله مکلف اولمدیغندن ... خدمت عسکریه ... قبول ... ده
... ساده ... اولدیغی ... کذالک ... سفرایلری ... اولدیغی ... اوله‌رق ... اولمش و ... مذکوره‌نک ... دفعه ... مباحثه
بیانیله ... طبقهٔ ... سالف‌الذکر و قدیم مذکوره ممنوعیت بالمذاکره ... کیفیت ... اولمسی ... ایجاب ... حضرت ... سامی
حق ... احوال ... قواعد عمومیهٔ ... اصول ... اتحاد ... نظامنامه ... اوله‌رق ... بوکا ... ساده
... حقنده ... بو ممنوعیتک ... فقط ... اولمیوب ... جانب ... مذکوره‌نک ... ایدوکی ... مطلق ... وقوعبولاجق
... متوالیاً ... دولتین ... سفارت ... ایجابی ... مسالمت ... جاری ... تبعیت ... دولتین ... نامیات ... مالیه ... ایلرنده
... اولمق ... نظامنامه‌ده ... اوکی ... وقوعنک ... ازدواج ممنوعیت خلاف ... مقتضی ... کوستریلمسی ... محافظه
... زوجه‌سی ... شهادتنامه ... محالک ... ازدواج ممنوعیت خلاف ... وکالت ... اجرا ... وکیله ... ممنوعیت
... ایله ... عسکریه ... حالده ... اولدیغی ... ده شهادتنامه ... محالک ... اولاددن ... اولدیغی ... حاصل ... ازدواجدن ... مخالفت ... بیدی
... چوجقلری ... اولمیوب ... عودت ... ایلدکلرنده ... اولدیغی ... حسب ... وقوعیله ازدواج ممنوعیت خلاف ... خصوصی
... شرائطیله ... اجرا ... مکلف ... عسکریه خدمت ... عسکریه ... کذلک ... چوجقلری ... ایلرلو ... شهادتنامه ...
... خدمت عسکریه ... اولاد ... نسوان عثمانیه ... ازدواج ... ایلدکلری ... مقدم ... تاریخ ... نظامنامه‌نک بحثه
... بولوندقلری ... کیفیتک ... اصل ... موافقت ... اولدیغی ... اولوب ... ایدلمسی ... جواباً ... دیرلیکه
... کیفیتک ... اجراسی ... مقتضی ... سفارت سنیه‌یه ... اولدیغی ... معاملات ... لازم ... سفارتنامه‌یه

خارجیه نظارتی ... ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۰۵ و ۱۲ مارت ۱۳۰۴

... تبلیغ ... افندی ... ایلری ...

شمارهٔ سند: ٤٦٤

موضوع: وضع عسکریه اولاد ایرانی از زنان عثمانی

تاریخ: ۲۲ شعبان ۱۳۰۵ هـ. ق

کارتن: ۱۹

پروندهٔ: ۵/ح

ترجمهٔ مراسلهٔ سفارت کبری ایران در اسلامبول به باب‌عالی

مراسله جناب‌عالی مورخهٔ ۱۳ رجب ۱۳۰۵ نمرهٔ ۳ در باب قرارداد عدم ادخال اولاد ایرانی که قبل از نشر نظام‌نامهٔ مورخه ۲۳ شهر صفر ۱۳۰٤ دایر بر اخذ عسکری از رجال ایرانی و نسوان عثمانیه تولد یافته‌اند، و در خصوص اتخاذ تدابیر برای آتیه در محافظهٔ ممنوعیت ازدواج و متضمن اشعارات سایره واصل گردید، برحسب قراری که سابقاً در میانه داده شده و از صورت اشعار جناب‌عالی نیز مفهوم است. نظام‌نامهٔ مذکور به ماقبل خود شمول نداشته، محض بقای عقد در میان ایرانی که خلاف ممنوعیت با نسوان عثمانی ازدواج کرده‌اند. چنانکه به ممالک ایران تبعید خواهند شد با رضائیت زن به همراه بردن آن زن ممانعت نگردیده و اولاد ذکوری که از این تزوّج حاصل شده‌اند، در صورت ماندن آنها در خاک عثمانی به خدمت عسکریه مأخوذ و فقط محض اینکه به این مناسبت به تبعیّت اصلیّهٔ آنها خلل نیاید. به موجب قرار چنانکه از طرف سفارت کبری به واسطهٔ کارپردازان ایران به اتباع ایرانی اعلان گردیده. خواهشمندم که از طرف باب‌عالی نیز به جاهای مقتضیه اوامر و تعلیمات لازمه مرقوم فرمایید که مغایر قرار در حق ایرانی‌ها معامله نشود.

جانب سفارتدن جواباً یازیلان تقریرك صورتیدر

نومرو ٢٩

صفر ٣٠٤ تاریخلو اخذ عسکر نظامنامه سنك نشرندن اول عثمانلو قادینلردن تولد ایتمه اولاد ایرانی چوجقلرك خدمت عسکریه یه
ادخاللری قرارلشدیرلمه اولدیغی و بوندن بویله یالکز ممنوعیت ازدواجك محافظه سی حقنده اتخاذ بویورلجق تدابیره افادات سامیه یی
١٢ رجب ٣٠٥ تاریخلو واوج رقملو مذکره علیه لری مطالعه کذار خلوص اولدی اولجه صایه ده مقدر وجوبه اشعار عالی
تباهیدنده دخی اکملدیلر دیدیجه نظامنامه مذکورك ماقبله شمولی اولمیوب خلاف ممنوعیت نسوان عثمانیه ایله ازدواج ایدن
بدل عیانلرك کی عقد باقی اولمه اوزره ممالك ایرانیه تبعیه اولدقجقلری کی زوجه لرینی دخی بالرضا برابر کوتورمکه ممنوعیت
یعنی بو خصوصده تولد اولاد ذکورك سنه عسکریه دخوللرنده ممالك عثمانیه ده بولندقلری حالده خدمت عسکریه یه الحاقلری
فقط بو مناسبتله تبعیت اجدادلرینه خلل کلمه جکی جهتله بموجب قرار جانب سفارتدن ایرانه کاربرداز واطبیعه تبعه ایرانیه
ده اولدیغی کبی باب عالیدن اقتضا ایدن اوامر و تعلیمات لازمه نشر دولت ایرانیه حقنده مغایر قرار معامله وقوع کتورلمه
ابنیك استکمالی الحق سیاقنده ترقیم تقریر جوابی به احتمامات مانقصلك تاجیه تامینات صادره قرینی

فی ٢٢ شعبان سنه ٣٠٥ و ٢٠ نیسان سنه ٣٠٤

شمارهٔ سند: ۴۶۵

موضوع: حقوق اتباع ایران در عثمانی

تاریخ: ۱۳۰۵ هـ. ق

کارتن: ۱۹

پروندهٔ: ۴۶

نامهٔ معتمدالسلطان به معین الملک سفیرکبیر ایران در اسلامبول

به جناب معین الملک

می فرمایید جواب تلگراف مفصّل آخری را ندادید و صورت ختم مسئلهٔ قرعه را اطّلاع ندادید، اگرچه صدراعظم تلگرافی به بغداد کرده بوده است. ولی می دانید اینٔ تلگراف مسئله را ختم و قطع نمی‌کند چون یقین داریم که در این موقع حالیه سفرای روس و انگلیس خیلی همراهی دارند این است که به شما تأکید می‌کنیم که با همین قوّت عمل را ختم و تمام کنید که انشاءالله بعدها هیچ‌وقت اعاده و اسباب زحمت نشود، خاطر همایون از خدمت و زحمت جناب‌عالی همیشه راضی است بخصوص در این موقع بیشتر راضی و در مقام مرحمت است.

جواب زود معتمدالسلطان

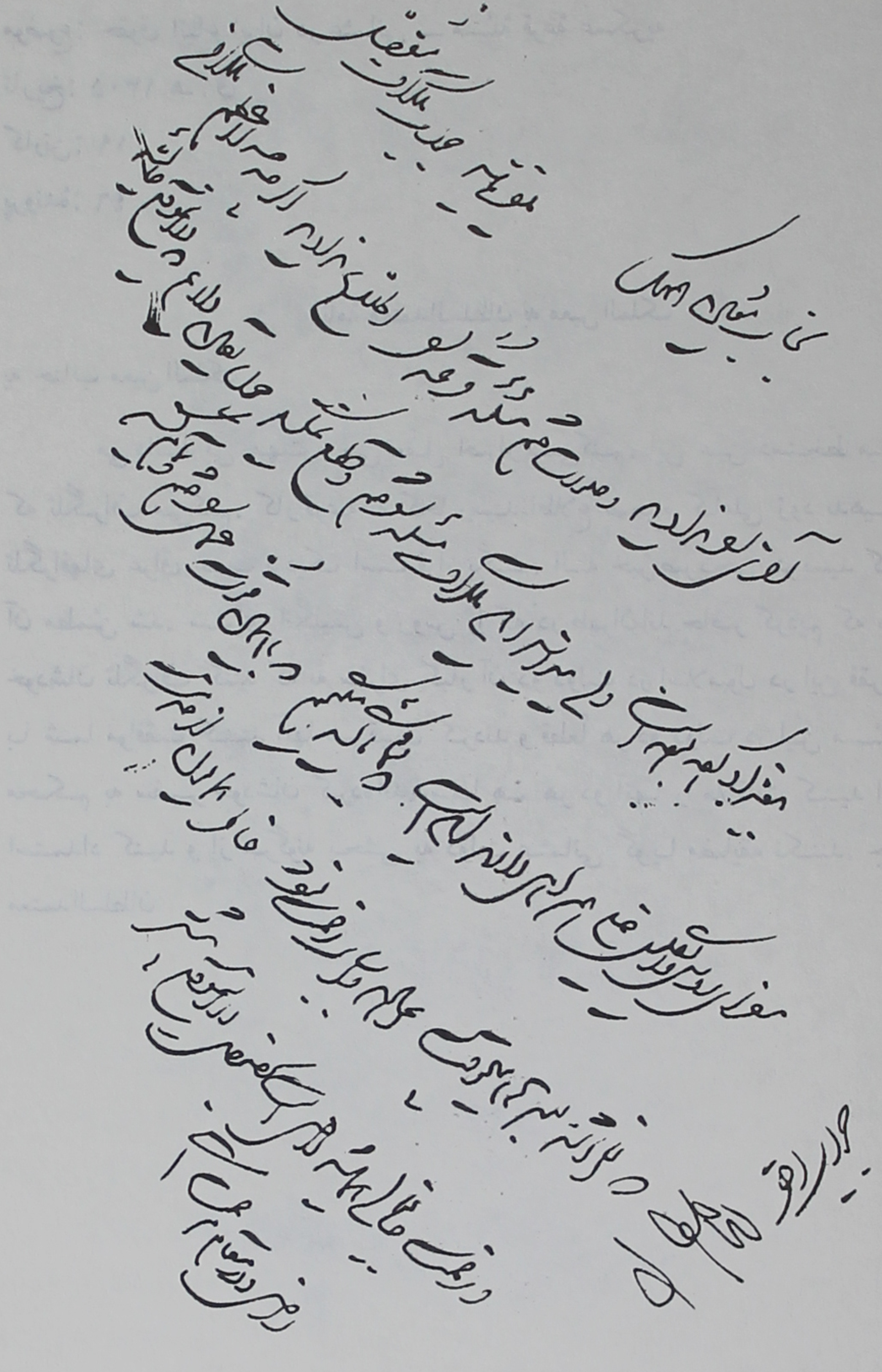

شمارهٔ سند: ٤٦٦

موضوع: حقوق اتباع ایران در عثمانی ــ مسئلهٔ قرعهٔ عسکریه

تاریخ: ۱۳۰۵ هـ . ق

کارتن: ۱۹

پروندهٔ: ٤٦

نامهٔ معتمدالسلطان به معین الملک

به جناب معین الملک

می دانید بی جهت و بی تعقّل اصرار نمی‌کنم، این عین دستخط مبارک است که تلگراف می‌کنم. کار قرعه به کجا رسید اطلاع صحیح کاملی زود بدهید از دست تلگرافهای عراق عرب نزدیک است فرار بکنیم. البته خبر صریحی بنویسید که بتوان از آن مطمئن شد. سفرای انگلیس و روس را که در طهران اند حاضر کردیم که به دولتهای خودشان تلگراف کنند که به سفرای کبار آن دو دولت در اسلامبول در این فقره بخصوصاً با شما موافقت کنند آنها هم قبول کردند و قطعاً هر دو دولت در این مسئله تلگراف محکم به سفیر خودشان کرده‌اند، شما هم هر دو آنها را ملاقات کنید از آنها هم استمداد کنید و از هرگونه بحثی به دولت عثمانی گویا مضایقه نکنند. جواب زود.

معتمدالسلطان

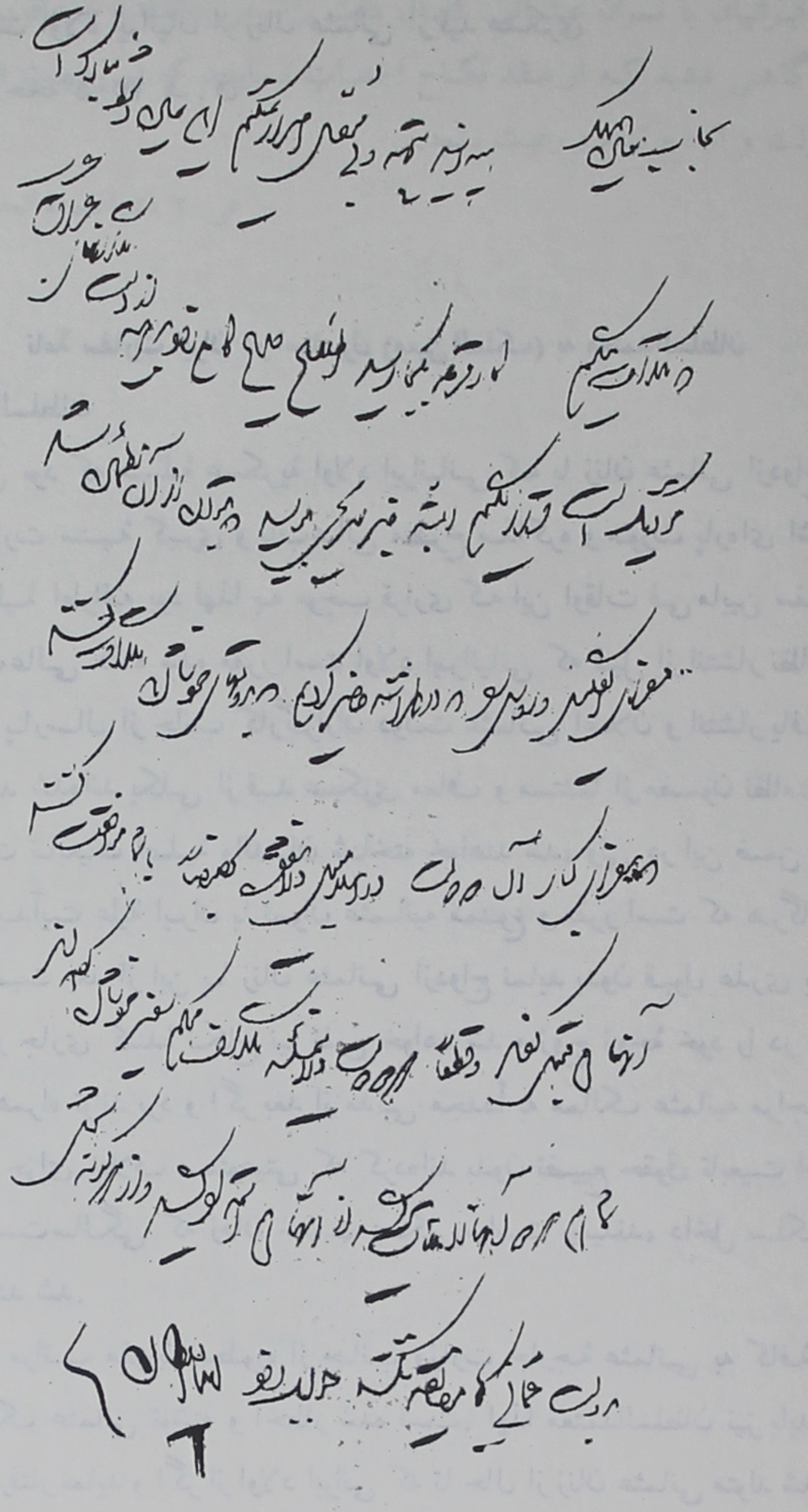

شمارهٔ سند: ٤٦٧
موضوع: معافیت اولاد ایرانیان از زنان عثمانی از قید عسکری
تاریخ: ۲ ذی‌حجه ۱۳۰۵ هـ . ق
کارتن: ۱۹
پروندهٔ: ۵/ح

نامهٔ سفارت ایران در استامبول (معین‌الملک) به معتمدالسلطان

جناب معتمدالسلطان

مدتی بود که مسئلهٔ عسکریهٔ اولاد ایرانیانی که با زنان عثمانی ازدواج نموده‌اند در میان سفارت سنیهٔ کبری و باب‌عالی مطرح مذاکره و مورث پاره‌ای اشکالات و شکایات متوالیهٔ اطرافیه بود لهذا به موجب قراری که این اوقات فی‌مابین سفارت سنیهٔ کبری و باب‌عالی داده شده مقرر است اولاد ایرانیانی که قبل از انتشار نظامنامهٔ اخذ عسکری که پارسال از جانب کارگزاران دولت عثمانی اعلان و انتشار یافته از زنان عثمانی متولد شده‌اند بکلی از قید عسکری معاف و مستثنا از مضمون نظامنامهٔ مذکور بوده، به صفت تابعیت اصلیهٔ والدشان شناخته خواهند شد، ولی در این ضمن امر ازدواج تبعهٔ دولت ابدآیت علیهٔ ایران با نسوان عثمانیه ممنوع و مقرر است که هرگاه کسی به خلاف ممنوعیت بعد از این با زنان عثمانی ازدواج نماید بدون قبول عذری به ممالک ایران تبعید و جاری کنندهٔ نکاح نیز نفی خواهد شد و زوج زوجهٔ خود را در صورتی که راضی باشد همراه تواند برد و اگر بعد از مدتی مجدداً به ممالک عثمانیه مراجعت نمایند اولاد آنان به جزای خلاف ممنوعیتی که کرده‌اند بدون تضییع حقوق تابعیت اصلیه وقتی که به سن بیست‌سالگی که زمان خدمت عسکریه است رسیدند، داخل سلک عسکری عثمانی خواهند شد.

چون مراتب مقررهٔ مسطوره از جانب وزارت خارجهٔ عثمانی به کافهٔ ولایات و ملحقات ممالک عثمانی نوشته و اخطار شده است، لهذا معتمدالسلطان نیز باید به موجب قرارداد مزبور رفتار نماید و اگر از اولاد ایرانی که تا حال از زنان عثمانی متولد شده به سلک عسکری ادخال کرده‌اند به موجب قرار مشروح واپس گرفته و هرگاه حکومت محلیه در این باب اظهار عذر و اشکالاتی نماید، بدون حالت معطلی چگونگی را به سفارت سنیهٔ

کبری اشعار دارید که به اجرای ایجاب آن اقدام شود و همچنان در منع عقد نکاح فی مابین ایرانیان با نسوان عثمانی کمال دقت را مرعی داشته و به عاقدین نیز از مراتب مسطوره آگاهی دهید که از عقد نکاح اجتناب نمایند که بی جهت اسباب زحمت اولیای دولت و ازعاج تبعه و رعیت نشود.

فی ۲ ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۰۵

معین الملک

سفارت کبرای اعلیحضرت شاهنشاه ایران
در اسلامبول
شماره

جناب معتمد السلطان

مدتی بود که مسئلهٔ عسکریهٔ اولاد ایرانیانیکه با زنان عثمانی ازدواج نموده اند در میان سفارت سنیهٔ کبری و باب عالی مطرح مذاکره و موجب پارهٔ اشکالات و شکایات متوالیهٔ الطرفین بود لهذا بموجب قراریکه این اوقات فیما بین سفارت سنیهٔ کبری و باب عالی داده شده مقرر است اولاد ایرانیانی که قبل از انتشار نظامنامهٔ اخذ عسکریکه پارسال از جانب کارگذاران دولت عثمانی اعلان و انتشار یافته از زنان عثمانی متولد شده اند کلی از قید عسکری معاف و مستثنا از مضمون نظامنامهٔ مذکور بوده بصفت تابعیت اصلیهٔ والدشان شناخته خواهند شد ولی در این ضمن امر ازدواج تبعهٔ دولت ابد آیت علیهٔ ایران با نسوان عثمانیه ممنوع و مقرر است که هرگاه کسی بخلاف ممنوعیت بعد از این با زنان عثمانی ازدواج نماید بدون قبول عذری بممالک ایران تبعید و جاری کنندهٔ نکاح نیز نفی خواهد شد و زوج زوجهٔ خود را در صورتیکه راضی باشد همراه تواند برد و اگر بعد از مدتی مجدداً بممالک عثمانیه مراجعت نماید اولاد آنان بجزای خلاف ممنوعیتی که کرده اند بدون تضییع حقوق تابعیت اصلیه وقتیکه بسن بیست سالگی که زمان خدمت عسکریه است رسیدند داخل سلک عسکری عثمانی خواهند شد.

چون مراتب مقررهٔ مسطوره از جانب وزارت خارجهٔ عثمانی بکافهٔ ولایات و ملحقات ممالک عثمانی نوشته و اخطار شده است لهذا معتمد السلطان نیز باید بموجب قرار داد مزبور رفتار نماید و اگر از اولاد ایرانیانیکه تا حال از زنان عثمانی متولد شده بسلک عسکری ادخال کرده اند بموجب قرار مشروح واپس گرفت و هرگاه حکومت محلیه در این باب اظهار عذر و اشکالاتی نماید بدون حالت معطلی چگونگی را بسفارت سنیهٔ کبری اشعار دارید که باجرای ایجاب آن اقدام شود و همچنان در منع عقد نکاح فیما بین ایرانیان با نسوان عثمانی کمال دقت را مرعی داشته و بعاقدین نیز از مراتب مسطوره آگاهی دهید که از عقد نکاح اجتناب نمایند که بجهت اسباب زحمت اولیای دولت و انزعاج تبعه و رعیت نشود

۶ ذی الحجة الحرام ۱۳۰۵ — معین الملک

شمارهٔ سند: ٤٦٨

موضوع: دستورالعمل به مأمورین ایران مقیم عثمانی

تاریخ: غره جمادی‌الثانی ۱۳۰۹. ق

کارتن: ۲۱

پروندهٔ: ــ

دستورالعمل در مراقبت امور تجار و تبعه، و دعاوی آنان، مسئلهٔ تابعیت، اموال متوفی، ورثه، اسناد تجاری و گمرکی، و حمایت از مسافرین و...

(از شاهزادگان عظام و وزرای فخام و عمله‌ٔ خلوت همایونی و بعضی از)
(سادات و علماء ذوی العز و الاحترام که بزیارت بیت‌الله)
(الحرام و مشاهد مقدسه مشرف می‌شوند)
(هیچ وجه چیزی نباید بگیرند .)

صورت تعرفه وجه اقسام تذکره و وجه امضاء تذکره و سایر
بقرار ذیل است .

تذکرهٔ اقامت درجهٔ (اول)	یکصد غروش
تذکرهٔ اقامت درجهٔ (دوم)	پنجاه غروش
تذکرهٔ اقامت درجهٔ (سوم)	بیست غروش
تذکرهٔ مرور فرانسهٔ	پنجاه غروش
تذکرهٔ مرور فارسی	پنجاه غروش

از بابت علم و خبر تذکرهٔ مرور وجه امضا	ده غروش
در ارضروم و طربزون	پنج غروش
در اسکندریه	ده غروش
در جده	پانزده غروش
در شام و حلب	ده غروش
در خانقین	ده غروش
در بغداد	پنج غروش

(در سایر جاها که اسامی آنها در این تعرفه)
(ذکر نشده است نباید چیزی بدهند .)

تصدیق مهر و وکالت و امضا	بیست و پنج غروش
روتت بونه و بروات	پنجاه غروش
(علم و خبر املاک)	
الی مبلغ پنجهزار غروش	پنجاه غروش
الی مبلغ هفتهزار و پانصد غروش	هفتاد و پنج غروش
متجاوز از مبلغ فوق	یکصد غروش
رسم مقرری از تحصیلات ترکه و غیره درصدی	شش غروش
بجهة ابلاغ اعلامات	بیست غروش

دستورالعمل مأمورین دولت علیهٔ ایران متعینین ممالک دولت علیهٔ عثمانیه

باید مواظبت نمائید که امور تجار وتبعه کمال پیشرفت راداشته ازهرجهه آسوده ومرفه الحال باشند . و اگراشکالاتی درایام توقف آنها در محل مأموریت شما بظهور رسید واقدامات سفارت کبری لازم باشد باید بدون حالت معطلی بسفارت اظهار نمائید .

هرمطلبی که بسفارت اظهارمی نمایند باید مبهم وغیر معین نباشد باتاریخ واسامی اشخاص معین کرده بنویسید درفلان روز درفلان تاریخ از فلان شخص بفلان آدم تبعهٔ ایران مقیم فلان محل فلان قسم بی اعتدالی وارد آمد .

باید باکار گذاران محلیه کمال دوستی والفت بهم رسانیده پیشرفت امور اتفاقیه را بدستیاری آنگونه محبت و خصوصیت انجام داد و دچار مشکلات نباید کرد .

برای قطع دعاوی فیمابین دونفر تبعهٔ ایران درکارپردازخانه باید مجلس محاکمه مرکب ازدو نفر اجزاء ویکنفرمنشی بجهة نوشتن ضبط وثبت محاکمه ترتیب داده بشود که امور عمده بحضور مدعی علیه ویاوکلای آنها درهمان مجلس رسیدگی وقطع وفصل شده درحالت لزوم باعلام مقتضی آن ربط بشود .

این اجزاء را باید تبعه وتجار که در تحت ادارهٔ شماهستند خودشان باختیار انتخاب نمایند. بایمعنی بحکم قرعه هشت نفر اجزاء انتخاب نمایند ازین هشت نفر هر دونفر سه ماه هرهفته در محکمه حاضرشده بریاست شمابامور تبعه رسیدگی نمایند بعد از انکه نوبهٔ دو نفر تمام شد دو نفر دیگر در مدت سه ماه مشغول رسیدگی امور بشوند هکذا بالمناوبه الی آخرسال.

اگر یکی از مدعی و مدعی علیه راضی بقراردادنشد استینافا حق مراجعت بسفارت کبری دارند دراینصورت لازم است همان شخص که مطلب خودرا بسفارت کبری رجوع بکند یاشخصا و یایکنفر رابا سواد اسناد خودکه بمهر کارپردازخانه ممهور شده باشد بانضمام اعلام مجلس محاکمات قونسلگری عازم اسلامبول بشود که درديوان استیناف سفارت کبری موافق قانون احقاق حق کرده علاوه بر رسیدگی امور تبعه وحفظ حقوق آنها باید عموم اتفاقات را بسفارت کبری راپورت نمایند خاصة اموری راکه راجع بسرحد واماکن قریب بسرحد باشد و باید آن راپورت ازروی ماخذ صحیح وموثوق باشد .

برای اینکه شما و تبعهٔ دولت علیهٔ ایران حقوق وتکالیف خودرا معینا بدانید تعرفهٔ جداگانه فرستاده شد که باید در دفترخانهٔ خود تان گذاشته ازروی آن معامله نمائید واگر برخلاف آن تعرفه وجهی گرفته شود مورد مؤاخذه خواهید شد که آخرین درجهٔ آن معافی شما از شغل حالیه خواهد بود .

اشخاصی که ازتبعهٔ ایران میخواهند تبعیت عثمانیرا قبول نمایند باید اولا علت تبدیل تابعیت رامعلوم کرده ورفع آن علت را نمود وثانیا دولت عثمانی بدون سؤال ازمامور دولت ایران وتحقیق حالت همان شخص نمیتواند اورابتابعیت قبول کند باید محقق ومعلوم شود که شخص مزبور در تحت محاکمه ومسؤلیت نبوده موافق قانوننامهٔ تابعیت مدت پنجسال علی التوالی درخاک عثمانی اقامت نموده وشروط نظامنامه را کاملا مجری داشته است دراینصورت شمابدون مراجعت بسفارت کبری نباید جوابی بسؤال حکومت بنویسید وآوقت هم که کیفیت را بسفارت اظهار مینمائید باید بطور وضوح اسم ومحل توطن وکسب ونوع همان شخص رابنویسید که کیست وکجایی است وچه قدر مدت است که در خاک عثمانی توقف داشته ومشغول چه کسب وکار است واگر برخلاف شروط مزبوره دولت عثمانی کسی را به تبعیت قبول کرده تذکره داد بوجهی قبول نکرده فورا بسفارت اطلاع بدهید.

درباب اموال متوفی اگر ورثه و یا وصی او حاضر است باید اموال و اشیاء را باستحضار چند نفراز موثقین ومعتبرین همان محل سیاهه کرده ودر دفتر کارپردازخانه ثبت وباستحضار همان چند نفر بورثه ووصی اوبالتمام ترکه رارد نموده قبض وصول بگیرد و ضبط نماید ولازم است که آن سیاهه را اول وقبض وصول را همان چند نفر باید مهر وامضا نمایند واگر مدعی دارد باید در مجلس محاکمه باستحضار وحضور اجزاء رسیدگی کرده درصورت ثبوت شرعی ادعا از ترکه حق مدعی را از وراث یا وصی گرفته تسلیم نمائید اگر درمحل وفات متوفی ورثه ووصی نباشد باید باز باستحضار چند نفر معتبرین ترکه را سیاهه کرده صورت مجلس بمهر آنچند نفر نوشته ترکه رادرمحل امن نگاه بدارید وصورت همان سیاهه را بسفارت بفرستید که بوراث اطلاع داده شود که ترکه خود شانرا آمده تسلیم بگیرند باید کمال دقت را درجمع وحفظ ترکه بعمل بیاورید.

درباب قسمت ترکهٔ بعضی اشخاص هریکی ازوراث مدعی تبعیت عثمانی شده رجوع بدیوانخانه‌های عثمانی کرده انجام کارخود را از آنجا میخواهد این خلاف مقاوله‌نامه است همینکه متوفی ایرانی شد تحریر وتقسیم آن منحصر بمامور ایران است خواه ورثه رعیت ایران باشدوخواه رعیت خارجه باشد هیچ تفاوت نمیکند مداخلهٔ حکومت عثمانی بهیچ وجه من الوجوه بعمل ترکه جایز نیست منتها این است املاک وعقار را باید مامور ایران موافق نظامنامهٔ عثمانی تقسیم بکند اگرکارگذاران عثمانی دراینباب بخواهند مداخله نمایند راضی نشده فورا ازکیفیت بسفارت اطلاع بدهند تا حکم لازم صادرشود .

اسنادی که تجار بگمرکخانهٔ عثمانی میدهند باید ابتداءً باطلاع مامور ایران برسانندومامور اطراف کاررا درست ملاحظه نماید که مخالف مضامین عهدنامه ومقاوله نباشد اگر صحیح وبی عیب شد تصدیق نماید والاقدغن کنیدآن سندرا قبول نمایند .

ازمسافرین باید نهایت حمایت را کرده نگذارید قواص وسایر اجزاء کارپردازی زیادتی بانها بکنند واگر از آنها بشکایت آمدندباید رسیدگی کرده بمقصر تنبیه کامل نمائید واگرقواص واجزاء کارپردازی ویاخود کارپرداز زیادتی بانها بکند و بدرجهٔ ثبوت برسد بدون سؤال وجواب آن کارپرداز یا اجزاءاخراج ازماموریت خود خواهد شد .

پول تمتع که دولت عثمانی مطالبه واخذمی کند بایدبنام اصنافیه داد یعنی فقط اشخاصی که بکسب وصنعت مشغول باشند. تجار وزراع وفعله‌ازان مستثنی هستند آنهانباید بدهند .

وهرگاه مأمورین دولت مشارالیها مطالبه بکنند نباید قبول نمائید .

فی غرهٔ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۰۹

شمارهٔ سند: ۴۶۹
موضوع: قتل قضات ساوجبلاغ
تاریخ: ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۱۱.ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ـــ

سواد تلگراف از طرف حضرت اشرف اسعد والا ولیعهد کیوان‌مهد روحی فداه به صدارت عظمی

جناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم، تلگراف رمز مفصّل جناب شما رسید از تفصیل اطلاع حاصل آمد. در باب قضات ساوجبلاغ اولاً قاتل آنها که عزیز نام است علی التحقیق در خاک عثمانی در محال بی یون در قریهٔ کلک در خانهٔ اللهآقای رمک است، و چون مشارالیه از طایفهٔ ده‌بکری است حرف قضات این است که مُحرّک قتل همهٔ آقایان ده‌بکری است که رأس رئیس آنها قادر آقای سرتیپ است که معروف حضور همایونی است که خود او و بنی اعمام او چقدر محلّ ملاحظه هستند و خیلی تفصیل دارند اوقاتی که این قضیه در ساوجبلاغ اتفاق افتاد حکومت خواسته بود برای ترضیهٔ قضات اقدامی کند، همه به هیئت اجماع متوهّم شده به تبریز آمدند در بقعهٔ سیدحمزه مُتحصّن شده بودند و حرفشان این بود که اگر یک نفر نکره از طایفهٔ ما که مطرود ما بوده است مرتکب امر قتل شده و فرار کرده است چه ربطی به ما دارد و دور نبود که آنها هم همان عنوانات قضات را در باطن می‌کردند، که همه صاحب قبیله و سوار هستند با چه زحمت آنها را از بست بیرون آورده به طور خوف و رجا به اتفاق علی اکبرخان سرتیپ روانه ساوجبلاغ کردم و احکام نوشته شد که در آنجا به طوری مابین آنها و حضرات التیام داده شود، دیروز نیز من شرح مفصلی به امیرتومان تلگراف کردم و او مشغول این کار است جواب مفصل هم داده بود و شرحی هم جناب قائم‌مقام به توسط امیرتومان به طورهای خوب به قاضی ها تلگراف کرده این تلگراف هم که در ذیل مخابره می شود از علی اکبرخان سرتیپ کارگزار الآن رسید انشاءالله امروز و فردا امیدوارم این کار و این غائله به طور خوب رفع بشود. ثانیاً از مراتب اطلاع خواهم داد. شرح تلگراف علی اکبرخان این است: «عزیز قاتل برادر قاضی در خاک عثمانی در محال پتون

[بی یون] در قریهٔ کلک در خانهٔ اللهآقای رمک است چاکر در اینجا به دستیاری و تقویت حکومت در اصلاح خون و غیره مشغولم و امیدم ختم فوری است برادر قاتل به خاک ایران آمده و برگشته است. علی اکبر»

همین مضمونها از آقاخان امیرتومان تلگراف بود و به قاضی ها کاری نشده محض اینکه صدمه به آقایان برسد و گوشمالی داده شود آن عنوانات را کرده‌اند و البته ترضیهٔ آنها به عمل خواهد آمد. ولیعهد

۱۲ جمادی الاولی ۱۳۱۱

سواد تلگراف از طرف حضرت اشرف اسعد والا ولیعهد گردون رفعت روحی فداه

صدارت عظمی

جناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم تلگراف مفصل جناب مشارالیه از تفصیل اطلاع حاصل آمد
در باب قضیه ساوجبلاغ اولاً قاتل آنها در عزیز نام است علی التحقیق در خاک عثمانی در محال لیلان بود
در قریه کلک در خانه الله آقای رئیس کلک است و چون مشارالیه از طایفه دهبکری است حرف
قضیه این است که محرک قتل همه آقایان دهبکری است که رئیس رئیس آنها قادر آقای رئیس ایل است
که معروف حضور همایونی است که خود او و بنی اعمام او چه قدر رعیتی ملاحظه هستند و خیلی
تفصیل دارند از قاتلی را این قضیه در ساوجبلاغ اتفاق افتاد حکومت خواسته بود
برای ترضیه قضات اقدامی کند همه به هیئت اجماع متوحش شده به تبریز آمده
در بقعه سید حمزه متحصن شده بودند و حرفشان این بود که اگر یکنفر نفره از طایفه ما مطرود بوده
است مرتکب این قتل شده و فرار کرده است چه ربطی به ما دارد و ما از منسوبین نبودیم
آنها هم همان خونبهای قضات را در باطن نمیکردند و همه صاحب قبیله و سوار هستند
با چه جهت آنها را از بست بیرون آورده بطور خوف و رجا باتفاق علی اکبر خان
سرتیپ روانه ساوجبلاغ کردم و احکام نوشته شده در اینباب بطوری که مابین آنها
و حضرات التیام داده شود دیروز نیز شرح مفصلی با سرتیپ تلگرافی گفتگو کردم
و او مشغول این کار است جواب مفصل هم داده بود و شرحی هم جناب قائم مقام

بتوسط امیر تومان نظر به‌های خوب تقاضی‌ها تلگراف کرده این تلگراف هم که در دنبالش فهمیده میشود از علی‌اکبر خان
ترتیب کار کند از الان رسیده است لهذا امروز و فردا امید دارم این کار و این غائله بطور
خوب رفع شود ثانیاً از نزاکت و اطلاع خواهم داد شرح تلگراف علی‌اکبر خان اینست
(عزیز قاسمی برادر قاضی در خاک عثمانی در مهمانی پتوان در قریهٔ گلک در خانه اسمعیل آقای
رنگ است چاکر در اینجا به بستیاری و تقویت حکومت در اصلاح خون و غیره
مشغولم و امیدم ختم فوری است برادر قاسمی تنباک ایران آشتی و درگشت است علی‌اکبر)
همین مضمونها از آقا خان امیر تومان تلگراف بود و تقاضی‌ها کاری نشده محض
این فرصت هم به آقایان برسد و گوشمالی داده شود آن عنوانات را کرده‌اند
والبته ترضیه آنها معین خواهد آمد ولیعهد ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۱۱

شمارهٔ سند: ٤٧٠
موضوع: ارسال سیگار
تاریخ: جمادی‌الاول ۱۳۱۱. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ:

نامهٔ ولیعهد (مظفرالدین میرزا) به ناظم‌الدوله

جناب جلالت‌مآب ناظم‌الدوله، مدتی شد که از آن جناب عریضه نرسید و بکلی ما را فراموش کردید چه می‌کنید احوالتان چه طور است، به اقتضای عنایت و مرحمت خاصی که نسبت به شما داریم همیشه می خواهم نوشتجات شما برسد و از مجاری حالات خودتان و بعضی وقایع آن صفحات که استحضار من لازم است اطلاع بدهید آدرس سقاری را در لف فرستادم از این سیگار پانصد عدد برای من بفرستید.

امضا و مهر ولیعهد. شهر جمادی‌الاولی ۱۳۱۱

جناب جلالتمآب ناظم الدوله مدظله العالی در اراک جناب عریضه رسید

ولکن ما را فراموش کرده‌اید چه می‌کنید احوالات چه طور است باقتضای عنایات و مرحمت

خاصی که نسبت بشما دارم همیشه میخواهم از سلامت شما آثار را دارم و جای ماست حفظ آن

و بعضی وقایع اتفاقات را مختصراً مرقوم دارید اطلاع بدهید در اراک

سه قالی در لیف فرستادم از اراک که برای پانصد عدد برای ... که ... شهر ... الدوله

۱۳۱۱

شمارهٔ سند: ۴۷۱
موضوع: رفتار شهبندر عثمانی مقیم ساوجبلاغ
تاریخ: ۱۳۱۱ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ:

سواد تلگراف حضرت ولیعهد (مظفرالدین میرزا) که به سفارت عثمانی فرستاده شد

تلگرافی از آقاخان امیرتومان راجع به شهبندر دولت علیهٔ عثمانی مقیم ساوجبلاغ رسید شرح آن را ذیلاً درج می‌نمایم و لازم است که با سفارت کبرای دولت علیه عثمانی مذاکره نموده تغییر شهبندر مزبور را جداً بخواهید که این گونه رفتار مشارالیه منافی اتحاد دولتین علیتین است و هرگاه به جهت این حالت او و تخطی که از حدود مأموریت خود دارد حادثه اتفاق بیفتد حکومت ساوجبلاغ مسئول نخواهد بود و به شرحی که آقاخان به خود شما تلگراف کرده بود، حاجی اسمعیل تبعهٔ مسلمهٔ دولت علیه و مالیات‌بده است امسال هم مالیات خود را داده است، شرح تلگراف آقاخان این است. در باب حاجی اسمعیل تاجر تلگرافی از حضرت صدارت عظمی رسیده بود به خاکپای مبارک هم جسارت نموده مفتخر به جواب آن نشد، حالا آناً فاناً مادهٔ فساد در تزاید است عن‌قریب است که حکایت سنندج در اینجا ظهور نماید شهبندر صریحاً می‌گوید که یا حاجی اسمعیل را باید خلاص نمایید و یا آنکه مفسده خواهم کرد. حالا تکلیف چاکر را معیّن فرمایید که از آن قرار رفتار شود. و بالضروره جسارت می‌نماید که هرگاه در رفع شرّ این شخص اقدام فوری نشود باید یک دفعه ساوجبلاغ را به اینها سپرد. الجمله تبعهٔ متمرده که تبعید شده بودند، اکثری از آنها مراجعت کرده در دور شهبندر جمع گشته این وکیل شهبندر طبعاً و یا به سایر ملاحظه حاضرالمفسده است محض استحضار جسارت نمود تا اینجا تلگراف آقاخان بود. ولیعهد به جای آن چند کلمه که خط روی آن کشیده‌اند در سواد ارسالی به سفارت این طور نوشته شد «اساس امنیّت ساوجبلاغ بکلی مختل خواهد شد»

سواد دستخط همایونی

هنوز کار شهبندر کردستان تمام نشده به جایی نرسیده شهبندر ساوجبلاغ به میان

می آید این چه وضعی است شهبندرها این طور می‌کنند اینکه وضع دوستی و رفتار نمی‌شود. البته خودتان سفیرکبیر را بخواهید و حضوراً با او حرف بزنید و این تلگراف را بدهید بخواند و بگویید قانون دوستی که این نیست، این کارها را عمداً یا سهواً می‌کنند البته فکری در باب این شهبندرها بکنید بعلاوه مفصل هم به ناظم الدوله با پست و منحصراً با تلگرافِ اطلاع بدهید که این فقره را آنجا با باب‌عالی حرف‌زده قرار کار را بدهد تبعهٔ متمردهٔ ایام ایزک‌بیک را حالا از کرکوت (کرکوک) و موصل آوردن و دور خود جمع کردن یعنی چه این کارها خیلی بد است البته زود سفیر را ملاقات کرده، حضوراً حرف بزنید به اسلامبول هم تلگرافاً و مکتوباً بنویسید که تولید زحمتی نشود، سواد این دستخط مبارک دیگر به سفارت فرستاده نشد.

سواد تلگراف حضرت ولیعهد به سفارت عثمانی فرستاده شد

تلگرافی از آقاخان ایروانی راجع به شهبندر دولت علیه عثمانی مقیم ساوجبلاغ رسیده شرح آن از قرار ذیل درج می‌نمایم

و شنیده‌ام است به سفارت کبرای دولت علیه عثمانی هم اظهار نموده تغییر شهبندر مزبور را جداً بخواهید که اینگونه

مشارالیه منافی اتحاد دولتین علیتین است و هرگاه بخواهد این حالت او و تحملی که از حدود مأموریت خود دارد

اتفاق تبعه حکومت ساوجبلاغ مشغول نخواهد بود و شرحی به آقاخان نوشته که تلگراف کرده بود حاجی الیاس بیک شهبندر

دولت علیه و مأموریت بده است اعمال هم نمایش خود را داده است شرح تلگراف آقاخان این است آن نشد در باب

حاجی الیاس بیک چو تلگرافی از حضرت صدارت عظمی رسیده بود که کارهای مبارک هم جسارت نموده مشغول به جواب آن بشود

مدام آقایان [illegible] ماده فساد در ترازو است عنقریب است به حکایت سنندج در اینجا ظهور نماید شهبندر حرکات قرار داده

به حاجی الیاس بیک را باید ملاحظه نمایند و یا اگر نه بنده خواهم کرد حالا تکلیف چاکر را معین فرمایند دوام استقرار

و بالضروره جسارت می‌نماید هرگاه در رفع شر این شخص اقدام فوری نشود باید تکیه‌ای در ساوجبلاغ را به نهایت

تبعه مستمره به تبعیت بوده‌اند اکثر از آنها مراجعت کرده در دور شهبندر جمع گشته این وکیل شهبندر

ملاحظه حاضر الحضره است محض اطلاع جسارت نمود تا این تلگراف آقاخان بود ولیعهد

بجای آن چند کلمه خط روی آن کشیده‌اند در سواد ارسالی سفارت انگلیس نوشته شده (الان امنیت ساوجبلاغ

بکلی مختل خواهد شد)

سواد دستخط همایونی

هنوز کار شهبندر کردستان تمام نشده به جائی نرسیده شهبندر ساوجبلاغ بمیان می‌آید این چه وضعی است شهبندرها وای

انگلیس را سکینه این وضع درستی در کار نمیشود البته خودتان سفیر کبیر را بخواهید و حضوراً با او حرف بزنید قدری

تلگراف را به او بخوانید و بگوئید قانون دوستی این نیست انگلیس ما را عمداً بیهوا می‌کنند البته

در باب این شهبندر ما بخیه [illegible] شخصی هم به ناظم الدوله با [illegible] و حضوراً با تلگراف اطلاع بدهید

برای حضرت ربانی با جانب حرف زنید قرار کار را به هر شعبه مستمر دهیم این کمیته را عائد

از گذشت و موضوعی آوردن و خود جمع کردن یعنی چه اینها را جمع به است اثر زود نیز را

ملاقات کرده حضوراً حرف بزنید با سه سبیل هم تلگراف و مکتوب بنویسید به ترتیب زحمت نشود

مراد این دستخط مبارک دیگر نیابت فرستاده شد

شمارهٔ سند: ۴۷۲
موضوع: دستگیری محمد اهرابی
تاریخ: ۱۳۱۱ ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ:

نامهٔ مظفرالدین میرزا ولیعهد به صدراعظم (امین السلطان)

جواب

جناب مستطاب اجل اشرف اکرم صدراعظم، در باب اظهارات سفارت عثمانی در فقرهٔ محمد اهرابی و اوامر مبارکه که در دستگیری مشارالیه و استرضای باش شهبندری و سایر مقرر فرموده اند، اطلاع حاصل آمد.

اولاً، که چندین سال است که آن وضعهای سابق در تبریز موقوف شده مخصوصاً قبل از وقت هرسال قدغن مجدد نیز می شود، امسال هم کاری و چیزی نشده بود، اولاً این محمد اهرابی حالت جنونی دارد که با این حالت سوء دویت و جنون معروف است و چند سال قبل خواسته بود پدرش را بکشد و پدرش لابداً او را از اولادی خارج و از خانه اش بیرون کرده از قضا در روز نهم بعلاوهٔ آن حالتی که دارد مست هم بوده و طپانچه که گفتند به هوا می انداخته بلافاصله انور افندی با کالسکه رسیده گلوله به اسب کالسکهٔ او خورده، از آنجا رد شده چند تیر هم به طرف پدرش خالی کرده و پدرش با زحمت تمام خلاص شده دررفته همین که از مراتب اطلاع حاصل شد برای تعاقب و دستگیری او آدم فرستاده شد و چون در آن روز مخصوص آن کار را کرده بود، کسی تعصباً جای او را نشان نداده و پنهان داشتند بعد از تجسّس زیاد خبر آوردند که رو به طرف مراغه فرار کرده، همان آن مأمور را فرستادم به دست نیامد و الآن هم در تجسّس هستند و البته پیدا خواهد شد و اجرای تنبیهات لازمه در حق او خواهد گردید و اینکه به حضور مبارک عرض کرده اند که عین الدوله در آن شب ضیافت و مجلس عیش داشته برخلاف واقع و اشتباه عرض کرده اند. اولاً عین الدوله در شب نهم مهمانی نداشته، روز دهم از من مهمانی کرده و خودم آنجا بودم اسباب عیشی نبود و خواسته اند به اظهارات خود پیرایه بدهند، آن طور عرض کرده اند. مخصوصاً خود باش شهبندر مراقبت مرا در دستگیری محمد می داند حتی قبل از روز مولود حضرت ختمی مآب علیه السلام برحسب

اظهار خود او که به مستشارالدوله گفته بود دلجویی از او بشود. به صوابدید مستشارالدوله میرزا ابوالفتح‌خان منشی‌باشی خودم را به باش‌شهبندری فرستاده احوالپرسی کرده و تأکیدات خودم را در دستگیری محمد و اجرای تنبیه لازمه دربارهٔ او پیغام دادم و خیلی اظهار امتنان کرده بود به مستشارالدوله هم به جهت فرستادن میرزا ابوالفتح‌خان خیلی اظهار رضامندی و خوشنودی کرده و از بیانات او اظهار امتنان کرده، روز عید مولود نیز با کمال دلخوشی نزد من آمد و مفصلاً با او صحبت کردم و با نهایت ممنونی برگشت و مقصود این است که این کار از سوء اتفاقات شده و معایب آن همان طور است که جناب شما اظهار نموده‌اید و خیلی بد شده و من خودم خیلی در این فقره و این سوءاتفاق متأسف هستم معایب و نتایج آن هم معلوم است انشاءالله من‌بعد بیشتر از سنوات ماضیه مراقبت خواهد شد که از این وقوعات دیگر به ظهور نرسد. ولیعهد

جواب

جناب جلالتمآب اجل اشرف اکرم صدراعظم در باب اظهارات سفارت عثمانی در فقره محمدامین

وارد امر نامبارکه در دستگیری مشارالیه و استرضای باش شهبندری و سایر مستقر فرموده اند اطلاع

حاصل کنید آنچه از اینکه چند سال است که آن وضعهای سابق در تبریز موقوف شده مخصوصاً

قبل از وقت هر سال قدغن مجدد و تنبیه امسال هم کاری و چیزی نشده بود اولادی محمدامین ابله

حالت جنونی دارد که با این حالت سوداویت و جنون سر و دست و چند سال قبل خواسته بود

مدرس را بکشد و مدرس او را نگاه داشته از اولادی خارج و از خانه اش بیرون کرده از قضا در روز نهم

بعادت اینکه دارد دست هم برده و طپانچه که کشیده بهوا می اندازد بعد فاصله انور افندی

با کالسکه رسیده گلوله با اسب کالسکه خورده از این رو چند تیر هم بطرف مدرس خالی کرده و مدرس

با زحمت تمام خلاصی شده در رفته همه که در مراتب اطلاع حاصل کردید برای توقیف و دستگیری او

کرده فرستادم و چون دراز روز مخصوص این کار را کرده بود کسی متعجب جای او را نشان نداده و پنهان

داشته بودند تا آنکه بالاخره خبر آوردند که رو بطرف مراغه فرار کرده همان آن مأمور را فرستادم و بیست

با مردانه هم در تعقیبش همیشه و البته به اخراج او اجرای تنبیهات لازمه در حق او خواهد آمد

و اینکه بسفارت عرض کرده اند که علاء الدوله در آن شب ضیافت و مجلس عیش داشته برخلاف

واقع و اشتباه عرض کرده اند آنچه که علاء الدوله در شب نهم مهمانی نداشته روز دهم از طرف

مهمانی کرده و خصم این بودم اسباب عیش بود و خواسته اند با اظهارات خود برای بر ...

الطور عرض کرده اند مخصوصاً خود باش شهبندر مراقبت مرا در دستگیری محمد میرزا حسن قبل از

روز مولود حضرت حسن امام علیه السلام رجب اظهار نموده که ... گفته بود

دلجوئی از او شد بصوب تبریز رکن الدوله میرزا ابوالقاسم خان منشی باشی خودم را با منشی شهبندری فرستادم

احوالپرسی کرده و تأکیدات خودم را در دستگیری مجرم و اجرای تنبیه لازمه در باره او پیغام دادم

و خضوع اظهار امتنان کرده بود تشریف رکن الدوله هم بجهت فرستادن میرزا ابوالقاسم خان خضوع اظهار رضامندی

و خشنودی کرده و در نهایت ادب اظهار امتنان کرده و در عید مولود نیز با کمال دلخوشی نزد من

آمده و مفصلا با او صحبت کردم و با نهایت ممنونیت برگشت و مقصود اینست که این کار از نوع اتفاقات

شده و سعادت آن جنابها منظور است که جناب شما اظهار نموده که و چنانچه بر شما و حق خودم خضوع از احترام

و این گونه اتفاق شاید نیفتد. هم سعادت و شأن آنهم معلوم است الان از مرتبه بیشتر از سنوات

ماضیه مراقب خواهم بود که از این و وقت دیگر بظهور نرسد والسلام

شمارهٔ سند: ۴۷۳
موضوع: دستگیری محمدنام
تاریخ: ۱۳۱۱ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ:

سواد نامهٔ ولیعهد به ناصرالدین شاه

عرض جواب

به خاکپای اقدس اعلی روحنافداه، تصدق خاکپای اقدس مبارک همیونت شوم.
در باب محمدنام و دستگیری او که مقرر فرموده‌اند، این غلام همایونی در نهایت درجه در دستگیری او سعی و اهتمام دارم و همان‌روزی که این فقره اتفاق افتاده، محمد مزبور از شهر فرار کرده و در بعضی جاها که سراغ دادند مخصوصاً آدمهای چند به تعاقب فرستاده و الآن هم در خفیه و آشکار مشغول تجسس و سراغ هستند همین که به دست آمد محبوس داشته و مراتب را به عرض خاکپای مبارک خواهم رسانید و به هر طور است انشاءالله دستگیر خواهد شد و تفصیل هم این است که مشارالیه به سفاهت و جنون معروف است و مکرر به صدد قتل پدرش هم آمد، آن روز هم مست و در خارج شهر دور از آبادی مشغول گشت بوده است. آنچه گفتند تیری به هوا خالی کرده و بلافاصله کالسکهٔ انور افندی تصادف کرده و تیر به اسب کالسکه خورده مقصود بالاصالة محمد مزبور تیرانداختن به آنها نبوده و اسبها را هم از یک نفر تبعهٔ روس کرایه کرده بودند با اینکه پدر محمد تقصیری نداشته به هر طور بود قیمت اسب را هم گرفته به صاحب اسب تسلیم شد، در هر حال انشاءالله او را گرفتار و بر حسب امر اقدس مبارک مورد تنبیه کامل خواهد نمود.

مظفرالدین

عرض جواب

بخاکپای اقدس اعلی روحنا فداه تصدق خاکپای اقدس مبارک همایونت شوم درباب

محمد نام و دستگیری او که مقرر فرموده اند این غلام همایونی در نهایت درجه در دستگیری او سعی

و اهتمام دارم و ها[illegible] روزی که این فقره اتفاق افتاده محمد مزبور از شهر فرار کرده و در بعضی

جاها که سراغ داده در مخصوص آدمهای چند به تعاقب فرستاده و الان هم در خفیه و آشکارا مشغول

تجسس و سراغ هستند همینکه بدست آمد محبوس داشته و مراتب را بعرض خاکپای مبارک خواهم

رسانید و بهر طور است البته او را دستگیر خواهم کرد و بعضی هم اینست که مشارالیه لیفا[illegible] است و جوان

معروفست و مکرر لیفه دفعه[illegible] هم آمده از دزد هم کشته و در خارج شهر ارازآبادی شغلش گشت

بوده است آنچه گفته شد تیری بهوا خالی کرده و بلا فاصله کاغذ انور افسری تصادف کرده

و ترابیت کاغذ خورده مقصود بالذات به مهر نمود تیر اخراجی با تنها نبوده و اسبها را هم

از یک نفر تبعه روس کرایه کرده بعضی [illegible] مزبور تقصیری نداشته بهر طوری قیمت اسب را هم

گرفته بصاحب اسب تسلیم شد در هر حال انشاءالله او را گرفتار و در حضور اقدس مبارک مورد تنبیه

کاملی خواهم نمود مظفرالدین

شمارهٔ سند: ٤٧٤
موضوع: قانون تابعیت
تاریخ: غره ربیع الاول ۱۳۱۲
کارتن: ٢٤
پرونده: ۳/ت

نامهٔ مظفرالدین میرزا ولیعهد به سفارت عثمانی

نمرهٔ ۱۸۱

گرامی مراسله جوابیه آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ١٤ شهر صفر ۱۳۱۲ نمرهٔ ۱۹۱ در خصوص قانون تابعیت واصل دست تکریم گردید، در جواب اینکه مرقوم فرموده بودند «و این حق برای سفارت کبرا باقی خواهد بود» با کمال احترام زحمت می دهد که بر خاطر اصول شناس آن‌جناب جلالت‌مآب واضح است که هر دولتی در مملکت خود برای انتظام امور داخلهٔ خود به وضع قانون مختار و آزاد است و قانون تابعیت فقط از امور داخلهٔ دولت علیهٔ ایران است و مطلقاً به عهود و مقاوله نامجات منعقده بین الدولتین مغایر نیست و در این صورت بدیهی است که حق اعتراضی برای سفارت کبرای دولت علیهٔ عثمانیه باقی نخواهد ماند.

امضا مظفرالدین میرزا

سفارت عثمانی نوشته میشود

نمره ۱۸۱/۴

بتاریخ ۲۵ ذی الحجه ۱۳۱۲

نمره ۱۹۱/۴

۱۳۱۲ صفر

گرامی مراسله جوابیه آن جناب جلالتمآب مورخه ۱۳ شهر صفر انگلیسی

درخصوص قانون تابعیت واصل و بیت ترجمه را که رد گردیده در جواب بالکمال

مرقوم فرموده بودند (و این حق برای سفارت کبرای [illegible] خواهد بود) آن جناب جلالتمآب

احترام زحمت می دهد که در خاطر اصول شناس آن جناب

واضح است که هر دولتی در مملکت خود برای انتظام امور داخله فقط

خود بر وضع قانون حق روا داد است و قانون تابعیت

از امور داخله دولت علیه ایران است و مطلقاً به عهود و معاهدات

منعقده ما بین الدولتین مغایرت نیست و در این تصور [illegible] ایرادی نیست

و حق اعتراضی برای سفارت کبرای دولت علیه عثمانیه باقی نخواهد ماند.

شمارهٔ سند: ۴۷۵
موضوع: ثبت معاملات اتباع عثمانی در دفتر کارگزاری
ضمیمه: نمونهٔ تذکرهٔ تمتع
تاریخ: ۱۶ رجب ۱۳۱۳ هـ. ق
کارتن: ۲۷
پروندهٔ: ۱۵/ک

نامهٔ کارپرداز ساوجبلاغ میرزا احمدخان به وزارت خارجه

نمرهٔ ٤٤

بعد از ورود به ساوجبلاغ به شهبندر عثمانی رسماً نوشت که قدغن نماید هر وقت اتباع عثمانی با اهالی ساوجبلاغ معامله می‌نمایند اسناد و نوشتجات و ضمانتها و سایر قراردادها را به مهر و ثبت کارگزاری برسانند این فقره رفته رفته می خواهد اجرا بشود.

دو روز قبل حاجی قادر پنبه‌چی که آن هم اقتدا به حاجی اسمعیل وغیره نموده با گماشته شهبندری نزد چاکر آمد و قبالهٔ دو سه باب دکان آورد که به مهر کارگزاری برساند چاکر قباله را ملاحظه نمود در آن قباله نوشته بودند که بایع حاجی قادر تبعه دولت علیه عثمانیه در جواب فرستاده شهبندر گفتم که این حاجی قادر تبعهٔ دولت علیهٔ ایران است و معاملاتی که مابین اتباع داخله می شود محتاج به ثبت و مهر کارگزاری نیست و اینکه در قباله حاجی قادر را تبعهٔ دولت علیهٔ عثمانیه نوشته‌اند اشتباه است دیگر جوابی از شهبندرخانه نرسیده است، احتمال می رود به توسط سفارت کبری اظهار بشود خاطر مبارک مستحضر باشد، امرالاجل الاشرف مطاع، چاکر احمد

محل مهر احمد

نمره ۴۴
۱۶ شهر رجب ۱۳۱۳

بعد از ورود با اطلاع شهبندر عثمانی به اداره نوبت و تذکره ناصریه هر وقت اتباع عثمانی

به اماکن با اطلاع معاونه عثمانیه به اداره و تذکرات و ضمانت ها و سایر قباله جات را به مهر

و ثبت کارگزاری برسانند بعد از این رفته رفته میخواهم اجرا شود

دو روز قبل حاجی باقر چینه چی که از اهل قبه ای چی به سمت عتبات بگذشته شهبندر نزد

چاکر آمد و قباله خرید دکان آورد که به مهر کارگزاری برساند چاکر قباله

ملاحظه نمود در آن قباله نوشته بود که بیع حاجی باقر تبعه دولت علیه عثمانیه

در جواب فرمایش شهبندر گفتم که این حاجی باقر تبعه دولت علیه ایران است

و معامله که در مابین اتباع داخله میشود محتاج به ثبت و مهر کارگزاری است

دیگر نه در قباله حاجی باقر را تبعه دولت علیه عثمانیه نوشته لهذا اشتباه است

دیگر جوابی از شهبندر عثمانیه نرسیده است احتمال میرود مرتبط نظرات کبری

اظهار شود خاطر مبارک مستحضر باشد امر الاعلی مطاع چاکر اله

تمتعات ويركوسنه مخصوص تذكره در

جلد		ورق
دفتر خلاصه		٦
		صحيفهٔ خلاصه ١

ولايت	لواسى	قضاسى	قصبه و قريه و محله
موصل	كركوك	[illegible]	[illegible]

اسمى و شهرتى	بابا نجلرك مملكتى
[illegible]	[illegible]

تمتع ويركوسى	سنوى تمتعى	صنعتى
١٥	٩٠٠	[illegible]

[illegible]

تسليمات

ويركو	تسليمى تاريخى	آلنديغى مقدارى	آلنان پارهٔ و اخذ اولنه مقدارى	مهر محلى

تكون

اموالك ويركوسيله بدل عسكرى . اصناف تمتع ويركوسى واعشارك اراضى ويركوسنه

تقسيم اولنمسى اولانك قسمى ذاتاً اراضى ويركوسيله اعشارك دها ايو بر اولنمسى قسمى تقاسيط معينه سنده

تحصيل اولنور . ويالكز اصناف تمتع ويركوسيله معارف تحرير قاچ سنه لكى برلك بتقسيط محدوده

دفعه ده تحصيل اولنور . رسوم تقسيطلى اولمدقجه بر سنه لك ويركوسى دفعه ويريلور ايسه

قبول اولنور .

مكلف اولديغى اموال دولتى اوقاتنده وتقاسيط معينه سنده ايفا ايتميوب قابليت بالاجبار ايجاب ايدن تحصيل اداره

اداره اولنديغى حالده مديونك تحصيلدارلر طرفندن كوستريلن اخطارنامه وقصبه لرده دائره بلديه‌جه جبراً

بو جبرده تحصيل ايديلور . وايفا ايتمكلرى حالده مديونك حالنه كوره حاجت سنك اداره سنه كافى

اشياسى تماماً اصنافك دون صاحبى . مالكانه اعلك حقت ونزاعت ادوات ايله حقت حيواناتى

وتمكنى وحاصلاتك مبروه حصه سى مستثنا طوتيله رق قصور ايتمه ده وذخاير ومجرا ماعدا اشياسى بيع ايله

واموالنك سنغول شرط وبونده قانوناً ترقيمه معتاده . ماده ايرده بيان اولنان اصول وقواعده

تطبيقاً صاتيروب تماماً سالحه دن تسليم ايديلور .

رشاى وقتنده ايفا ايتملرى دولت شخص حقنده دينك نايت ولان مديون حقنده جارى معامله قانونيه

حكومتجه جرا اولنور .

بر مديونك اموالى بولنمديغى زكوه وسى زنت مصه نزسخى اداره دن مشاع ايده بده ثروت نقديه سى

تحصيلدار طرفندن دائره ده ويا اخبارات معتبره ايله ثابت اولديغى حالده تحصيلدارلك اولنه ماده ايده جك

تقرير اداره ايله حكومتجه جانبندن اول مديون حبس اولنور . فقط حبس مدتى قطعياً ايكى آيى تجاوز ايده من

ويرديكى تقدير ده مديونك ايكنجى كره حبسى جائز اولمز

مديونك تمامى بورجنه قدر اولديغى اشيا جلبى دائره سنده ده معلوم اولور ايسه فقط ماعدا اشياسى بيع

منقولات وغير منقولاتى دخى بو شرط ايله حاصلاتلرى تحصيلدار ويا مأمورلرى قطعيه ضبط تنظيم

ايدرك مجلس اداره قضا يا عطا ايدرلر مجلس اداره قضا اشبو ضبطنامه يه نظراً اجراى تحقيقات

ايدرك مديونك في الحقيقه قدرتى اولديغى ثابت اولور ايسه ذمتنك تحصيل صورتيله تعقيبى اولنور .

شمارهٔ سند: ۴۷۶
موضوع: تذکره
تاریخ: ۱۳۱۳ هـ. ق۱۸۹۷ م
کارتن: ۲۵
پروندهٔ: ۳/ت

نمونهٔ یک تذکرهٔ تقلبی عثمانی صادره به نام شکرالله پسر محمود

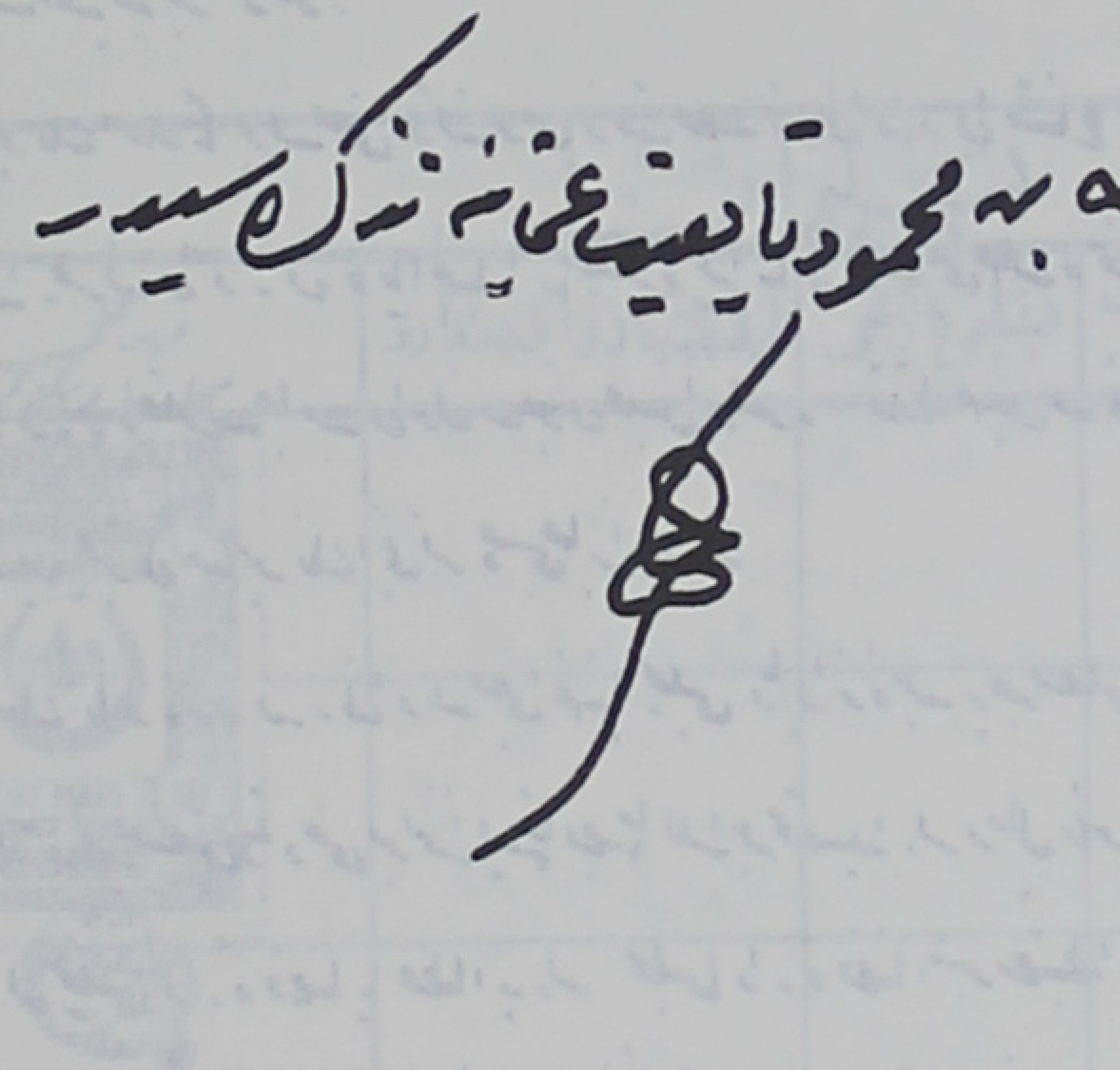

N° Gl. 653
» Sl. 582

Registre N° II
» Fol. 48

Certificat de Nationalité Ottomane.

SIGNALEMENT ET QUALITÉ
DU PORTEUR

Age — 45
Taille Moyenne
Yeux noirs
Moustaches et Barbe Chatains
Signes particuliers — Nul
Date de Naissance 1268
Résidence — Lehinaré
Religion — Musulman
Document présenté acte tem.
Contenant 6 signatures

Droit perçu Vingt Piastres
Art. du Tarif 7.

Valable pour un an.

Nous Consul général de Turquie à Sineh

Vu les articles 51, 53 et 62 des Instructions Consulaires, Section II.

Certifions que le nommé Chukrоullah fils de Mahmoud natif de Chehrizor exerçant la profession de ouvrier à Lehinaré est inscrit comme Sujet Ottoman sur le folio 48 du registre matricule de notre Chancellerie.

Délivré à Sineh le 20/1 juillet 1897 1313

Le Consul général
S. Sabri

CONSULAT GÉNÉRAL DE TURQUIE À SINEH

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

فصل ۳

امور اقتصادی و ارتباطی

[redacted]

JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Kashmir Division - Srinagar

بخش اول

مسئلهٔ رژی

شمارهٔ سند: ۴۷۷
موضوع: اخذ گمرک از تنباکوی وارده به خاک عثمانی
تاریخ: ۱۸ ذی‌قعده ۱۲۷۸ هـ. ق (مطابق ۱۷ مهٔ ۱۸۶۲ م)
کارتن: ۹
پروندهٔ: ۱۳/ف

گزارش سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه

ترجمهٔ اعلان نامهٔ رسمی ژورنال دی کونستانتینوپل

اعلان نامهٔ رسمی که از طرف قومسیون رسومات مخصوصه محتوی به بعضی شرایط در رایج توتون و تنباکویی که به ممالک عثمانیه داخل می شوند در غزتهٔ ژورنال قونستانتینوپل امروز نشر شده بود به مطالعه و ملاحظه دوستدار آمد در فقرهٔ هفتم اعلان‌نامه صراحتاً این طور نوشته شده بود که تنباکویی که از ممالک محروسهٔ ایران داخل ممالک عثمانیه خواهد شد بر وجه محرر درصد غروش هفتاد و پنج غروش رسم گمرک اخذ خواهد گردید و قراردادی که در فقرات اعلان‌نامه مسطور رفته است به تمامها در حق تنباکوی ایران مجری و رخصت به دخول ممالک عثمانیه داده خواهد شد و حال آنکه این فقره به کلی خلاف حکم مضامین معاهدهٔ دولتین علیتین است که در سنه یک هزار و دویست و شصت و سه منعقد شده است، بنای علیه فریضه ذمت مأموریت دوستدار است که این فقره را به خاطر آن‌جناب بیاورد که منافی اصول و قاعده است بدون وقوع مذاکره و مخابره بین‌الدولتین این گونه قرار در حق تنباکوی ممالک محروسهٔ ایران داده

شود. لهذا با کمال توقیر و احترام زحمت‌افزا می‌شود که به قومسیون مذکوره تنبیهات اکیده صادر گردد که بر موجب معاهدهٔ موجوده بین‌الدولتین هرگونه رسم گمرک از تنباکوی ایران الی حال گرفته می‌شد به همان قرار معامله و رفتار کرده به حصول اسباب وقایهٔ احکام عهدیه پرداخته و بر انتشار ضد اعلان مذکوره بذل همت فرمایند.

فی ۱۸ شهر ذی‌قعده سنهٔ ۱۲۷۸

نمره ۴۳۰
سوم ذی القعده ۱۲۷۸

۱۲۹۱ ش

Copie.

Constantinople, le
17 mai 1862.

Altesse,

ترجمه

اعلان نامه رسمی که از طرف کمیسیون رسومات محروسه عثمانیه
مخصوص به بعضی شرایط در رواج توتون و تنباکو که به ممالک عثمانیه
دخول می‌شود در غزته ژورنال دی قسطنطنیه امروز نشر شده بود
بمطالعه و ملاحظه دوستدار آمد در فقره هفتم اعلان نامه صراحةً
اینطور نوشته شده بود که تنباکویی که از ممالک محروسه ایران
دخول به ممالک عثمانیه خواهد شد به وجه مجرا در صد هفتاد و پنج غروش
رسم گمرک اخذ خواهد گردید و قرار داده که در فقرات اعلان نامه
مسطوره ثبت است تماما در حق تنباکوی ایران مجری و رعایت خواهد شد
ممالک عثمانیه وارد خواهد شد و حال آنکه این فقره بخلاف

Dans le numéro de ce jour du Journal de Constantinople, je lis une Notification officielle, émanée de l'administration générale des Contributions Indirectes, et fixant les conditions d'importation et de débit du Tabac sous toutes ses formes et du Tumbéki.

Confondre dans un même Règlement l'Importation et le débit du Tumbéki venant de la Perse, avec l'importation et le débit des produits semblables venant d'autres pays étrangers ou des provinces tributaires de l'Empire, comme le détermine explicitement l'article 7, ainsi conçu:

"Art. 7. Le Tumbéki importé de
"la Perse sera également admis moyen-
"nant un droit de 75 pour cent. – Les dis-
"positions des articles précédents lui sont
"applicables dans toute leur teneur."

ce serait, dans l'état où se trouvent, depuis l'an 1263 de

ملحوظ این معاهده دولتین علیتین است که در سنه یکهزار
ودویست وشصت وشش منعقده شده است بنا علیه فدوی
مأموریت دارد استدعا دارد که این فقره را به نظر جناب مستطاب بیاورد که
منافی صریح قاعده است بعد از وقوع مذاکره ومجاره بین الدولتین
بخرید قرار رسمی تنباکوی ممالک محروسه ایران را اداره شبوغ لهذا
ترقی و احترام زحمت اعلان شود که به قوانین مذکوره
جاری که به موجب معاهده مرقومه بین الدولتین اگر
از تنباکوی ایران اخذ گرفته می شد بهان قرار معامله
کتبهای جناب وقایع جهام عهدیه یکی قسم و برخیت صدر اعلان
تحریر است فی ۱۸ شهر ذی قعده ۱۲۷۸

l'Hégire fixées les relations commerciales entre les deux Empires contrevenir aux clauses d'un Traité en vigueur, et qui n'a point encore été modifié par une entente entre les deux Cours.

Je crois donc qu'il est de mon devoir d'appeler la haute attention de Votre Altesse sur la Notification Officielle précitée, et je nourris l'espoir que la Sublime Porte voudra bien donner à l'Administration Générale des Contributions Indirectes les Instructions nécessaires pour que le commerce du Tumbéki Persan continue à être régi par les lois qui le concernent, et que le public en soit informé par les voies ordinaires.

Je saisis etc.

signé: Houssein

à Son Altesse
Aali Pacha
Ministre Secrétaire d'Etat au Département des Affaires Etrangères de S. M. I. le Sultan &c. &c. &c.

شمارهٔ سند: ۴۷۸
موضوع: قرارداد توتون و تنباکو بین ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۳ رجب ۱۲۸۲ هـ. ق (مطابق ۱۹ نوامبر ۱۸۶۵ م)
کارتن: ۱۱
پروندهٔ:

هو

قرارداد اصلی در باب انفیه و توتون خواییدنی و سیقار [سیگار] و تنباکو که خواه از خارج و خواه از مولد و والاشی و یا از سربی می رسد، موافق احکامی که سابقاً انتشار یافته بود با تغییر و تبدیل بعضی از فصول آنکه باید در مدت سه ماه از روزی که انتشار می یابد معمول شود.

فصل اول سیقار [سیگار] و توتون خواییدنی و تنباکویی که از خارج می آورند در گمرکخانه های ممالک عثمانی قبول خواهد شد به شرط آنکه هفتاد و پنج درصد بدهند و این حق بدون تنزیل وجه نقد خواهد بود صد پیاستر* از مجیدیهٔ طلا که قرارداده شده است از روی جمیع مال التجاره در گمرکخانه گرفته شود. و انفیه که از خارج می آورند هرگاه ۲۵ پیاستر ارزش داشته باشد، باید ۲۵ پیاستر در هر حقه گرفته شود و هرگاه قیمت زیاد داشته باشد، موافق آن قیمت گمرک زیادتر گرفته خواهد شد.

فصل دوم، قیمت گذاری مال التجاره در صورت نمودن تفصیل آن خواهد بود و همچنین حق حمل و نقل تا به گمرکخانه که مال التجاره در آنجا است و تعیین قیمت از روی تفصیلی که ممهور به مهر صاحبش شده است، خواهد بود.

فصل سوم، هرگاه ارزش مال التجاره در روی سیاهه که نوشته شده است کمتر از ارزش حقیقی آن باشد، مأمورین دولت حق خواهند داشت که آن مال التجاره را قیمت نمایند و در صورتی که صاحب مال مأمورین دولت را از قیمت گذاری آن منع کند آن وقت خود مال التجاره را مأمورین دولت به قیمتی که در روی سیاهه نوشته شده است قبول خواهند کرد بعلاوه ده بر صد و اضافهٔ او به صاحبش ردّ خواهد شد.

* به معنی غروش (پول عثمانی)، سکهٔ سیمین اسپانیولی.

فصل چهارم، سیاههٔ مال‌التجاره در گمرکخانه در هر دو صورت ضبط خواهد شد. خواه این مال‌التجاره حق گمرک خود را داده و از گمرک بیرون رفته است و خواه خود مال‌التجاره به عوض گمرک در گمرکخانه قبول شده باشد.

فصل پنجم، فروشندهٔ انفیه و توتون خواییدنی و سیقار [سیگار] که حق گمرک را داده‌اند از هر ملتی که بوده باشد باید تابع قوانین توتون و انفیه و سیقاری [سیگاری] که از خاک دولت عثمانی می آید باشند.

فصل ششم، پرواضح است اجازه‌ای که داده شده است برای ورود سیقار [سیگار] ساخته شده و انفیه و توتون خواییدنی از خارج به مملکت عثمانی آن اجازه داده نخواهد شد هرگاه توتون برگی و پارچهٔ و یا اقسام دیگر وارد کنند برای ساختن سیقار [سیگار] و انفیه و توتون خواییدنی.

فصل هفتم، تنباکو و سیقار و انفیه و توتون خواییدنی که از خاک مصر و مولد و والاشی و سربی به عمل می آید محکوم به احکام قوانین گذشته خواهد بود در صورتی که گمرک او از شصت و هفت بر صد بالاتر نباشد و همچنین قبول خواهد شد برای انفیه یک کسر هشت بر صد در قراردادی که در فصل اول داده شده.

فصل هشتم، انفیه و سیقار و توتون خواییدنی و تنباکو که در گمرکخانه نگاه‌داشته شده است چنانچه در فصل سوم اشاره شد در محل اجتماع ملت فروخته خواهد شد و محصول این فروش نگاه‌داشته می شود با انتشار عام، و مأمورین گمرک با کمال دقت به مال‌التجاره قیمت خواهند گذاشت که از قیمت حقیقی آن نگذرد زیرا که منفعت خزانه کم خواهد بود هرگاه محصول حراج از آن قیمتی که گذاشته شده است نگذرد.

در ۱۳ رجب ۱۲۸۲ مطابق (۱۹ نوامبر) اول دسامبر ۱۸۶۵ نوشته شد.

قرار مابین [illegible] انفیه و توتون خوانیه و سیگار و تنباکو که از خارج وارد [illegible] می‌شود [illegible]
[illegible] که [illegible] در باب [illegible] آن [illegible] در [illegible]

فصل اول — سیگار و توتون خوانیه و تنباکو که از خارج می‌آید در گمرکخانه‌های ممالک عثمانیه [illegible]
در صد [illegible] از [illegible] گرفته شده باشد [illegible] مال التجاره
در گمرکخانه گرفته شود و انفیه که از خارج می‌آورند هر گاه ۲۵۰ پاستر ارزش داشته باشد به جهت ۲۵ پاستر [illegible] گرفته شود
و هر گاه قیمت [illegible] برای [illegible] گمرک [illegible] گرفته خواهد شد

فصل دویم — قیمت گذاری مال التجاره در [illegible] آن [illegible] در گمرکخانه [illegible] مال التجاره [illegible] قیمت
در روز [illegible] گرفته خواهد بود

فصل سیم — هر گاه ارزش مال التجاره در روز [illegible] کمتر از ارزش حقیقی [illegible] باشد [illegible]
برای مال التجاره [illegible] قیمت [illegible] آن [illegible] مال التجاره [illegible]
تعیین [illegible]

فصل چهارم — [illegible] مال التجاره در گمرکخانه در [illegible] ضبط خواهد شد [illegible] مال التجاره [illegible] گمرک [illegible]
رفته است و [illegible] مال التجاره بدون گمرک در گمرکخانه [illegible] باشد

فصل پنجم — فروشنده انفیه و توتون خوانیه و سیگار [illegible] در [illegible] باشد [illegible]
توتون و انفیه و سیگار که از ممالک [illegible] عثمانی [illegible] باشند

فصل ششم — [illegible] رعایا [illegible] سیگار [illegible] انفیه و توتون خوانیه رعایای ممالک عثمانی
[illegible] سیگار و انفیه و توتون خوانیه [illegible]

فصل هفتم — تنباکو و سیگار و انفیه و توتون خوانیه [illegible] گمرک [illegible]
[illegible] انفیه [illegible]

در [illegible]
فصل هشتم — انفیه و سیگار و توتون خوانیه و تنباکو که در گمرکخانه [illegible] مال التجاره [illegible]
[illegible] گمرک [illegible]
[illegible] نوشته شد

در ۱۳ رجب ۱۲۸۲ مطابق [۱۹ نوامبر] افرنجی سنه ۱۸۶۵ نوشته شد

شمارهٔ سند: ۴۷۹
موضوع: قرارداد حمل و نقل توتون و تنباکو بین ایران و عثمانی
تاریخ: ۱۳ رجب ۱۲۸۲ هـ. ق
کارتن: ۱۱
پرونده:

قرارداد اصلی در خصوص حمل و نقل توتون رخصتی که در مملکت عثمانی به عمل می آید از روی قرارداد سابق که انتشار یافته بود با تغییر و تبدیل بعضی از فصول آن و فصول آتیه در سه ماه باید معمول شود از روزی که این قرارداد منتشر می شود.

فصل اول، هر شخصی خواه رعیت عثمانی و خواه رعیت خارجه آزاد است که تجارت انفیه نماید و این انفیه از تنباکو و یا از توتون عمل آمدهٔ در خاک عثمانی باشد. و آن شخص معفو خواهد بود در مدت قرارداد از دادن حق نمونه در آنجایی که این مال التجاره به عمل آمده بفروش می رود و همچنین مرخص خواهد بود بنا به قرارداد ذیل این مال التجاره را به جای دیگر حمل کند.

فصل دویم، انفیه که درست می شود خواه در شهر و خواه در ده و خواه در جایی که مأمورین توتون در آنجا هستند باید پنج پیاستر به هر حقه بدهند و به برندهٔ آن هم تذکره داده خواهد شد.

فصل سویم [سیم]، هر انفیه ای که تذکره نداشته باشد ملاحظه خواهد شد مثل انفیه ای که از توتون و یا تنباکو درست شده باشد در یک جایی که مأمور در آنجا نبوده و حق مرور ازو دریافت نشده است در آن صورت در وقت ورود به جایی که مأمور دولت در آنجا هست هفده پیاستر به اسم مرور گرفته خواهد شد و به هر صاحب دکانی که انفیه ای موجود دارد اگر به جای دیگر حمل کردنی است باید تذکره مرور داده شود و اگر در همانجا به فروش خواهد رسید باید تذکره اجازه فروش بدهند.

فصل چهارم، تذکرهٔ مرور و یا اجازهٔ فروش در هر جا مجری است مقدار و تعیین قیمت انفیه در تذکرهٔ مرور، به جهت حق گمرک نخواهد شد خواه این انفیه را در خود مملکت از جایی به جایی حمل نمایند و یا از مملکت به خارج ببرند.

فصل پنجم، هر قراردادی که در باب توتون گذاشته شده است همان قرار در باب

انفیه مجری است و همچنین هر انفیه که از خارج و از من تبع دولت عثمانی بیاورند، قرارداد آنها مثل قرارداد توتون و سیگار و توتون خواییدنی خواهد بود. در سیزدهم رجب ۱۲۸۲ مطابق (نوزدهم نوامبر) و اول دسامبر ۱۸۶۵ نوشته شد.

قرارداد امتیاز در خصوص حمل و نقل توتون انفیه که در مملکت عثمانیه بعمل آید از طرف قرارداد سابق

که انعقاد یافته بود با تغییر و تبدیل بعضی از فصول آن و فصول آتیه در سه ماه بعد معمول شود از روز امضای آن

فصل اول — هر شخص خواه رعیت عثمانی و خواه رعیت خارجه آزاد است که تجارت انفیه نماید و این انفیه از تنباکو و یا از توتون عمل آمده

در خاک عثمانی باشد و آن شخص معفو خواهد بود در مدت قرارداد از دادن حق نمونه در آنجائیکه این مال التجاره بعمل آمده بفروش میرسد

و همچنین مرخص خواهد بود بنا بر قرارداد نقل این مال التجاره را بجای دیگر حمل کند

فصل دویم — انفیه که درست میشود خواه در شهر و خواه در ده و خواه در جائیکه مامورین توتون در آنجا هستند باید در پاکتهای سربهر بسته بندی شده و بر

آن پاکتها تذکره داده خواهد شد

فصل سیوم — هر انفیه که تذکره نداشته باشد ملاحظه خواهد شد مثل انفیه که از توتون و یا تنباکو درست شده باشد در یکی از جاهائی که مامور در آنجا نبوده و تمبر مرور

از او دریافت نشده است و در آن صورت در وقت ورود بجائی که مامور دولت در آنجا هست مفتوح پاکتها باسم مرور گرفته خواهد شد و بهر صاحب دکانی

که انفیه موجود دارد اگر بجای دیگر حمل کردنی است باید تذکره مرور داده شود و اگر در همانجا بفروش خواهد رسید باید تذکره اجازه فروش بدهند

فصل چهارم — تذکره مرور و یا اجازه فروش در هر جا مجری است مقدار و تعیین قیمت انفیه در تذکره مرور بجهت حق گمرک نخواهد شد خواه این

انفیه را در خود مملکت از جائی بجائی حمل نمایند و یا از مملکت بخارج ببرند

فصل پنجم — هر قراردادی که در باب توتون گذاشته شده است همان قرار در باب انفیه مجری است و همچنین هر انفیه از خارج

وارد ممالک دولت عثمانیه بیاورند قرارداد آنها مثل قرارداد توتون سیگار و توتون خارجه خواهد بود

در سیزدهم رجب ۱۲۸۲ اسلامبول (نوزدهم نوامبر) و اول دسمبر ۱۸۶۵ امضا شد

شمارهٔ سند: ۴۸۰
موضوع: قرارنامهٔ تنباکو و نمک و توتون
تاریخ: ۲۱ ذی‌قعده ۱۲۹۲ هـ. ق(۸ کانون ۱۲۹۱)
کارتن: ۲۱
پروندهٔ: امتیازات

صورت قرارنامهٔ تنباکو و نمک و توتون که فی‌مابین سفارت سنیهٔ ایران و مأمور عثمانی انعقاد یافتهٔ ۱۲۹۲

فقرهٔ اول، داخل کردن نمک و توتون از محصولات ایران به ممالک عثمانی در هر صورت که بوده باشد، ممنوع است و این ممنوعیت تا وقتی امتداد خواهد یافت که مثل این قبیل محصولات یکی از دول خارجه ممنوعتین لغو و تعدیل نشده است دولت علیّهٔ ایران هم حق و صلاحیت دارد که دخول نمک و توتون ممالک عثمانی را به خاک خود ممانعت نماید.

فقرهٔ دویم، از قیمت خالص تنباکوی ایران که برّاً و بحراً داخل ممالک عثمانی می‌شود در یکصد و هفتاد و پنج وجه گمرک گرفته خواهد شد و همین که این وجه گرفته شد دیگر در هیچ یک از ممالک عثمانی نه وجه مزبور و نه هیچ گونه رسمی دیگر مجدداً از آن گرفته نخواهد شد اگرچه به ید آخر هم گذشته باشد.

فقرهٔ سوم، این وجه هفتاد و پنج تنباکو مطابق تعرفه و قرارنامه که به اتفاق طرفین منعقد خواهد شد گرفته می‌شود و از ابتدای ماه نیسان رومی هذه‌السنه ۱۲۹۱ الی سه ماه وجه گمرک اجناس تنباکوهایی که در ظرف مدت مزبوره گمرکخانه‌های ارز روم و بغداد و جدّه وارد و دررفته* شده است با مقدار کمیت اجناس تنباکوهایی که در ظرف مدت به هر یک از محال مذکوره وارد گردیده است، حساب شده حد وسط آن حاصل اساس تعرفهٔ اوّل قرارداده خواهد شد و هر جنس تنباکو که در ظرف مدت مزبوره وارد نشده باشد قیمت آن موافق نازلترین قیمتهایی که همان جنس تنباکو در عرض مدت یک سال قبل از سه ماه مزبور داشته است، منظور و معامله خواهد شد و از تاریخ انعقاد تعرفه

* منظور حقوق دریافت شده است.

مقرره حکمش تا ده سال بعد مجری خواهد شد، در صورتی که سه ماه پیش از انقضای وعدۀ مقررۀ یکی از دولتین معاهدتین تبدیل و تغییر آن را خواهش نمایند تجدید خواهد شد چنانچه این گونه تکلیفی شود ده سال دیگر حکم آن مجری شده بعد از انقضای هر ده سال مادام که سه ماه مقدم یکی از طرفین تغییر آن را تکلیف نمایند، قاعده و قرار همین خواهد بود که تا هفت سال دیگر حکمش باقی و معتبر بوده باشد و برای تنظیم تعرفه بر وفق اساس مزبور و تعیین قرار نقصاناتی که از قبیل رطوبت و وزن کیسه کسر کردن آن متداول است بعد از انعقاد این قرارداد مجلس کمیسیونی تشکیل خواهد شد و اجزای این کمیسیون پیش از اینکه ابتدای وقت اجرای حکم قرارنامه برسد، به انجام مأموریت خودشان سعی و همّت خواهند نمود.

فقرۀ چهارم، وجه گمرک هفتاد و پنج تنباکو به قرار مزبور در اولین گمرکخانۀ ممالک عثمانی گرفته خواهد شد، ولی محض سهولت کار تجّار در حق کسانی که خواسته باشند گمرک تنباکو را در محل فروش آن بدهند بدین موجب معامله خواهد شد. تاجر ایرانی تنباکوهایی را که به داخل و یا سرحدات می آورد یکسره به ادارۀ گمرک تسلیم کرده، در آنجا وزن نموده ظرفش را موضوع می‌کنند بعد از فهمیده شدن وزن خالص آن اگر تنباکو را در آنجا به فروش خواهد رسانید همان ساعت در یکصد و هفتاد و پنج وجه گمرک آن را داده تذکره‌اش را خواهد گرفت و هرگاه خواسته باشد در آنجا نفروخته به جای دیگر حمل و نقل نماید به ادارۀ گمرک رفته یک نفر تاجر معتبری کفیل داده سندی هم می سپارد که در ظرف مدت معینی که مناسب بعد مسافت محل نقل بوده باشد تنباکو را به آنجا رسانیده در ادارۀ گمرک آنجا در ظهر تذکره نقلیۀ آن رسیدگی تنباکو را نویسانده اعاده خواهد نمود و الا صدی هفتاد و پنج گمرک آن را تماماً کارسازی خواهد کرد، بعد از دادن کفیل و بیرون همچو سندی بر وفق اصول طغرا تذکره خروج وزن تنظیم و به انضمام تذکرۀ نقلیه به او تسلیم و به امرار تنباکو مساعدت می شود بدین‌واسطه صاحب تنباکو مجبور خواهد شد که در محل وصول رسم گمرک آن را فوراً داده تذکره آن را بگیرد، اگر خواسته باشد وجه گمرک آن را تا وقت پیداشدن مشتری به تأخیر بیندازد تنباکو را در یک حجرۀ مخصوص خودش که دو کلید داشته یکی در نزد خود دیگری در نزد ادارۀ گمرک بوده باشد، بگذارد و همین معامله در صورت خواهش تجّار در حق آن تنباکو هم مرعی خواهد شد که در مورد اولی به فروش خواهد رسید از

تنباکوهایی که به موجب تذکره از یک محلی به محل دیگر حمل و نقل می شود از بابت رطوبتی که در اثنای راه عارض می شود و سنگین می‌گردد در یکصد حقه از دو حقه وجه گمرک گرفته خواهد شد.

فقرهٔ ششم، تنباکوهایی که از سمتهای دیگر ممالک عثمانی تا بافلاق بغدان طور ترانزیت عبور داده می شود مثل امتعهٔ تجارت سایر دول قاعدهٔ ترانزیت و رفتن آنها رعایت خواهد شد.

فقرهٔ ششم، تنباکوهایی که از قسمتهای دیگر ممالک عثمانی تاباقلاق بغدان [ملداوی] صرکستان [صربستان] و مصر عبور داده می شود رسم گمرک آن در همین وصول اولین گمرکخانه‌های محال مزبوره و همچنین تنباکوهایی که از محال مزبوره به سایر ممالک عثمانی عبور داده می شود، کارسازی خواهند شد و تنباکوهایی که گمرک آن داده شد به فروش نرسیده باشد اگر در ظرف مدت شش ماه به آنجاها برده شود در یکصد یکی از وجه گمرک آن تنزیل شده، مابقی به صاحبان مال رد خواهد شد.

فقرهٔ هفتم، در خصوص توتون و تنباکو و نمک امتیازات عهدنامه‌های سابقه در حق حجّاج و زوار عتبات عالیات کماکان باقی است و در این خصوص است در حق مسافرین ایرانیه همان معامله خواهد شد که دربارهٔ مسافرین دول سایره می شود.

فقرهٔ هشتم، این قرارنامه از ابتدای مارت ماه سنهٔ آتیه ۱۲۹۲ معمول و مجری خواهد شد این فقره هم قرار شد چنانچه در ظرف این مدّت تعرفه که در فقرهٔ سیم اشاره شده منعقد نشود تا انعقاد آن از قیمت متداولهٔ نقدی تنباکو در اولین محل در یکصد ده تنزیل کرده از مابقی آن در یکصد و هفتاد و پنج وجه گمرک دریافت خواهد شد. شکلاً این قرارنامه دو نسخه نوشته شده و به امضای طرفین رسیده و مبادله گردید. فی ۲۱ ذی‌قعده ۱۲۹۲ و ۸ کانون اول ۱۲۹۱

وزیر امور خارجهٔ دولت عثمانی	وزیرمختار دولت ایران مقیم اسلامبول
محمد رشید	محسن

صورت قرارنامهٔ تنباکو و تنبک و توتون که فیمابین سفارت سنیهٔ ایران و مأمورین عثمانی انعقاد یافته

۱۲۹۲

فقرهٔ اول — داخل کردن تنبک و توتون از محصولات ایران به ممالک عثمانی در هر صورت که بوده باشد ممنوع است و این ممنوعیت تا وقتی که تعهد خواهد شد ممالک عثمانیه را

که متعهد جزو محصولات یکی از دول خارجه ممنوعیتش لغو و تجدید نشده است دولت علیهٔ ایران هم حق و صلاحیت دارد دخول تنبک و توتون ممالک عثمانی

بممالک خود ممانعت نماید فقرهٔ دوم — از قیمت خالص تنباکوی ایران که براً و بحراً داخل ممالک عثمانی میشود در کیسه هشتاد و پنج وجه گمرک گرفته خواهد شد

و همینکه این وجه گرفته شد دیگر در هیچیک از ممالک عثمانی نه وجه مزبور و نه هیچگونه رسمی دیگر مجدداً از آن گرفته نخواهد شد اگرچه به سایر جاها گذشته باشد

فقرهٔ سوم — لزوم وجه هشتاد و پنج تنباکو سالیانه تعرفه و قرارنامه که با اتفاق طرفین منعقد خواهد شد گرفته میشود و از ابتدای ماه نیسان رومی مطابق ۱۲۹۱ سنه

الی سه ماه وجه گمرک اجناس تنباکوهائیکه در ظرف مدت مزبوره به گمرکخانهای ارضروم و بغداد و جده وارد و در دفاتر ثبت است بمقدار

کمیت اجناس تنباکوهائیکه در ظرف مدت مزبوره هریک از محال مذکوره وارد گردیده است حساب شده حد وسط آن حاصل گردیده تعرفه

آتی قرار داده خواهد شد و هر جنس تنباکو که در ظرف مدت مزبوره وارد نشده باشد قیمت آن موافق نازلترین قیمت تنباکوئیکه همان جنس

تنباکو در ظرف مدت یک سال قبل از سه ماه مزبور داشته است منظور و معامله خواهد شد و از تاریخ انعقاد تعرفهٔ مقرره حکمش تا ده سال مستمر خواهد

در صورتیکه سه ماه پیش از انقضای مدت مقرره یکی از دولتین متعاهدتین تبدیل و تغییر آن را خواهش ننماید تجدید خواهد شد چنانچه اینگونه تکلیفی نشود

ده سال دیگر حکم آن مجری شده بعد از انقضای هر ده سال مادام که سه ماه مقدم یکی از طرفین تغییر آن را تکلیف ننماید قاعده و قرار همین خواهد بود

که تا هفت سال دیگر حکمش باقی و معتبر بوده باشد و بعلاوه تنظیم تعرفه بر وفق اساس مزبور و تعیین قرار نقصاناتی که از قبیل رطوبت و وزن کیسه گمرک کردن آن

سنهٔ اول بعد از انعقاد این قرارداد بمجلس کمیسیونی تکلیف خواهد شد و اجزای این کمیسیون پیش از آنکه ابتدای وقت اجرای حکم قرارنامه برسد

بانجام مأموریت خودش نهایت دقت خواهد نمود

فقرهٔ چهارم — وجه گمرک هشتاد و پنج تنباکو بقرار مزبور در اولین گمرکخانهٔ ممالک عثمانی گرفته خواهد شد و لکن بجهت سهولت کار تجارت هرکس که خواسته باشند

گمرک تنباکو را بعد از فروش آن بدهند بموجب معامله خواهد شد تجار ایرانی تنباکوهائی را که بدانجا میآورند مستقیماً باداره گمرک تسلیم کرده

در آنجا وزن نموده ظرفش را موضوع میکنند بعد از فهمیده شدن وزن خالص آن اگر تنباکو را در آنجا بفروش خواهند رسانید همان ساعت در صدد

هشتاد و پنج وجه گمرک آن را داده تذکره‌اش را خواهند گرفت و هرگاه خواسته باشند در آنجا نفروخته بجای دیگر حمل و نقل نمایند باداره گمرک رفته

یکنفر تاجر معتبری کفیل داده سندی بامهر خود حواله در طرف دولت علیه عثمانی و مناسب بعد مسافت ممکن نقل بوده باشد تنباکو را بانجا رسانیده

وارد اداره گمرک انجا در ظرف مذکره نقلیه ان رسیدگی تنباکو را نوشته اعاده خواهند نمود و الا صدی هشتاد رنج گمرک از ان تماماً کارسازی خواهد گرد

بعد از ورود کفیل و پرداختن همچو سندی برحق اصحاب طغرا مذکره خروج وزن تنظیم و با انضمام مذکره نقلیه باو تسلیم و مقدار تنباکو معلوم میشود

بتوسط صاحب تنباکو بمحرر خواهد شد که در ان دفعی رسم گمرک از ان فوراً داده مذکره از او بگیرد و اگر خواسته باشد وجه گمرک از ان تا وقت پیدا شدن

مشتری تاخیر نماید از تنباکو را در یک حجره مخصوص خودش که دو کلید داشته یکی در نزد خود دیگری در نزد اداره گمرک بوده باشد گذارد و همین معامله در صورت

خواهش تجار در حق ان تنباکو هم مرعی خواهد شد که در مورد اولی بفروش خواهد رسید از تنباکو هائیکه بموجب مذکره از یک محلی بمحل دیگر حمل و نقل میشود از بابت

رطوبتی که در اثنای راه عارض میشود و سنگین میگردد در کیسه حقه از دو حقه وجه گمرک گرفته خواهد شد

فقره پنجم تنباکو هائیکه از ممالک دولت علیه عثمانی بممالک خارجه بطور ترانزیت عبور داده میشود مثل امتعه تجارت سایره در حق قاعده ترانزیت

و رسوم انها رعایت خواهد شد فقره ششم تنباکو هائیکه از سرحدهای دیگر ممالک عثمانی با فلاق بغدان و صربستان و مصر عبور داده میشود رسم گمرک ان

در همین وصول اولین گمرکخانهای محال مزبوره و همچنین تنباکو هائیکه از محال مزبوره به ممالک عثمانی عبور داده میشود کارسازی خواهد شد و تنباکو هائیکه

گمرک ان داده شده بفروش نرسیده و اگر در ظرف مدت شش ماه بانجاها برده شود در کیسه یک از وجه گمرک ان تادیه شده بالتمام بصاحبان مال رد خواهد شد

فقره هفتم در خصوص توتون و تنباکو و نمک امتیازات معاهدنامهای سابقه در حق حجاج و زوار عتبات عالیات کماکان باقی است و در این خصوص ات

در حق مسافرین ایرانیه همان معامله خواهد شد که درباره مسافرین دول سایره میشود

فقره هشتم این قرارنامه از ابتدای مارت ماه سنه اتیه ۱۲۹۲ معمول و مجری خواهد شد بر این فقره قرار شد چنانچه در ظرف این مدت تعرفه که در فقره سیم

اشاره شد منعقد نشود تا انعقاد ان از قیمت متداوله نقدی تنباکو در اولین محل در کیسه ده تشخیص کرده از مابقی ان در کیسه صدی هشتاد رنج وجه گمرک دریافت

خواهد شد نسخه این قرارنامه در دو نسخه نوشته شده با مضای طرفین رسیده و مبادله گردید فی ۲۱ ذیقعده ۱۲۹۲ و ۸ کانون اول ۱۲۹۱

(وزیر امور خارجه دولت عثمانی)
محمد رشید

(وزیر مختار دولت ایران مقیم اسلامبول)
محسن

شمارهٔ سند: ٤٨١
موضوع: امتیاز رژی
تاریخ: ۱۸ مارچ [مارس] ۱۸۹۰ م (۲۵ رجب ۱۳۰۷ هـ. ق)
کارتن: ۲۰
پروندهٔ: ۱۸

نامهٔ جرالد طالبرت به صدراعظم (امین‌السلطان)

طهران

فدایت شوم، به خاطر دوستدار چنین می رسد که اشکالات بسیار مرتفع خواهد بود چنانچه این امتیاز فقط مخصوص کمپنی انگلیس نباشد، اگر چنانچه اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی از راه مرحمت این امتیاز را به دوستدار اعطا فرمایند دوستدار تعهد می نمایم که این امتیاز را کمپانی اغلب ملل تعمیل و اجری نمایند و تجسس این همکاری را در میان مایه داران فرانسه و آلمان و روس و دیگر مایه داران اهل اروپا خواهند نمود.

با کمال احترام و توقیر ختم کرده، زیاده جسارت است
بندهٔ مطیع حضرت اشرف جرالد طالبرت

[illegible]

Teheran

March 18. 90.

24, SOUTH STREET,
PARK LANE. W.

Highness

It has occurred to me that many difficulties might be avoided with regard to the Regie if the concession were not exclusively English. If His Majesty the Shah would be pleased to grant it to me I will undertake that it shall be worked by an International Company and that the co-operation shall be sought for among the Capitalists of France, Germany, Russia & other European countries.

I have the honor to be
yr Highness's obedient
servant

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۸۲

موضوع: امتیازنامهٔ دخانیات بین ایران و ماژر تالبرت

تاریخ: ۲۰ مارچ [مارس] ۱۸۹۰ م (۲۷ رجب ۱۳۰۷ هـ. ق)

کارتن: ۲۱

پروندهٔ: امتیازات

امتیازنامهٔ دخانیات

مونوپل خرید و فروش و ساختن در داخل و خارج ایران کل توتون و تنباکویی که در ممالک محروسه ایران به عمل آورده می شود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیازنامه به ماژر تالبرت و به شرکای خودشان مشروط به شرایط ذیل مرحمت و واگذار فرمودیم.

فصل اول، صاحبان این امتیاز همه ساله مبلغ پانزده هزار لیرهٔ انگلیس به خزانهٔ عامرهٔ اعلی کارسازی خواهند نمود، اعم از اینکه از این کار نفع یا ضرر و این پول هرساله در پنج ماه از سال گذشته پرداخته می شود.

فصل دوم، فقط محض تعیین مقدار توتون و تنباکو در ممالک محروسهٔ ایران به عمل آورده می شود و صاحبان این امتیاز ثبتی از زارعین که می خواهند عمل زراعت این امتیاز را بکنند نگاه خواهد داشت و دولت علیه به حکام محلیه حکم اکیدی خواهند فرمود که زارعین تنباکو و توتون را مجبور به دادن ثبت نمایند. دادن اجازه‌نامچه از برای خرید و فروش و معامله و غیره توتون و سیگارت و سیگار و انفیه و غیره حق خالص صاحبان امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه‌نامجات مذکور ندارد و نخواهد داشت و اصناف توتون و تنباکوفروش که مشغول این حرفه اند در کسب معاملات خود برقرار خواهند بود، مشروط بر اینکه اجازه‌نامچه که دارندگان امتیاز خواهند داد در دست داشته باشند.

فصل سیم، بعد از وضع جمیع مخارج متعلق به این عمل و تقسیم صد پنج به برمایهٔ خودشان بین صاحبان این امتیاز یک ربع منافع باقی ماندهٔ سال به سال تسلیم خزانهٔ عامره اعلی خواهد شد و دولت علیهٔ ایران حق وارسی به دفاتر آنها خواهند داشت.

فصل چهارم، جمیع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان امتیاز

داخل در ممالک محروسه می آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود.

فصل پنجم، حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک بلااجازهٔ صاحبان این امتیاز ممنوع است، مگر آنچه را که مسافرین برای استعمال یومیهٔ خودشان داشته باشند.

فصل ششم، صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون و تنباکویی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود ابتیاع نماید و در عوض آن نقد کارسازی نماید تا آن درجه که قابل استعمال باشد باید تمام توتون و تنباکو و غیره که فعلاً موجود است ابتیاع نماید. قیمت که باید به عمل آورنده یا مالک داده شود دوستانه بین عمل آورنده یا مالک و صاحبان این امتیاز قرار خواهد شد، ولی در صورت عدم رضایت طرفین به حکمیت مرضی الطرفین رجوع خواهد شد و حکم حکم قطعی و مجری خواهد شد.

فصل هفتم، دولت علیه متقبل می شود که به هیچ وجه علاوه و اضافه بر مالیات و عوارضات و رسوم گمرک حالیه دربارهٔ توتون و تنباکو و سیگارت و سیگار وانفیه تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیازنامه ننماید و همچنین دارندهٔ امتیاز و شرکای متعهدند که تمام رسوماتی را که بالفعل از تنباکو عاید دولت علیهٔ ایران می شود کماکان عاید گردد.

فصل هشتم، هر کس یا کسانی که بخواهند از این فصول گریزی اختیار نمایند مورد سیاست و مجازات سخت دولت خواهد شد و هر کس یا کسانی که در پیش آنها خفیهٔ تنباکو یا توتون و غیره به جهت فروش یا معامله پیدا شود نیز به جریمه و سیاست سخت دولت گرفتار خواهد شد. دولت علیه حمایت و تقویت صریح هرچه تمامتر خود را دربارهٔ جمیع اعمال صاحبان این امتیاز مرعی خواهند نمود و صاحبان این امتیاز تعهد نیز می نمایند که به هیچ وجه از حقوق خود موافق این امتیاز تجاوز ننمایند.

فصل نهم، صاحبان این امتیاز مجاز خواهند بود تمام حقوق یا امتیازات و یا تعهدات و غیرهٔ خود را به هر کس یا کسانی که میل دارند منتقل نمایند ولی قبل از وقت باید به اولیای دولت علیه اطلاع بدهد.

فصل دهم، عمل آورنده یا مالک هر وقت توتون و یا تنباکوی خود را حاصل نمود باید فوراً به نزدیکترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل ایشان به چه مقدار است تا اینکه صاحبان امتیاز بتواند تعهدات مقررهٔ فوق در فصل ششم را به موقع اجرا بگذارند آن را به زودی ابتیاع نمایند.

فصل یازدهم، صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ابتیاع نمایند مگر به اندازهٔ لزوم اجرای این امتیازنامه به جهت انبار و منزل و لوازم آن.

فصل دوازدهم، زارعین بر طبق بعضی مشروطات که از جانب صاحبان این امتیاز به همراهی دولت مقرر می شود محق می باشند که به اندازه برای حاصل خود پیشکی به آنها داده شود.

فصل سیزدهم، اگر از تاریخ امضای این امتیاز تا انقضای مدت یک سال کمپانی اجزای آن تشکیل نشود و شروع به کار نشود این امتیازنامه از درجهٔ اعتبار ساقط است مگر اینکه جنگ یا امثال آن مانع تشکیل کمپانی باشد، واقع شود.

فصل چهاردهم، در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه و صاحبان امتیاز آن اختلاف رجوع به حکمیت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت در تعیین حکم اختلاف را رجوع به حکمیت قطعی حکمی به تعیین یکی از نمایندگان دول آتازونی یا آلمان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد.

فصل پانزدهم، این امتیازنامه به دونسخه مابین دولت علیهٔ ایران و ماژر تالبرت به امضای اعلی حضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت خارجه مبادله و مضمون فارسی آن محل اعتبار خواهد بود. به تاریخ ۲۰ ماه مارچ سنهٔ ۱۸۹۰ مطابق ۲۷ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۰۷

عریضه که ماژر طالبرت به خاکپای مبارک عرض نموده:

حضور بندگان اعلی حضرت امپراطوری پادشاه ایران و غیره، اعلی حضرتا، امضاکننده، ژرالد فرانسیس طالبرت به عرض حضور مبارک می رساند که مطابق فصل نهم امتیاز مورخهٔ هشتم مارس سنهٔ ۱۸۹۰ که به این بنده مرحمت شده و به موجب آن مونوپل خرید و فروش و ساختن تمام توتون و تمباکو در تمام مملکت ایران به این چاکر عطا شده، خیال دارم امتیاز مزبور را منتقل نمایم به شرکت موسوم به کمپانی شاهنشاهی تمباکوی ایران که قوانین دولت انگلیس تشکیل شده تا آنکه امتیاز را تحصیل نموده دایرش نماید. لندن، ۱۳ دسامبر سنهٔ ۱۸۹۰ کمترین و مطیعترین چاکر آستان مبارک.

ژرالد فرانسیس طالبرت

جواب دولت به ماژر طالبرت:

عالی جاه مجدت و فخامت همراه دوست محترم ماژرطالبرت زیدعزه

عریضهٔ شما در باب انتقال امتیاز توتون و تمباکو و غیره به کمپانی شاهنشاهی تمباکوی ایران به عرض حضور مراحم ظهور اعلی حضرت اقدس همایونی دام سلطانه رسید چون انتقال مزبور مطابق فصل نهم امیتازنامهٔ مذکوره موقع قبول یافت من بعد کمپانی شاهنشاهی تمباکوی ایران را رسماً صاحب آن امتیاز می شناسند و این عریضه که در باب انتقال مزبور عرض کرده بودید در دفاتر دولت علیهٔ ایران ثبت شد. فی ۱۰ شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۳۰۸

۱۲۶۹ ش

امتیازنامه دخانیات

مونوپل خرید و فروش و ساختن در داخله و خارج ایران کل توتون و تنباکو که در ممالک محروسه ایران بعمل آورده میشود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیازنامه بماژر تالبوت و شرکای خودشان مشروط بشرایط ذیل مرحمت و واگذار فرمودیم

فصل اول صاحبان این امتیاز همه ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیس بخزانه عامره اعلی کارسازی خواهند نمود اعم از اینکه از این کار نفع یا ضرر دارند این وجه هر ساله در پنجماه از سال گذشته پرداخته میشود

فصل دوم محض تعیین مقدار توتون و تنباکو که در ممالک محروسه ایران بعمل آورده میشود صاحبان این امتیاز دفتری از زارعین که میخواهند عمل زراعت این امتیاز را بکنند نگاه خواهند داشت و دولت علیه بحکام محلیه حکم اکید خواهند فرمود که زارعین تنباکو و توتون را مجبور بدادن قبض بابته دادن اجازه نامچه از برای خرید و فروش و معامله و غیره توتون و سیگار و سیگارت و انفیه و غیره حق خالص صاحبان امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه نامجات مذکوره ندارد و نخواهد داشت و اصناف توتون و تنباکو فروش که شغلشان این خرید و فروش در کسب معاملات جز برقرار خواهند بود مشروط براینکه اجازه نامچه که دارندگان امتیاز خواهند داد در دست داشته باشند

فصل سیم بعد از وضع جمیع مخارج متعلقه باین عمل و تقسیم صدی پنج بر مایه خودشان بین صاحبان این امتیاز یک ربع منافع باقیمانده سال بسال تسلیم خزانه عامره اعلی خواهند نمود و دولت علیه ایران حق وارسی دفاتر آنها خواهند داشت

فصل چهارم جمیع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان امتیاز داخل در ممالک محروسه میآورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود

فصل پنجم حمل و نقل توتون و تنباکو در ممالک بلا اجازه صاحبان این امتیاز ممنوع است مگر آنچه را که مسافرین بجهت استعمال یومیه خودشان داشته باشند

فصل ششم صاحبان این امتیاز باید جمیع توتون و تنباکو که در ممالک محروسه بعمل آورده میشود ابتیاع نمایند و در عوض آن نقد کارسازی نمایند تا آن درجه که قابل استعمال است باید تمام توتون و تنباکو و غیره که فعلاً موجود است ابتیاع نمایند قیمتی که باید بعمل آورنده و مالک داده شود بین عمل آورنده یا مالک و صاحبان این امتیاز قرار خواهد شد ولی در صورت عدم رضایت طرفین به حکمیت مرضی الطرفین رجوع خواهد شد

و حکم حکم قطعی و مجری خواهد شد

فصل هفتم دولت علیه متقبل میشود که بهیچوجه حدود و اضافه بر مالیات و عوارضات و رسوم گمرک حالیه درباره توتون و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه تا انقضاء مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیازنامه ننماید و همچنین دارنده امتیاز هم کلاً متعهد است که تمام رسوماتی را که حالا از تنباکو عاید دولت علیه میشود کماکان عاید گردد

فصل هشتم هرکس یا کمپانی که بخواهند از این فصول گریزی اختیار نمایند مورد سیاست و مجازات سخت دولت خواهند شد و هر کس یا کمپانی در پیش آنها خفیه تنباکو یا توتون و غیره بجهت فروش یا معامله پیدا شود نیز بجریمه و سیاست سخت دولت گرفتار خواهند شد دولت علیه حمایت و تقویت صریح هرچه تمامتر خود را درباره جمیع اعمال صاحبان این امتیاز مرعی خواهد نمود و صاحبان این امتیاز تعهد نیز مینمایند که بهیچوجه از حقوق خود موافق این امتیاز تجاوز ننمایند

فصل نهم صاحبان این امتیاز مجاز خواهند بود تمام حقوق یا امتیازات و یا تعهدات و غیره خود را به هر کس یا کمپانی میل دارند منتقل نمایند ولی قبل از وقت باید با اولیای دولت علیه اطلاع بدهند

فصل دهم عمل آورنده یا مالک هر وقت توتون و یا تنباکوی خود را حاصل نمود باید فوراً بنزدیک ترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل آن بچه مقدار است تا آنکه صاحبان امتیاز بتوانند تعهدات مقرره فوق در فصل ششم را بموقع اجرا گذارند و آنرا بزودی ابتیاع نمایند

فصل یازدهم صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ابتیاع نمایند مگر باندازه لزوم اجرای این امتیازنامه بجهت انبار و منزل و لوازم آن،

فصل دوازدهم زارعین برطبق بعضی شرطهات که از جانب صاحبان این امتیاز بهمراهی دولت مقرر بشود مختار میباشند که باندازه کفایت مصارف خودشان با نها داده شود

فصل سیزدهم اگر از تاریخ امضای این امتیاز تا انقضاء مدت یکسال کمپانی اجرای آن تشکیل نشود و شروع بکار نشود این امتیازنامه از درجه اعتبار ساقط است مگر اینکه جنگ یا امثال آن مانع تشکیل کمپانی باشد واقع شود

فصل چهاردهم در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه و صاحبان امتیاز آن اختلاف رجوع بمحکمه مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت در تعیین حکم اختلاف را رجوع بمحکمه قطعی حکمی بتعیین یکی از نمایندگان دول اتازونی یا آلمان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد

۱۲۶۹ ش

فصل پانزدهم این امتیازنامه بر دو نسخه مابین دولت علیه ایران و ماژر تالبوت با امضای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت خارجه مبادله و مضمون فارسی آن محل اعتبار خواهد بود بتاریخ ۲۰ ماه مارچ سنه ۱۸۹۰ مطابق ۲۷ شهر رجب المرجب سنه ۱۳۰۷

جواب دولت به ماژر تالبوت

چون به تصدیق و ضمانت امراء دولت تحریر ماژر تالبوت را در خصوص ولیعهد ... بعد از آن در استقلال امتیاز توتون و تنباکو در ... با ... ایران به عرض حضور مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی رسانیدند ... مطابق فصل ... امتیاز مذکور ترتیب ... و ... اجرای آن ... امتیاز ... به رقم اقدس ... عمل که ... در ... دولت علیه ایران ثبت شد

۱۰ شهر رجب سنه ۱۳۰۸

سواد نوشته ماژر تالبوت که به ... مبارک عرض شده

حضور مبارک اعلیحضرت امپراطوری پادشاه ایران ... اعلیحضرت ... کننده ... امتیاز ... سنه ۱۸۹۰ ... مرحمت شد ... دخانیات ... و ... توتون و تنباکو ... مملکت ایران ... خیال دارم امتیاز ... کمپانی ... ایران ... دولت ... تنباکو ... به ...

لندن ۱۳ دسامبر سنه ۱۸۹۰

شمارهٔ سند: ۴۸۳

موضوع: توجه به مفاسد قرارداد مداخلهٔ اتباع خارجه در امور داخلی کشور

تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۰۷ هـ. ق)

کارتن: ۲۱

پروندهٔ: امتیازات

صورت تلگرام جناب حجة الاسلام والمسلمین آیت الله فی العالمین آقای میرزا محمد حسن شیرازی مدظله العالی به حضور اعلی حضرت اقدس شهریاری خلدالله ملکه

بسم الله الرحمن الرحیم

به توسط حضرت اسعد امجد ارفع والا نایب السلطنه دام اقباله العالی به شرف عرض حضور اعلی حضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه می رساند اگرچه دعاگو تاکنون به محض دعاگویی اکتفا نموده تصدی استدعایی از حضور مبارک انور نکرده ولی نظر به تواصل اخبار به وقوع وقایعی چند که توانی از عرض مفاسد آنها خلاف رعایت حقوق دین و دولت است عرضه می دارد که اجازهٔ مداخلهٔ اتباع خارجه در امور داخلهٔ مملکت و مخالطه و تودد آنها با مسلمین و اجرای عمل بنگ و تنباکو و راه آهن و غیرها از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید واخبار و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی رعیت است چنانکه واقعهٔ شیراز و قتل و جرح جماعتی از مسلمانان در حمای حضرت احمد بن موسی علیه السلام و هتک حرمت آن بقعهٔ مبارکه و تبعید جناب شریعت‌مآب حاجی سید علی اکبر شیرازی سلمه الله تعالی به وضع ناشایسته نمونه ای از نتایج این امور است، البته مفاسد این امور از عرض حضور اقدس نگذشته و الا از فرط اهتمام خاطر همایون در ترقیات ملت و دولت رضا نمی دهد که بعد از استمرار نعمت خداوند جلت عظمته بر اعلی حضرت شهریاری عز نصره به قوت شوکت و دوام سلطنت این امور که مفاسد آنها در اعصار لاحقه دامنگیر دین و دولت و رعیت است، در این عهد همایون جاری شده نام نیک چندین سالهٔ دولت خدای نخواسته به خلاف و نقص مذکور شود رجای واثق از مراحم ملوکانه آنکه اگر اولیای دولت قاهره رخصتی فرموده اند در این امور به اتفاق کلمهٔ ملت معتذر شده، اینگونه مفاسد را با حسن وجه تدارک نمایند و جناب معظم را که اکنون پناهندهٔ ناحیهٔ مقدسه است به تلافی این وهن

مورد عواطف خسروانه فرمایند تا مزید دعاگویی و امیدواری کافۀ علما و رعایا گردد.

الامرالاقدس الاعلی مطاع

صورت مکتوب از جناب حجة الاسلام والمسلمین آیة الله فی العالمین آقای میرزا محمد حسن شیرازی مد ظله العالی بحضور اعلیحضرت اقدس شهریاری خلد الله ملکه

وزارت امور خارجه
آرشیو

بسم الله الرحمن الرحیم

توسط حضرت اشرف امجد ارفع والا نایب السلطنه دام اقباله العالی بشرف عرض حضور اعلیحضرت همایونی
خلد الله ملکه میرساند اگرچه دعاگو تا کنون بمحض دعاگوئی اکتفا نموده تصدیع مسند عالی از حضور مبارک
اولی نکرده ولی نظر بوصول اخبار بوقوع وقایعی چند نتوانست از عرض مفاسد آنها که خلاف
رعایت حقوق دین و دولت است عرضه میدارد که اجازه بداخله اتباع خارجه در امور
داخله مملکت و مخالطه و تودد آنها با مسلمین و عمل بعمل بانک و تنباکو و راه آهن و غیره
از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و اخبار و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل
نظام مملکت و موجب پریشانی رعیت است چنانکه واقعه شیراز و قتل و جرح جمعی از مسلمانان
در حمایت حضرت احمد بن موسی علیه السلام و هتک حرمت آن بقعه مبارکه و تبعید جناب
شریعتمآب حاجی سید علی اکبر شیرازی سلمه الله تعالی بوضع ناشایسته نمونه از نتایج این امور است
البته مفاسد این امور از عرض حضور اقدس گذشته والا از فرط اهتمام خاطر همایون در
ترقیات ملت و دولت رضای دعاگو در بعد از استمرار نعمت خداوند جلت عظمته
برای اعلیحضرت شهریاری عز نصره بتقویت شوکت و دوام سلطنت همین امور است مفاسد آنها
در اعصار لاحقه دامنگیر دین و دولت و رعیت در این عهد همایون جاری شده نام نیک

چندین سال در دولت خدای نخواسته بخلاف و نقض مذکور شود رجاء واثق از مراحم

ملوکانه آنکه لشکر اولیای دولت قاهره رخصتی فرموده‌اند در این امور باتفاق کلمه ملت

معتمد نشده اینگونه مفاسد را تا چنین وجه تدارک نمایند و جناب معظم را اکنون

پناهنده ناحیه مقدسه است بتلافی این دو من مورد عواطف خسروانه فرمایند

تا مزید دعاگوئی و امیدواری کافه علما و رعایا گردد الامر الاقدس الاعلی مطاع

شمارهٔ سند: ٤٨٤

موضوع: انتقال امتیاز از تالبوت به امپریال تنباکو کار پریشن

تاریخ: (احتمالاً ۱۹ رجب ۱۳۰۸ هـ. ق)

کارتن: ۲۱

پروندهٔ: امتیازات

تلگراف امین السلطان (صدراعظم) به وزیرمختار ایران در لندن

سوادی است از روی سواد تلگراف انگلیسی که به امضای جناب امین السلطان رسیده

وزیرمختار ایران ۹۸ و لورث لید پلیس لندن

انتقال امتیاز رجی از مجرتالپت به امپریال تنباکو کار پریشن داده شد و قبول کردند از جانب دولت ایران در وزارت خارجه ثبت شد، انتشار شروع کار به استحضار من رسید و قبول شد حسب الامر اعلی حضرت اقدس همایونی اشتهار این کار شد و در روزنامهٔ رسمی چاپ گردید، مجر تالپت دیروز به حضور مبارک رسید و به اعلی درجهٔ شرفیابی او منظور گردید و فرمودند مشروطات امتیازنامه را می توانند قویاً در موقع اجری بگذارند سوادی از این تلگراف را فوراً به کمپانی تنباکو محاوره نمایند چرا که اجلاس مهمه فردا منعقد خواهد گردید.

به تاریخ ۱۹ رجب به مضمون انگلیسی مطابق همان ترجمه تلگراف شد.

سواد لیست اردی سواد تلگراف انگلیسی که بمقام جناب امین السلطان رسید

وزیر مختار ایران ۹۸ دورت لیدیلی لندن

انتقال امتیاز رژی از مجلس است به همراهان کمپانی کار پیشرفت نماید و قبول کنید از جانب

دولت ایران در وزارت خارجه ثبت شد انتشار شروع کار با تصدیق رسمی باید و فقط نشر شود

حسب الامر اعلیحضرت اقدس همایونی انتشار این کار شد و در روزنامه رسمی چاپ گردید

مجلس است دیروز بحضور مبارک رسید و تا حال درجه شرف اول مسطور گردید و مضمون

شروطات امتیازنامه را مجموعه قوانین در موقع اجرا گذارند سوادی از این

تلگراف را فوراً بکمپانی نشان بدهید و بدهید چراکه اعلان جمعه در روزنامه حواله کنید

بتاریخ ۱۹ رجب مضمون انگلیسی مطابق حال

ترجمه تلگراف

شمارهٔ سند: ۴۸۵

موضوع: شکایت تجار تنباکوفروش

تاریخ: ۱۳۰۸ هـ. ق

کارتن: ۲۱

پروندهٔ: امتیازات

دستخط مبارک همایونی است

جناب امین السلطان

امروز تجار تنباکوفروش جلو راه آمده شکایت کردند، تهدید شد که هنوز به شما کاری نکرده‌اند که فضولی می‌کنید رفتند، لیکن یک مجلس لازم است که در منزل نایب‌السلطنه اینها را حاضر کنند و تالبوت دوباره اطمینان بدهد و بعضی حالی شوند مجلس مشیرالدوله گویا درست حالی نشده‌اند، اولاً آن سواد قرارنامه که به مهر وزراست حالا بدهید بیاورند بدهم به نایب‌السلطنه بعد پس می دهم. ثانیاً به تالبوت حالا بنویسید و اطلاع بدهید که فردا دوشنبه هر ساعتی را که نایب‌السلطنه معین می‌کند با مسیوکوت بروند پیش نایب‌السلطنه و حضرات را درست اطمینان بدهند. سنه ۱۳۰۸

نمره ۶

جناب امین الملک

درین مدت بسیار تنگ و پریشان حال بوده

که مکتوبات کمتر [illegible]

[illegible]

[illegible] مجلس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۸۶

موضوع: فسخ قرارنامهٔ تنباکو

تاریخ: ۱۶ جمادی‌الاخر ۱۳۰۹ هـ. ق

کارتن: ۲۱

پرونده: ۱/الف

نامهٔ وزارت خارجه به سفارت کبرای عثمانی

نمرهٔ ۵۳

جناب جلالت‌مآبا کفالت و کفایت نصابا، فخامت و مناعت انتسابا، دوستان استظهارا، مشفقا مکرما مهربانا

در جواب مراسلهٔ محترمهٔ آن جناب جلالت‌مآب مورخهٔ ۸ شهر جمادی‌الاخر ۱۳۰۹ نمرهٔ خصوصی ۹ دایر به فقرهٔ تنباکویی که از خاک ایران به خاک دولت علیهٔ عثمانیه حمل و نقل می‌شود با کمال توقیر و احترام زحمت می‌دهد که چنان که بر خاطر آن‌جناب عالی واضح است تکیه و بنای قرارداد کمپانی بیرون‌بری تنباکو و توتون ایران بر امتیاز مونوپل دخانیات بود که به اقتضای وقوعات فوق‌العاده و عسر و حرجی که ظهور کرد بکلی از جانب دولت علیهٔ ایران فسخ و ملغی گردید و کمپانی مزبور فسخ قرارنامهٔ مزبوره را نیز اعلان کرده و نسخه‌ای از اعلان مزبور در ضمن این مراسله برای مزید اطلاع خاطر آن‌جناب ارسال می‌شود. در این صورت که اصل عمل محو و الغا شده است طبعاً مقاوله‌نامهٔ مزبوره نیز مجری نمی‌تواند شد و عمل دخانیات به حالت اصلیهٔ اولیهٔ خود عود می‌نماید و موافق نص مقاوله‌نامهٔ منعقده در تاریخ ۱۲ ذی‌قعده ۱۲۹۲ تنباکوی ایران پس از ادای صدی هفتاد و پنج رسم گمرک در عداد سایر مال‌التجارهٔ این مملکت به کمال آزادی از ممالک عثمانیه به بیع و شرا خواهد رسید. زیاده چه زحمت افزاید.

وزارت امور خارجه
مورخه ۱۵ شهر ... ۱۳۰۹
نمره ۵۳

جناب جلالتمآب کفالت و کفایت نصاب فخامت و مناعت انتساب دوستان استظهار اشفق مکرم مهربانا

در جواب مراسله محترمه آنجناب جلالتمآب مورخه ۱۰ شهر جمادی الاخر ۱۳۰۹ نمره مخصوص و اظهار شرح به دولت فخیمه انگلیس که

دولت علیه همه وقت معنی مشغول و اهتمام زحمت بسیار کرده که برخلاف آن کتاب ایمن و تدبیر

قرارداد کمپانی بیرون بری شاگرد و کسانی از ایران به اجنبیان بی پروا ... بوده که بموجب فصل دوم

و بموجب آن حکم بگیرد از جانب دولت علیه ایران فسخ و منع گردیده و کمپانی مزبور فسخ قرار نامه مزبوره

اطلاع کرده و نسخه از احکام مزبور در ضمن این مراسله برای مزید اطلاع خاطر آنجناب ارسال میشود که

اصلی جمیع حقوق دولت ایران است طبق مقاوله نامه مزبوره نیز مجری نمی‌دارد شده هرجا ... کرده

اصلاً و ابداً بخود و نیز به مرافعه موافق مقاوله نامه منعقده در تاریخ ۱۲۹۲ هجری که مابین دولت ایران و انگلیس از ... ممنوع

است که در عقد اسیر و البته این حکم تعمیل ازادی در ممالک مملکت ایران خواهد رسید

شمارهٔ سند: ۴۸۷
موضوع: لغو قرارداد اصلی رژی
تاریخ: ۱۳ رمضان ۱۳۰۹ هـ. ق
کارتن: ۲۱
پروندهٔ: ۱/الف

مسوّدهٔ مراسلهٔ جوابیه به سفارت کبرای عثمانی (نامهٔ وزارت خارجه)

در جواب مراسلهٔ آن‌جناب مورخهٔ ۱۲ شهر رمضان ۱۳۰۹ نمرهٔ ۱۲ دایر به فقرهٔ مونوپل تنباکو زحمت می دهد که چنان که مکرر در ضمن مراسلات سابقه اظهار شده، استقرار شرکت تنباکو در اسلامبول متفرع به بقای مونوپل دخانیات در ایران بود که به واسطهٔ ظهور مخاطرات معلومه به حکم فورس‌ماژور به موافقت و رضایت ادارهٔ رژی بالکلیّه در ممالک ایرانیه لغو و باطل گردید.

و اینکه از موافقت رسمیهٔ سفارت کبرای این دولت علیه در خصوص امتیاز شرکت مزبوره اشعار شده است، مفاد مراسلهٔ سفارت کبری غیر از این نیست که توتون و تنباکوی ایران به تحت انحصار درآمده بعد از صرفیات داخله آنچه تنباکوی اضافه بماند ادارهٔ رژی ایران به کومپانی [کمپانی] تنباکو که از صاحبان سرمایه در اسلامبول تشکیل شود، فروخته و امتیاز آن تا فلان مدت قبول می شود.

پس امتیاز کومپانی مزبور برحسب موافقت سفارت کبرای این دولت عبارت از خریدن اضافه تنباکویی بود که رژی ایران از خاک این دولت خارج کرده باشد و امروز که رژی ایران که اصل اساس عمل بود لغو شده، تنباکویی به اسم انحصار خارج نمی شود چه حکمی بر امتیاز شرکت مزبوره که فرع و شعبهٔ ادارهٔ رژی مزبور بود باقی می ماند و کدام تنباکو را حالا می خواهند در اسلامبول به تحت انحصار درآورند اگر مقصود از تنباکویی است که تجار و تبعهٔ دولت علیه از خاک این دولت خارج می نمایند که دخلی به تنباکوی رژی ندارد و باید در حق آنها موافق احکام قرارنامه و اصولی که تاکنون در حق تنباکو جاری بوده است، معامله و به موجب تعرفهٔ اخیره منعقده در ۲۱ شعبان ۱۳۰۸ رسم گمرک از تنباکوهایی که از ممالک ایرانیه براً و بحراً به ممالک عثمانیه داخل می شود اخذ و استیفا شود، زیاده زحمت است.

وزارت امور خارجه
نمره ۱۳ شهر رمضان
۹۷

سواد مراسله جوابیه به سفارت کبرای عثمانی

در جواب مراسله آنجناب مورخه ۱۲ شهر رمضان ۱۳۰۹ نمره ۱۲ در باب فقره ممنوعیت تنباکو زحمت میدهد که چنانچه مکرر در ضمن مراسلات سابقه اظهار شده استقرار شرکت تنباکو در این مدت بتفرع امتیاز ممنوعیت دخانیات در ایران بوده و بواسطه ظهور مخاطرات معلومه بحکم فورس ماژور موقوفیت در این صورت اداره رژی با کمپانی در ممالک ایرانیه لغو و باطل گردید و آنکه از موافقت رسمیه سفارت کبرای ایشان دولت علیه در خصوص امتیاز شرکت مزبوره با شعار و شرایط معاهده مراسله سفارت کبری غیر از این نیست که توتون و تنباکوی ایران تحت انحصار در آمده بعد از صرف رسوم داخله آنچه تنباکو اضافه بماند از اداره رژی ایران کمپانی تنباکو فروخته و اسلامبول ارسال مانند بغیرت قبض میشود پس امتیاز کمپانی مزبوره بموجب موافقتی که سفارت کبرای اعلام داشت عبارت از خرید اضافه تنباکوئی بود که در رژی ایران از ممالک ایران دولت خارج کرده باشد و امروزه رژی ایران هم اصل اساس مبنی بود لغو شده تنباکوئی هم انحصار خارج میشود چه حکمی با امتیاز شرکت مزبوره در فرع شعبه اداره رژی مزبوره باقی میماند و دیگر هم تنباکو را حق ندارند که به اسلامبول تحت انحصار در آورند اگر مقصود در تنباکوئیست که بجای رو بقیه دولت علیه از ممالک ایران دولت خارج میشود دفع با تنباکوی رژی بر قرار دائم درحق آنها مراتب احکام قرارنامه و اصول که تاکنون در حق تنباکو جاری بوده است معامله و بموجب تعرفه اخیره منعقده در ۱۲ شعبان ۱۳۰۸ رسم گمرک از تنباکوهائی که از ممالک ایرانیه براه بحر بممالک عثمانیه وارد میشود اخذ و استیفا شود زیاده زحمتی است

[حاشیه: در انحصار ... [illegible] ... شده]

شمارهٔ سند: ۴۸۸
موضوع: قرارنامهٔ رژی ایران و عثمانی
تاریخ: ٤ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ هـ. ق
کارتن: ۲۱
پروندهٔ: ۱/الف

مابین دولت اعلی حضرت اقدس شاهنشاه ایران دام سلطانه از یک طرف و کمپانی انحصار ادخال تنباکو در خاک عثمانی از طرف دیگر مراتب ذیل به شرح فصول ششگانه مقرر گردید.

فصل اول، دولت علیهٔ ایران پروتستهای خود را که به توسط سفارت اسلامبول در باب مونوپل تنباکو در خاک عثمانی به باب‌عالی نموده مسترد خواهد داشت، کمپانی هم برعهده می‌گیرد که برای خرید تنباکوی خود در ایران در قیمت متساوی تجار ایران را مقدم بدارد. کلیتاً خریداری کمپانی در ایران به توسط تبعهٔ مسلمین ایران خواهد شد ولی کمپانی آزاد است که برای اطمینان خود به جهت رسیدگی این امور از طرف خود هر کس را صلاح بداند معین نماید.

فصل دوم، دولت علیهٔ ایران در مدت مونوپل مساعدت لازمه را از این کمپانی خواهد کرد و بر ضد او رفتاری نخواهد نمود، کمپانی هم باید با رعایای دولت ایران موافق حق و انصاف و عادلانه رفتار نماید و هر اختلافی که مابین او و رعایای ایران حاصل شود، مأمورین دولت موافق حق و انصاف ملاحظه خواهد کرد.

فصل سیم، این کمپانی حق نخواهد داشت که به هیچ وجه من‌الوجوه وقتی از اوقات خسارتی و ضرری از دولت علیهٔ ایران مطالبه نماید.

فصل چهارم، دولت علیهٔ ایران بر گمرک صد و پنج تنباکویی که وکلای کمپانی بیرون می‌برند در عرض بیست و پنج سال مدت مونوپل نخواهد افزود و مباشرین داخله و سرحدات کلیتاً گمرکی علاوه بر صد و پنج نخواهند گرفت ولی مالیات داخلهٔ تنباکو و تغییرات که دولت درآتیه می دهد از این قرارداد مستثنی است، این تعهد فقط راجع به گمرک است کمپانی نیز متعهد می‌گردد که تنباکوی خود را در سرحدات ایران سرب و مهر نماید نه در داخله.

فصل پنجم، کمپانی مزبور در امتداد بیست و پنج سال مدت این مونوپل مبلغی به موجب تفصیل ذیل به دولت علیهٔ ایران کارسازی خواهد کرد ــ سه سال اول، سالی[۱] ــ شش سال دویم، سالی[۲] ــ شانزده سیم، سالی[۳] و تاریخ ابتدای قسط از ٤ آوریل ۱۸۹۲ خواهد بود و این پول را به تفصیل ذیل همه‌ساله در دو قسط در اسلامبول یا در لندن به وجه پیشکی هر شش ماه به شش ماه کمپانی به هر کس دولت ایران حواله نماید خواهد داد.

ــ نصف قسط هر سال ٤ آوریل آن سال پیش‌قسط داده خواهد شد.

ــ نصف دیگر در چهارم اکتوبر همان سال ایضاً پیش‌قسط داده خواهد شد.

فصل ششم، این قرارنامه به فارسی نوشته شده و عیناً به فرانسه ترجمه می‌شود ولی فقط عبارات فارسی این قرارنامه معمول بها و صحیح است. فی چهارم شهر ربیع الاول ۱۳۱۰

محل مهر سفارت ایران

محل امضا و تصدیق قونسول فرانسه در اسلامبول

[حاشیه، دستخط ناصرالدینشاه:]

ــ ملاحظه شد، صحیح است. ۳۱۰ هجری نوشته شده است.

توضیحاً: قونسول فرانسه در اسلامبول نیز آن را تصدیق و امضا کرده‌اند.

۱. سالی ۱۳۵۰۰ لیره استرلینگ
۲. سالی ۱۵۰۰۰ لیره استرلینگ
۳. سالی ۲۰۰۰۰ لیره استرلینگ

مابین دولت علیه اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران از یکطرف
و کمپانی انحصار ادخال تنباکو در ممالک عثمانیه از طرف دیگر
مراتب ذیل در شرح فصول ششگانه مقرر گردید

Entre le Gouvernement de Sa Majesté Impériale le Shah de Perse d'une part, et la Société du Tombac, concessionnaire du Monopole de l'Importation des Tumbakous dans l'Empire Ottoman, d'autre part, il a été convenu et arrêté ce qui est contenu dans les six articles détaillés ci dessous.

فصل اول

دولت علیه ایران پروتستهای خود را که توسط سفارت سنیه در اسلامبول
در باب انحصار تنباکو در ممالک عثمانیه به باب عالی نموده مسترد خواهد داشت کمپانی هم
از جهت دیگر در ابتیاع تنباکوی خود در ایران در قیمت مساوی تجار ایرانی را
مقدم بر سایرین خواهد داشت کلیه خریدهای کمپانی در ایران توسط تبعه مسلمین ایران
خواهد بود ولی کمپانی مختار است که برای اطمینان خود کسی را بگمارد که
این امور از طرف خود رسیدگی و ضبط صحیح بنماید

Article I.

Le Gouvernement Persan retirera les protestations adressées à la Sublime Porte par son Ambassadeur à Constantinople au sujet du Monopole du Tumbakou dans l'Empire Ottoman.

La Société de son côté, s'engage à donner pour ses achats de Tumbakou en Perse la préférence, à prix égal, aux commerçants persans. Tous les achats de la Société en Perse seront faits par des sujets Musulmans Persans, mais la Société

Société sera libre, pour être certaine de la surveillance de ses affaires, de désigner de sa part la personne qu'elle jugera convenable.

فصل دوم

دولت علیه ایران در مدت برقراری مساعدت لازمه درباره
این کمپانی خواهد کرد و به هیچ وجه بر خلاف این کمپانی رفتار نخواهد نمود
با رعایای دولت علیه ایران به حق و انصاف رفتار نماید
و هر گفتگو که فیمابین او و رعایای ایران حادث شود
مأمورین دولت به حق و انصاف فیصل خواهند داد

Article II

Pendant la durée du Monopole, le Gouvernement Persan prêtera l'appui nécessaire à la Société et n'agira pas contre elle. La Société devra aussi agir avec justice et équité envers les sujets du Gouvernement Persan et tout différend pouvant surgir entre la Société et les sujets Persans, sera traité avec justice et équité par les fonctionnaires du Gouvernement.

فصل سوم

این کمپانی حق نخواهد داشت که به هیچ وجه و در هیچ وقت از اوقات
خسارت و ضرری از دولت علیه ایران مطالبه نماید

Article III.

La Société ne pourra en aucun temps et sous aucun prétexte réclamer aucune sorte ni indemnité au Gouvernement Persan.

فصل چهارم

دولت علیه ایران از گمرک صدی پنج که حالا از کلیه تنباکو
که در مدت برقراری این امتیاز که بیست و پنج سال است نخواهد افزود
و مأمورین این کمپانی و گمرکچیان داخله
در صورتی که خواهند کرد

Article IV.

Pendant la durée du Monopole qui est de vingt cinq ans, le Gouvernement Persan n'augmentera pas le droit de cinq pour cent, s: de douane sur les tombakus exportés en Turquie &a. Les Agents de la Société et les douaniers de l'intérieur

et des

و تغییرات و حرکات در آتیه بدهد از این قرار داد
مستثنی است این عهدنامه فقط راجع بگمرکات است که باز
تعهد میکند و همچنین تمغا و مهر را در سرحد تنباکو بزند
و در داخله ممالک نخواهد زد

فصل پنجم

کمپانی در مدت بیست و پنج سال مدت امتیاز مزبور
مبلغ ذیل را بدولت علیه ایران کارسازی خواهد [نمود]

سه سال اول	شش سال دوم	شانزده سال آخر
سالی سیزده هزار و پانصد لیره انگلیسی	سالی پانزده هزار لیره انگلیسی	سالی بیست هزار لیره انگلیسی

و تاریخ ابتدای قسط اول چهارم آوریل ۱۸۹۲ خواهد بود این اقساط
همه ساله قسط بقسط پیشکی داده میشود

خواهد بود

نصف قسط هر سال در چهارم آوریل پیش قسط داده خواهد شد	نصف دیگر در چهارم اکتبر الی آخر قسط را داده خواهد شد

et les autres articles qui seront dans le
consommation de tous accessoires, libre
de droit de douane. Rien en sus de cinq
pour cent. Toutefois l'impôt intérieur
sur les amodiations et les diverses modi-
fications que le Gouvernement Persan
voudrait y apporter dans l'avenir
restent exclus de cette convention qui
ne concerne que les droits de douane.
La Société se charge aussi de faire mettre
le timbre et le cachet à son tombakou
aux frontières de la Perse et non à
l'intérieur du pays.

Article V.

La Société payera au Gouvernement
Persan, pendant les vingt cinq ans,
durée du Monopole de la dite So-
ciété, les annuités suivantes:
Pendant les trois premières années
la somme de Livres Sterling Treize
mille cinq cents (Liv: 13500) par
an; pendant les six années sui-
vantes la somme annuelle de Livres
Sterling Quinze mille (Liv: 15,000)
et pendant les seize années res-
tantes la somme annuelle de
Livres Sterling Vingt Mille (Liv 20.000).
Les annuités ci-dessus commence-
ront à courir du quatre Avril 1892.
Les paiements des dits seront effec-
tués d'avance et par semestre, le
le quatre Avril et le quatre Octobre de
chaque

chaque année sur la Route de Constantinople ...

et à l'entrée du Gouvernement Persan.

فصل ششم

این قرارنامه بفارسی نوشته شده و عیناً بفرانسه ترجمه میشود ولی فقط عبارت فارسی این قرارنامه معتبر است

Article VI.

Cette Convention a été écrite en Persan et fidèlement traduite en Français mais on se conformera au texte Persan qui, seul fait foi.

Cette Convention est faite en double à Téhéran, le 4 Rebi-ul-Awel 1310 de l'année de l'Hégire correspondant au 26 septembre 1892.

۲ جمادی الاولی ۱۳۱۰

A été ratifiée à Constantinople par la Société du Tombac.

Vu le 2 novembre 1892 pour ratification

La Société du Tombac

L'administrateur délégué

George Jaegher

Je soussigné, Ambassadeur de Perse à Constantinople déclare que la signature ci-dessus apposée est celle de S. M. I. le Schah mon Auguste Souverain.

Constantinople le 2 novembre 1892.

Mirza Assadullah Khan

Vu au Consulat de France à Constantinople pour légalisation de la signature ... apposée ci-dessus

Le Consul de France

CONSULAT DE FRANCE CONSTANTINOPLE

Constantinople

QUITTANCE N° 319

DATE 7/4/92

*161

PERÇU

شمارهٔ سند: ۴۸۹
موضوع: نمونهٔ اوراق سهام شرکت کشت و زرع توتون و تنباکو
تاریخ: ۱۰ رجب ۱۳۱۱ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱٤/ف

این شماره سند حاوی سه قسمت ذیل است

۱. نمونهٔ اوراق سهام شرکت کشت و زرع توتون بعد از برهم خوردن قرارداد حمل توتون و تنباکو اسلامبول

۲. نمونهٔ اعلان وکلای کمپانی تجارتی مسعودیه محدود دارالسلطنهٔ اصفهان جهت خرید سهام

۳. پاکت لاک و مهر شدهٔ محتوی اوراق قرارداد.

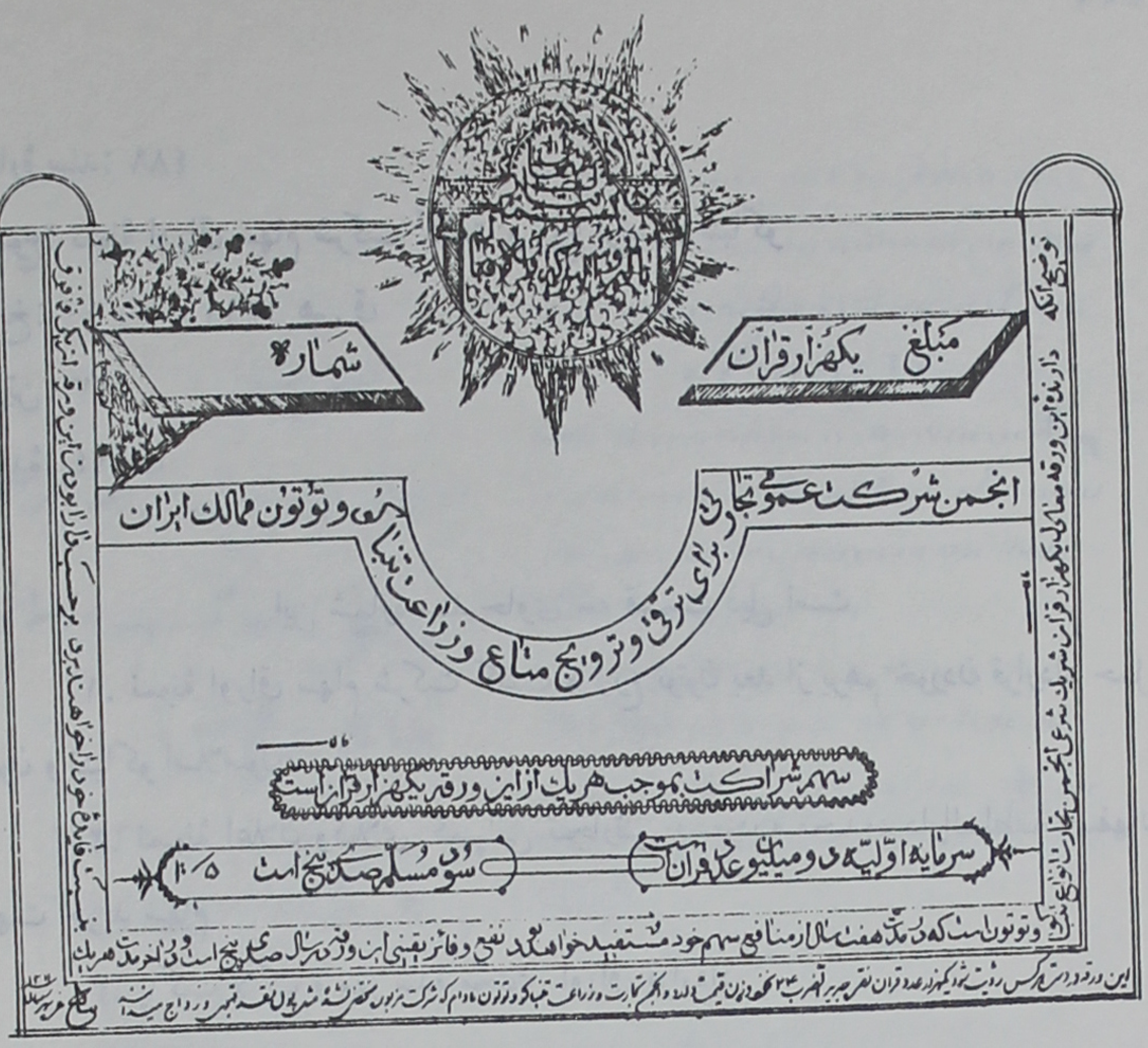

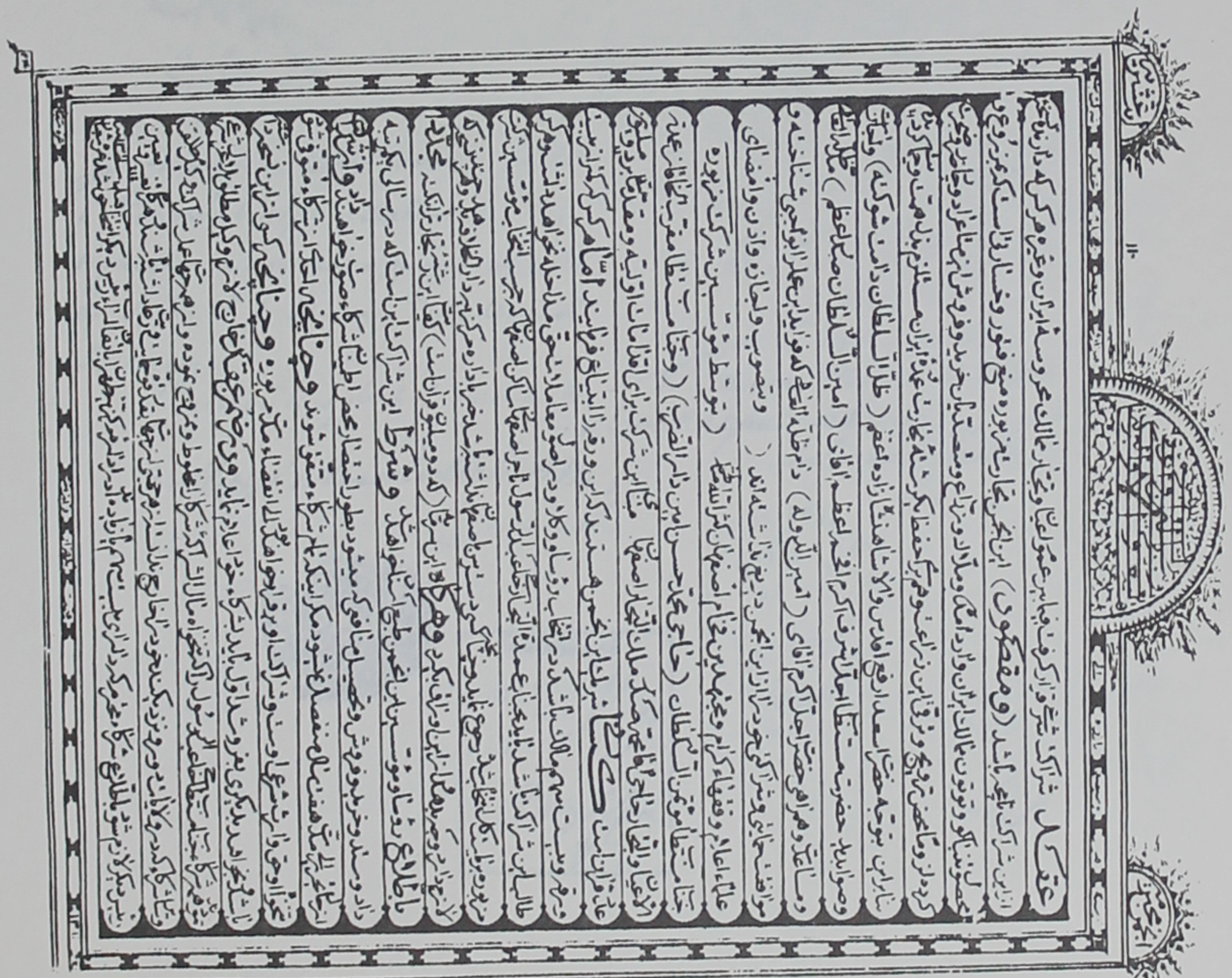
عقد شراکت شرعی قرار گرفت فیمابین عموم اعیان و تجار ممالک محروسهٔ ایران و غیره هرکس که دارندهٔ نمره
از این شراکت نامجه باشد (و مقصود) این انجمن تجارت مزبوره منع فتور و خسارتی است که بمزروع و
محصول تنباکو و توتون ممالک ایران وارد آمده و ملاک و زراع و متصدیان خرید و فروش از متاع داد و تجارت ضرر
کرده لزوماً محض ترویج و ترقی این زراعت و هم برای حفظ یک رشتهٔ تجارت عمدهٔ ایران مستلزم بذل همت و تجارت گردید
بنابراین بتوجه حضرت اسعد ارفع اقدس والا شاهنشاهزاده اعظم (ظل السلطان دامت شوکته) و لحاظ
و صوابدید حضرت مستطاب اجل اشرف اکرم افخم اعظم آقای (امین السلطان صدر اعظم) مد ظله العالی
و مساعدت و همراهی حضرت اجل اکرم آقای (امین الدوله) دام ظله العالی که فواید این عمل را بخوبی شناخته و
موافقت و حمایتی و شراکتی خود را از این انجمن دریغ نداشته اند (و بتصویب و اجازه و اذن و امضای
علمای اعلام و فقهای کرام و مجتهدین عظام اصفهان کثر الله امثالهم (بتوسط مؤسسین شرکت مزبوره
جناب مستطاب مؤتمن السلطان (حاجی محمد حسن امین دارالضرب) و جناب مستطاب مقرب الخاقان عمدة
الاعیان و التجار حاجی آقا محمد کمپانی ملک التجار اصفهانی مبنای این شرکت برای اقدامات اولیه و مقدمات برده و ملیون
عدد قران است کسانیکه شریک این انجمن هستند که این ورقه را ابتیاع فرمایند اما هرکس که کمتر از بیست
ورقه و بیست سهم مالک باشد در انتخاب رؤسا و وکلا و در اصول معاملات حق مداخله نخواهد داشت و هرکس
طالب این شراکت باشد باید بجناب عمدة التجار حاجی عبدالرسول تاجر اصفهانی ساکن اصفهان که حسب انتخاب مؤسسین شرکت
مزبوره برای این کار انتخاب شده رجوع نماید و جناب مشارالیه در اصفهان اقامت کرده خبر باداره مرکزیه دارالخلافه بدهد و همچنین
لازم دارد و چه بدهد از این وراق بگیرد و هرگاه این سرمایه (که دو میلیون قران است) کفایت این تجارت را نکند مجدداً
باطلاع رؤسا و مؤسسین این انجمن طبع اسناد خواهد شد و شرط این شراکت این است که در سالی یکمرتبه
داد و ستد و خرید و فروش و تحصیل منافعی که میشود بطور اختصار محض اطمینان شرکاء صورت خواهند داد و از شروع
این تجارت الی مدت هفت سال منفصل نمیشود مگر اینکه تمام شرکاء متفق شوند و چنانچه احدی از شرکاء متوفی شود
تنخواه و حق وارث شرعی اوست و شراکت او برقرار خواهد بود الی انقضاء مدت مزبوره و چنانچه کسی از این نسخه دارا
باشد و بخواهد بدیگری بفروشد اول باید بشرکاء خود اعلام نماید و در ضمن عقد خارج لازم وکیل مطلق
[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

اعلان وکلای کمپانی تجارتی مسعودی محمدی در دارالسلطنه اصفهان

چون قوام دولت و ملت و رفاه ارکان و رعیت منوط و مربوط بامر تجارتست و اختلال آن موجب زیان و خسران عموم بندگان
حضرت احدیت و نظر باینکه احاطه تجارت خارجه در ممالک محروسه ایران روز بروز در تزاید و فزونست و تجارت داخله آن بانتها
در تنزل و ضعف لهذا وطن پرستان باعانت خداوندی و بتوسل ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین و بامیدواری تقویت و مراحم
ملوکانه اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه ارواح العالمین فداه و بمیامن اقبال بی‌زوال و توجهات کامله حضرت مستطاب اشرف
اسعد ارفع والا ظل السلطان و دولت علیه ایران روحنا له الفداء و توجه قلوب طیبه علمای اعلام و فقهای کرام کثرالله امثالهم و باهتمامات
وافیه جناب جلالتمآب اجل رکن الملک نایب الحکومه دارالسلطنه اصفهان و سعی کامله جناب مستطاب مقرب الخاقان حاجی آقا محمد ملک التجار زید مجده در این
ایام خیریت فرجام مبارکی و میمنت و خیر و سعادت عقد شراکت محکم متقن شرعی منعقد و واقع گردید فیمابین عموم اعیان و اعاظم و اشراف
و جمعی از تجار و اخیار ذوی الشرف و الاعتبار وغیره در سرمایه یکصد هزار تومان قران بیست و چهار نخودی رواج ایران مسکوک بسکه اعلیحضرت
ناصرالدین شاه خلدالله ملکه که عبارت از دو هزار شیر و هر شیری بمبلغ پنجاه تومان بوجه موصوفست و دارندگان شیر مزبور شرکاء
کمپانی مرقومند هر کسی طالب این شراکت است باداره محترمه کمپانی مزبور و وکلای محترم آن رجوع نماید هر قدر از اوراق شیر مرقوم را طالب باشد
تنخواه بتحویلخانه اداره داده و معادل آن از ورقات شیر مذکور که بامضای وکلای مفصله ذیل است بگیرد و ضبط نماید و اسامی
مفصله ذیل که وکیل مطلق شرعی بلاعزل کمپانی مرقومند حتی المقدور در پرستاری و حفظ اموال و معاملات و محاسبات و بهر جهت
از جهات بمقتضای وکالت مطلقه خود متعهدند که مطابق قرارداد دیگر که در اوراق شیر کمپانی مزبور مسطور است معمول دارند ضرر
و جوکام را وکلای مفصله ذیل بمقتضای شرط در ضمن عقد خارج لازم زیاده از سهم خود متقبل و مسئول نیستند و این کمپانی در ضمن
عقد خارج لازم متعهد است که از تنخواه کمپانی مرقوم مساعده و قرض ربائی و امثال آن باحدی ندهند هر گاه احدی
از سهام مطلبی را متذکر شوند که خیر و صرفه کمپانی محترم را متضمن باشد باداره اظهار نماید بالمشافهه ممنوع است اسامی مفصله ذیل
هفته یکبار در انعقاد مجلسی نموده بموافقت چند نفر دیگر از شرکاء که لایق و سزاوار طرف مشورت هستند بصلاح یکدیگر آنچه صرفه [illegible]
کمپانی مرقوم است معمول میدارند سالی یکمرتبه بحساب کمپانی مذکور رسیدگی میشود بعد از وضع مخارج و امثال آن آنچه منافع حاصل
شده نقداً بقدر سهم بهر یک از شرکاء داده میشود امتداد این شراکت از تاریخ تحریر الی غایت مدت پنج سال است ابتدای
شروع از عشر رجب المرجب سنه ۱۳۱۱ و اسامی مفصله از قرار ذیلست و از تاریخ تحریر الی مدت شش ماه معزی الیهم مجاناً متحمل عمل کمپانی
هستند تا مدیر امین کاردانی انتخاب نموده کلیه کار کمپانی را رجوع باو کنند و هر گاه
این یکصد هزار تومان سرمایه کفایت این رشته تجارت را ننماید مجدداً باطلاع وکلای مزبورین
از اوراق اسناد طبع خواهد شد

حاجی محمد علی تاجر [illegible]

حاجی محمد حسین تاجر کازرانی

حاجی عبدالغفار تاجر کازرانی

جناب صدر اعظم

دستخط جات در [illegible] ملاحظه

[illegible] خزانه مالیات [illegible]

تشخیص به [illegible] خزانه [illegible]

دیوان [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۹۰
موضوع: حمل تنباکوی اصفهان
تاریخ: رجب ۱۳۱۱ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۳/ف

نامهٔ ظل‌السلطان به میرزا نصراله خان مدیر گمرک

هو

سواد دستخط مبارک بندگان حضرت مستطاب امجد ارفع اشرف اسعد اقدس والا شاهنشاه‌زاده اعظم ظل‌السلطان ارواحنا فداه است.

هو

مقرب‌الخاقان میرزا نصرالله خان مدیر گمرک، چون تنباکویی که از اصفهان حمل می‌شود باید به اطلاع کمپانی حمل نمایید و رئیس ادارهٔ کمپانی جناب عمدة‌الاعیان حاجی آقا محمد ملک‌التجار است باید آنچه تنباکو از اصفهان حمل می‌شود به اطلاع حاجی ملک باشد، بدون اطلاع حاجی ملک به هیچ وجه نباید حمل نمایید. شهر رجب‌المرجب ۱۳۱۱

[حاشیه:]

ـ محل خاتم مبارک شاهنشاه‌زادهٔ اعظم ظل‌السلطان ارواحنا فداه است.

ذیل — دستخط مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل ارفع اشرف اسعد امجد والا شاهزاده اعظم ظل السلطان روحنا فداه ۱۵ رجب

مهر خاتم مبارک بندگان والا شاهزاده اعظم ظل السلطان ارواحنا فداه ۱۳۱۱ — مقرب الخاقان میرزا نصرالله خان ناظر گمرک — عین الملک نایب الایاله اصفهان

محل مهر و امضای [illegible] محمد [illegible] نایب الحکومه [illegible] عبدالله

حاجی آقا محمد ملک التجار [illegible] اصفهان [illegible] محمد [illegible] حاجی [illegible]

۱۳۱۱

[illegible] حاجی ملک التجار [illegible] محمد [illegible] احمد

شمارهٔ سند: ۴۹۱
موضوع: شرکت ظل السلطان در قرارداد و ادارهٔ تنباکو
تاریخ: رجب ۱۳۱۱ هـ. ق
کارتن: ۲۳
پرونده: ۱۳/ف

نامهٔ ظل السلطان به ملک التجار اصفهان

ایضاً سواد دستخط مبارک که در صدر نسخهٔ متعلقه به کمپانی رقم شده و شرف صدور یافته است. جناب عمدة الاعیان حاجی آقا محمد ملک التجار اصفهان، انشاءالله تعالی به مبارکی و میمنت این قرارداد صحیح است و چون تشکیل و انعقاد این ادارهٔ اسباب مزید دعاگویی به وجود مبارک قبلهٔ عالم ارواحنافداه و موجب ترویج و رواج معامله داخله و باعث مزید آبادی ولایت و مملکت است و ما هم طالب این معنی هستیم و رواج معاملات و وطن‌پرستی و آبادی مملکت و دعاگویی به وجود مبارک ارواحنافداه را مایل هستیم این شرکت قبول نمودیم و در این کار شریک هستیم. رئیس این ادارهٔ اصفهان هم که شخص آن‌جناب هستید البته در استحکام این اداره کمال اهتمام را خواهید داشت. شهر رجب ۱۳۱۱

[حاشیه:]

ـ محل خاتم مبارک شاهنشاه‌زاده اعظم ظل السلطان اروحنافداه است.

الله

دو کلمه دستخط مبارک که در صدر نسخه مطبوعه یک نفر رقم شده و ضمن فصول دو رقعه است

جناب عمدة العلماء حاجی آقا محمد ملک التجار اصفهانی ... جناب آقا ... تجار ... ممتاز ... دولو

ممتاز ... مبارک ... اعلم ... الله ... ۱۱۱

صحیح است دعوی تشکیل و انعقاد این اوراق که باب ترویج رونق ... کوچک

مبارک هستند که از روی غیرت اسلام و ترویج رونق و رواج امتعه داخله و بازار ... بعضی ... امتعه داخله وطن

دولت و مملکت است و ما هم طالب این معنی هستیم و رواج امتعه مملکت و رواج امتعه ...

ترقی و آبادی مملکت و رعایای خود هستیم مبارک است از روی اخلاص و غیرت

این شرکت قبول نمودیم و در سهم این شرکت هستیم رئیس این اوراق ...

اصفهانی هستند ... باشند و در اتمام این اوراق اهتمام

۱۳۱۱

اهتمام کلی خواهند داشت شهر رجب

شمارهٔ سند: ۴۹۲
موضوع: کمپانی تنباکوی تجار اصفهان
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۱ هـ. ق)
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۳/ف

نامهٔ سفارت ایران در استانبول به وزارت خارجه

یاهو ۱۱۰

تصدق حضور موفورالسرور مبارکت گردم، در باب کمپانی که در اصفهان تجار قرار داده بودند اصل مسئله این است که زارعین تنباکوب در خدمت بندگان حضرت مستطاب اشرف اسعد والا شاهنشاهزاده اعظم ظل‌السلطان دامت شوکته الوالا تظلم نموده بودند که مبالغ کلی تمباکوب ما زیادی مانده و کسی نمی‌خرد و باید مالیات به دیوان همایون اعلی بدهیم، حضرت اشرف والا تجار را احضار فرموده مقرر فرموده بودند قراری بدهید و تمباکوب این حضرات را بخرید آنها عرض نموده بودند که فروش تمباکوب اصفهان را در اسلامبول رژی انحصار نموده و آنچه ماها فرستاده‌ایم در تبریز و پرت‌سعید و بوشهر و طربزن مانده است و نمی‌خرد این مال موجود را هم اگر بخریم اسباب خسارت و ضرر عموم تجار خواهد شد، مجدداً مقرر فرموده بودند که چارهٔ جهت این کار نمایید، عرض نموده بودند به چند شرایط می‌توان اقدام در این کار نمود.

شرط اول، آنکه تمباکوب اصفهان را زارعین و اربابان ملک ملتزم بشوند بغیر از کمپانی به دیگری نفروشند اگر رژی یا دیگران خواستند بخرند از کمپانی خریداری نمایند.

شرط ثانی، اینکه زارعین تا این تمباکوب موجود است زراعت تمباکوب نکنند وقتی خریدار پیدا نمود آن وقت زراعت کنند.

بعضی شرایط دیگر هم نموده‌اند کتابچه مانند مطالب خود را معین نموده به حضور مبارک حضرت اشرف ارفع امجد والا تقدیم نموده‌اند.

حضرت اشرف والا در ظهر کتابچه امضا فرموده‌اند.

علمای اصفهان هم جداگانه قبول این مسئله را نموده و امضا نموده‌اند، بعد از آن نسخهٔ شراکت‌نامچه‌ای نوشتند و طبع نمودند و همین طور لاینحل مانده است.

پس از چندی تجار کمپانی از اصفهان به فدوی نوشتند که به حضور مبارک حضرت اجل اکرم امجد اعظم عالی عرض و استدعا شود که حکمی خطاب به مدیر گمرک اصفهان مرحمت شود که غیر از کمپانی کسی تمباکوب از اصفهان حمل ننماید.

این بود، فدوی هم جسارت کردم.

فرمودید که این حکم با قرارنامچه دولتی که به رژی داده شده منافی است و اسباب گفتگو است بنده هم مراتب را به اصفهان نوشتم آنها را از این خیال منصرف نمودم.

قدری هم این کمپانی تمباکوب خریدند و انبار کردند و به وسایل متعدده به رژی اظهار نمودند که این تمباکوب را بخرد گویا رژی قبول نکرده است که از تجار تمباکوب را بخرد.

در این اوقات حاجی عبدالغفارنام تاجر که در این کمپانی هم شراکت دارد خواسته است در اصفهان تمباکوب بخرد تجار بدون اینکه مطلع باشند او جهت رژی خواسته است بخرد، با او گفتگو نموده‌اند بعد که دیده است تجار گفتگو می‌کنند اظهار کرده بود که من جهت رژی می خواهم و محتمل است محض اشتباه‌کاری به اسلامبول تلگراف کرده باشد که مانع از حمل تمباکوب هستند.

کمپانی محض خدمت به دولت و ملت این اقدام را نموده که این امتعه از میان نرود و مال رعیت و زارع باطل و عاطل نشود، ابداً مانع از حمل نبوده و نیستند کما اینکه مکرر حقیر را واسطه کرده‌اند که مال آنها را به رژی بفروشم حقیر هم مکرر به اسلامبول نوشته‌ام که شاید طوری رژی را راضی کنند که تمباکوب لازمۀ خود را از این کمپانی بخرد.

دیروز تلگرافی از اسلامبول رسید که فروش تمباکوب به رژی ممکن نیست.

محض استحضار خواطر مبارک مراتب را جسارت نموده کتابچه را که حضرت اشرف والا دستخط و امضا فرموده‌اند با شراکت‌نامچۀ کمپانی با سواد دستخط حضرت اشرف والا که به جناب حاجی آقا محمد ملک‌التجار اصفهان دستخط فرموده‌اند لفاً ایفاد حضور مبارک نمود که مزید استحضار حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف اعظم عالی روحی فداه گردد. زیاده جسارت است. الامر الاجل الاکرم مطاع مطاع

۱۱۰ ۲ ۲

تصدق حضور مهر ظهور مبارکت گردم در باب کمپانی رژی در اصفهان تجار قرار نامه

صورت مسئله این است در زراعت تنباکو در مدت شرکت کمپانی حضرت والا ظل السلطان روحی فداه اشرف والا

شاهنشاه روحنا فداه اعظم ظل السلطان دامت شوکته الوالا العظمی فدوی با کمپانی به تنباکو بازار یعنی

وکیل میخرد و به قیمت ارزان مهر می گذارد به اسم حضرت اشرف والا تجار ما و اولاد را به حضور والا

مقرر فرمودند قراری ۲ و ۳ تنباکو انحصار است بلکه اینها عرض کردند فدوی در فروش تنباکو

اصفهان که در دست رژی انحصار است و آنچه مال خریدند هم در تبریز رژی است و بدون اجازه

ندارند و نمی خرد این مال موجود هم اگر بخرند اسباب خسارت و ضرر عموم تجار خواهد

حالا مقرر فرمودند در خانه جهت انکار ما به عرض فدوی رسید که شرایطی قرار داده اقدام

در انکار نمایند. شرط اول آنکه تنباکوی اصفهان که زارعان دارند به آن ملک ملتزم بشوند

بغیر از کمپانی به دیگری نفروشند اگر رژی یا دیگران خواسته باشند از کمپانی خریداری نمایند

شرط ثانی آنکه زارعان تمام تنباکو موجود است زراعت تنباکو نکنند و قیمت خود را

پیدا کنند از وقت زراعت کنند بعضی شرایط دیگر هم نوشته که کتابچه باشد مطالب خود را

معلوم فدوی به حضور مبارک حضرت اشرف ارفع امجد والا فرستادم که ملاحظه حضرت اشرف والا

در نظر کتابچه ممضی فرمودند علمای اصفهان هم چه کاره قبل از این مسئله را فدوی و ممضی فرموده

بعد از آن نسخه شرکت نامچه نوشته و طبع فرموده و همه جا اطلاع دادند باید

غیر از چندی تجار کمپانی از اصفهان تلگرافی نوشته به حضور مبارک حضرت صدر اکرم

امجد اعظم عالی عرض داشته که در حکم خطاب به بزرگان اصفهان مرحمت فرمودند غیر از کمپانی

کسی تنباکو از اصفهان حمل ننماید این فدوی هم خسارت کردم

فرمودند درایی حکم با قرارنامه دولتی در برزی رژی منافی است و اسباب گفتگو است بنده هم مراتب را با صفهان نوشتم انشاالله ازو

این خیال منصرف شوند قدری هم این یکی از تنباکو ... و دو ایشان متعدد برزی اظهار شده درایی باب ... بنجد

کو یا رژی قبول نکرده است در ازای رژی تنباکو بنجد درایی اوقات حاجی ... غفار نام تاجر هم درایی کمپانی شرکت دارد خواسته است

در اصفهان تنباکو بخرند تجار بیرون اینکه مطلع باشند از جهت ارزانی خواسته‌اند بخرند

یاد گفتگو نموده‌اند به دردی است که گفتگو می‌کنند اظهار کردن بنده در این جهت

ارزانی میخواهم و متمنی است محض اشتهار [illegible] بلادها [illegible] کرده باشند در منع

از حمل تنباکو میشود که باید محض خیر و صلاح دولت و ملت این اقدام شود

نموده در این امتعه از میان [illegible] و مال [illegible] وزراء طلب [illegible]

ابرام از حمل منع نوشته کما اینکه مکرر حقیر هم وسط کرده‌اند در این باب

برای بفروشم حقیر هم مکرر بالادها نوشته‌ام در شهر طوری ارزانی [illegible] کنند

[illegible] لازم که خود از این بابت بخرد دیروز [illegible] از [illegible] رشید

در فروش تنباکو برای ممکن نیست محض [illegible] خاطر مبارک عرض [illegible]

[illegible] حضرت اشرف والا دستخط [illegible] فرموده‌اند [illegible]

با شرکت ناحیه [illegible] بالوله دستخط حضرت اشرف والا در کتابت [illegible]

صفهان دستخط فرموده‌اند [illegible] حضور مبارک [illegible] حضرت [illegible]

اکرم اشرف اعظم [illegible] روحی فداه گردد [illegible]

شمارهٔ سند: ۴۹۳
موضوع: تنباکوی اصفهان
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۱ هـ . ق)
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۳/ف

نامهٔ ناصرالدین شاه به صدراعظم

نمرهٔ ۹۰۷

هو

جناب صدراعظم

جناب مشیرالملک دستخط را ملاحظه نموده تلگراف ناظم‌الدوله را نوشته بفرستید و همین امروز سواد این دستخط تلگرافی و... را هم با پست برای ناظم‌الدوله بنویسید بفرستید که مبادا این هم یک اسباب گفتگویی شود، ولی جواب دستخط هم لازم است نوشته شود که عمل ممانعت در لنگه غیر از این عمل است و این عمل تفصیلش چیست، از بعضی تجار هم دیروز تحقیق کردن، انکار نکردند و می‌گفتند بلی، ما تنباکوی اصفهان را می‌خریم، کمپانی عثمانی ما را راضی کند، از ما بخرد ولی خود این عمل تجار ایران هم مونوپل است و مونوپل بدون پادرمیانی و تقویت حکومت و یا دولت امکان ندارد از پیش برود.

محل مهر مخصوص سلطنتی

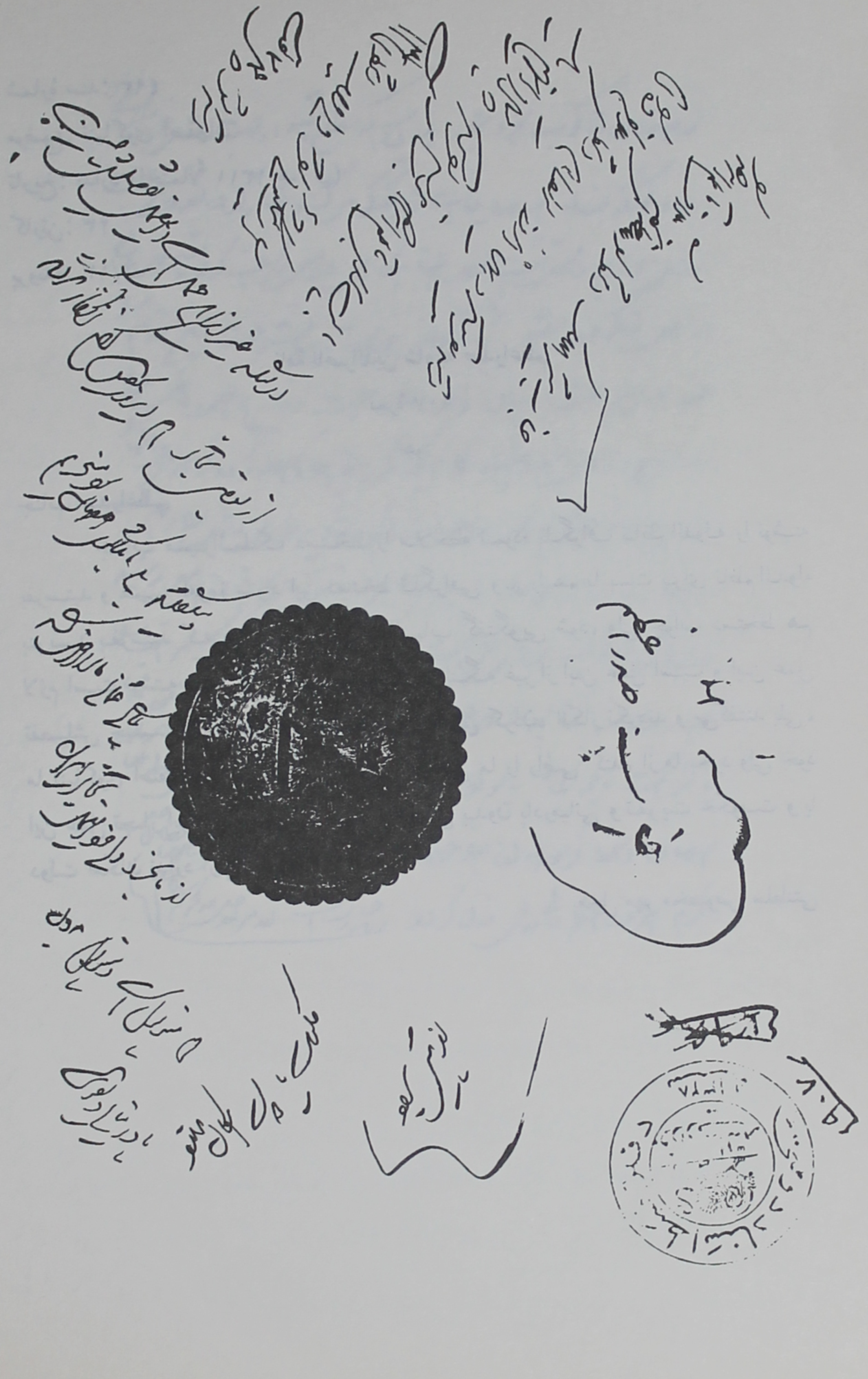

شمارهٔ سند: ٤٩٤
موضوع: تنباکوی خریداری شده از اصفهان و کاشان توسط تجار
تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۲ هـ. ق)
کارتن: ۲۳
پروندهٔ: ۱۳/ف

نامهٔ سفارت ایران در استانبول به ناصرالدین شاه

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شوم، دستخط مطاع مبارک همایون روحنافداه زیارت و از مدلول اوامر مقدسه ملوکانه استحضار و مفاخرت حاصل شد اظهارات ذوغیب رئیس رژی اسلامبول به ناظم الدوله در باب ممانعت حمل تنباکو در بندرلنگه غیر از مطلب راجع به اصفهان است که تفصیل آن را دیروز به شرف عرض خاکپای مهر اقتضای همایونی روحنافداه رسانید، فقره تنباکوی اصفهان همان طور است که دیروز عرض شد و جمعی شرکتی تشکیل کرده‌اند و کمپانی شده‌اند که تمام تنباکوهای اصفهان و کاشان را خریداری و انبار نمایند و به احدی نفروشند مگر به قیمتی که خودشان می خواهند، از بعضی تجار هم دیروز تحقق این فقره را نمود انکار نکردند و می‌گفتند بلی ما تنباکوی اصفهان را می خریم، کمپانی عثمانی ما را راضی کند از ما ابتیاع نماید و معلوم است خود این عمل تجار ایران هم مونوپل است و مونوپل بدون پادرمیانی و تقویت حکومت یا دولت امکان ندارد از پیش برود و دیروز غلام خانه‌زاد به همان تجار جواب داد که این کار شما منافی قراری است که دولت با کمپانی رژی داده است و آنچه لازم بود به آنها اظهار کرد و به حضرت اشرف والا ظل السلطان هم که تلگراف موکد نمود دستخط مبارک تلگرافی هم که به حضرت والامعظم فرموده‌اند خیلی مفید است و لازم بود جواب را هم امروز مطالبه نماید.

در فقرهٔ تنباکوی بندرلنگه هم که مطلب علی حده است الان حسب الامر الاقدس الاعلی به قوام الملک و سایر محال تلگرافهای موکد نمود و رفع شده است که ناظم الدوله در تلگراف خود اظهاری از تنباکوی بندرلنگه نکرده است. با وجود این به همهٔ این محال که مقرر فرموده‌اند تلگرافهای بسیار مؤکد الآن اعلام شد. امرالاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[illegible]

دستخط مطاع مبارک که امروز [illegible] روحی فداه

قربانت [illegible] قربان [illegible] شوم

زیارت [illegible] دربقعه [illegible] الحمد [illegible] حاصل [illegible]

اخبارات [illegible] ناظم الدوله [illegible]

در شهر [illegible] اصفهان [illegible] تحصیل [illegible]

عرض خاکپای [illegible]

اصفهان [illegible]

دیگر [illegible] تمام [illegible] اصفهان [illegible]

در این [illegible]

می‌خواهند [illegible]

[illegible] اصفهان [illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۹۵

موضوع: خسارات وارده به شرکت انحصار تنباکو

تاریخ: ٤ سپتمبر ۱۸۹٤ م (۳ ربیع الاول ۱۳۱۲ هـ. ق)

کارتن: ۲٤

پروندهٔ: ۱۳/ف

ترجمهٔ مراسلهٔ شرکت انحصار تنباکو به سفارت کبری

با کمال احترام به عرض جناب عالی می رسانیم که از قرار اخبار وارده اخراج تنباکوهای این شرکت از بندرلنگه و بندرعباس به سبب تعرضات غیرملحوظهٔ حکام و مأمورین آنجا مورد مشکلات عدیده می شود. من جمله دو هزار لنگه تنباکو که به موجب اطلاعی که در ۲۶ آوریل ماه گذشته داده بودیم می بایست به بغداد حمل بشود و قبل از ۲۷ ژوییهٔ ماه فرنگی به خاک عثمانی برسد به سبب تعویق و تعرضاتی که به مأمورین این شرکت وارد آمده در دو بندر مذکور به وقت و موقع حمل نشده است.

در این موقع حاجت بر آن نیست که به سبب اشکالات مذکوره که مغایر قرارداد ما با دولت علیه ایرانست خساراتی که به این شرکت وارد می آید به جناب عالی عرضه داریم. از جناب عالی مستدعی هستیم در باب سرعت رفع این حالت در نزد دولت علیهٔ ایران اقدامات لازمه بفرمایند.

عجالتاً در این خصوص و در باب مسئلهٔ زراعت که شفاهاً به جناب عالی عرض شده است ابقای حقوق می نماییم. به تاریخ ٤ سپتمبر ۱۸۹٤

امضا: شرکت تنباکو

مدیر مبعوث، ژورژ دوزغب

مطابق ۳ ربیع الاول ۱۳۱۲

ترجمهٔ مراسلهٔ شرکت انحصار تنباکو به [illegible]

با کمال احترام به عرض جناب عالی میرساند از قرار اخباری که داده‌اند اخراج تنباکوهای این شرکت
از بندر لنگه و بندر عباسی بسبب تعرضات غیر ملحوظهٔ حکام و مأمورین آنجا موجب اشکالات عدیده شده
من جمله ده هزار لنگه تنباکو که به موجب اطلاعی که در ۲۶ آوریل ماه گذشته داده بودیم
بجهت نبودن [illegible] و قبل از ۲۷ ژوئیه ماه فرنگی تمام آن به سبب تعویق
و تعرضاتیکه به مأمورین این شرکت وارد آمده در بندر مذکور توقف و موقع [illegible] گذشته
در این موقع حاجت به آن نیست که بسبب اشکالات مذکوره که مغایر قرارداد ما با
دولت علیه است خسارتیکه به این شرکت وارد می‌آید بجناب عالی عرضه بداریم
از جناب عالی مستدعی هستیم در باب سرعت رفع این حالت از طرف دولت علیه ایران
اقدامات لازمه قبول نمایند چنانکه در این خصوص و در باب مسئله زراعت که
شفاهاً بجناب عالی عرض شده است ابقای حقوق می‌نمائیم بتاریخ ۴ سپتمبر ۱۸۹۲

امضا
شرکت تنباکو
مدیر مبعوث
[illegible]

[illegible]

شمارهٔ سند: ۴۹۶
موضوع: منع خرید و فروش و حمل تنباکو توسط وکلای رژی
تاریخ: (ربیع‌الثانی ۱۳۱۲ هـ. ق)
کارتن: ۲۴
پروندهٔ: ۱۳/ف

نامهٔ ملک‌التجار اصفهان به کمپانی زیگلر و کمپانی هاتس و پسر

هو

خدمت، عالی جاهان رفعت جایگاهان زیکلر کمپانی و هاتس و پسر زحمت می دهد بعد از وقعهٔ صاحب انحصار دخانیات و سؤال و جواب آقایان و علمای اعلام کثرالله امثالهم امّا من بعدها احدی از احاد وکلای رژی را از خرید و حمل تنباکو منع نموده است تأخیر وکلای رژی و سایر تجار به اختیار بوده‌اند و هر کس طالب شده خریده و به هر کجا که قصد داشته حمل نموده است. خواهش دارم آنچه در این باب بر صواحب کرام معلوم است در حاشیهٔ همین ورقه نگاشته و صحیح نمایید، زیاده زیاد است.

اقل الحاج محمد اصفهانی ملک‌التجار
محل مهر: عبده محمد بن حسن محمد

[حاشیه:]

ـ عرض می شود، بعد از رفع انحصار تنباکو کسی را منع در حمل کردن تنباکو نکرده‌اند و این جنابان مخصوصاً امسال تنباکو حمل کردیم و وکلای رژی هم هرچه تنباکو خواسته‌اند حمل کنند، نشنیدیم کسی ممانعتی نماید و برای رژی هم امسال تنباکو حمل شد فی شهر ربیع‌الثانی ۱۳۱۲، صحیح هاتس و پسر ـ مهر و امضای کمپانی هاتس و پسر

ـ عرض می شود، آنچه مخلصان مطلع هستیم بعد از انحصار رژی تاکنون انحصاری نبوده هرکه می خواسته خرید و فروش و حمل تنباکو نماید نموده است، از وکلای رژی و غیره و احدی ممانعت نکرده و معترض نبوده است. محض اطلاع عرض شد،

زیاده ایام عزت مستدام. فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۱۲

توضیح آنکه وکلای رژی را هم نشنیده‌ام کسی آنها را از حمل تنباکو منع نموده باشد— مهر و امضای کمپانی زیگلر

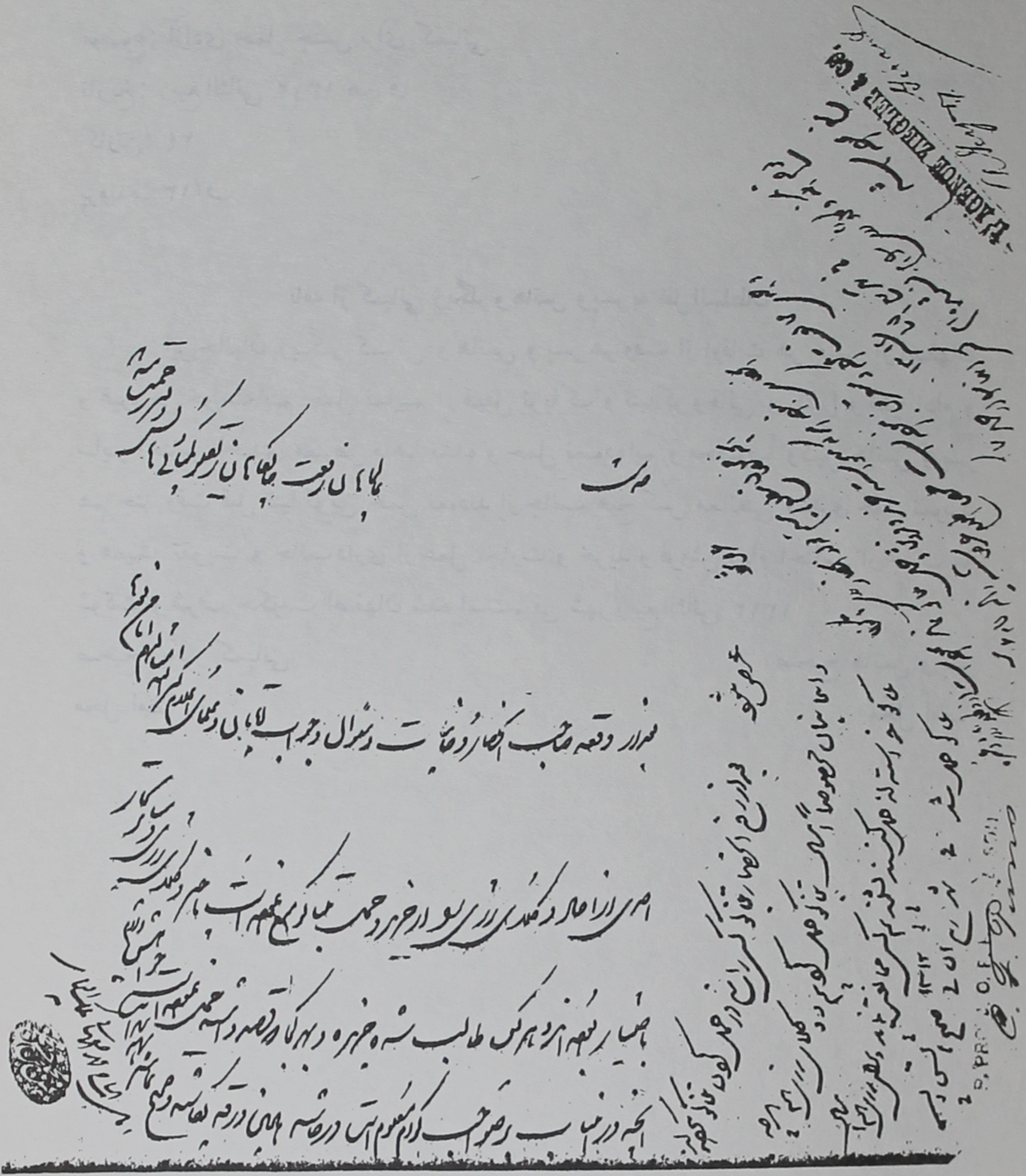

شمارهٔ سند: ۴۹۷
موضوع: آزادی حمل جنس برای کمپانی
تاریخ: ربیع‌الثانی ۱۳۱۲ هـ. ق
کارتن: ۲۴
پروندهٔ: ۱۳/ف

نامه از کمپانی زیگلر و هاتس و پسر به ظل‌السلطان

این جانبان زیگلر کمپانی و هاتس و پسر هر وقت از اوقات هر جنس از اصفهان و غیره می‌خواسته‌ایم حمل نماییم از قبیل تریاک و تنباکو و قالی و کتیرا و مغز بادام و سایر اجناس احدی معترض ماها نشده و حمل نموده‌ایم و مخصوصاً وکیل هاتس و پسر هم چند وقت قبل تنباکویی حمل نمودند از جانب هیچ کس ممانعتی نشد و حمل نمودند و همیشه تقویت و جانب‌داری از عمل تجارت و خرید و فروش تمام اجناس از جانب ما شوکت و شرف حکومت اصفهان شده است. فی شهر ربیع‌الثانی ۱۳۱۲

صحیح زیگلر کمپانی
محل امضا

صحیح هاتس و پسر
محل امضا

ما با کمپانی هاتس پسر هر وقت از اوقات این جنس از اصفهان و غیره بخواهیم حمل نماییم [illegible] از قیمتی [illegible] و [illegible] اختیار داریم ولینچ کمپانی

و بنا بر خواهش آقای [illegible] معرفی شده جهت خود [illegible] مخصوص [illegible] هاتس پسر هم خود وقت [illegible] جانب [illegible]

مطابقت شده و جهت منفعت همیشه تقویت جانب داری از عموم تجارت و غیره، فروش تمام اجناس از جانب شرکت [illegible] حقوق اصفهان [illegible]

فی شهر ربیع الثانی ۱۳۱۲

صحیح هاتس و پسر

P. PRO. J. C. P. HOTZ & SON.

C. F. [illegible]

صحیح لینچ کمپانی

FOUR [illegible] & CO.

Ch. [illegible] Gerant

شمارهٔ سند: ۴۹۸
موضوع: قرارداد بین ایران و انجمن تنباکو اسلامبول (رژی)
تاریخ: ۲۹ شوال ۱۳۱۲ هـ.ق. (۲۵ آوریل ۱۸۹۵ میلادی)
کارتن: ۲۴
پروندهٔ: ۱۳/ف

ضمیمهٔ قراردادی است که فی‌مابین دولت اعلی حضرت همایون شاهنشاه ایران و انجمن تنباکو در چهارم ربیع‌الاولی سنهٔ ۱۳۱۰ مطابق ۲۵ سپتامبر سنه ۱۸۹۲ منعقد شد

اولاً، انجمن تنباکو حق خواهد داشت که تنباکو را به توسط وکلای خود خریداری نماید.

ثانیاً، دولت علیه به انجمن تنباکو وعده می دهد که انجمن مذکور می تواند مقدار تنباکوی لازمه را خرید بکند.

ثالثاً، در صورت تشکیل انحصار دخانیات در ممالک ایران دولت علیه با تساوی شرایط حق ترجیح به انجمن خواهد داد.

رابعاً، انجمن تنباکو تا مدت انحصاری که در ممالک عثمانی دارد، مرسوم ذیل را به دولت علیهٔ ایران خواهد داد. ده پاره طلا یعنی ربع غروش عثمانی برای هر کیلوگرام تا حد چهار کرور کیلوگرام و برای هر کیلوگرام زیاده بر چهار کرور پانزده پاره طلا این مرسوم در آخر هر سال بر تمام تنباکوی ایرانی که به توسط انجمن تنباکو داخل ممالک عثمانی می شود حساب خواهد شد. از روی دفاتر انجمن تنباکو و استاتستیک رسمی دولت عثمانی دولت علیهٔ ایران حق دارد به همه قسم کونترل [کنترل] به توسط سفیرکبیر خود مقیم اسلامبول به عمل بیاورد و اول هر سال از روز امضای این قرارنامه ضمیمه است.

خامساً، انجمن تنباکو در اول هر سال پیشکی مبلغ شش هزار لیرهٔ عثمانی به دولت علیهٔ ایران خواهد داد، در آخر سال حساب می شود، زیاده آن را اگر باشد انجمن تنباکو فوراً به دولت علیهٔ ایران خواهد داد و کسر اگر باشد انجمن از شش هزار لیره عثمانی سال آینده کم خواهد گذاشت.

سادساً، از وقت دِروُ امسال باج داخله که از تنباکو گرفت خواهد شد به هر

کیسه بیشتر از چهار قران نخواهد بود.

سابعاً، دولت ایران یک نفر مأمور به سمت کمیسری معین خواهد کرد که رفع اختلافات وارده را نماید اجرت این کمیسر به عهدهٔ انجمن تنباکو خواهد بود.

ثامناً، در صورت ظهور اختلاف فی مابین حکمیت سفارت فرانسهٔ مقیم طهران را طرفین قبول خواهند داشت.

تاسعاً، نسخه که به زبان فرانسه نوشته شده است معتبر و معتناست.

به تاریخ ۲۵ شهر آوریل ۱۸۹۵ مطابق ۲۹ شهر شوال ۱۳۱۲ در طهران نسختین مبادله شد.

محل صحه مبارک همایون　　　　علی اصغر (صدراعظم)

[پشت پاکت نامه:]

رژی اسلامبول، قرارنامهٔ تنباکو و متعلقات آن است که در این پاکت است.

ــ مسوده قرارنامهٔ تنباکو که به مهر شاهزادگان و وزرا بود به تاریخ ۲۱ محرم ۱۳۰۹ به امین‌حضور داده شد که به تبریز برده و پس بیاورد.

(Copie.)

Annexe à la Convention passée entre le Gouvernement de Sa Majesté Impériale le Shah de Perse et la Société du Tombac le 4 rebbi ul evvel 1310 (correspondant au 26 Septembre 1892.)

ضمیمه قرار نامه ایست که فیمابین دولت اعلیحضرت همایون
شاهنشاه ایران و انجمن تنباکو در چهارم ربیع الاول سنه ۱۳۱۰
مطابق ۲۶ سپتامبر سنه ۱۸۹۲ منعقد شد
اول انجمن تنباکو حق خواهد داشت که تنباکو را توسط مأمورین خود
خریداری نماید
دویم دولت علیه با انجمن تنباکو وعده میدهد که انجمن همواره در ایران
مقدار تنباکوی لازمه را خریداری نماید
سوم در صورت تشکیل انحصار دخانیات در ممالک ایران
دولت علیه با این شرایط حق ترجیح انحصار را
رابع انجمن تنباکو تا مدت انحصاریه در ممالک عثمانی
دارد مرتبه ذیل را بدولت علیه ایران خواهد داد
یا به طور نیم ربع غروش عثمانی برای هر کیلوگرام
تا به چهار کرور کیلوگرام و برای هر کیلوگرام زیاده

Art I. La Société du Tombac pourra faire effectuer ses achats de tumbeki par ses propres agents.

II. Le Gouvernement Impérial promet à la Société qu'elle pourra toujours acheter en Perse la quantité de tombac qui lui est nécessaire.

III. En cas de formation d'une Régie de tombekis en Perse, le Gouvernement s'engage à donner la préférence et l'option à ladite Société à conditions égales.

IV. La Société paiera au Gouvernement Impérial pendant la durée de son monopole en Turquie, une taxe de 1/8 karasar.

بر چهار کرور باشد بابت هر یک ملیون این مزبور در آخر هر سال
از تمام تنباکوی ایرانی که بتوسط انجمن تنباکو داخل ممالک
عثمانی میشود حساب خواهد شد از روی دفاتر انجمن تنباکو
و استاتیستیک رسمی دولت عثمانی دولت علیه ایران حق
دارد بهر قسم کونترل بتوسط سفیر کبیر خود مقیم اسلامبول
معین نماید و اول هر سال از روز امضای این قرارنامه
محسوب است

فصل پنجم انجمن تنباکو در اول هر سال پیشکی مبلغ
شش هزار لیره عثمانی بدولت علیه ایران خواهد داد
در آخر سال حساب میشود زیاده ازآنکه باشد انجمن
تنباکو فوراً بدولت علیه ایران خواهد داد
و کسر اگر باشد انجمن از شش هزار لیره عثمانی سال آینده
کم خواهد گذاشت

فصل ششم از وقت ورود اموال باج داخله
و از تنباکو گرفته خواهد شد به کیسه پیشتر از

(c'est à dire un quart de piastre turque) par kilog jusqu'à concurrence de 2.000.000 kilogs et quinze paras or, par kilog au dessus de 2.000.000 kilogs. Cette taxe sera calculée à la fin de chaque année sur tous les tombakis Persans importés en Turquie par la Société du Tombac, d'après les livres de cette dernière et les statistiques officielles du Gouvernement Ottoman. Le Gouvernement conserve le droit d'établir tout autre moyen de contrôle par l'entremise de son ambassadeur à Constantinople. L'année commence à partir de la date de la signature de la présente convention.

V. La Société paiera d'avance au commencement de chaque année une somme de £6000 (six mille livres turques); à la fin de l'année, le compte sera établi, la balance en faveur du Gouvernement sera payée immédiatement par la Société,

چهار قران نخواهد بود

سابعاً دولت ایران یک نفر مأمور بسمت کمیسری

معین خواهد کرد که رفع اختلافات وارده را بنماید

اجرت آن کمیسر را کمپانی خواهد داد

ثامناً در صورت ظهور اختلاف فیمابین حکمیت سفارت

فرانسه مقیم طهران را طرفین قبول خواهند داشت

تاسعاً نسخه زبان فرانسه معتبر است

تاریخ ۲۵ شهر اوریل ۱۸۹۵ مطابق ۲۹ شهر شوال

۱۳۱۲ در طهران نوشته شد

محل صحه مبارک اعلیحضرت

علی اصغر

la balance en faveur de cette
dernière sera réduite de £
6000 à payer pour l'année
courante
VI Il [illegible] de la prochaine
récolte de tombac, les impôts
[illegible] sur le tombac
n'excéderont jamais 4 krans
quatre krans par sac.
VII Le Gouvernement Impérial
nommera un commissaire qui
sera chargé d'aplanir toutes les
difficultés; les appointements seront
fixés et payés par la Société.
VIII En cas de contestation, le
différend sera soumis à
l'arbitrage de la Légation de France.
IX Le texte français fera foi.
Fait en double à Téhéran
le vingt cinq avril 1895.
Et être ratifié à Constantinople.

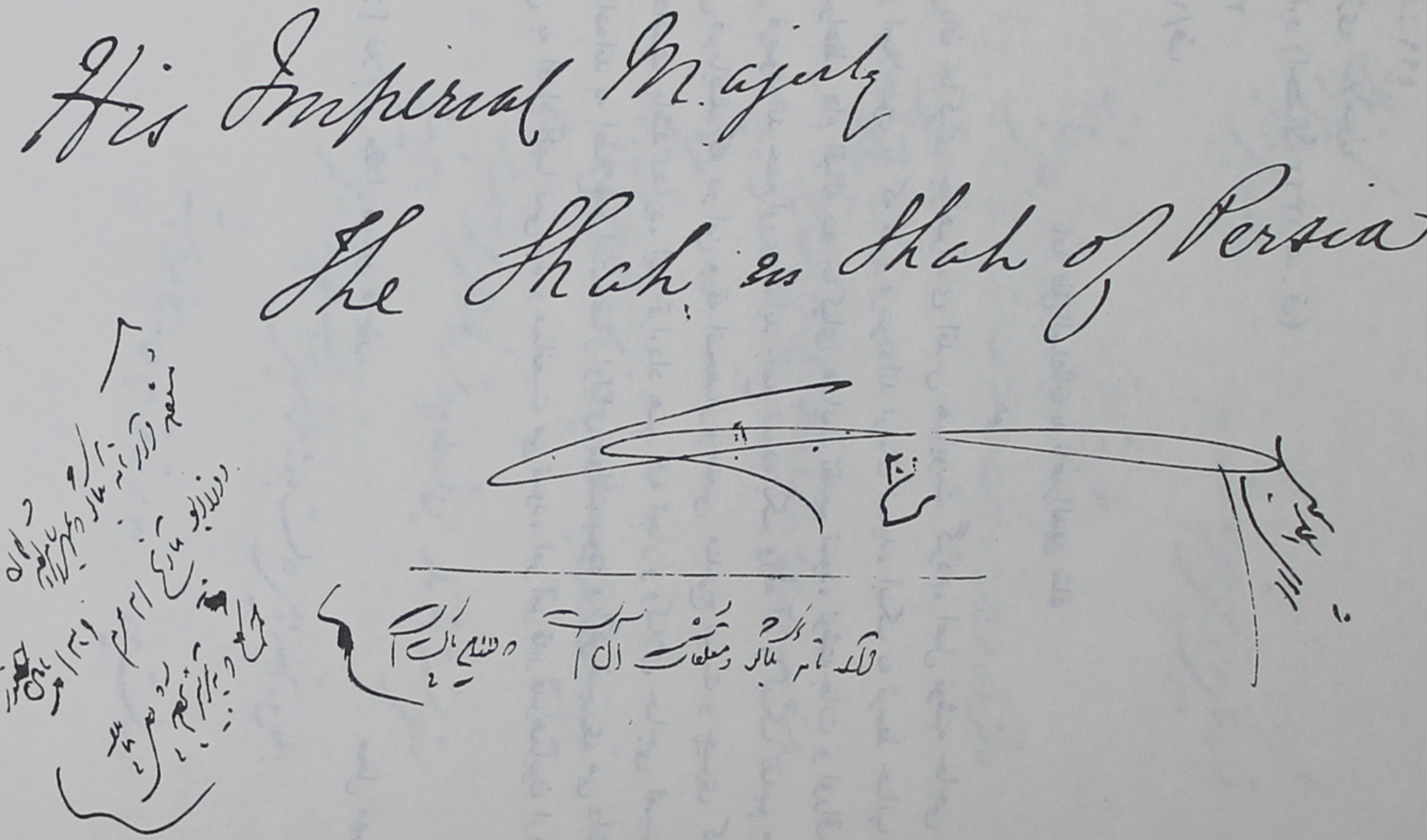
His Imperial Majesty
The Shah in Shah of Persia

شمارهٔ سند: ۴۹۹

موضوع: رژی اسلامبول

تاریخ: ندارد (احتمالاً ۱۳۱۲ هـ. ق)

کارتن: ۲۴

پروندهٔ: ۱۳/ف

نامهٔ ظل السلطان به ناصرالدین شاه

هو

قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت گردم، اصل نوشته حاجی عبدالغفار وکیل رژی اسلامبول را که مقرر فرموده‌اند ارسال نماید، اینک به توسط جناب مستطاب اشرف صدراعظم دام اقباله به خاکپای همایون تقدیم نمود، نوشته‌جات و اوراق چاپی را هم که امر فرموده‌اند جمع‌آوری نماید جمع نموده یک ورقه آن را اینک تقدیم می‌نماید، ملاحظه می‌فرمایند که در این ورقه انحصار و منعی مندرج نیست و چیزی که ضرر به کار رژی داشته باشد ندارد، این قرارداد هم که تجار و وکلای حاجی امین‌الضرب کمپانی داده‌اند به اطلاع و استحضار اولیای دولت بوده و اگر ضرری می‌داشت غلام هرگز راضی به اقدام آنها نمی‌شد و ممانعت می‌نمود، امر امر قدر قدرهمایون ارواحنافداه است.

[پی نوشت:] غلام بی مقدار مسعود قاجار

محل مهر: مسعود

قربان خاکپای جواهر آسای همایون مبارکت گردم صحیح نوشته جات عبدالغفار و نفیسی ... را

غلام به تهران مسعود قاجار

در مقرر فرموده بودند از آن ... این که ... نوشته جات باید از صدراعظم ... همایون تقدیم نمود

نوشته جات و اوراق جات را هم که امر فرموده بودند جمع آوری نمایند جمع نموده در ورقه آن را ... است

تیرهم منیر ملاحظه میفرمایند که در این ورقه اختصار ... مندرج است ... حضور ... ار

روزی و نوشته ... این قرار ... که جای ... است

باطلاع و استحضار ... دولت بوده اگر ضرورت ... است ...

و ... میشود ... همین ... است